



۳

درسنامه

مهاویش

حضرت مهدی (عج)
از ظهور تا حکومت جهانی

خدا مراد سلیمیان

درسنامه مهدویت

(جلد ۳)

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

از

ظهور تا حکومت جهانی

خدا مراد سلیمیان

سلیمیان، خدامراد،
درسنامه مهدویت / مؤلف: خدامراد سلیمیان. - قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی
موعود علیه السلام؛ مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹ -
ج.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۱-۵ (دوره) -

ISBN : ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۷۹-۸ (ج ۳)

۳۵۰۰۰ ریال:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
فهرست نویسی بر اساس جلد سوم.
کتابنامه.

مندرجات: .. ج. ۳. حضرت مهدی علیه السلام از ظهور تا حکومت جهانی
۱. مهدویت. ۲. محمد بن حسن علیه السلام امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - الف. بنیاد فرهنگی حضرت
مهدی موعود علیه السلام ب. مرکز تخصصی مهدویت. ج. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲۳

PN ۲۲۴/۴ | ۸ س



مرکز مطالعه و پژوهش انقلاب اسلامی



بنیاد فرهنگ حضرت مهدی

درسنامه مهدویت (۳)

مؤلف / خدامراد سلیمیان

لیتوگرافی / ترام اسکندر ۷۸۳۰۰۵۸

صفحه آراء / رضا فریدی

قطع / وزیری

شمارگان / سه هزار

نوبت چاپ / اول، بهار ۸۹

بها / ۳۵۰۰ تومان

مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهیدا /

کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان

ص.ب: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ ☎ تلفن: ۰۷۷۳۲۸۰۱ ☎ فاکس: ۷۳۲۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام ☎ تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹

☎ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ ☎ ص.ب: ۱۵۶۵۵-۳۵۵

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

ایمیل مؤلف: khsalim۳۱۳@yahoo.com

شابک دوره: ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۱-۵

شابک ج ۳: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۷۹-۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱۵

درس اول

جهان در آستانه ظهور مهدی موعود علیه السلام ۱۷

پیش درآمد ۱۸

زندگی انسان‌ها در آستانه ظهور ۱۸

یک. دگرگونی در زندگی فردی ۱۹

دو. دگرگونی در زندگی اجتماعی ۲۰

۱-۲. عرصه فرهنگی ۲۰

۲-۲. عرصه اجتماع ۲۳

۳-۲. عرصه اقتصادی ۲۸

۴-۲. عرصه سیاسی ۲۹

جهان و طبیعت در آستانه ظهور ۳۰

خودآزمایی ۳۳

منابع برای پژوهش ۳۳

درس دوم

شرایط ظهور حضرت مهدی علیه السلام ۳۵

پیش درآمد ۳۶

مفهوم‌شناسی شرایط ظهور ۳۶

یک. وجود برنامه و طرحی جامع و متعالی ۳۸

دو. وجود رهبر و هدایتگری شایسته و معصوم ۳۹

ویژگی‌های رهبر ۴۰

۱. ویژگی‌های عام ۴۰

۲. ویژگی‌های خاص ۴۲

سه. وجود گروهی از انسان‌های پاکدل و فداکار؛ ۴۴

چهار. احساس نیاز در جامعه جهانی ۴۷

خودآزمایی ۴۹

منابع برای پژوهش ۴۹

درس سوم

۵۱	زمینه‌سازی و زمینه‌سازان ظهور
۵۲	پیش‌درآمد
۵۲	آمادگی و زمینه‌سازی ظهور
۵۳	زمینه‌سازان عام
۵۴	ویژگی‌های زمینه‌سازان
۵۴	۱. ویژگی‌های اعتقادی
۵۴	۱-۱. شناخت پروردگار
۵۵	۱-۲. شناخت امام زمان <small>علیه السلام</small>
۵۷	۲. ویژگی‌های رفتاری
۵۸	۱-۲. آمادگی روحی و روانی
۵۹	۲-۲. آمادگی اقتصادی
۵۹	۳-۲. آمادگی نظامی
۶۱	زمینه‌سازان خاص
۶۴	خودآزمایی
۶۴	منابع برای پژوهش

درس چهارم

۶۵	قیام‌های پیش از ظهور
۶۶	پیش‌درآمد
۶۶	قیام‌های پیش از ظهور
۶۷	۱. طاغوت بودن پرچم‌داران قیام‌های پیش از ظهور
۷۱	۲. شکست قیام‌های پیش از ظهور
۷۵	۳. سکوت و خانه‌نشینی
۷۷	۴. سرزنش شتاب برای نابود کردن دشمنان
۸۰	خودآزمایی
۸۰	منابع برای پژوهش

درس پنجم

۸۱	دشمن‌شناسی اعتقاد به مهدویت
۸۲	پیش‌درآمد

۸۲	یک. ضرورت دشمن شناسی.....
۸۳	۱-۱. کافران، دشمن خدا و مؤمنان.....
۸۳	۲-۱. یهود سرسخت ترین دشمن.....
۸۴	۳-۱. مشرکان.....
۸۴	۴-۱. منافقان.....
۸۴	۵-۱. نصارا.....
۸۵	دو. عوامل مخالفت و دشمنی با حق.....
۸۵	۱-۲. دنیاپرستی.....
۸۵	۲-۲. سلطه جویی.....
۸۶	۳-۲. تعصب های کور.....
۸۷	۴-۲. ناآگاهی از حقیقت مهدویت.....
۸۷	سه. راهبرد دشمنان در برابر مهدویت.....
۸۷	۱-۳. انکار.....
۸۷	۲-۳. تحریف.....
۸۸	۳-۳. تخریب.....
۹۰	۴-۳. جلوگیری از ترویج حق.....
۹۱	۵-۳. جایگزینی.....
۹۱	۶-۳. گمراه کردن پیروان.....
۹۲	چهار. راه های مقابله با دشمن.....
۹۲	۱-۴. شکیبایی و تقوا.....
۹۲	۲-۴. مجهز شدن به تجهیزات مناسب.....
۹۳	۳-۴. مبارزه منفی با دشمنان.....
۹۳	۴-۴. شناساندن دشمن.....
۹۳	۵-۴. همکاری نکردن با دشمنان.....
۹۴	۶-۴. اتحاد و برادری.....
۹۵	خودآزمایی.....
۹۵	منابع برای پژوهش.....

درس ششم

۹۷	نشانه های ظهور (مفاهیم و کلیات).....
۹۸	پیش درآمد.....

۹۸	یک. آشنایی با مفاهیم.....
۹۹	۱-۱. علایم.....
۱۰۰	۲-۱. آیت.....
۱۰۱	۳-۱. دلالت.....
۱۰۱	۴-۱. آخرُ الزَّمان.....
۱۰۲	۵-۱. ملاحم و فتن.....
۱۰۴	۶-۱. ظهور.....
۱۰۵	۷-۱. خروج.....
۱۰۵	۸-۱. قیام.....
۱۰۵	۹-۱. اشراط الساعة.....
۱۰۷	دو. آشنایی با کلیات.....
۱۰۷	۱-۲. نشانه‌های آخرُ الزَّمان.....
۱۰۸	۲-۲. نشانه‌های نزدیک شدن قیامت.....
۱۰۸	۳-۲. نشانه‌های ظهور.....
۱۰۹	۴-۲. نشانه‌های قیام قائم.....
۱۱۰	۵-۲. نشانه‌های خروج.....
۱۱۱	۶-۲. توصیفی یا تمثیلی بودن نشانه‌های ظهور.....
۱۱۱	الف. توصیفی بودن نشانه‌ها.....
۱۱۲	ب. تمثیلی بودن نشانه‌ها.....
۱۱۲	۷-۲. شمار نشانه‌ها.....
۱۱۳	خودآزمایی.....
۱۱۳	منابع برای پژوهش.....

درس هفتم

۱۱۵	نشانه‌های ظهور (حتمی و غیر حتمی).....
۱۱۶	پیش‌درآمد.....
۱۱۶	انواع نشانه‌های ظهور.....
۱۱۶	یک. نشانه‌های حتمی.....
۱۱۸	۱-۱. ندای آسمانی.....
۱۱۸	حتمی بودن ندای آسمانی.....
۱۱۹	چگونگی و گستره ندای آسمانی.....

۱۲۰ زمان ندای آسمانی
۱۲۳ محتوای ندای آسمانی
۱۲۴ ندای شیطانی (زمینی)
۱۲۴ ۱-۲. خروج سفیانی
۱۲۵ نام و نسب سفیانی
۱۲۵ ویژگی‌های سفیانی
۱۲۶ زمان خروج سفیانی
۱۲۸ پایان کار سفیانی
۱۲۹ ۱-۳. خروج یمانی
۱۲۹ زمان و مکان خروج یمانی
۱۳۰ ۱-۴. خسف به بیداء
۱۳۰ چگونگی خسف به بیداء
۱۳۱ ۱-۵. قتل نفس زکیه
۱۳۲ زمان و مکان قتل نفس زکیه
۱۳۳ دو. نشانه‌های غیر حتمی
۱۳۴ خودآزمایی
۱۳۴ منابع برای پژوهش

درس هشتم

۱۳۵ نشانه‌های قیامت
۱۳۶ پیش‌درآمد
۱۳۶ نشانه‌های نزدیک شدن قیامت
۱۳۹ یک. دگرگونی‌های انسانی
۱۳۹ ۱-۱. خروج سفیانی
۱۳۹ ۲-۱. خروج دجال
۱۴۳ ۳-۱. خروج دابة الأرض
۱۴۵ ۴-۱. خروج قائم
۱۴۶ ۵-۱. نزول عیسی <small>علیه السلام</small>
۱۴۷ دو. دگرگونی‌های کیهانی
۱۴۷ ۱-۲. دود در آسمان
۱۴۷ ۲-۲. طلوع خورشید از مغرب

۱۴۸ ۲-۳. فرو رفتن زمین در ناحیه مشرق
۱۴۸ ۲-۴. فرو رفتن زمین در جزیره العرب
۱۴۹ ۲-۵. آتشی از عدن
۱۵۱ خودآزمایی
۱۵۱ منابع برای پژوهش

درس نهم

۱۵۳ ظهور حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> (کلیات)
۱۵۴ پیش درآمد
۱۵۵ ظهور
۱۵۵ یک. اصطلاح ظهور از نگاه روایات
۱۵۶ ۱-۱. آشکار شدن امام مهدی <small>علیه السلام</small> پس از غیبت
۱۵۶ ۱-۲. همه دوران ظهور و آشکار بودن حضرت
۱۵۷ ۱-۳. آشکار شدن دولت حق
۱۵۷ اشتیاق صالحان به درک زمان ظهور
۱۵۸ دو. ابعاد و مراحل ظهور
۱۵۸ ۲-۱. وقت ظهور
۱۶۱ ۲-۲. آگاه شدن امام مهدی <small>علیه السلام</small> از زمان ظهور
۱۶۲ ۲-۳. محل ظهور
۱۶۳ ۲-۴. چگونگی ظهور
۱۶۴ ۲-۵. امر به پذیرفتن مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۶۵ ۲-۶. بیعت با حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۶۷ شادمانی اهل آسمان و زمین
۱۶۸ خودآزمایی
۱۶۸ منابع برای پژوهش

درس دهم

۱۶۹ قیام جهانی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۷۰ پیش درآمد
۱۷۰ یک. مفهوم شناسی قیام
۱۷۳ دو. حتمی بودن قیام امام مهدی <small>علیه السلام</small>

۱۷۴	سه. مهم‌ترین عناصر قیام امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۷۵	چهار. زمان و مکان قیام
۱۷۶	پنج. ابزار قیام (سلاح حضرت و یاران)
۱۷۶	۱-۵. معنای حقیقی
۱۷۷	۲-۵. معنای مجازی و کنایی
۱۷۸	شش. جغرافیای قیام و فتوحات
۱۸۰	هفت. برخی آثار و برکات قیام امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۱۸۰	۱-۷. نابودی باطل
۱۸۱	۲-۷. نابودی مشرکان و کافران
۱۸۲	۳-۷. رشد خردورزی بندگان خداوند
۱۸۲	۴-۷. برپایی عدل و قسط
۱۸۳	۵-۷. غلبه اسلام بر دیگر ادیان
۱۸۵	خودآزمایی
۱۸۵	منابع برای پژوهش

درس یازدهم

۱۸۷	دشمنان امام مهدی <small>علیه السلام</small> هنگام قیام
۱۸۸	پیش‌درآمد
۱۸۸	یک. نبرد پایانی حق و باطل
۱۸۹	دو. گونه‌شناسی دشمنان حضرت هنگام قیام
۱۸۹	۱-۲. غیر مسلمانان
۱۸۹	۱-۱-۲. کافران و مشرکان
۱۹۰	۲-۱-۲. یهود، سرسخت‌ترین دشمن
۱۹۰	۳-۱-۲. نصارا
۱۹۱	۲-۲. مسلمانان
۱۹۱	۱-۲-۲. منافقان
۱۹۱	۲-۲-۲. راحت طلبان
۱۹۲	۳-۲-۲. جمود اندیشان
۱۹۴	سه. انتقام
۱۹۴	۱-۳. دشمنان خداوند

۱۹۶	۲-۳. قاتلان امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۹۹	اقسام انتقام
۱۹۹	چهار. فرجام شیطان
۲۰۱	خودآزمایی
۲۰۱	منابع برای پژوهش

درس دوازدهم

۲۰۳	یاران و یاوران
۲۰۴	پیش درآمد
۲۰۵	یاران و یاوران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۰۵	یک. یاران خاص
۲۰۷	۱-۱. ویژگی‌های یاران خاص
۲۱۰	۲-۱. یاران زن
۲۱۱	۳-۱. گونه‌شناسی یاران خاص
۲۱۵	دو. یاران عام (یاوران)
۲۱۶	شعار یاران حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۱۸	خودآزمایی
۲۱۸	منابع برای پژوهش

درس سیزدهم

۲۱۹	امدادهای غیبی در قیام امام مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۲۰	پیش درآمد
۲۲۰	یک. مفهوم‌شناسی امدادهای غیبی
۲۲۱	دو. امدادهای غیبی از نگاه قرآن
۲۲۲	۱-۲. سپاهیان دیده نشدنی
۲۲۳	۲-۲. یاری با فرشتگان
۲۲۳	۳-۲. آرام کردن دل‌های مؤمنان
۲۲۳	۴-۲. ترس در دل‌های دشمنان
۲۲۴	۵-۲. فرستادن بادهای ویرانگر
۲۲۴	سه. شرایط برخورداری از امدادهای غیبی
۲۲۴	۱-۳. ایمان

۲۲۵ ۲-۳. پارسایی
۲۲۵ ۳-۳. پایداری
۲۲۵ ۴-۳. کوشش در راه خداوند
۲۲۶ چهار. امدادهای غیبی در عصر ظهور
۲۲۶ ۱-۴. فرشتگان
۲۲۸ ۲-۴. ترس در دل دشمنان
۲۲۸ ۳-۴. نیروهای طبیعت
۲۲۹ ۴-۴. برخی امدادهای دیگر
۲۳۱ سرانجام کار
۲۳۳ خودآزمایی
۲۳۳ منابع برای پژوهش

درس چهاردهم

۲۳۵ آسیب‌شناسی عرصه‌های مهدویت
۲۳۶ پیش‌درآمد
۲۳۷ آسیب‌شناسی
۲۳۸ گونه‌های آسیب
۲۳۸ ۱. جعل و تحریف
۲۳۹ ۲. ادعای مهدویت، نیابت و بابیت
۲۴۰ ۳. وارد شدن برخی اسرائیلیات
۲۴۱ ۴. مراجعه به متون تخصصی بدون آگاهی لازم
۲۴۱ ۵. استفاده از منابع غیر معتبر و ضعیف
۲۴۲ ۶. مواجهه با شبهات بدون آمادگی قبلی
۲۴۲ ۷. تفسیرها و تطبیق‌های نادرست
۲۴۹ ۸. طرح مباحث غیرضروری
۲۵۱ خودآزمایی
۲۵۱ منابع برای پژوهش

درس پانزدهم

۲۵۳ کتاب شناسی مهدویت (۳)
۲۵۴ پیش‌درآمد

۱. امام مهدی علیه السلام؛ موجود موعود ۲۵۵
۲. تاریخ پس از ظهور ۲۵۷
۳. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام ۲۵۸
۴. در انتظار ققنوس (کاوشی در قلمرو موعود شناسی و مهدی باوری) ۲۵۹
۵. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب جهان ۲۶۰
۶. ظهور نور ۲۶۲
۷. تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور ۲۶۳
۸. چشم به راه مهدی علیه السلام ۲۶۴
۹. مهدی منتظر علیه السلام ۲۶۵
۱۰. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن) ۲۶۶
- منابع و مأخذ ۲۶۸

پیشگفتار

ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام، به عنه ان هنگامه و رخدادی مهم و مورد بشارت همه پیامبران و اولیای الهی علیهم السلام در کانون نگاه علاقه‌مندان به بحث‌های مهدویت و آینده‌پژوهی قرار دارد؛ بویژه آنکه امروزه دوستان و باورمندان، خود را به این حادثه بزرگ نزدیک می‌بینند و آرزومند تحقق آن هستند. آنان می‌خواهند زندگی خود را در آن دوران نورانی سپری کنند و دشمنان و منکران نیز در بیم از دست دادن موقعیت خود، آن را دنبال می‌کنند تا به گمان خود، برای مقابله با آن غافلگیر نشوند.

از این دوران - که مهم‌ترین مرحله زندگی آن حضرت پیش از برپایی حکومت جهانی است - با عنوان رازی از رازهای خداوند و غیبی از غیب‌های پروردگار، یاد شده است. راز بودن این دوران همچون دوران غیبت، بسیاری از حقیقت‌های آن را هنوز بر ما پوشیده نگه داشته است، چه اینکه بررسی‌های ژرف در سخنان ارزشمند پیشوایان معصوم علیهم السلام، می‌تواند افق‌های نوین و ارزشمندی فراروی مشتاقان و پژوهندگان قرار دهد.

هر چند تلاش‌های شایسته‌ای در این عرصه صورت گرفته و ثمره‌های ارزشمندی به بار آورده است؛ اما یکی از کاستی‌های این بحث، نبود متنی آموزشی برای انسجام‌بخشی به بررسی‌های موضوعی این مباحث است که جای آن بسی خالی است.

از این رو نگارنده - با توشه اندک و امید بسیار - با اتکا به لطف بی‌پایان حضرت حق و عنایات قطب عالم امکان و دلگرمی دوستان فرهیخته، به اقدامی بس بزرگ دست

زده، گامی هرچند کوتاه در این راه برداشته است. باشد با آثار ارزنده دیگر پژوهشگران و نویسندگان، کمبودهای آن به زیور تکامل آراسته شود.

اینک آنچه پیش روی شما خواننده گرامی قرار گرفته، سومین مجلد از مجموعه چهار جلدی «درسنامه مهدویت» با عنوان حضرت مهدی علیه السلام از ظهور تا حکومت جهانی است. در این کتاب، مباحث مربوط به بزرگ‌ترین حادثه هستی؛ یعنی ظهور و قیام جهانی آخرین ذخیره الهی بحث و بررسی می‌شود.

پیش از این در جلد نخست، با عنوان حضرت مهدی علیه السلام از ولادت تا امامت، به بحث و بررسی موضوع مهدویت از ابتدای شکل‌گیری، تا آغاز امامت حضرت مهدی علیه السلام و در جلد دوم با عنوان حضرت مهدی علیه السلام و دوران غیبت، به بحث در باره موضوعات مربوط به دوران غیبت پرداخته شده است.

امید است به یاری خداوند، پس از این نیز در جلد چهارم با عنوان حضرت مهدی علیه السلام و حکومت جهانی، موضوعات مربوط به حکومت جهانی آن حضرت بررسی گردد.

در اینجا بر خود بایسته می‌دانم سپاسگزاری خود را از همه اساتید بزرگواری که با راهنمایی‌های خود، این کمترین را همراهی کردند، اعلام نموده، از همه عزیزان در بنیاد مبارک فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام و مرکز تخصصی مهدویت به ویژه حجج اسلام و المسلمین مجتبی کلباسی، رحیم کارگر، علی مصلحی، محمد رضا نصوری و مهدی یوسفیان و در بخش انتشارات مرکز از همه عزیزان مخصوصاً آقای احمد مسعودیان، نیز قدردانی نمایم که این کتاب را در جهت خدمت به ساحت ارزشمند مهدویت پذیرفته و به شایستگی آن را چاپ و منتشر کردند.

به امید آنکه این تلاش اندک، مورد پذیرش خداوند یگانه و رضایت آن پیشوای پنهان قرار گرفته، در جهت شناختن فرهنگ و معارف مهدویت مفید افتد.

و توفیق از خداوند است

خدا مراد سلیمیان

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یک. زندگی انسان‌ها در آستانه ظهور:

الف. زندگی فردی

۱. برخی مردان آستانه ظهور؛

۲. برخی زنان در آستانه ظهور.

ب. زندگی اجتماعی

۱. عرصه فرهنگی؛

۲. عرصه اجتماعی؛

۳. عرصه اقتصادی؛

۴. عرصه سیاسی.

و...

دو. جهان و طبیعت در آستانه ظهور:

۱- فراوان شدن آفات طبیعی؛

۲- زلزله‌های فراوان؛

۳- بلاهای شدید.

پیش‌درآمد

ظهور مهدی موعود علیه السلام، برانگیخته شدن آخرین نور هدایت و ذخیره الهی برای هدفی بسیار بزرگ و به پایان رساندن راه نیمه تمام پیامبران و اولیای خداوند است. بیشتر روایاتی که از آن عصر روشنایی، سخن به میان آورده، از زندگی و جهان پیش از آن، به عنوان تاریک‌ترین دوران زندگی بشر و ستم‌بارترین مرحله حیات وی یاد کرده است. دورانی که می‌رود تا یأس و ناامیدی حاکم بر بخش‌های قابل توجه آن، آخرین رشته‌های پیوند انسان‌ها را از پروردگار یگانه بگسلد و آنها را در گرداب‌های هلاکت نابود سازد.

روایات مربوط به ظهور و قیام جهانی، از برپایی «عدل و قسط» در آن دوران خبر داده، وضع جهان در آستانه ظهور را آکنده از ستم و بی‌عدالتی دانسته‌اند. برخی روایات به دیگر جنبه‌های زندگی و وضع عمومی جهان نیز اشاره کرده‌اند که در یک بررسی می‌توان تحولات جهان را در دو محور انسانی و طبیعی، قابل بررسی دانست. از این رو در این درس بر آن هستیم تا با بهره‌گیری از سخنان معصومان علیهم السلام تصویری در حد امکان از این دوران ارائه دهیم.

زندگی انسان‌ها در آستانه ظهور

انسان به عنوان خلیفه خداوند و گل سرسبد آفرینش، در طول تاریخ بر اساس رفتارهای فردی و اجتماعی‌اش، دگرگونی‌هایی را تجربه کرده و فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته است. این تحولات گاهی روبنایی و گاهی نیز ژرف و بنیادین بوده

است که به لحاظ اهمیت آن، مورد توجه آموزه‌های دینی است. روایاتی که این زندگی را در پایان دوران و آستانه ظهور و قیام جهانی مهدی موعود علیه السلام پیش‌گویی کرده، که در دو بخش قابل بررسی است:

یک. دگرگونی در زندگی فردی

شاخص‌ترین نمود تحول در زندگی فردی را می‌توان در چگونگی دین‌داری، ناامیدی و سرخوردگی انسان‌ها و... دانست.

سیمای زندگی در آخرالزمان را می‌توان در دو گروه مردان و زنان این گونه ترسیم کرد:

۱. برخی مردان آستانه ظهور: آزمایش‌های خداوند جل جلاله برای زنان و مردان یکسان است؛ ولی پاره‌ای از روایات، به ویژه درباره زندگی فردی مردان نقل شده است؛ آن گونه که در برخی روایت‌ها سخن از زندگی فردی زنان به میان آمده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

... وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَلَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ
فُجُورٍ أَوْ بَخْسٍ مِثْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشِيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ مُسْكَرٍ كَثِيبًا
حَزِينًا... ؛ 'مرد را می‌بینی هنگامی که یک روز بر او گذشته و گناه بزرگی
انجام نداده است - از قبیل فحشا، کم‌فروشی، کلاه‌برداری و یا نوشیدن
مست‌کننده‌ای - بسیار غمگین و اندوهگین می‌شود.

۲. برخی زنان در آستانه ظهور: زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی اگر چه از جهاتی با مردان متفاوتند؛ اما از نظر روح انسانی با آنان هیچ تفاوتی ندارند؛ از این رو در عموم خطاب‌های دینی با مردان یکسان شمرده شده‌اند. اما گاهی به جهت برخی تفاوت‌های جسمی، روحی و عاطفی خطاب‌های ویژه‌ای متوجه آنان می‌شود. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

يُظْهَرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَاقْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمِنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ

عَارِيَاتٍ مُّتَبَرَّجَاتٍ مِّنَ الدِّينِ دَاخِلَاتٍ فِي الْفِتَنِ مَائِلَاتٍ إِلَى الشَّهَوَاتِ مُسْرِعَاتٍ إِلَى اللَّذَاتِ مُسْتَحِيلَاتٍ لِّلْمُحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٍ؛^۱ در آخرالزمان و نزدیک شدن رستاخیز که بدترین زمانها است، زنانی آشکار می‌شوند که برهنه و لخت هستند؛ زینت‌های خود را آشکار می‌سازند، به فتنه‌ها داخل می‌شوند و به سوی خواسته‌های نفسانی و شهوت‌ها می‌گرایند. به لذت‌ها می‌شتابند، حرام‌های الهی را حلال می‌شمارند و در جهنم جاودانه خواهند بود.

از ویژگی‌های یادشده هرچند در همه دوره‌های زندگی انسان‌ها بوده است؛ به نظر می‌رسد در پایان دوران به اوج و نهایت خود می‌رسد؛ از این رو مورد تأکید روایات قرار گرفته است.

دو. دگرگونی در زندگی اجتماعی

زندگی در دوران غیبت حجت الهی، با سختی‌های فراوانی همراه است؛ بویژه آنکه تلاش شیطان‌های انسان‌نما در این دوران به اوج خود می‌رسد و هر چه به روزگار ظهور آن حجت الهی نزدیک‌تر می‌شویم، بر شدت این وضعیت افزوده می‌شود. این دگرگونی‌های در عرصه‌های زیر قابل بررسی است:

۱-۲. عرصه فرهنگی

بی‌گمان عرصه بررسی‌های فرهنگی بسیار گسترده است؛ اما از آنجا که به طور عموم فرهنگ دینی در آستانه ظهور، بیش از جنبه‌های دیگر فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است، در اینجا آن تأکید خواهد شد.

الف. رواج نافرمانی خداوند: پیش از ظهور امام زمان علیه السلام جو حاکم بر جهان، جو ستم، گناه و فساد خواهد بود؛ چنان که در قرآن کریم آمده است.

﴿اَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّغْرَضُونَ﴾؛^۲ برای مردم [وقت

حسابشان نزدیک شده است و آنان در بی‌خبری روی گردانند.

۱. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۰، ح ۴۳۷۴.

۲. انبیاء (۲۱)، آیه ۱.

در این آیه، مردم آخرالزمان - در آستانه برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام - به غفلت و روی گردانی از خداوند متصف شده‌اند.

در روایات نیز منظور از «اشراط الساعة» رواج کفر، فسق و ظلم دانسته شده و موارد پرشماری از آن بر شمرده شده است.^۱

امام باقر علیه السلام در روایتی برخی از مخالفت‌های با دستورات الهی را در آستانه ظهور این گونه بیان فرموده است:

إِذَا تَشَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ اكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ
بِالنِّسَاءِ وَ رَكِبَ ذَوَاتُ الْقُرُوجِ السُّرُوجَ وَ قَبِلَتْ شَهَادَاتُ الزُّورِ وَ رُدَّتْ
شَهَادَاتُ الْعُدُولِ وَ اسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالْذَّمِّ وَ ارْتَكَبَ الزِّنَاءَ وَ أَكَلَ الرَّبَا وَ
اتَّقَى الْأَشْرَارُ مَخَافَةَ أَلْسِنَتِهِمْ وَ...؛^۲

آنگاه که مردان به زنان تشبه کنند و زنان به مردان و مردان به مردان اکتفا کنند و زنان به زنان، و زنان بر زین‌ها سوار شوند و شهادت‌های دروغ پذیرفته شود و شهادت‌های عدول مردود گردد و مردم خونریزی و ارتکاب زنا و رباخواری را سبک شمارند و از اشرار به خاطر زبان‌شان پرهیز کنند و...^۳

ب. دوری از دین و دینداری: روز به روز عوامل فراوانی، گوهر تابناک دین را در هاله‌ای از غبار و غفلت فرو می‌برد، از این رو در جوامع انسانی دین رو به کم‌رنگ شدن می‌رود و خرافه‌ها و انحراف‌های مختلفی، گریبان‌گیر آن می‌شود، و وقتی حضرت مهدی علیه السلام قیام می‌کند غبار از چهره دین برمی‌گیرد؛ بسیاری می‌پندارند این دین جدیدی است که آن حضرت آورده است! امیر مؤمنان علیه السلام از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ
يُسَمُّونَ بِهِ وَ هُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَ هِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى؛^۴

۱. ر.ک: آیه ۱۸ سوره محمد که در درس نشانه‌های قیامت بررسی می‌شود.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۰۷، ح ۴۷۹.

بر مردم روزی فرا می‌رسد که از قرآن جز رسم آن باقی نماند و از اسلام جز نام آن؛ بدان نامیده می‌شوند، در حالی که دورترین مردم از آن هستند! مسجدهای آنان آباد، اما از هدایت‌گری خراب است!

پیامبر اسلام ﷺ دربارهٔ دین‌داری برخی انسان‌های این دوران فرمود:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ... دِينُهُمْ ذَرَاهِمُهُمْ وَ هَمُّهُمْ بَطُونُهُمْ وَقِبْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ يَرْكَعُونَ لِلرَّغِيفِ وَيَسْجُدُونَ لِلذَّرْهِمِ حِيَارَى سُكَارَى لَا مُسْلِمِينَ وَلَا نَصَارَى؛^۱ زمانی بر مردم خواهد آمد... که درهم‌های آنان دینشان خواهد بود و همت ایشان شکمشان و قبله آنها زنانشان. برای طلا و نقره، رکوع و سجود به جای می‌آورند. آنان همواره در سرگردانی و مستی خواهند بود؛ نه بر مذهب مسلمانی‌اند و نه بر مسلک نصرانی.

امیرمؤمنان علی عليه السلام این حقیقت را این‌گونه بیان فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُكْفَأُ فِيهِ الْإِسْلَامُ كَمَا يُكْفَأُ الْإِنَاءُ بِمَا فِيهِ؛^۲ ای مردم! به زودی زمانی بر شما می‌رسد که اسلام چونان ظرف واژگون شده، آنچه در آن است، ریخته می‌شود.

مهم‌ترین عامل در پدید آمدن این وضعیت، تحریف در آموزه‌های متعالی دین در این دوران است که سبب می‌شود مردم از محتوای اصلی آن دور شده، به باورهای واهی رو آورند. البته نقش دشمنان در این زمینه نباید نادیده گرفته شود.

یادآوری

اگر چه در این دوران، انسان‌های فراوانی به کثری می‌گرایند؛ اما این‌گونه نیست که همهٔ انسان‌ها در مسیر باطل گام بردارند؛ بلکه برخی به سبب ویژگی‌های شخصیتی و آگاهی‌های دینی، از نجات‌یافتگان این مرحله خواهند بود.

در این باره وقتی پیامبر گرامی ﷺ از چهره‌های پیروز این دوران یاد می‌کند، با

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۶، ح ۳۱؛ ر.ک: مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم،

ج ۱، ص ۱۳۱.

۲. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

شگفتی تمام به حضرت علی علیه السلام می فرماید:

يا عَلِيُّ أَعْجَبُ النَّاسِ إِيمَانًا وَ أَعْظَمُهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حُجِبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةُ فَأَمَنُوا بِسَوَادٍ عَلِيٍّ بِيَاضٍ...^۱ ای علی! بدان شگفت آورترین مردم در ایمان و بزرگترین آنان در یقین، مردمی هستند که در آخر الزمان - با آنکه پیامبر خود را ندیده و از امام خود در پرده اند - به نوشته که خطی سیاه بر صفحه‌ای سپید است، ایمان می آورند.

در اینجا مهم ترین سبب یقین و نجات توجه و عمل به سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام دانسته شده است. از بعضی روایات، استفاده می شود نجات یافتگان این دوران در میان انسان ها، ناشناس و غریب هستند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آنان به نیکی یاد می کند:

إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ!^۲ اسلام به غریبی آغاز شد و در آینده نیز بدان حال که شروع شده، باز خواهد گشت؛ پس خوشا به حال غریبان.

۲-۲. عرصه اجتماع

بحث از دگرگونی های اجتماعی پیش از ظهور، با عبارات های مختلفی در روایات اسلامی بیان شده و در متون دینی پیش گویی های قابل توجهی شده است؛ مانند:

الف. فراگیر شدن ستم: در بررسی روایات مربوط با قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام و اهداف ایشان، کمتر روایتی به چشم می آید که به گونه ای به فراگیر شدن ستم در آستانه ظهور اشاره نکرده باشد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ وَدِدِ الْحُسَيْنِ يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛^۳ دنیا هرگز به پایان نمی رسد تا آنکه امر امت مرا مردی از دودمان حسین بر پا دارد. زمین را پر از عدل می سازد، آن گونه که از ستم و

۱. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۶؛ همو، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۸، باب ۲۵،

ح ۸

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۶۶.

۳. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۶، ح ۲۹۳؛ و نیز نک: ابی داود، سنن، ح ۴۲۸۲.

بی داد پر شده باشد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز فرمود:

لَتَمْلَأَنَّ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدٌ اللَّهُ إِلَّا مُسْتَخْفِيًا ثُمَّ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ صَالِحِينَ يَمْلَأُونَهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛^۱ زمین آکنده از ستم و بیداد می‌شود، به گونه‌ای که کسی خدا نمی‌گوید مگر در پنهانی؛ سپس خداوند گروهی از شایستگان را می‌آورد که زمین را پر از قسط و عدل می‌کنند آن گونه که پر از ظلم و جور شده بود.

در همه روایات سخن از پر شدن زمین از ستم و بیداد است، نه ظالم و ستمگر؛ چرا که ممکن است برخی از انسان‌ها با ستم بر انسان‌های فراوانی، اسباب پر شدن جهان را از ستم فراهم کنند.

ب. هرج و مرج و فتنه‌های بزرگ: درهم ریختگی در نظام زندگی و پیدایش فتنه‌های تاریک و گمراه کننده و نیز نابسامانی در نظم اجتماعی، از ویژگی‌های فراگیری ستم در جهان است. از آنجا که این فراگیری در آستانه ظهور به اوج خود می‌رسد، چنین آشفتگی جامعه جهانی را درگیر می‌سازد.

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

مهدی این امت از نسل حسنین است آن هنگام که دنیا گرفتار هرج و مرج و فتنه‌های فراوان گردید و راه‌ها بسته شد...^۲

همچنین به نقل از جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

... وَ مِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةُ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرَجًا وَ تَطَاهَرَتِ الْفِتَنُ وَ تَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرٌ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَ لَا صَغِيرٌ يُوقِرُ كَبِيرًا فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيَّنَا التَّاسِعَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ؛^۳ مهدی این امت از ما خاندان رسالت است؛ وقتی که دنیا پر از هرج

۱. طوسی، الامالی، ص ۳۸۲؛ نیز نک: عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۶۷.

۲. ابراهیم بن محمد جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ح ۴۰۳.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۷.

و مرج شد و فتنه‌ها در میان مردم نمایان گشت و امنیت از راه‌ها گرفته شد و برخی از این مردم به بعضی دیگر هجوم آوردند و بزرگان به زیردستان رحم نکردند و افراد کم سن و سال به بزرگان و کهن سالان احترام نگذاشتند، در چنین ایامی، خداوند مهدی ما را که نهمین فرزند حسین علیه السلام است، بر می‌انگیزاند.

ج. اختلاف شدید مردم: از برخی روایات استفاده می‌شود اختلاف بین انسان‌ها در آستانه ظهور شدت فراوانی می‌یابد که ناشی از ستم‌ها و هرج و مرج در جهان است. امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا يَكُونُ ذَلِكَ الْأَمْرُ حَتَّى يَنْقَلِ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَ حَتَّى يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَ حَتَّى يُسْمَى بَعْضُكُمْ بَعْضًا كَذَّابِينَ؛^۱ آن امر واقع نخواهد شد تا اینکه برخی از شما در روی بعضی دیگر آب دهان اندازند و تا اینکه بخشی از شما دیگری را لعن کنند و تا اینکه گروهی از شما گروه دیگر را دروغ‌گو بنامند!!

د. یأس و ناامیدی مردم: بر اساس روایات معصومان علیهم السلام از اتفاق‌های رایج در زندگی انسان‌ها در آستانه ظهور، احساس ناامیدی از بسامان شدن امور زندگی است. این حالت روحی که عموم انسان‌ها را در بر می‌گیرد، برخاسته از فاصله‌ای است که انسان‌ها از خداوند و آموزه‌های دینی می‌گیرند و زندگی آنان همراه با گناه است. داوود بن کثیر رقی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

جُعِلَتْ فِدَاكَ قَدْ طَالَ هَذَا الْأَمْرُ عَلَيْنَا حَتَّى ضَاقَتْ قُلُوبُنَا وَ مِتْنَا كَمَدَا؛ فدایت گردم! این امر [فرج و گشایش] بر ما به درازا کشید، تا بدانجا که سینه‌های ما تنگ شد و از اندوه جانمان به لب رسید.

آن حضرت فرمود: إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ آيِسٌ مَا يَكُونُ وَ أَشَدُّ غَمًّا؛^۲ این امر آن‌گاه صورت گیرد که از آن در کمال نومیدی و شدیدترین اندوه‌ها باشند.

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۶، ح ۱۰.

۲. همان، ص ۱۸۱، ح ۲۹.

ابو حمزه ثمالی گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم فرمود:

وَ خُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْيَاسِ وَالْقَنُوطِ^۱ وَ خُرُوجِ أَوْ آن گاه که خروج کند، هنگام یاس و ناامیدی است.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ وَ لَا وَ اللَّهُ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَ لَا وَ اللَّهُ حَتَّى تُمَحَّصُوا وَ لَا وَ اللَّهُ حَتَّى يَشْقَى مَنْ يَشْقَى وَ يَسْعَدَ مَنْ يَسْعَدُ^۲ این امر (ظهور امام دوازدهم) به شما نمی‌رسد، جز پس از ناامیدی و نه به خدا [به شما نمی‌رسد] تا [خوب از بد] جدا شوید و نه به خدا تا بررسی شوید و نه به خدا تا شقاوت به شقی رسد و سعادت به سعید.

ه. احساس بی‌پناهی در مردم: از بارزترین پیامد ناامیدی، احساس بی‌پناهی

است؛ پیشوایان معصوم علیهم السلام در وصف آستانه ظهور، بر این نکته تأکید کرده‌اند که یکی از ویژگی‌های این دوره، احساس بی‌پناهی و بی‌کسی در مردم است. آنان می‌اندیشند همه درها بر رویشان بسته شده و جایگاهی که حق خود را باز ستانند، دور از دسترس است. صنعانی یکی از بزرگان اهل سنت نقل می‌کند:

ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ بَلَاءَ يُصِيبُ هَذِهِ الْأُمَّةَ حَتَّى لَا يَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً يَلْجَأُ إِلَيْهِ مِنَ الظُّلْمِ فَيَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِثْرَتِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي...^۳ رسول گرامی اسلام صلوات الله عليه بلایی را یاد کرد که بر این امت سرازیر خواهد شد تا آنکه در آن مرد پناهگاهی نمی‌یابد تا از ستمی که به او می‌شود، بدان پناه برد. پس خداوند مردی از اهل بیت من را برانگیزد....

و. مرگ و میر فراوان در آستانه ظهور: در بعضی از روایات به طور روشن از

مرگ و میرهای گسترده در آستانه ظهور سخن به میان آمده است. صرف نظر از بررسی سند آنها، حجم قابل توجهی از روایات اختصاص به این موضوع یافته و علت‌های

۱. همان، ص ۲۳۴، ح ۲۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۳.

۳. عبد الرزاق بن همام صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۷.

مختلفی برای آنها بیان شده است. سلیمان بن خالد گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

قُدَامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أَبْيَضٌ... الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ الطَّاعُونَ؛^۱
پیشتر از قائم دو مرگ خواهد بود یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید...
مرگ سفید طاعون است.

بعید نیست که مراد حضرت در این روایت از طاعون، ویژگی همه گیر بودن آن، است. امروزه ثابت شده به رغم همه پیشرفت‌های بشر در دانش، گاهی یک بیماری همه گیر، جامعه جهانی را به طور جدی تهدید می‌کند! انواع آنفولانزها نمونه‌ای از اسباب این بیماری‌های فراگیر است که امروزه بسیاری از برنامه‌های جهانی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد!

ز. کشتار فراگیر در آستانه ظهور: در جامعه‌ای که بر مدار ستم به دیگران و دوری از آموزه‌های الهی استوار باشد، فتنه‌ها، آشوب‌ها و اختلافات در آن به اوج خود می‌رسد و مردم در ناامیدی از سامان یافتن زندگی می‌باشند، جنگ‌های خونینی به راه می‌افتد و انسان‌های بی‌شماری را به کام مرگ سوق می‌دهد که این حقیقت در روایات فراوانی از پیشوایان معصوم علیهم السلام انعکاس یافته است. در آستانه ظهور، جنگ‌های خونین فراوانی رخ خواهد داد که بسیاری از مردم، کشته خواهند شد. از این کشتار، به مرگ سرخ یاد شده است. حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَمَوْتٌ أَبْيَضٌ وَجَرَادٌ فِي حِينِهِ وَ...
حِينِهِ أَحْمَرٌ كَالْوَانِ الدَّمِ فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَالسَّيْفُ وَأَمَّا...
فَالطَّاعُونَ؛^۲ در آستانه قیام قائم، مرگ سرخ، مرگ سفید و ملخ‌هایی به هنگام
و ملخ‌هایی نابهنگام سرخ، همچون خون خواهد بود؛ اما مرگ سرخ [کشته
شدن با] شمشیر است و مرگ سفید به وسیله طاعون است.

اگر چه در برخی روایات مربوط به این جنگ‌های فراوان و کشتارهای بزرگ،

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۵، ح ۲۷.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۸، ح ۴۳۰.

تردیدهایی شده است؛ اما بدون شک عوامل یاد شده، چنین وضعیتی را به طور طبیعی رقم خواهد زد؛ بویژه آنکه دیده می‌شود سازمان‌های حقوق بشر به جای حمایت از صلح جهانی و ستم‌دیدگان، در جهت منافع مستکبران بیانیه‌هایی صادر می‌کنند!!

۳-۲. عرصه اقتصادی

از لحاظ اقتصادی عموم مردم، با فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی و یاد خداوند، در زندگی سختی به سر خواهند برد. همان‌گونه که خداوند می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾^۱ و هر کس از یاد من دل

بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت.

در نگاه نخست به نظر می‌رسد جوامع انسانی رو به رفاه و آسایش می‌روند؛ اما بخش‌های زیادی در لایه‌های آشکار و پنهان جامعه، همچنان با فقر و ناداری دست به گریبان هستند. محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

همانا پیش از قیام قائم علیه السلام نشانه‌هایی خواهد بود از جمله: آزمایش [به

گرفتاری] از جانب خدای تعالی برای بندگان با ایمان، عرض کردم: آن

آزمایش چیست؟ فرمود: همان فرمایش خدای عز و جل است که: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ

الْثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾^۲ «و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و

گرسنگی، و کاهشی در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مژده ده

شکیبایان را». آن حضرت فرمود: حتماً شما را خواهیم آزمود؛ یعنی، مؤمنان را

به چیزی از ترس از پادشاهان فلان خاندان در پایان سلطنتشان و گرسنگی با

گرانی نرخ‌هایشان و کاستی در مال‌ها منظور خراب شدن بازرگانی و کم شدن

رشد و سود در آن، و جان‌ها...^۳

۱. سوره طه (۲۰)، آیه ۱۲۴.

۲. بقره (۲)، آیه ۱۵۵.

۳. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۰، ح ۵.

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قُدَّامَ الْقَائِمِ سَنَةٌ تَجُوعُ فِيهَا النَّاسُ وَ يُصِيبُهُمْ خَوْفٌ شَدِيدٌ مِنْ الْقَتْلِ وَ نَقْصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الشَّمْرَاتِ فَإِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَبِيْنٌ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: ^۱ نَاكِرِيْرٍ بَايِدُ پِيْشِ اَزْ اَمْدِنِ قَائِمِ علیه السلام، سالی باشد که مردم در آن سال گرسنه بماتند و آنان را ترسی سخت از کشتار و کاهش در مالها و کم شدن عمرها و محصولات فراگیرد. این در کتاب خداوند بسیار آشکار است؛ سپس این آیه را تلاوت فرمود: ﴿وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ...﴾.

۴-۲. عرصه سیاسی

آنچه پیش تر گفته شد، می تواند در عرصه سیاسی نیز نقش مهمی داشته باشد که در اینجا به بعضی از این امور اشاره می شود:

الف. وقوع نزاعها و درگیری های بسیار: در برخی از روایات به صورت ویژه این درگیری ها را در عرصه سیاسی مورد توجه قرار داده اند. از این رو یکی از نشانه های آخرالزمان، اختلافها و درگیری های فراوان میان گروه ها و احزاب معرفی شده است. خداوند متعال در این باره می فرماید:

﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾^۲
گروه ها با هم اختلاف کردند، پس وای بر کافران به هنگام حضور در آن روز
بزرگ!

برخی روایات، این آیه را به ظهور فرقه های گوناگون در جهان اسلام مربوط دانسته اند که در آخرالزمان پدید آمده، موجب اختلاف های بسیار خواهند شد. امام باقر علیه السلام فرمود:

از علی علیه السلام در باره آیه ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ﴾ پرسیده شد؛ فرمود:
انْتَظِرُوا الْقَرْجَ مِنْ ثَلَاثٍ؛ از سه چیز انتظار گشایش داشته باشید. راوی گوید:

۱. همان، ح ۶.

۲. مریم (۱۹)، آیه ۳۷.

پرسیدم: ای امیر مؤمنان! آنها چیست؟ فرمود: اخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ وَ

الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ خُرَّاسَانَ وَالْفَزْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؛^۱ اختلاف بین مردمان

شام، پرچم‌های سیاه از خراسان و صدای بلند در ماه رمضان.

صرف نظر از اعتبار این گونه روایات، روشن است که برخی از آنچه در روایت

آمده، مربوط به ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

ب. حکومت‌ها (عمر حکومت‌ها، مرگ زمام‌داران): در پاره‌ای از روایات گفته

شده در دوران آخر و آستانه قیام جهانی، حکومت‌ها مجال چندانی پیدا نخواهند کرد.

در آستانه ظهور، ستم و بی‌داد به اوج خود می‌رسد و بیشترین ظلم از ناحیه حاکمان به

مردم است و در روایات اشاره شده خداوند، ستمگران را به زودی بازخواست و

سرنگون خواهد کرد.^۲

جهان و طبیعت در آستانه ظهور

علاوه بر تغییراتی که در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها به وقوع می‌پیوندد، در

روایات به دگرگونی‌های طبیعی نیز اشاره شده است. از مجموع روایات، می‌توان به این

حکم کلی رسید که در آستانه ظهور، نظام آفرینش دچار برخی تغییرات می‌شود؛ چه

اینکه این تغییرات معلول تصرفات انسانی باشد یا به اراده خداوند شکل گیرد.

از مهم‌ترین پدیده‌های طبیعی می‌توان به زلزله‌های شدید، مرگ و میرهای فراوان،

باران‌های زیاد و آفت‌های طبیعی نام برد. اگرچه ممکن است برخی به خاطر

پیشرفت‌های شگرف در عرصه‌های گوناگون، این امر را دور از دسترس بدانند؛ اما

تجربه ثابت کرده با وجود پیشرفت‌های بزرگ در عرصه‌های طبیعی، دخالت‌های نابجای

انسان در طبیعت، منشأ پدید آمدن برخی آفت‌ها شده که حاصل جهش‌های ناخواسته در

مسیر حرکت طبیعی است. در برخی روایات این آسیب‌ها این گونه بازتاب یافته است:

الف. زلزله‌های فراوان: ابو سعید خدری از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود:

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۱، ح ۸.

۲. نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۴.

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَّازِلَ فِيمَا لَأُ
الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛^۱ بشارت می‌دهم شما را به
مهدی برانگیخته می‌شود بر اختلاف میان مردم و زلزله‌ها؛ پس زمین را پر
می‌کند از عدل و قسط آن‌گونه که پر شده است از ستم و بیداد.

ب. بلاهای شدید: از ابی حمزه ثمالی روایت شده که گفت: شنیدم امام باقر علیه السلام

می‌فرماید:

يَا أَبَا حَمْزَةَ لَا يَقُومُ الْقَائِمُ عليه السلام إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ زَلَّازِلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ
يُصِيبُ النَّاسَ...؛^۲ ای ابا حمزه، قائم قیام نمی‌کند مگر در دوره ترس و
وحشت، و زمین‌لرزه‌ها و گرفتاری و بلائی که گریبانگیر مردم می‌گردد و...
همه‌اموری که یاد شد، می‌تواند برای آزمایش انسان‌ها در این دوران باشد.

صفوان بن یحیی گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُمَحِّصُوا وَ تُمَيِّزُوا وَ حَتَّى لَا
يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ فَأَلْأَنْدَرُ؛^۳ آنچه شما چشمان خود را به سویش می‌دارید
(منتظر و چشم به راه آن هستید) واقع نخواهد شد تا اینکه پاکسازی و
جداسازی شوید و تا اینکه نماند از شما مگر هر چه کمتر و کمتر.

توضیح:

در پایان شایسته یادآوری است که پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، بر این باورند در پس
این دوران سخت و طاقت‌فرسا با ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام، جهان وضعیت
دیگری پیدا می‌کند:

- ترس و ناامنی از بین رفته و امنیت و آرامش همه جا را فرا می‌گیرد؛

- فساد، ستم و تباهی از جهان ریشه کن و از قسط و دادگری آکنده می‌شود؛

- برکت‌های بی‌شمار آسمان، نازل و نعمت‌های بی‌کران زمین، آشکار شده و

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف‌الغمة، ج ۲، ح ۴۷۱.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۴، ح ۲۲.

۳. همان، ص ۲۰۸، ح ۲۲.

گنجینه‌ها و معادن آن استخراج می‌گردد؛

- علوم، صنعت و فن آوری پیشرفت خارق العاده‌ای یافته و خرد و عقل مردم کامل می‌شود؛

- کشورها و شهرها آباد و زمین خرم گشته و دیگر ویرانی و عقب ماندگی در آن وجود نخواهد داشت؛

- اقتصاد جوامع پیشرفت کرده و ثروت و درآمدها، عادلانه توزیع می‌شود؛

- علم طب و بهداشت و درمان، رشد یافته و بیماری‌ها ریشه کن می‌شود.

- کارگزاران امور، از افراد با ایمان و کاردان انتخاب شده و آنان خدمت گزاران مردم خواهند بود؛

- سرانجام بشر به آرزوی دیرینه خود مبنی بر حکومتی عادلانه، جامعه‌ای اخلاق مدارانه، آیینی خداپرستانه و رفاه و امنیتی جاودانه خواهد رسید.

خودآزمایی

۱. امام علی علیه السلام ویژگی برخی زنان آخرالزمان و آستانه ظهور را در چه اموری دانسته است؟
۲. رواج نافرمانی از خداوند در آستانه ظهور، به چه معناست؟ دو مورد را شرح دهید.
۳. مهم‌ترین عامل در دوری مردم از دین و دین‌داری کدام است؟ در این باره توضیح دهید.
۴. قرآن مهم‌ترین سبب زندگی تنگ و سخت را در چه چیزی معرفی کرده است؟ این عامل در آستانه ظهور چگونه است؟
۵. برخی تغییرات مهم در جهان و طبیعت کدامند؟ دو نمونه را توضیح دهید.



منابع برای پژوهش

۱. الهامی، داود، آخرین امید، ج دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۱۳۷۷ ش.
۲. طبسی، نجم‌الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ ش.
۳. طاهری، حبیب‌الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ ش.
۴. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، دو جلد، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ ش.
۵. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی علیه السلام از ظهور تا پیروزی، نورالاصفیاء، قم، ۱۳۸۱ ش.

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

- مفهوم شناسی شرایط ظهور؛
- برخی ویژگی های شرایط ظهور.

شرایط ظهور:

- ۱- وجود برنامه و طرحی جامع و متعالی؛
- ۲- وجود رهبر و هدایتگری بزرگ، شایسته و معصوم؛
- ۳- وجود گروهی از انسان های پاکدل و فداکار؛
- ۴- احساس نیاز در جامعه جهانی.

پیش درآمد

ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام، انقلابی فراگیر، گسترده و سرنوشت ساز است که همه بنیان‌های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی بشر را دستخوش دگرگونی می‌سازد. امر ظهور به عنوان سرآغاز بزرگ‌ترین تحول در جهان آفرینش - همانند قیام و نهضت همه پیامبران و صالحان - به طور عمده از طریق اسباب و علل طبیعی شکل می‌گیرد و نیازمند فراهم شدن شرایط و زمینه‌هایی مناسب است.

اگر چه ممکن است برخی از شرایط از نگاه ما پنهان بوده و جزو رازهای الهی باشد؛ اما با بررسی روایات، به بعضی از شرایط دست می‌یابیم. در این درس ضمن اینکه اراده الهی شرط اساسی ظهور دانسته شده، چهار شرط برای برپایی حکومت جهانی مهدوی مطرح گشته است.

مفهوم‌شناسی شرایط ظهور

«شرط» در لغت به معنای چیزی است که تحقق مشروط، به آن بستگی دارد و جمع آن شرایط و شروط است.^۱ مقصود از شرایط ظهور، زمینه‌هایی است که تحقق ظهور امام عصر علیه السلام به آنها بستگی دارد و آن را امری منطقی و لازم می‌نمایاند؛ به گونه‌ای که با فراهم شدن آنها، ظهور به طور حتمی تحقق خواهد یافت.

۱. نک: حسن مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۶، ص ۳۹.

ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای برپایی حکومت عدل جهانی با فراهم شدن شرایط و زمینه‌ها، پدید خواهد آمد. در روایات بخشی از شرایطی که می‌بایست تحقق یابد تا امر ظهور را حتمی کند، برای ما بیان شده است. در درس فلسفه و علل غیبت^۱ گفته شد: مهم‌ترین ویژگی و حکمت غیبت، رازی از رازهای خداوند بودن آن است؛ بنابراین می‌توان گفت: رفع غیبت به عنوان شرط اساسی برای ظهور نیز خود رازی از رازهای الهی است.

پس آنچه در اینجا به عنوان «شرایط ظهور» از آن یاد می‌شود، شرایط ظاهری است که در روایات بیان شده است؛ و گرنه ممکن است شرایط دیگری نیز باشد که از اسرار الهی بوده و از ما پوشیده است.

از آنجایی که تعریف روشنی برای شرایط ظهور در دست نیست، می‌توان با بیان بعضی از ویژگی‌های شرایط ظهور، تا اندازه‌ای به تعریف آن پی برد:

۱. شرایط می‌بایست به طور حتم پیش از ظهور فراهم شود؛ و گرنه تحقق مشروط پیش از شرط خواهد بود که غیر قابل قبول است.

۲. وابستگی ظهور به شرایط، یک نحوه وابستگی واقعی است؛ یعنی، نبود بعضی از شرایط موجب تحقق نیافتن ظهور است. معنای «شرط» در فلسفه آن است که رابطه آن با مشروط، رابطه علت با معلول باشد؛ به طوری که مشروط بدون وجود شرط، هیچ‌گاه موجود نشود.^۲

۳. از آنجایی که رابطه شرایط با ظهور یک رابطه واقعی است و سبب پیدایش آن می‌باشد، باید همه شرایط به طور همزمان یک‌جا جمع باشد.

۴. وابستگی ظهور به شرایط، هم در حدوث و هم در بقا است، به این معنا که شرایط می‌بایست همواره در طول ظهور بقا و دوام داشته باشد.

۵. در شرایط، نوعی هم‌پوشانی و ارتباط با دیگر شرایط وجود دارد.

۱. نک: جلد دوم از همین مجموعه.

۲. نک: سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص ۴۹۰.

۶. آگاهی از تحقق قطعی همه شرایط، خارج از توان انسان‌هاست.^۱
 حال که تا اندازه‌ای مفهوم شرایط ظهور و ویژگی‌های آن روشن شد با استفاده از روایات و بیانات دانشمندان، می‌توان شرایط را در موارد زیر برشمرد:

یک. وجود برنامه و طرحی جامع و متعالی

برای هر تحوّل بزرگ، باید پیش از هر اقدام، چهارچوب آن ترسیم گردد و اهداف آن، مشخص شود. ظهور حضرت مهدی علیه السلام به عنوان بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین تحوّل در جامعه بشری، پیش از هر چیز دارای برنامه‌ای متناسب با عظمت و گستره آن است؛ چراکه بدون آن نمی‌توان جامعه‌ای کوچک را اداره کرد، چه رسد به جامعه‌ای به گستردگی همه انسان‌های کره زمین.

آموزه‌های اسلامی بیانگر این حقیقت است که موعود منجی، هیچ برنامه و طرحی ندارد؛ جز آنچه که به دست آخرین پیامبر الهی در میان انسان‌ها به امانت سپرده شده است.

حال چنانچه در بعضی از روایات، سخن از دستورات نو در عصر ظهور به میان آمده، رفع پیرایه‌هایی است که آموزه‌های دینی را در بر می‌گیرد؛ از این رو در آن زمان دستورات اصیل دینی برای مردمان، اموری نوین می‌نماید.

خداوند متعال در آیات قرآن، همه نیازهای اساسی انسان‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی تا قیامت، بیان فرموده است و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در موارد لازم، آیات الهی را در حد فهم مخاطبان بیان کرده‌اند. در روایات فراوانی نیز تأکید شده که حضرت پس از ظهور، به طور دقیق به دستورات خداوند و سنت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله عمل خواهد کرد.

محمد بن مسلم گوید: در باره قائم علیه السلام از امام باقر علیه السلام پرسیدم که: وقتی قیام می‌کند به کدام روش بین مردم حکومت می‌کند؟ فرمود:

۱. شاید حکمت اینکه علم به زمان دقیق ظهور فقط در خداوند است، نیز همین نکته باشد که آگاهی قطعی از فراهم شدن همه شرایط ظهور در علم خداوند است.

بِسِيرَةِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حَتَّى يُظْهَرَ الْإِسْلَامُ؛^۱ به روش و سیره‌ای که پیامبر بدان عمل کرد تا آنکه اسلام را پیروز کند.

از این شرط سه مطلب به دست می‌آید:

الف. هدف نهایی از ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، تحقق نقشه کامل اسلام است که در آن هیچ ظلم و ستمی وجود ندارد.

ب. این نقشه فقط به هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام عملی می‌شود و اگر بخواهد در آن روز هم قابل اجرا نباشد، دیگر در هیچ زمانی محقق نخواهد شد و گسترش عدالت در روز موعود، محال و ممتنع می‌شود.

ج. پیش از آنکه بخواهند این نقشه را عملی کنند، اصول و کلیات آن باید برای مردم روشن باشد و از آن آگاهی داشته باشند.^۲

دو. وجود رهبر و هدایتگری شایسته و معصوم

ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام، همچون همه حرکت‌های اجتماعی و گروهی، نیازمند رهبری است که بتواند با بهره‌مندی از توانایی‌های روحی و جسمی، سکان این کشتی بزرگ را در دست گیرد و آن را تا ساحل نجات رهبری کند. از آنجایی که این انقلاب و قیام در نوع خود بی‌مانند است، رهبر آن نیز می‌بایست دارای ویژگی‌های برجسته و متناسب با آن باشد.

گفتنی است انسان‌ها ناگزیر از زندگی اجتماعی‌اند که در آن برای برپایی قانون، نیازمند رهبر و حاکم هستند.^۳ البته اگر در زندگی به دنبال سعادت باشند، ناگزیر این رهبر باید دارای ویژگی‌ها و شایستگی‌هایی باشد. بنابراین، این شرط به هنگام تحلیل به دو شرط زیر تقسیم می‌شود:

۱. طوسی، تهذیب‌الأحكام، ج ۶، ص ۱۵۴.

۲. سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص ۴۹۶.

۳. امیر مؤمنان علی علیه السلام، در باره اهمیت وجود رهبر در هر جامعه فرمود: «... وَ إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ...» و همانا مردم ناگزیرند از داشتن زمامدار؛ چه نیکوکار و چه بدکار...: سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۱. وجود رهبر برای این نهضت جهانی که بدون او چنین نهضتی راه نمی‌افتد.

۲. این رهبر باید شایستگی رهبری در سطح یک حکومت جهانی را داشته باشد.

در بعضی از متون پیش از اسلام، بیشتر به حاکمیت شایستگان اشاره و به فرودستان نوید وراثت زمین داده شده است؛ اما در آموزه‌های دین اسلام، به طور روشن، رهبر آن جامعه آرمانی معرفی شده است. روشن است که انبوه روایات شیعه و اهل سنت، گواه اهتمام بزرگان دین اسلام به معرفی رهبر برای آن حرکت بزرگ جهانی بوده است. در این میان بویژه در منابع روایی پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به روشنی نَسَب و ویژگی‌های آن رهبر بزرگ بیان شده است.^۱

شیعیان با دلیل‌های محکم، تحقق این شرط را با ولادت فرزندی برای امام حسن عسکری علیه‌السلام قطعی می‌دانند؛ از این رو معتقدند که از میان چهار شرط معروف در روایات، به طور قطع شرط دوم نیز پدید آمده است.

ویژگی‌های رهبر

حضرت مهدی علیه‌السلام به عنوان آخرین امام و حجت الهی، دارای دو دسته ویژگی است:

نخست ویژگی‌هایی که مربوط به امام بودن ایشان است؛ از این رو با دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام در این ویژگی‌های مشترک است (عام).^۲

و اما دسته دوم، خصوصیتی است که در ارتباط با قیام جهانی آن حضرت معنا پیدا می‌کند (خاص).

۱. ویژگی‌های عام

درک ویژگی‌های امام، کاری بس مشکل می‌نماید و یکی از راه‌های این شناخت، بهره‌مندی از فرمایش‌های خود پیشوایان معصوم است. امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام در

۱. در جلد نخست این اثر به بعضی از این ویژگی‌ها اشاره شده است.

۲. به جهت اختصار در این درس فقط اشاره‌ای اجمالی به این دسته ویژگی‌ها می‌کنیم و علاقه‌مندان را به کتاب‌های مفصل در این زمینه توصیه می‌کنیم.

باره مقام امام، این گونه می فرماید:

... الإِمَامُ أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي بِلَادِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ الذَّابُّ عَنْ حُرْمِ اللَّهِ الإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْعُبْرَاءِ عَنِ الْعُيُوبِ الْمَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ الْمَوْسُومُ بِالْحِلْمِ نِظَامُ الدِّينِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمِينَ وَ غَيْظُ الْمُنَافِقِينَ وَ بَوَارُ الْكَافِرِينَ الإِمَامُ وَ أَحَدُ دَهْرِهِ لَا يُدَانِيهِ أَحَدٌ وَ لَا يُعَادِلُهُ عَالِمٌ وَ لَا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَ لَا لَهُ مِثْلٌ وَ لَا نَظِيرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ لَا اِكْتِسَابٍ بَلِ اِخْتِصَاصٌ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهَّابِ...^۱

امام امانت دار خداوند در میان خلق و حجت او بر بندگان و خلیفه او در سرزمین هایش، دعوت کننده به سوی خدا و دفاع کننده از حقوق واجب او بر بندگان است. امام پاک از گناه و به دور از عیبها است. دانشها به او اختصاص دارد و او به بردباری شناخته می شود. امام نظام دهنده به دین و باعث سربلندی مسلمانان و خشم منافقان و از بین رفتن کافران است. امام یگانه روزگار خویش است. هیچ کس در مقام، به منزلت او نزدیک نمی شود و هیچ دانشمندی با او برابری نمی کند و جایگزینی برای او پیدا نمی شود و شبیه و مانند ندارد. همه فضیلتها مخصوص او است، بدون آنکه آنها را طلب کرده باشد. این امتیازی از طرف فضل کننده بسیار بخشنده، برای امام است...^۲

با بهره گیری از این گونه روایات می توان بعضی از این خصوصیات را این چنین

اشاره کرد:

۱-۱. علم و آگاهی امام

شاخص ترین صفت پیشوای جامعه اسلامی، برخورداری از شناختی ژرف به خداوند متعال و تعالیم اوست؛ چرا که اصلی ترین نقش او، رهبری جامعه برای رسیدن به کمال و لقای الهی است. امام، به عنوان رهبر و پیشوای مردم، باید آموزه های دینی را در تمام زوایای خود بشناسد و به قوانین آن آگاهی داشته باشد و نیز با احاطه کامل بر آیات قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به تبیین معارف دین پردازد.

۱. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۱.

۲. این روایت مفصل است که علاقه مندان می توانند به متن کامل آن مراجعه می کنند.

۱-۲. عصمت و پاکی

در فرهنگ شیعه، «عصمت امام» به اصلی پذیرفته شده و بیانگر جایگاه بلند جانشینان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است. در محل خود با برهان‌های عقلی و نقلی ثابت شده که امامت جامعه اسلامی را جز معصومان نمی‌توانند در اختیار بگیرند، که اگر چنین شد جز گمراهی حاصلی در پی نخواهد داشت.^۱

۲. ویژگی‌های خاص

۱-۲. قدرت و اقتدار روحی و جسمی

از ویژگی‌های بارز روحی و جسمی حضرت مهدی علیه السلام قوت فوق العاده جسمانی ایشان است. امام رضا علیه السلام فرمود:

... وَإِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَمَنْظَرِ الشُّبَّانِ قَوِيًّا فِي يَدَيْهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَلَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكَّدَكَتْ صُخُورُهَا...^۲ ... قائم علیه السلام کسی است که چون ظهور کند، در سن پیران است و سیمای جوان دارد. چنان نیرومند است که اگر دست به بزرگ‌ترین درخت زمین اندازد، آن را از جا بکند و اگر میان کوه‌ها نعره کشد، سنگ‌های آنها را از هم بپاشد.

علی بن ابی حمزه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

لَوْ قَدَّمَ الْقَائِمَ علیه السلام لَأُنْكِرَهُ النَّاسُ لِأَنَّهُ يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ شَابًا مُوَفَّقًا لَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ فِي الذَّرِّ الْأَوَّلِ؛^۳ اگر قائم علیه السلام قیام کند، مردم او را انکار خواهند کرد؛ زیرا او به صورت جوانی رشید به سوی ایشان باز خواهد گشت. هیچ کس بر اعتقاد به او پایدار نخواهد ماند، مگر مؤمنی که خداوند

۱. «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.» بقره (۲)، آیه ۱۲۴.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

۳. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۱۸۸، ح ۴۳؛ ص ۲۱۱، ح ۲۰؛ طوسی، کتاب الغيبة، ص ۴۲۰.

در عالم ذر نخستین از او پیمان گرفته باشد.

در بعضی روایات برای تبیین هرچه بهتر اقتدار و توانایی‌های حضرت، ایشان به پیامبران بزرگ الهی - بخصوص پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله - تشبیه شده است. در این باره امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود:

المَهْدِيُّ مِنْ وَوَلَدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي اشْبَهُ النَّاسِ بِي خُلُقًا وَ خُلُقًا؛^۱
 مهدی از فرزندان من است؛ اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است. از نظر خلق و خلق شبیه‌ترین مردم به من است.

احمد بن اسحاق گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أُرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي اشْبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ ص خُلُقًا وَ خُلُقًا؛^۲ سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد تا آنکه جانشین مرا به من نشان داد؛ او از نظر آفرینش و اخلاق شبیه‌ترین مردم به رسول خداست.

۲-۲. متعهد نبودن به قدرت‌های حاکم

از دیگر ویژگی‌های رهبر، آزاد بودن او از تعهد به دیگران است و حضرت مهدی علیه السلام با غیبت خود، مجبور به بیعت با طاغوت‌های زمان نشده است. امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ تَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تُخْفَى وَوَلادَتُهُ وَيَغِيبُ شَخْصُهُ؛^۳ همانا قائم از ما اهل بیت، هنگامی که قیام می‌کند، بیعت احدی بر گردن او نیست و به همین علت است که ولادتش، مخفی نگه داشته می‌شود و شخص او غایب است.

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۰۸، ح ۷.

۳. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۴.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

يُقَوْمُ الْقَائِمُ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ عَهْدٌ وَ لَأَ عَقْدٌ وَ لَأَ بَيْعَةٌ^۱ قائم قیام می کند
و در گردن او برای هیچ کس پیمان و قرارداد و بیعتی نیست.

سه. وجود گروهی از انسان‌های پاکدل و فداکار؛

با توجه به گستره انقلاب مهدوی، باید انسان‌های توانمندی باشند که رهبر انقلاب را در رسیدن به هدف یاری کنند؛ آنان در اوج تقوا به سر می‌برند و برای دفاع همه جانبه از برنامه امام آمادگی دارند؛ چرا که بنای خداوند بر آن است که به جز مواردی که خود صلاح می‌داند، امور بر مجرای طبیعی جریان یابد.

به عبارت روشن‌تر: از سنت‌های الهی است که همواره مردم را در یاری رهبران و پیامبران خود شریک و سهیم کند؛ از این رو پیامبران الهی علیهم السلام در رساندن پیام خویش به مردم، از یارانی کمک گرفته‌اند.

در آیات قرآن به نمونه‌های فراوانی از این یاری‌گری اشاره شده است.^۲

یکی از دلیل‌هایی که عموم پیشوایان معصوم، دست به اقدام جدی برای برپایی حکومت نزدند، نبود یاران کافی برای همراهی ایشان در این مسیر بود. به عنوان مثال امیر مؤمنان علیه السلام ۲۵ سال سکوت تلخ و طاقت‌فرسا را تحمل کرد؛ امام مجتبی علیه السلام ناگزیر تن به صلح داد؛ امام حسین علیه السلام مظلومانه در سخت‌ترین شرایط به شهادت رسید؛ امام سجاد و امامان پس از وی تا امام عسکری علیهم السلام، همگی از حق حاکمیت خود بر جامعه محروم ماندند و هرگز برای بازپس‌گیری خلافت ظاهری و به عهده گرفتن حکومت و هدایت جامعه، اقدام نظامی و قیام آشکار انجام ندادند.

در این دوران فقط به دو مرحله می‌توان اشاره کرد که با حضور جمعی از یاران، امامان معصوم علیهم السلام دست به اقدامی محدود زدند: نخست دوران پنج‌ساله حکومت امیر مؤمنان علی علیه السلام و دیگر قیام تاریخی امام حسین علیه السلام است.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۲، ح ۲۵.

۲. نک: آل عمران (۳)، آیه ۵۲ و ۵۱ ص (۶۱)، آیه ۱۴؛ محمد (۴۷)، آیه ۷.

آنان خود می فرمودند: اگر یارانی استوار داشتند هرگز از قیام بر علیه ستم و ستمگران باز نمی نشستند.

البته منظور از یاران، همانا شیعیان راستین و ثابت قدم بود که در حمایت از امامان معصوم علیهم السلام و اهداف ایشان، از هیچ تلاشی فروگذار نبودند و این گونه یاران بس اندک بودند. مأمون رقی می گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام بودم، ناگهان، سهل بن حسن خراسانی وارد شد و بر امام سلام کرد و گوشه‌ای نشست، سپس عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! رأفت و رحمت از آن شماس است و شما اهل بیت، سزاوار پیشوایی و امامت هستید؛ چه چیز شما را در جهت دفاع از حق خود بازمی دارد. در حالی که یکصد هزار شمشیرزن دارید؟

حضرت به وی فرمود: «بنشین.» سپس دستور داد تنور را روشن کنند. به او فرمان داد، تا وارد تنور شود و میان شعله‌های آن بنشیند. خراسانی، عذر آورد و عرض کرد: سرورم! مرا در آتش، معذب مگردان و ببخش و از آنچه گفتم، معاف دار. حضرت او را معاف داشت.

در این میان، هارون مکی - یکی از یاران حضرت که کفش خود را به دست گرفته بود - وارد شد و به حضرت عرض سلام کرد. امام به او فرمود: کفش خود را رها کن و وارد تنور شو و در آن بنشین.

او نیز اطاعت کرده و بی درنگ وارد تنور شد و در آن نشست. حضرت، به سخن خود با مرد خراسانی ادامه داد و اوضاع خطه خراسان را چنان برای خراسانی تشریح می کرد که گویی حضرت خود، در آنجا حضور داشته است. سپس به آن شخص فرمود: برخیز و داخل تنور را بنگر.

آن شخص می گوید: وقتی به داخل تنور نگاه افکندم، یار امام را صحیح و سالم دیدم که راحت در آن نشسته است! سپس از تنور خارج شد و بر ما سلام کرد.

امام، به مرد خراسانی فرمود: چند نفر همانند این شخص (هارون مکی) در خراسان یافت می شود؟ عرض کرد: به خدا سوگند! حتی یک نفر نیز وجود ندارد.

فرمود: **أَمَّا إِنَّا لَأَن نَخْرُجُ فِي زَمَانٍ لَّا نَجِدُ فِيهِ خَمْسَةَ مُعَاوِدِينَ لَنَا نَحْنُ أَعْلَمُ بِالْوَقْتِ؛**^۱ آگاه باشید! تا آن زمان که حتی پنج تن یاور نداشته باشیم، هرگز دست به قیام نخواهیم زد؛ ما آگاه‌تر از شما هستیم که چه زمانی قیام کنیم. در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام همچون همه حرکات‌های اصلاح‌گرایانه، بهره‌مندی از یاران، امری ناگزیر خواهد بود؛ چرا که خداوند اراده فرموده آن قیام جهانی را به طور عمده در مجرای طبیعی و اسباب و علل عادی جریان دهد.^۲ این یاران و یاوران در روایات با ویژگی‌هایی معرفی شده‌اند.^۳

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است:

لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عليه السلام فِي أَقْلٍ مِنَ الْفِتَّةِ وَ لَا يَكُونُ الْفِتَّةُ أَقْلَ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ؛^۴
قائم با کمتر از «فته» خروج نمی‌کند و فته کمتر از ده هزار نیست.

ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ عليه السلام حَتَّى يَكُونَ تَكْمِيلَةُ الْخَلْقَةِ قُلْتُ وَ كَمْ تَكْمِيلَةُ الْخَلْقَةِ قَالَ عَشْرَةَ آلَافٍ؛^۵ قائم خروج نخواهد کرد، مگر حلقه سپاه به کمال و تمام رسیده، عرض کردم: آنکه حلقه بدان کامل شود، چقدر است؟ فرمود: ده هزار است.^۶

عبد العظیم حسنی گوید: به امام جواد علیه السلام گفتم: امیدوارم شما قائم اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله باشید. کسی که زمین را پر از عدل و داد نماید؛ همچنان که آکنده از ظلم و جور شده باشد. فرمود:

ای ابو القاسم! هیچ یک از ما نیست، جز آنکه قائم به امر خدای تعالی و هادی

۱. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۴، ص ۲۲۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳.

۲. در بحث امدادهای غیبی اشاره خواهد شد.

۳. به دلیل اهمیت این بحث در آینده به طور مفصل به آن می‌پردازیم.

۴. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۴، شماره ۴۴۴.

۵. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۷، ح ۲.

۶. این روایت نگرانی کسانی که می‌گویند با توجه به شمار اندک ۳۱۳ بعید می‌نماید ما در شمار یاران خاص آن حضرت باشیم را بر طرف می‌کند چرا که آن حضرت پس از ۳۱۳ نفر شمار فراوانی یاور خواهد داشت.

به دین الهی است. اما قانمی که خدای تعالی به وسیله او زمین را از اهل کفر و انکار پاک می‌کند و آن را پر از عدل و داد می‌کند؛ کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده و شخصش از ایشان نهان... و از اصحابش سیصد و سیزده تن به تعداد اصحاب بدر، از دورترین نقاط زمین به گرد او فراهم آیند و این همان قول خدای تعالی است که فرمود: ﴿أَیْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱ و چون این تعداد از اهل اخلاص به گرد او فراهم آیند، خدای تعالی امرش را ظاهر سازد و چون «عقد» که عبارت از ده هزار مرد باشد کامل شد، به اذن خدای تعالی قیام کند و دشمنان خدا را بکشد تا خدای تعالی خشنود گردد.^۲

بر این اساس تعداد ۳۱۳ تن شاید اشاره به شرط ظهور باشد و پس از آنکه ظهور اتفاق افتاد، فراهم آمدن یاوران، سرآغازی بر قیام جهانی آن حضرت خواهد بود.

چهار. احساس نیاز در جامعه جهانی

از آنجایی که حضرت مهدی عج برای همه مردم دنیا است، باید با نیاز و پذیرش عمومی آنان همراه باشد. پس تا آن گاه که عموم جامعه جهانی احساس نیاز نکنند، حضرت ظهور نخواهد کرد. به عبارت دیگر مردم جهان، باید به قدر کافی تلخی این وضع نابسامان و بی‌عدالتی‌ها را بچشند و نارسایی و ضعف قوانین بشری را برای اجرای عدالت اجتماعی درک کنند و این حقیقت را بیابند که فقط در سایه اصول و پیوندهای مادی و ضمانت اجرایی موجود و مقررات خود ساخته انسان‌ها، مشکل جهان حل نمی‌شود؛ بلکه باید انسانی الهی باشد که همه نابسامانی‌ها را برطرف کند. برای رسیدن به این هدف بزرگ، اصول و نظاماتی تازه لازم است که متکی به ارزش‌های انسانی و ایمان و عواطف بشری و اخلاق باشد؛ نه فقط اصول خشک و بی‌روح و نارسای مادی. به تعبیر دیگر، تا در مردم جهان تقاضایی نباشد، عرضه هر نوع برنامه اصلاحی، مفید و مؤثر نخواهد بود که قانون «عرضه و تقاضا»، بیش از آنچه در مسائل اقتصادی مورد

۱. بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷.

توجه است، در مسائل اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام این حقیقت را به برخی از مردم سرافکنده و پشیمان از جهالت خود - که بعد از ۲۵ سال خانه‌نشینی، به خانه وی هجوم می‌برند و از وی می‌خواهند تا زمام امور را به دست گیرد - این‌گونه بیان فرمود:

أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَنَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ
بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يَقَارُوا عَلَى كِبْطَةِ ظَالِمٍ وَ لَنَا
سَعْبٌ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا وَ...؛^۱

آگاه باشید! به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، اگر نه این بود که جمعیت بسیاری گرداگردم را گرفته و به یاری‌ام قیام کرده‌اند و از این جهت حجت تمام شده است و اگر نبود عهد و مسئولیتی که خداوند از علما و دانشمندان هر جامعه گرفته که در برابر شکم‌خوارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان سکوت نکنند؛ من مهار شتر خلافت را رها می‌ساختم و از آن صرف نظر می‌نمودم و آخر آن را با جام آغازش سیراب می‌کردم.

این بیان می‌رساند که حضرت آن‌گاه حاضر شد به دنبال خلافت رود و آن را بپذیرد که مردم دور او را گرفتند و حضرت را یاری رساندند. تاریخ نیز به روشنی گواه است هرگاه شرط سوم و چهارم برای پیشوایان معصوم علیهم السلام فراهم می‌شد، از هیچ‌گونه تلاشی برای برپایی عدالت فروگذار نبودند.

حال این سؤال پیش می‌آید که این حالت عطش و تقاضا را چه عاملی باید ایجاد کند؟ در پاسخ می‌گوییم: بخشی از آن را گذشت زمان، پدید می‌آورد و بدون آن ممکن نیست؛ اما بخش دیگری بستگی به پرورش و آموزش بر اساس آموزه‌های دینی دارد. باید با رستاخیز فکری که از طرف اندیشمندان با ایمان و آگاهان مسئول جامعه به وجود می‌آید، یاران و یاوران آن حضرت فراهم شده و جامعه جهانی در درون خود به موعود منجی احساس نیاز کند.

۱. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه سوم (شششنبه)، ص ۴۹.

خودآزمایی

۱. شرایط ظهور به چه معناست؟ دو ویژگی اساسی آن را بیان نمایید.
۲. نخستین شرط برای برپایی حکومت جهانی، برنامه و طرحی جامع است، در این باره توضیح دهید.
۳. دو ویژگی عمومی برای رهبران الهی کدام است؟
۴. سخن امام رضا علیه السلام در باره قدرتمندی حضرت مهدی علیه السلام به چه نکاتی اشاره کرده است؟
۵. یکی از شرایط برپایی حکومت جهانی، احساس نیاز جامعه جهانی است؛ در این باره توضیح دهید.



منابع برای پژوهش

۱. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، مدرسه امام علی علیه السلام، قم: ۱۳۸۰ هـ.ش.
۳. پور سید آقایی، سید مسعود، با جاری انتظار، مؤسسه آینده روشن، قم، ۱۳۸۷ ش.
۴. هاشمی شهیدی، سید اسد الله، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، پرهیزکار، قم، ۱۳۸۰ ش.
۵. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ ش.

درس سوم

زمینه‌سازی و زمینه‌سازان ظهور

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آمادگی و زمینه‌سازی ظهور
زمینه‌سازان ظهور:

۱- زمینه‌سازان عام

ویژگی‌های زمینه‌سازان

یک - ویژگی‌های اعتقادی زمینه‌سازان

دو - ویژگی‌های رفتاری زمینه‌سازان

۲- زمینه‌سازان خاص

پیش درآمد

انقلاب بزرگ حضرت مهدی علیه السلام همچون دیگر انقلاب‌ها، بدون مقدمه و زمینه سازی، پدید نمی‌آید؛ بلکه در آستانه ظهور، حرکت‌هایی شکل می‌گیرد که زمینه را برای قیام آن حضرت فراهم می‌آورد. این سلسله قیام‌ها و انقلاب‌ها - که از سوی حق پویان صورت می‌گیرد - بر اساس آنچه در بعضی از روایات آمده، زمینه را برای حرکت جهانی حضرت مهدی علیه السلام آماده می‌کند. در این درس تلاش می‌شود تا برخی روایات در این باره نقل و توضیح داده شود.

آمادگی و زمینه سازی ظهور

یکی از سفارش‌های اساسی قرآن به مؤمنان در برابر دشمنان، حفظ آمادگی آنان است. از این رو آمادگی‌های مناسب هر عصر برای یاری حق در برابر باطل، امری اساسی است:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾^۱ و در برابر آنها [دشمنان] تا می‌توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید، تا دشمنان خدا و دشمنان خود را - و جز آنها که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد - بترسانید. و آنچه را در راه خدا

۱. (انفعال (۸)، آیه ۶۰.

هزینه می‌کنید، به تمامی به شما بازگردانده شود و به شما ستم نشود.

زمینه‌سازان عام

قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، برای برپایی حکومت شایستگان بر اساس عدل و قسط است و نصرت آن امام بزرگوار، امری لازم و ضروری است. البته این یاری، نیازمند فراهم ساختن مقدمات و زمینه‌هایی است. ابو بصیر در این باره می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لَيُعِدَّنَ أَحَدَكُمْ لِيُخْرُجَ الْقَائِمِ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيٍّ رَجَوْتُ لِأَنَّهُ يُنْسِي فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ فَيَكُونُ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ؛^۱ هر یک از شما باید برای خروج قائم آماده کند، هر چند یک تیر، که هر گاه خدای تعالی از نیت او، آن را بداند، امیدوارم که در عمر او تأخیر اندازد تا آنکه قائم را درک کند.

البته ممکن است مقصود روایات، به طور مشخص تهیه کردن تیر و وسایل جنگی و مانند آن نباشد؛ بلکه کنایه از نهایت کسب آمادگی برای آن اتفاق بزرگ باشد. کلینی از ابو عبدالله جعفری نقل می‌کند: امام باقر علیه السلام به من فرمود:

بیشترین زمان مرابطه (مرزداری) نزد شما چند روز است؟ گفتم: چهل روز. فرمود: ولی مرابطه و مرزداری [از حریم ما] ما همیشه است (لَكِنَّ رَبَّاطُنَا رِبَاطُ الدَّهْرِ)^۲.

استاد مطهری در این باره نوشته است: «در روایات اسلامی، سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام عجل الله تعالی فرجه به آن حضرت می‌پیوندند. آشکار است که این گروه ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند و به قول معروف از پای بوته هیزم سبز نمی‌شوند؛ [بلکه] معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ستم و فساد، زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین گروه زبده را پرورش می‌دهد. این خود می‌رساند که نه فقط حق و حقیقت به صفر

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۶.

نرسیده است؛ بلکه بر فرض اگر اهل حق از نگاه کمیت قابل توجه نباشد، از نگاه کیفیت ارزنده‌ترین اهل ایمان‌اند و در ردیف یاران سیدالشهداء علیه السلام ^۱. نحوه آمادگی و مهیا بودن برای ظهور، بستگی به شرایط زمان و مکان دارد. اگر در بعضی روایات سخن از آماده کردن اسب و شمشیر برای ظهور حضرت به میان آمده و برای آن فضیلت بسیاری بر شمرده شده است، بدان معنا نیست که اینها موضوعیت دارند، بلکه ذکر این موارد می‌تواند بیانگر لزوم آمادگی رزمی برای یاری آخرین حجت الهی باشد. البته در این عصر بر شیعیان لازم است که با فراگرفتن فنون رزمی و مسلح شدن به تجهیزات نظامی روز، فقط بخشی از آمادگی‌هایی است که با آن، خود را برای مقابله با دشمنان امام زمان علیه السلام آماده سازند.

ویژگی‌های زمینه‌سازان

از روایات به روشنی به دست می‌آید کسانی که برای آن انقلاب بزرگ تلاش می‌کنند، دارای صفات و ویژگی‌هایی هستند^۲ که در دو بخش قابل بررسی است:

۱. ویژگی‌های اعتقادی

۱-۱. شناخت پروردگار

خداوند متعال، فلسفه اساسی آفرینش انسان‌ها را عبادت و بندگی معرفی فرموده است؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۳؛ جن و انس را جز برای اینکه

عبادت کنند، خلق نکردم.

این امر مهمّ زمانی پدید می‌آید که شناخت انسان‌ها به آن ذات مقدس، فراهم آید و پس از آن راه رشد، هموار و موانع بر طرف می‌شود. زمینه سازان ظهور و یاران امام مهدی علیه السلام که خداوند را آن‌گونه که شایسته است می‌شناسند. حضرت علی علیه السلام

۱. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ص ۵۶.

۲. از یک نگاه این ویژگی‌ها همان صفات منتظران است.

۳. ذاریات (۵۱)، آیه ۵۶.

شناخت والای خداوند را در چنین افرادی، چنین وصف فرموده است:

رِجَالٌ مُّؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛^۱
مردانی مؤمن که خدا را چنان که شایسته است شناخته‌اند و آنان، یاران
مهدی علیه السلام در آخر الزمانند.

امام صادق علیه السلام قلب‌های این گروه را بسان پولاد دانسته، می‌فرماید:

رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زَبْرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ
الْحَجَرِ...؛^۲ آنان مردانی‌اند که دل‌هایشان گویا پاره‌های آهن است، هیچ
تردیدی نسبت به خداوند قلب‌هایشان را نیالاید و قلب‌هایشان از سنگ
استوارتر است.

۱-۲. شناخت امام زمان علیه السلام

یکی از ویژگی‌های مهم زمینه‌سازان ظهور، شناخت حضرت مهدی علیه السلام است. البته
شناخت امام در هر زمان بر پیروان، لازم و ضروری است؛ ولی آنچه شناخت امام
دوازدهم را از اهمیتی دو چندان برخوردار می‌سازد، شرایط ویژه او (مثل ولادت پنهان،
زندگی پنهانی، امتحانات سخت و دشوار، و...) است. امام خویش را به بهترین وجه
می‌شناسند و این شناخت آگاهانه در تمام وجودشان رسوخ کرده است. بنابراین
زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت، بدون شناخت آن بزرگوار امکان‌پذیر نخواهد بود.
در روایات آمده است:

... مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛^۳ هر کس بمیرد و امام
زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلی خواهد مرد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

... إِعْرِفْ إِمَامَكَ فَإِذَا عَرَفْتَهُ لَمْ يَضُرْكُ؛ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَمْ تَأَخَّرَ... فَمَنْ

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف القمّة، ج ۲، ص ۴۷۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۹، ح ۶۶.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۰۹؛ و نیز نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۲.

عَرَفَ إِمَامَهُ كَانَ كَمَنْ هُوَ فِي فُسْطَاطِ الْقَائِمِ^۱ امام زمان خویش را بشناس، پس وقتی او را شناختی، پیش افتادن و یا تأخیر این امر (ظهور)، آسیبی به تو نمی‌رساند... پس هر آن کس که امام خویش را بشناسد، مانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام باشد.

حضرت مهدی علیه السلام هر چند در پس پرده غیبت است؛ ولی هرگز جمال وجودش برای انسان‌های مهدی‌باور و مهدی‌یاور پنهان نبوده است. اگر معرفت به آن حضرت نباشد، دیدن ظاهری ایشان نیز سودی در بر نخواهد داشت؛ چنان‌که کسانی بودند که همواره جمال دلنشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام را زیارت می‌کردند، ولی بهره‌معرفتی چندانی از آن اسوه‌های آفرینش نمی‌بردند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

... وَمَنْ عَرَفَ إِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ لَا بَلَّ بِمَنْزِلَةِ مَنْ قَعَدَ تَحْتَ لَوَائِهِ^۲ هر آن کس که امامش را نشناسد و پیش از قیام صاحب این امر از دنیا برود، بسان کسی است که در سپاه آن حضرت خدمت‌گزاری خواهد کرد؛ نه بلکه مانند کسی است که زیر پرچم آن حضرت است.

امام صادق علیه السلام با تأکید، شیعیان را به شناخت خداوند، پیامبر و حجّت‌های الهی فرا خوانده، از جمله در دوران غیبت خواندن دعای زیر را سفارش فرموده است:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي^۳؛ خدایا! خود را به من بشناسان. پس همانا اگر خود را به من شناسانی پیامبرت را

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۳۳۱، ح ۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۵؛ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۴؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۱۶۶، ح ۶.

نمی‌شناسم. پروردگارا! فرستاده‌ات را به من بشناسان پس به درستی که اگر پیامبرت را به من نشناسانی حجت را نمی‌شناسم. خداوند! حجت خود را به من بشناسان، پس اگر حجت خود را به من نشناسانی از دینم گمراه شده‌ام.

۲. ویژگی‌های رفتاری

در این بخش به اموری اشاره می‌شود که نمادهای رفتاری یک منتظر توانمند است. این ویژگی‌ها به طور عمده تحت عنوان «اطاعت محض از خداوند و اولیای او» گرد می‌آیند؛ زیرا شناخت خداوند و امام زمان علیه السلام و اعتقاد به آنان، باید عملی شود و تبلور حقیقی آن در اطاعت محض از آن انوار پاک ظاهر گردد. همسو کردن رفتارها، نیت‌ها و جهت‌گیری‌ها، طبق خواست رهبر الهی، از مهم‌ترین ویژگی‌های رهروان راستین است و این به خوبی در یاران امام مهدی علیه السلام وجود دارد.

اگر کسی در مرحله شناخت، در حد ممکن معرفت کسب کرد، در مرحله اطاعت دچار تردید نخواهد شد. اگر کسی در آن مرحله دچار تردید و یا نقصان معرفتی باشد، در مرحله اطاعت هرگز پیرو خوبی نخواهد بود. امروزه که حضرت مهدی علیه السلام در پس پرده غیبت است، باید به اراده و فرمانش گردن نهاد و اگر کسی اکنون از دستورات آن حضرت اطاعت کند، در زمان ظهور نیز چنین خواهد بود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَتَوَلَّى وَلِيَّهُ وَيَتَّبِعُهُ
مِنْ عَدُوِّهِ وَيَتَوَلَّى الْأَئِمَّةَ الْهَادِيَةَ مِنْ قَبْلِهِ أَوْلِيكَ رُقَقَاتِي وَ ذَوُو وَدْيِ وَ
مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ؛^۱ خوشا به حال کسی که، قائم اهل بیت مرا درک
کند؛ حال آنکه پیش از قیام او نیز پیرو او باشد. با دوست او دوست و با دشمن
او دشمن و با رهبران و پیشوایان هدایتگر پیش از او نیز دوست باشد. اینان
همنشین و دوستان من و گرامی‌ترین امت من، در نزد من هستند.

اطاعت و پیروی از خداوند و حجت او در عناوین زیر قابل بررسی است:

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۲ و ۳؛ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۵۶.

۲-۱. آمادگی روحی و روانی

اساسی‌ترین ویژگی در بخش رفتار ایجاد «آمادگی روحی و روانی» در خود است. برای درک زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام این امر مهم، فقط با عمل به واجبات و ترک محرمات حاصل می‌شود. زمینه ساز راستین به خوبی می‌داند که محبوب‌ترین کارها نزد امام زمان، «انجام واجبات دینی» و «ترک محرمات» است. او به درجه‌ای از ایمان می‌رسد که توفیق در عمل به واجبات و ترک کارهای حرام را بهترین لذت‌های زندگی می‌داند. پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز هرگاه از حالت انسان‌های دوران غیبت یاد می‌کردند، به مناسبت، از انجام واجبات و پروای الهی سخن می‌گفتند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لِيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ...^۱ همانا برای صاحب

این امر، غیبتی است؛ پس باید [انسان] تقوا پیشه نماید و به دین خود چنگ زند...

کسانی که صاحب آمادگی روحی و روانی بالایی نشوند، هرگز نمی‌توانند یار و یاور خوبی برای آن حضرت باشند؛ چرا که آنان با کمترین فشاری که برایشان وارد می‌شود، عرصه را خالی می‌کنند. بی‌گمان برای حضرت مهدی علیه السلام یارانی هست که قوت و قدرت بالای روحی و روانی دارند تا بتوانند بر دشمنان چیره شوند.

لازم به یادآوری است که افزون بر انجام واجبات و ترک محرمات «رعایت آموزه‌های اخلاقی» نیز اهمیت والایی دارد، امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

... مَنْ سُرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ

الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ...^۲ هر کسی که شادمان می‌شود از اینکه از یاران قائم

باشد، پس باید منتظر باشد، پرهیزگاری پیشه کند و نیکویی‌های اخلاق را

انجام دهد؛ در حالی که منتظر است...

پروای الهی در همه زمان‌ها واجب است؛ اما به دلیل شرایط خاص، در دوران غیبت اهمیت بیشتری دارد؛ چرا که در این زمان عوامل فراوانی دست به دست هم داده تا انسان‌ها را به بیراهه بکشاند و گمراه سازد.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

۲-۲. آمادگی اقتصادی

آمادگی اقتصادی به عنوان یکی از مؤلفه‌های زمینه‌سازی به دو گونه قابل تفسیر است:

الف. یکی از ویژگی‌های «عصر ظهور» رفاه عمومی در همه ابعاد زندگی است. اما این رفاه و آسایش، با تلاش و کوشش فراوان انسان‌ها و آباد کردن زمین به دست می‌آید.^۱ کسانی که در اندیشه زمینه‌سازی برای آن دوران هستند، می‌بایست در عصر غیبت نیز با تلاش فراوان مواهب الهی را برای خدمت به بندگان خدا به استخدام در آورند. کوشش برای فتح قلعه‌های دانش و کشف ناشناخته‌های جهان هستی، یکی از نمونه‌های روشن فعالیت‌های نسل زمینه‌ساز است. عقب ماندن از کاروان علم و دانش، در همه عرصه‌ها، نه فقط باعث سرشکستگی نسل منتظر و زمینه‌ساز در برابر جهانیان است که خود عاملی برای استثمار بندگان مستضعف و تأمین اهداف دشمنان اسلام است. از این رو شایسته است منتظران برای رشد توانمندی خود، هر چه بیشتر برای کسب دانش و بهره‌مندی از موهبت‌های الهی کوشش کنند.

ب. از آنجایی که مهم‌ترین و متعالی‌ترین هدف قیام حضرت مهدی علیه السلام، اقامه قسط و عدل است و آن هم ارتباط مستقیمی با جنبه‌های اقتصادی زندگی دارد، منتظر او با تاسی به آن امام بزرگوار، نه فقط به اجرای عدالت و قسط در تمام زوایای زندگی می‌اندیشد که مال و ثروت خود را به گونه‌ای که مورد رضایت امام است، صرف می‌کند.

۲-۳. آمادگی نظامی

کسب قدرت و قوت برای مقابله با تهدیدهای دشمنان، همواره مورد تأکید آموزه‌های دینی بوده است. قرآن کریم با صراحت تمام بر این مهم تأکید می‌کند:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَ
آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ﴾؛^۲ و در برابر آنها تا می‌توانید نیرو

۱. به یاری خداوند در جلد پایانی این مجموعه، به طور مفصل به این بحث می‌پردازیم.

۲. انفال (۸)، آیه ۶۰.

و اسب‌های سواری آماده کنید تا دشمنان خدا و دشمنان خود - و جز آنها که شما نمی‌شناسید و خدا می‌شناسد را بترسانید.

این آموزه اگر چه مربوط به همگان و همه دوران‌هاست؛ اما با توجه به حساسیت دوران غیبت و آستانه ظهور، این آمادگی اهمیت فراوانی دارد.

یکی از نمودهای زمینه‌سازی توانمند، آمادگی جسمانی برای حضور در زمان ظهور است. امام صادق علیه السلام درباره ویژگی‌های یاران امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:

... فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَإِنْ قَلْبُهُ لَأَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ
وَأَوْ مَرُّوا بِجِبَالٍ لَقَطَعُوهَا لَأَ يَكُونَنَّ سَيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛^۱ مردی
از اصحاب او توانایی چهل مرد را دارد و قلب او از پاره آهن استوارتر
است و اگر بر کوه‌های آهن بگذرند، آن را بر کنند و شمشیرهای
خود را در نیام نکنند تا آنکه خدای تعالی خشنود گردد.

این روایت بیانگر این مطلب است که افرادی که ادعای انتظار و زمینه‌سازی دارند، هرگز نباید دچار تن‌پروری و سستی شوند.

حضرت مهدی علیه السلام پس از اتمام حجت با جهانیان به ناگزیر با معاندان و دشمنان، جنگ خونینی کرده و همانند جد بزرگوار خود، برخورد شدیدی با آنان خواهد داشت.

از روایات استقاده می‌شود که او در این مواجهه از یاران خود نیز استمداد می‌طلبد و آنان نیز در نهایت شجاعت به صف مبارزه خواهند پیوست.

حال چنین یارانی، می‌بایست پیش از ظهور فراهم آیند و این ممکن نیست مگر با افزایش توان و قدرت جسمانی در عصر انتظار. چنانچه تمامی منتظران به این امور مهم و اساسی توجه لازم را داشته باشند، بدون تردید نقش مؤثری برای درک دوران ظهور ایفا خواهند کرد.

سخن را در این بخش با کلامی نورانی از امام صادق علیه السلام در وصف یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام به پایان می‌بریم:

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۲۶.

مردانی که گویی قلب‌هایشان مانند پاره‌های آهن است. هیچ چیز نتواند دل‌های آنان را نسبت به ذات خداوند گرفتار شک سازد. سخت‌تر از سنگ هستند. اگر بر کوه‌ها حمله کنند، آنها را از هم خواهند پاشید... گویی که بر اسبان خود، مانند عقاب هستند. بر زین اسب امام دست می‌کشند و از این کار برکت طلب می‌کنند. گرد امام خویش می‌چرخند و در جنگ‌ها جان خود را سپر او می‌سازند و هر چه او بخواهد، برایش انجام می‌دهند. مردانی که شب‌ها نمی‌خوابند؛ در نمازشان همه‌ای چون صدای زنبور عسل دارند. شب‌ها بر پای خویش ایستاده و صبح بر مرکب‌های خود سوارند. پارسایان شب‌اند و شیران روز. اطاعت آنان در برابر امامشان، از اطاعت کنیز برای آقایش زیادتر است. مانند چراغ‌ها هستند... گویی که دل‌هایشان قندیل است. از ترس خدا بیمناک و خواهان شهادت‌اند. تمنایشان شهید شدن در راه خداست. شعارشان این است: «ای مردم! برای خون خواهی حسین به پا خیزید.» وقتی حرکت می‌کنند، پیشاپیش آنان به فاصله یک ماه ترس و وحشت حرکت کند، آنان دسته دسته به سوی مولا می‌روند. خدا به وسیله آنان، امام راستین را یاری می‌فرماید.^۱

زمینه‌سازان خاص

افزون بر آنچه یاد شد، در بعضی از روایات گروه‌هایی خاص به عنوان زمینه‌ساز مورد توجه قرار گرفته است، سخنانی از معصومان علیهم‌السلام نقل شده است. امام باقر علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوِ ادْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛ گویی قومی را می‌بینم که از شرق، در طلب حق قیام کرده‌اند؛ ولی بدانان نمی‌دهند و باز مطالبه می‌کنند،

اما به آنان نمی‌دهند. پس چون چنین می‌بینند، شمشیرهای خود را بر دوش می‌گیرند. در آن هنگام آنچه را می‌خواهند به آنان می‌دهند؛ ولی نمی‌پذیرند تا اینکه پیروز می‌شوند و آن را جز به صاحب الامر علیه السلام تسلیم نمی‌کنند. کشتگان آنان شهیدند. اگر من آنان را درک کنم، جانم را برای صاحب الامر می‌گذارم.^۱

در این روایت از برپایی قیام‌ها و انقلاب‌هایی در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام خبر داده شده است. افزون بر اینها، روایات دیگری نیز بر این نکته تأکید دارند که پیش از ظهور، حکومتی به رهبری یکی از صالحان در ناحیه مشرق تشکیل می‌گردد و زمینه ظهور را مهیا می‌سازد. این حکومت، تا ظاهر شدن مهدی علیه السلام و تسلیم آن به حضرت ایشان، ادامه می‌یابد.

«بر همین اساس، برخی تشکیل دولت شیعی مذهب صفویه را - که پس از قرن‌ها استیلای حاکمان مستبد و متعصب عامی مذهب، روی کار آمد - همان دولتی دانسته‌اند که در روایات از جمله زمینه سازان حکومت مهدی علیه السلام به شمار آمده است. در زمان ما نیز، برخی از نویسندگان با استناد به ویژگی‌هایی که در روایات آمده، انقلاب اسلامی ایران را - که در سال ۱۳۵۷ خورشیدی به رهبری امام خمینی علیه السلام به پیروزی رسید - همان دولتی دانسته‌اند که زمینه را برای ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام آماده می‌کند که ان شاء الله تا ظهور آن حضرت ادامه می‌یابد.»^۲

در هر صورت، گرچه قراین فراوانی این احتمال را قوت می‌بخشد؛ ولی دلیل قطعی در دست نیست که ثابت کند منظور از حکومت زمینه ساز، همین انقلاب اسلامی ایران است.

این نخستین باری نیست که علمای شیعه، چنین احتمالی را مطرح ساخته‌اند. پیش از این نیز، هرگاه حرکت و انقلابی از ناحیه شرق - به ویژه منطقه خراسان - صورت

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، القیمة، ص ۲۷۳؛ ح ۵۰؛ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

۲. مجموعه مقالات و گفتارها پیرامون حضرت مهدی علیه السلام ص ۲۰۷.

می‌گرفت، این احتمال تقویت می‌شد. البته هیچ یک از آن حرکات‌ها به اندازه انقلاب اسلامی، زمینه‌ساز انقلاب مهدی علیه السلام نبوده‌اند؛ بلکه اصلاً مقایسه آنها با انقلاب اسلامی باطل است. از این رو احتمال اینکه مراد از «دولت زمینه‌ساز» از جمله انقلاب اسلامی ایران باشد و تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام تداوم یابد، بسیار است.^۱

۱. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام ص ۲۰۶ - ۲۰۳.

خودآزمایی

۱. زمینه‌سازان به چه کسانی گفته می‌شود؟ دارای چند دسته ویژگی هستند؟
۲. مهم‌ترین ویژگی‌های اعتقادی زمینه‌سازان کدام است؟ یک مورد را توضیح دهید.
۳. ویژگی‌های رفتاری زمینه‌سازان کدامند؟
۴. در باره آمادگی اجتماعی زمینه‌سازان برای ظهور توضیح دهید.
۵. مقصود از زمینه‌سازان خاص کیانند؟ شرح دهید.



منابع برای پژوهش

۱. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، سید مهدی حائری قزوینی، [بی‌جا]، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ش.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، مدرسه امام علی علیه السلام، قم: ۱۳۸۰ هـ.ش.
۳. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، چ دوم، پرهیزکار، قم: ۱۳۸۰ هـ.ش.
۴. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، تهران، ۱۳۸۱ش.
۵. پور سید آقایی، سید مسعود، با جاری انتظار، مؤسسه آینده روشن، قم، ۱۳۸۷ش.

درس چهارم

قیام‌های پیش از ظهور

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

قیام‌های پیش از ظهور:

دسته‌بندی روایات در این باره:

یک. طاغوت بودن پرچم‌داران قیام‌های پیش از ظهور؛

دو. شکست قیام‌های پیش از ظهور؛

سه. سکوت و خانه‌نشینی؛

چهار. سرزنش شتاب برای نابود کردن دشمنان.

پیش درآمد

یکی از موضوعاتی که در مباحث مهدویت، همواره مورد بحث و مناقشه بوده، حکم قیام‌ها و حکومت‌های دوران غیبت و پیش از قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام است. برخی، با استناد به پاره‌ای روایات، پنداشته‌اند هرگونه تحرک بر ضد فرمانروایان ستمگر، پیش از ظهور امام زمان علیه السلام غیر جایز و ممنوع است. از این رو با هرگونه ندای عدالت‌خواهانه‌ای، مخالفت ورزیده و آن را طاغوت می‌نامند!

اینان بر این گمانند روایات، به پرهیز از هرگونه قیام پیش از ظهور حضرت مهدی علیه السلام سفارش کرده، از تشکیل حکومت و هرگونه قیام مسلحانه پیش از ظهور منع می‌کنند و نیز تأکید کرده این‌گونه قیام‌ها پایانی جز شکست نخواهد داشت.

در برابر، گروهی دیگر با استناد به برخی آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام، برپایی قیام و تشکیل حکومت اسلامی را در عصر غیبت در صورت امکان، امری واجب می‌دانند.

در اینجا به بررسی کوتاهی در روایات مربوط به قیام‌های پیش از ظهور می‌پردازیم.

قیام‌های پیش از ظهور

درباره منع از حرکت‌های اصلاح‌گرایانه در عصر انتظار، روایات گوناگونی نقل شده

که می‌توان آنها را به چند گروه تقسیم کرد:^۱

۱. طاغوت بودن پرچم‌داران قیام‌های پیش از ظهور

بعضی از این روایات، به طور عام، هر گونه شورش و برافراشتن هر پرچمی را پیش از قیام حضرت حجّت علیه السلام محکوم کرده و پرچمدار آن را طاغوت و یا مشرک معرفی می‌کنند.^۲ دو روایت در این بحث مطرح می‌شود:

۱. کلینی با ذکر سند از ابو بصیر نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛^۳

هر پرچمی پیش از قیام قائم بر افراشته شود، پرچم‌دار آن طاغوتی است که در برابر خدا پرستش می‌شود.

اگر چه علامه مجلسی، این روایت را موثق دانسته^۴، ولی سند آن خالی از اشکال نیست؛ زیرا در این سند، «حسین بن مختار» است که برخی وی را توثیق و عده‌ای او را تضعیف کرده‌اند.^۵ در باره محتوای آن می‌توان گفت: واژه «طاغوت» و جمله «يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ»، در این حدیث بیانگر آن است که مقصود از «پرچم برافراشته شده پیش از قیام قائم، پرچمی است که در مقابل خداوند متعال و رسول و امام علیهم السلام برافراشته شود و برافرازنده آن در برابر حکومت خدا، حکومتی تأسیس کند و در پی آن باشد که به خواسته‌های خود، جامه عمل بپوشاند. بنابراین، نمی‌توان شخص صالحی را که برای حاکمیت دین، قیام و اقدام کرده است؛ طاغوت خواند؛ زیرا چنین پرچمی، نه فقط در

۱. از آنجایی که بررسی همه روایات مجال گسترده‌ای می‌طلبد، در اینجا فقط به برخی از روایات اشاره و به صورت مختصر به بررسی آنها می‌پردازیم.

۲. روایات یاد شده را شیخ حر عاملی در «وسائل الشیعه» و محدث نوری در «مستدرک الوسائل» در بابی با عنوان «باب حکم الخروج بالسيف قبل قيام القائم علیه السلام» گرد آورده‌اند.

۳. عَنْهُ [محمد بن یحیی] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵، ح ۴۵۲.

۴. محمد باقر مجلسی، مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۳۲۵.

۵. نک: ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۸۶.

مقابل پرچم قائم علیه السلام برافراشته نشده که در مسیر و طریق و جهت اوست.

۲. روایتی که ابن ابی زینب در کتاب الغیبة به نقل از مالک بن اعین جهنی از امام

باقر علیه السلام با مضمون روایت نخست و با سه سند متفاوت نقل کرده است:

۱-۲. مالک بن اعین جهنی نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ رَايَةِ الْقَائِمِ صَاحِبِهَا طَاغُوتٌ؛^۱ هر پرچمی پیش از قیام قائم

برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است.

در سند این روایت، «علی بن ابی حمزه بطائنی» وجود دارد که «از ارکان واقفیه است»

و دانشمندان علم رجال او را توثیق نکرده‌اند. علامه در کتاب خلاصه وی را به شدت

تضعیف کرده است.^۲ او از وکلای مشهور و مورد اعتماد امام کاظم علیه السلام بود که پس از

زندانی شدن آن حضرت، اموال فراوانی از شیعه به دست او و دیگر وکلا رسید؛ ولی

آنان پس از شهادت امام هفتم، طمع ورزیدند و آن حضرت را آخرین حجت خدا و

همان مهدی موعود علیه السلام معرفی کرده و امامت فرزندش حضرت رضا علیه السلام را منکر شدند تا

اموال را تصاحب کنند!!

مرحوم خوئی پس از نقل کلام موافقان و مخالفان، نتیجه می‌گیرد که نمی‌توان به

وثاقت او حکم کرد.^۳ بنابراین به دلیل ضعف سند، نمی‌توان به این روایت اعتماد کرد.

۲-۲. مالک بن اعین جهنی نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ صَاحِبِهَا طَاغُوتٌ؛^۱ هر پرچمی پیش از قیام قائم

۱. و أخبرنا عبد الواحد بن عبد الله قال حدثنا أحمد بن محمد بن رباح الزهري قال حدثنا محمد بن

العباس بن عيسى الحسيني عن الحسن بن علي بن أبي حمزة عن أبيه عن مالك بن أعين الجهني؛ محمد بن ابراهيم نعماني، الغيبة، ص ۱۱۴.

۲. لأن ابن أبي حمزة البطائني ضعيف جدا؛ علامه حلي، الخلاصه، ص ۹۶، شماره ۲۹.

۳. فلا يمكن الحكم بوثاقته و بالنتيجة يعامل معه معاملة الضعيف؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۲۲۶.

۴. و أخبرنا علي بن الحسين قال حدثنا محمد بن يحيى العطار بقم قال حدثنا محمد بن حسان الرازي

قال حدثنا محمد بن علي الكوفي عن علي بن الحسين عن ابن مسكان عن مالك بن أعين الجهني؛ همان،

ص ۱۱۵.

بر افراشته شود، صاحب آن طاغوت است.

در این سند «محمد بن حسان رازی» است، نجاشی وی را راوی از ضعفاً دانسته و ابن داود از وی با عنوان «ضعیف جداً» یاد کرده‌اند.^۲ با توجه به تضعیف «رازی» توسط این دو نفر به این روایت نیز اعتماد نمی‌شود؛ اگرچه مرحوم خوئی پس از نقل سخن نجاشی و ابن غضائری، وی را بنا بر «اظهر» ثقه دانسته است.^۳

۲-۳. و علی بن أحمد بندنیجی از عبید الله بن موسی علوی از علی بن ابراهیم بن هاشم از پدرش از عبد الله بن المغیره از عبد الله بن مسکان از مالک بن أعین جهنی نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ أَوْ قَالَ تَخْرُجُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ صَاحِبُهَا طَاغُوتٌ؛^۴ هر پرچمی پیش از قیام قائم بر افراشته شود، صاحب آن طاغوت است.

در سند آن، «علی بن أحمد بندنیجی» آمده است که در کتاب‌های رجالی شیخ طوسی و شیخ نجاشی مطرح نگشته و از سوی آنان چیزی در مورد او گزارش نشده است. برخی محققان او را همان ابوالحسن علی بن احمد بن نصر بندنیجی دانسته‌اند که نعمانی از او به نقل روایت پرداخته است.^۵ در این صورت این استاد نعمانی، همان کسی خواهد بود که ابن غضائری درباره‌اش می‌نویسد: «در رمله ساکن بود، ضعیف و ساقط است. به او توجه نمی‌شود.»^۶

حتی اگر ابن غضائری را در بیان اوصاف و احوال راویان، دچار تند روی بدانیم و سخن او را در مورد علی بن احمد بندنیجی نپذیریم، در مورد او توثیقی نداریم تا با

۱. أبو عبد الله الزینبی يعرف و ینکر بین بین یروی عن الضعفاء کثیراً؛ نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۳۸، ش ۹۰۳؛ و نیز: احمد بن حسین غضائری، رجال ابن غضائری، ج ۱، ص ۹۵.

۲. ابن داود، رجال ابن داود، ص ۵۰۲، شماره ۴۲۷.

۳. ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۱۹۰، شماره ۱۰۴۴۳.

۴. و أخبرنا علی بن أحمد البندنیجی عن عبید الله بن موسی العلوی عن علی بن ابراهیم بن هاشم عن أبیه عن عبد الله بن المغیره عن عبد الله بن مسکان عن مالک بن أعین الجهنی؛ همان، ۱۱۵.

۵. علی نمازی شاهرودی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۳۰۲.

۶. احمد بن حسین غضائری، رجال ابن الغضائری، ص ۸۲.

اعتماد بر آن روایات وی را بپذیریم. بنابراین این نقل نیز قابل اعتماد نیست.

یکی از محققان در بررسی دلالت این روایت می‌نویسد: دعوت، دو گونه است:

۱. دعوت حق؛ یعنی؛ دعوت مردم برای به پا داشتن حق و بازگردانیدن زمام امور حکومت، به دست اهل بیت علیهم‌السلام که چنین دعوتی مورد تأیید امامان معصوم علیهم‌السلام است.
۲. دعوت باطل؛ یعنی، دعوت مردم برای مطرح کردن خود و مقصود از «کلُّ رایة» همین بخش دوم در مقابل بخش نخست است؛ یعنی دعوت، در عرض و مقابل دعوت اهل بیت علیهم‌السلام باشد، نه در طول و مسیر آن. بنابراین، قیام‌هایی که بر مبنای دفاع از حریم اهل بیت علیهم‌السلام و دعوت مردم به سوی آنان، صورت گرفته است، به طور کلی، از دایره مصادیق این روایت، خارج‌اند.

ممکن است گفته شود: این حدیث، در بطلان تمام قیام‌های پیش از قیام قائم علیه‌السلام ظهور دارد؛ یعنی، ملاک بطلان، این نیست که دعوت برای خود و در عرض نهضت امامان معصوم علیهم‌السلام صورت بگیرد؛ بلکه ملاک، پیشی گرفتن آن، بر قیام حضرت مهدی علیه‌السلام است؛ خواه دعوت حق باشد و یا دعوت باطل!

اولاً: به احتمال قوی این روایت، ناظر به بعضی از قیام‌های آن زمان است و به اصطلاح، «قضیه خارجی» است، نه حقیقی و ناظر به تمام قیام‌ها نیست و ملاک حق و باطل بودن، همان دعوت به راه راست است.

ثانیاً: روایات بسیاری از امامان معصوم علیهم‌السلام وارد شده که برخی از قیام‌هایی را که بعدها و پیش از ظهور امام زمان اتفاق می‌افتد، کاملاً تأیید کرده و مردم را برای پیوستن به آنان تشویق نموده‌اند؛ همانند «رایة الیمانی» و اگر آن روایت را قضیه خارجی ندانیم، با این روایات، در تعارض خواهد بود.^۱

البته با توجه به عنوانی که نعمانی به باب این روایات داده؛ یعنی «باب ما روی فیمن ادعی الإمامة و من زعم أنه إمام و لیس بإمام و أن کل رایة ترفع قبل قیام القائم

۱. نک: نجم‌الدین طوسی، تا ظهور، ج ۱، ص ۷۸.

فصاحبها طاغوت»^۱ می‌توان گفت: او به عنوان نخستین نقل‌کننده این روایات، چنین فهمیده که مقصود از صاحب پرچم، کسی است که خود را به عنوان امام و یا قائم معرفی کند.

افزون بر آنچه در باره سند روایات گفته شد، اگر با استناد به این روایات، هرگونه قیام و نهضتی را محکوم و غیر مشروع بدانیم، این گونه برداشت، با روایات‌های جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و نیز با سیره پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام تعارض دارد و در مقام تعارض، باید از این روایات صرف نظر کرد.

امام خمینی در برابر کسانی که با تمسک به روایات‌های یاد شده به بهانه‌جویی می‌پردازند، می‌فرماید:

«این احادیث، هیچ مربوط به تشکیل حکومت خدایی عادلانه - که هر خردمند لازم می‌داند - نیست؛ بلکه در روایت اول، دو احتمال است: یکی آنکه راجع به خبرهای ظهور ولی عصر علیه‌السلام باشد و مربوط به علامات ظهور باشد و بخواهد بگوید علم‌هایی که به عنوان امامت قبل از قیام قائم بر پا می‌شود، باطل است - چنانچه در ضمن همین روایات علامت‌های ظهور هم ذکر شده است - و احتمال دیگر آنکه از قبیل پیشگویی باشد از این حکومت‌هایی که در جهان تشکیل می‌شود تا زمان ظهور که هیچ کدام به وظیفه خود عمل نمی‌کنند و همین طور هم تا کنون بوده...»^۲

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «آن روایات [اشاره دارد] که هر کس علم بلند کند با علم مهدی، به عنوان «مهدویت» بلند کند [باطل است].»^۳

۲. شکست قیام‌های پیش از ظهور

روایاتی که بیانگر ناکامی و شکست قیام‌های پیش از قیام حضرت مهدی علیه‌السلام است. این دسته از روایات، در ضمن، به مشروع نبودن تلاش برای ایجاد حکومت اسلامی

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۱۱.

۲. سید روح الله موسوی خمینی، کشف الاسرار، ص ۲۲۵.

۳. همو، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۴.

اشاره کرده است؛ زیرا قیامی که بدون ثمر باشد، از دیدگاه عقل و عقلا ناپسند است.

بعضی از روایاتی که در این باره نقل می‌شود از این قرار است:

کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش از حماد بن عیسی از ربیع... نقل کرده که امام

سجاد علیه السلام فرمود:

وَاللَّهِ لَا يَخْرُجُ وَاحِدٌ مِنَّا قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام إِلَّا كَانَ مَثَلُهُ مَثَلُ فَرْخِ طَارٍ مِنْ

وَكُرِهِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ جَنَاحَاهُ فَأَخَذَهُ الصَّبِيَانُ فَعَبَثُوا بِهِ؛^۱ به خدا سوگند! هیچ

یک از ما پیش از قیام قائم خروج نمی‌کند؛ مگر اینکه مثل او، مانند جوجه‌ای

است که پیش از محکم شدن بال‌هایش، از آشیانه پرواز کرده باشد. در نتیجه

کودکان او را گرفته و با او به بازی می‌پردازند.

از این روایت نتیجه گرفته‌اند که: قیام برای تشکیل حکومت اسلامی، نه فقط بی‌نتیجه

است که گرفتاری و ناراحتی اهل بیت را نیز در پی دارد. بنابراین باید از تشکیل

حکومت اسلامی، پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام چشم پوشید!

یکی از اشکالات این است که این روایت، مرسل است و در سند آن شخصی به نام

ربیع بن عبدالله بن الجارود قرار دارد که هر چند ثقه است؛ ولی از اصحاب امام صادق و

امام کاظم علیهما السلام به شمار می‌آید. بنابراین از نظر طبقه و سال، نمی‌تواند بدون واسطه، از

امام زین‌العابدین علیه السلام روایت نقل کرده باشد.

البته این روایت را نعمانی با اندکی تفاوت، از امام باقر علیه السلام با سند دیگری این چنین

نقل کرده است:

مَثَلُ مَنْ خَرَجَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مَثَلُ فَرْخِ طَارٍ وَفَوْقَ مَنْ وَكُرِهِ

فَتَلَاعَبَتْ بِهِ الصَّبِيَانُ؛^۲ مثل خروج قائم ما خاندان، مانند خروج رسول

۱. علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن حماد بن عيسى، عن ربیع، رفعه عن علی بن الحسین علیه السلام قال: محمد

بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴، ح ۳۸۲؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۹، ح ۱۴.

۲. حدثنا محمد بن همام قال حدثنا جعفر بن محمد بن مالک قال حدثني أحمد بن علي الجعفي عن

محمد بن المثنى الحضرمي عن أبيه عن عثمان بن زيد عن جابر؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه،

ص ۱۹۹، ح ۱۴.

خدا ﷻ است و مثل آن کس که از ما خاندان قبل از قیام قائم به پا خیزد، بسان جوجه‌ای است که پرواز کند و از آشیانه خود فرو افتد و کودکان با آن به بازی پردازند (یعنی دستخوش بازیچه کودکان شود).

این روایت هم به دلیل مجهول و یا مهمل بودن احمد بن علی جعفی و محمد بن مثنیٰ حضرمی و عثمان بن زید جهنی در آن، غیر قابل قبول است. افزون بر آن اینکه جعفر بن محمد بن مالک، (فزاری) به تصریح نجاشی، ضعیف الحدیث و فاسد المذهب است.^۱

اضافه بر اشکال در سند که به آن اشاره شد؛ استناد به این روایت و مانند آن از جهاتی باطل است:

جهت نخست: این روایت در صدد این نیست که اصل جواز قیام را رد کند؛ بلکه پیروزی را نفی می‌کند. اگر چنانچه قائل شویم این روایت نفی جواز می‌کند، پس قیام امام حسین علیه السلام در برابر یزید و نیز قیام زید بن علی و حسین بن علی (شهید فخر) و... را نیز محکوم کرده است! با اینکه بدون تردید، این قیام‌ها مورد تأیید ائمه علیهم السلام بوده است. امام صادق علیه السلام در باره قیام زید شهید فرمود:

وَلَا تَقُولُوا خَرَجَ زَيْدٌ فَإِنَّ زَيْدًا كَانَ عَالِمًا وَ كَانَ صَدُوقًا وَ لَمْ يَدْعُكُمْ إِلَى نَفْسِهِ إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ لَوْ ظَهَرَ لَوْفِي بِمَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ إِنَّمَا خَرَجَ إِلَى سُلْطَانٍ مُجْتَمِعٍ لِنَقْضِهِ؛^۲ قیام زید را به رخ نکشید؛ زیرا او مردی عالم و راستگو بود و شما را به سوی خود دعوت نکرد؛ بلکه به سوی آل محمد علیهم السلام و رضایت آنان دعوت نمود. هر آینه، اگر پیروز می‌شد، به وعده خود وفا می‌کرد. او در برابر سلطنت و حکومتی قیام کرد که محکم و یک پارچه بود و می‌خواست ارکان آن را متلاشی کند.

جهت دوم: پیروز نشدن قیام، دلیل بر نفی تکلیف به قیام نیست؛ به عنوان نمونه «در

۱. کان ضعیفا فی الحدیث قال: أحمد بن الحسین کان یضع الحدیث وضعاً و یروی عن المجاهیل؛ نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۲۲، شماره ۳۱۳.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۶۴، ح ۳۸۱.

جنگ صفین، شایع شد که معاویه مرده است. این خبر باعث شادی مردم شد؛ اما حضرت علی علیه السلام در مقابل شادی مردم، فرمود: سوگند به آن خدایی که جان من در قبضه قدرت او است! معاویه هلاک نمی‌شود تا مردم با او هماهنگ شوند. از آن حضرت پرسیدند: بنابراین پس چرا با او می‌جنگید؟ امام فرمود: «الْتَمِسُ الْعُذْرَ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ؛^۱ می‌خواهم بین خود و خدایم عذر داشته باشم».

این روایت و مانند آن بیانگر این معنا است که انسان مسلمان، باید به تکلیف خود عمل کند و نباید انتظار داشته باشد، حتماً به نتیجه مطلوب برسد.

جهت سوم: شاید مقصود از جمله «مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ» فقط ائمه معصومین علیهم السلام باشند؛ زیرا شیعیان از آنان، انتظار خروج مسلحانه را داشتند و ایشان با توجه به شرایط حاکم بر آن زمان، می‌خواستند با اخبار غیبی، آنان را قانع کنند که هر کس از ما، پیش از قیام قائم خروج کند، به علت نبود امکانات لازم، پیروز نمی‌شود و مصلحت اقتضا می‌کند که خروج مسلحانه نکند.

جهت چهارم: در برخی از روایات، به قیام‌های پیش از قیام قائم بشارت داده شده است که زمینه‌ساز حکومت مهدی علیه السلام هستند. بدون تردید زمینه‌سازی آنها، به لحاظ موفقیت آن قیام‌ها است. افزون بر اینکه ایجاد آمادگی، خود بزرگ‌ترین ثمره آنها می‌باشد. یکی از بارزترین این قیام‌ها خروج یمانی است که در روایات فراوانی، از پرچم او به عنوان هدایت یافته‌ترین پرچم یاد شده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَّاسَانِيَّةِ وَالسُّفْيَانِيَّةِ وَالْيَمَانِيَّةِ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرِ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَ لَيْسَ فِيهَا رَايَةٌ بِأَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيَّةِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ؛^۲

خروج سه نفر - خراسانی و سفیانی و یمانی - در یک سال و یک ماه و یک روز

است. در میان این قیام‌ها، پرچمی هدایت کننده‌تر از پرچم یمانی نیست. آن

پرچم هدایت به حق دعوت می‌کند.

۱. ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۲، ص ۲۵۹.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۶.

امام باقر علیه السلام نیز به این مهم اشاره کرده، دعوت یمانی را به حضرت مهدی علیه السلام دانسته است.^۱

... وَ لَيْسَ فِي الرَّأْيَاتِ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَايَةُ هُدَى لِأَنَّهُ يَدْعُو
إِلَى صَاحِبِكُمْ؛^۲ در میان پرچم‌ها، هدایت‌گر تر از پرچم یمانی نیست.
آن پرچم هدایت است، چون به صاحب شما فرا می‌خواند.

کلینی با ذکر سند از عمر بن حنظله نقل کرده که: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:
خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّيْحَةُ وَالسُّقْيَانِيُّ وَالْخَسْفُ وَقَتْلُ النَّفْسِ
الزَّكِيَّةِ وَالْيَمَانِيِّ؛^۳ پنج نشانه پیش از قیام قائم است: صیحه، سفیانی، فرو
رفتن، کشته شدن نفس زکیه و یمانی.

در این روایات تأکید بر حتمی بودن آنها پیش از قیام قائم علیه السلام است که به طور روشن
با جمله «قبل قیام القائم»، وقوع آن را پیش از قیام حضرت دانسته است.

جهت پنجم: این روایات اگر در صدد نهی از قیام و مبارزه با ستم و فساد باشد، با
آیات جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و نیز با سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام ناسازگار
خواهد بود؛ از این رو باید به دور افکنده شود.

۳. سکوت و خانه‌نشینی

روایاتی که برای مشروع نبودن تلاش در راه ایجاد حکومت اسلامی در دوره غیبت،
بدان‌ها استناد شده است. این روایات مردم را به سکوت و سکون، فرا می‌خواند و از
مشارکت در هر قیام و مبارزه‌ای، پیش از تحقق نشانه‌های ظهور باز می‌دارد. جابر بن
یزید جعفی می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

يَا جَابِرُ! الزَّمِ الْأَرْضَ وَ لَا تُحَرِّكْ يَدًا وَ لَا رِجْلًا حَتَّى تَرَى عَلَامَاتِ أَدْوَمِهَا
لَكَ وَ مَا أَرَاكَ تُدْرِكُهَا اخْتِلَافُ بَنِي فُلَانٍ وَ مُنَادٍ يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَ

۱. این نکته می‌تواند شاهدهی بر آن باشد که صاحب پرچم‌های طاغوت، نه به حق و نه به امام مهدی علیه السلام دعوت می‌کنند.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۶، ح ۱۳.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳.

يَجِيئُكُمْ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِيَةِ دِمَشْقَ؛^۱ بر زمین بنشین (خانه‌نشین باش) و دست و پا نجنبان (فعالیتی نکن)، تا نشانه‌هایی را که برایت یاد می‌کنم، بینی و بدانها برسی؛ نخستین آنها اختلاف بنی عباس است و من در تو نمی‌بینم که آن را دریایی ولی پس از من آن را از من روایت کن و آواز دهنده‌ای از آسمان ندا کند و شما را آوازی از جانب دمشق به فتح برسد...

امام صادق علیه السلام به سدیر می‌فرماید:

يَا سَدِيرُ الزَّمِ بَيْتَكَ وَكُنْ جَلْسًا مِنْ أَخْلَاسِهِ وَاسْكُنْ مَا سَكَنَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ فَإِذَا بَلَغَكَ أَنَّ السُّفْيَانِيَّ قَدْ خَرَجَ فَارْحَلْ إِلَيْنَا وَكُوْ عَلَى رَجْلِكَ؛^۲ ای سدیر! در خانه بنشین و به زندگی بچسب و آرامش داشته باش تا آن هنگام که شب و روز آرام هستند؛ اما هنگامی که خبر رسید سفیانی خروج کرده، به سوی ما بیا، اگرچه با پای پیاده باشد.

از دیدگاه برخی، مقتضای این روایات منحصر به جابر و سدیر نیست؛ بلکه بر همه واجب است تا خروج سفیانی و... قیام قائم علیه السلام سکوت کرده و از قیام و خروج خودداری کنند! در پاسخ به این دیدگاه باید گفت تعمیم حکم به همه افراد، در همه زمان‌ها، متوقف است بر اینکه ما علم داشته باشیم به اینکه شخص یا زمینه خاصی، مورد نظر امام نبوده است.

برخی از بزرگان، مدعی شده‌اند: این گونه روایات، از ساخته و پرداخته‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس است و انگیزه آنان، بازداشتن علویان از قیام و شورش بر ضد فرمانروایان

۱. أخبرنا أحمد بن محمد بن سعيد عن هؤلاء الرجال الأربعة عن ابن محبوب و أخبرنا محمد بن يعقوب الكليني أبو جعفر قال حدثني علي بن إبراهيم بن هاشم عن أبيه قال و حدثني محمد بن عمران قال حدثنا أحمد بن محمد بن عيسى قال و حدثني علي بن محمد و غيره عن سهل بن زياد جميعا عن الحسن بن محبوب قال و حدثنا عبد الواحد بن عبد الله الموصلي عن أبي علي أحمد بن محمد بن أبي ناشر عن أحمد بن هلال عن الحسن بن محبوب عن عمرو بن أبي المقدم عن جابر بن يزيد الجعفي؛ محمد بن إبراهيم نعماني، الغيبة، ص ۲۷۹، ح ۶۷.

۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَدِيرٍ؛ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۸، ص ۲۶۴، ح ۲۸۳.

است.^۱ البته این سخن را به عنوان احتمال می‌توان پذیرفت؛ زیرا جعل احادیث از سوی فرمانروایان - بالأخص امویان - امری عادی و رایج بوده است؛ ولی ادعای قطع و یقین مشکل است.

۴. سرزنش شتاب برای نابود کردن دشمنان

برای اثبات مشروع نبودن برپایی حکومت اسلامی در دوره غیبت، گاهی روایاتی استناد می‌شود که به صبر دعوت کرده و از شتاب، نهی کرده است. در اینجا آمده است: انسان مسلمان، پیش از فرا رسیدن موعد فرج و زوال ملک ستمگر، نباید خود را به زحمت بیندازد و به دنبال برقراری حکومت عال باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ، إِنَّ إِزَالََةَ الْجِبَالِ الرَّوَاسِي أَهْوَنُ مِنْ إِزَالََةِ مُلْكٍ لَمْ تَنْقُضِ أَيَّامَهُ؛^۲ ای علی! برکندن کوه‌های بزرگ آسان‌تر است از برچیدن پادشاهی‌ای که زمانش به سر نرسیده است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

الزُّمُومُ الْأَرْضَ وَ اصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ وَ لَا تُحَرِّكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَ سِيُوفِكُمْ فِي هَوَى السِّنِّتِكُمْ وَ لَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يَعْجَلِ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَ هُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ اسْتَوْجِبَ ثَوَابَ مَا نَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ وَ قَامَتِ النَّيَّةُ مَقَامَ إِصْلَاتِهِ بِسَيِّفِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَ أَجْلاً؛^۳ به زمین بچسبید و بر بلاها صبر کنید؛ دست‌ها و شمشیرهایتان را در جهت خواست‌های زبانتان به حرکت در نیاورید و نسبت به آنچه خداوند برای شما در آن عجله قرار نداده، شتاب نکنید. اگر کسی از شما در رختخواب بمیرد، اما نسبت به خدا و رسول و اهل بیت او، شناخت و معرفت داشته باشد، شهید از دنیا رفته و اجر او با

۱. نک: نجم‌الدین طوسی، تا ظهور، ج ۱، ص ۷۳.

۲. روی حماد بن عمرو و انس بن محمد عن أبيه جميعاً عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جدّه عن علي بن أبي طالب عليه السلام عن النبي صلی الله علیه و آله أنه قال له: صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۵۲، ح ۵۷۶۲.

۳. سید رضی، نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۳.

خدا است و آنچه را از اعمال نیک نیت داشته، پاداشش را خواهد برد و همان نیت خیر او در ردیف به کار گرفتن شمشیر است. بدانید که برای هر چیز مدت و سرآمدی است.

این روایت دلالتی بر مدّعی اندیشه نفی مشروعیت حکومت ندارد؛ زیرا در بیشتر این گونه احادیث، شتاب قبل از موعد و قیام در مواردی که شرایط زمان مهیا نیست، مورد نهی قرار گرفته است، اما اگر زمینه‌های قیام و تشکیل حکومت فراهم باشد، آیا باز هم مبارزه و قیام، همان حکم را دارد؟! این احادیث، در این مورد ساکت است و در صدد بیان چنین حکمی نیست و ممکن است در مقام تقیه صادر شده باشند. بدون تردید سخن امام علی علیه السلام نیز در ارتباط با مورد خاص و شرایط ویژه است.

از طرفی روایاتی نقل شده که در آن بسیاری از قیام‌های علویان و غیر آن مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین قیام‌هایی صورت گرفته که شیعیان و عالمان معروف در آن شرکت داشته‌اند. این دسته از احادیث، روایات پیشین را توضیح داده و تفسیر می‌کنند. صاحب *وسائل الشیعه* به نقل از محمد بن ادریس، آورده است: «فردی در محضر امام صادق علیه السلام سخن از قیام به میان آورد و از خروج کسانی که از اهل بیت قیام می‌کنند، سؤال کرد. حضرت فرمود:

لا أزال أنا و شیعتی بخیر ما خرج الخارِجی من آلِ مُحَمَّدٍ و لَوَدِدْتُ أَنْ
الخارِجی من آلِ مُحَمَّدٍ خَرَجَ و عَلَی نَفَقَةُ عِیَالِهِ؛ پیوسته من و شیعیانم بر خیر
هستیم تا هنگامی که قیام کنندگان از آل محمد علیهم السلام قیام کند. چقدر دوست
دارم که شخصی از آل محمد علیهم السلام قیام کند و من مخارج خانواده او را
بپردازم.

نکته قابل توجه اینکه حر عاملی این روایت را در همان بابی که روایات منع از قیام را آورده، نقل کرده است. افزون بر آن، تأیید برخی از قیام‌ها - از جمله قیام زید، قیام

حسین بن علی شهید فخر و قیام تواین - خود دلیلی بر تأویل روایات ناهی از قیام است.^۱ بنابراین بر فرض صحیح بودن اسناد بعضی از احادیث، هیچ یک از آنها نمی‌تواند مشروعیت قیام و حکومت در عصر غیبت را زیر سؤال ببرد؛ بلکه این گونه روایات، قیام‌هایی را ممنوع و محکوم به بطلان می‌داند که دارای شرایط لازم نیست و یا جهت اهداف فاسد و هواها و هوس‌ها انجام می‌شود.

پس اگر قیامی با شرایط بیان شده در شرع، زیر نظر حاکم عادل (فقیه) انجام پذیرد و اهداف آن نیز بر اساس شریعت شکل گرفته باشد، زمینه ساز قیام حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود و نه تنها از آن نهی نخواهد شد؛ بلکه در برخی از موارد، تلاش برای برپایی آن، واجب خواهد بود.

به نظر می‌رسد برخی با مطرح کردن این بحث‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، به نوعی حرف دشمن را بیان می‌کنند.

۱. نک: محمدصادق مزینانی، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، چشم به راه مهدی علیه السلام ص ۱۱۹ -

خودآزمایی

۱. در باره طاعت بودن پرچم‌داران به چه روایتی استدلال شده است؟ اشکالات آن را توضیح دهید.
۲. روایاتی را که سخن از شکست قیام‌های پیش از ظهور به میان آورده بیان نمایید و یک روایت را شرح دهید.
۳. موضع‌گیری پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در برابر قیام‌های هم‌عصر آنان چگونه بوده است؟ با ذکر دو مثال شرح دهید.
۴. روایاتی که برخی اصحاب را به خانه نشینی و سکوت توصیه کرده، به چه چیزی دلالت می‌کند؟ تا چه اندازه می‌توان با آنها بر قیام‌های پیش از ظهور استدلال کرد؟
۵. ارتباط روایات مذمت شتاب برای نابود کردن دشمنان، با قیام‌های پیش از ظهور چگونه است؟ یک روایت را در این زمینه بررسی نمایید.



منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم‌الدین، تا ظهور، دو جلد، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه‌السلام قم، ۱۳۸۸ ش.
۲. دشتی، محمد، آینده و آینده‌سازان، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر مؤمنان، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۱ ش.
۳. مزینانی، محمد صادق، «حکومت اسلامی در عصر انتظار»، چشم به راه مهدی علیه‌السلام، ج سوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۴. رضوانی، علی اصغر، موعود شناسی، چاپ اول، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.
۵. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه و ولایت ققاهت و عدالت، قم، اسراء، ۱۳۷۹ ش.

دشمن شناسی استناد به مهدویت

درس پنجم

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

۱. ضرورت دشمن شناسی؛
۲. برخی عوامل مخالفت و دشمنی با حق؛
۳. راهبرد دشمنان برابر مهدویت؛
۴. راههای مقابله با دشمن.

پیش درآمد

برای رسیدن به هدف، لازم است تا موانع راه به خوبی و روشنی شناخته شود؛ از این رو «دشمن‌شناسی» در آموزه‌های دینی، همواره مورد توجه و سفارش بوده است. در همه دوران‌ها در برابر حق، باطل به مخالفت و دشمنی پرداخته است؛ از رویارویی ابلیس با آدم علیه السلام و از قابیل با هابیل علیه السلام تا فرعون و موسی علیه السلام و ابوسفیان در برابر پیامبر خاتم صلوات الله علیه و... همه از بی‌پایان بودن این دشمنی‌ها حکایت می‌کند.

حضرت مهدی علیه السلام، به عنوان آخرین ذخیره الهی برای برپایی حکومت عدل جهانی و پایان‌بخش همه باطل‌ها، از آغاز تا به امروز و تا برپایی آن حکومت جهانی، همواره مورد دشمنی بوده و هست؛ بویژه آنکه اندیشه مهدویت، و انتظار ظهور سبب می‌شود تا استکبار و دشمنان به بسیاری از خواسته‌های خود دست نیابند.

بایسته است با شناسایی این دشمنی‌ها و جدی بودن مبارزه دشمنان با مقوله مهدویت، با قوت و قدرت به پاسداشت این اعتقاد اساسی بپردازیم و با بهره‌گیری از شیوه‌ها و روش‌های دقیق، به اقدامات لازم دست بزنیم.

این بحث در عرصه‌هایی قابل بررسی است:

یک. ضرورت دشمن‌شناسی

آیات قرآن در حوزه‌های گوناگون، به این بحث پرداخته و دشمنان را به صراحت

معرفی کرده است. در بررسی آیات، گروه‌های زیر بیشتر به چشم می‌خورد:

۱-۱. کافران، دشمن خدا و مؤمنان

خداوند در آیات فراوانی، کافران را دشمن خود و دشمن دوستان خود دانسته و مسلمانان را از دوستی با آنان پرهیز داده است؛ چنان که در سوره ممتحنه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ...﴾^۱؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی می‌گیرید؛ [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید، و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده، کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مکه] بیرون می‌کنند که [چرا] به خدا، پروردگارتان ایمان آورده‌اید... .

بنابراین مهم‌ترین تلاش کافران، زدودن دین از زندگی انسان‌ها و به گمان خود خاموش کردن نور الهی است؛^۲ کاری که امروزه به روشنی در دستور کار دشمنان قرار گرفته است.

۱-۲. یهود سرسخت‌ترین دشمن

آیات قرآن از «یهود» به عنوان دشمن‌ترین گروه برای مؤمنان یاد کرده و پس از آنان به «مشرکان» اشاره نموده است.

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...﴾^۳؛ مسلماً

یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت... .

آیاتی دیگر علت این دشمنی را کفر به آیات خداوند،^۴ تکذیب و قتل برخی

۱. ممتحنه (۶۰)، آیه او ۲.

۲. توبه (۹)، آیه ۳۲.

۳. مائده (۵)، آیه ۸۲.

۴. همان، آیه ۷۸.

پیامبران،^۱ سلطه‌جویی و خوی استکباری،^۲ روحیه عصیان و تجاوزگری،^۳ فساد در زمین^۴ و جنگ‌افروزی^۵ دانسته است.

۱-۳. مشرکان

«مشرکان» در دشمنی با مسلمانان، همانند یهودیان هستند؛ اما در مرتبه و اولویت دوم قرار دارند و خطر ایشان کمتر از یهود است؛ لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در طول مدت رسالت خود، همواره مراقب تحرکات و اقدامات آنان بوده و چنانچه هرگونه تحرکی از طرف آنها می‌دید، به مقابله و رفع آن می‌پرداخت.

۱-۴. منافقان

در آیات فراوانی از نفاق و منافقان به عنوان دشمنی خطرناک یاد شده و ویژگی‌های آنان، کفر ورزیدن در پوشش ایمان، فریب‌کاری و نیرنگ، فساد در پوشش اصلاح، چند چهرگی و رنگارنگی، سفاقت و نادانی، طغیانگری و سرکشی،^۶ تشویق مردم به منکرات، جلوگیری از نیکی‌ها، دروغ‌گویی^۷ و... دانسته شده است.

۱-۵. نصارا

اگرچه نگاه قرآن به مسیحیان ملایم‌تر از یهود است؛ اما این نگاه هرگز به معنای دوستی آنان با مسلمانان نیست؛ بلکه در آیاتی، مؤمنان را از دوستی با آنان پرهیز داده است.^۸ آنجایی که تعالیم حضرت عیسی علیه السلام بیشتر بر محور مواعظ و توصیه‌های اخلاقی تکیه دارد و رفتارهای سیاسی - اجتماعی پیروان او نیز ریشه در این آموزه‌ها دارد؛ از این

۱. همان، آیه ۷۰.

۲. بقره (۲)، آیه ۸۷.

۳. مائده (۵)، آیه ۷۸.

۴. همان، آیه ۶۴.

۵. همان.

۶. نک: بقره (۲)، آیات ۸ تا ۱۴.

۷. نک: توبه (۹)، آیه ۶۷ و منافقون (۶۳)، آیات ۱ تا ۸.

۸. مائده (۵)، آیه ۵۱.

رو آنان از مواضع صلح جویانه بیشتر استقبال می‌کنند. به همین جهت قرآن در پایان همین آیه می‌فرماید:

﴿ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَسِيْبٌ وَرُهْبَانًا وَآنَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ﴾^۱؛ زیرا برخی از

آنان دانشمندان و رهبانانی‌اند که تکبر نمی‌ورزند.

اینان در مرتبه سوم دشمنی قرار گرفته‌اند و امروزه نیز مواضع سیاسی و نظامی دولت‌های مسیحی در ارتباط با مسلمانان بیانگر همین واقعیت است. گروه‌های یادشده در دشمنی با اسلام ناب، «مهدویت» را به عنوان آموزه‌ای تأثیر گذار، همواره مورد هجوم خود قرار داده‌اند.

دو. عوامل مخالفت و دشمنی با حق

۱-۲. دنیاپرستی

بدون تردید «دنیا پرستی»، از مهم‌ترین عواملی است که شمار فراوانی از انسان‌ها را از مسیر حق جدا کرده،^۲ آنها را در صف دشمنان قرار داده است. تاریخ گواه روشنی است بر اینکه افرادی به جهت بهره‌های ناپایدار دنیایی، در برابر حق و اهل آن، به مخالفت و دشمنی برخاسته‌اند؛ خواه این بهره‌ها، ثروت، جاه و مقام باشد و خواه هوا و هوس و....

از آنجایی که جهت آموزه مهدویت مبارزه با دنیا پرستی و دنیا پرستان و خلاف خواسته‌های آنان است؛ به شدت مورد دشمنی آنها قرار دارد.

۲-۲. سلطه جویی

آموزه‌های بلند دینی با هر گونه استکبار و «سلطه جویی» بر دیگران مخالف است؛ بویژه آنکه در اندیشه مهدویت نابودی ستم و ستمگران به عنوان هدفی مهم به چشم می‌آید؛ از این رو سلطه جویان، آن را در مقابل خود می‌دانند. به گونه‌ای که می‌توان

۱. همان، آیه ۸۲

۲. امام سجاد علیه السلام فرمود: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۳۰،

ح ۱۱. و نیز: آمدی، *غرر الحکم و درر الکلم*، ص ۱۴۲، ح ۲۵۱۹.

گفت دشمن ترین اشخاص با مهدویت و حضرت مهدی علیه السلام، ستمگران و سلطه جویان عالم اند.

آنان با این عقیده، مخالف و دشمن اند و می دانند که این عقیده و باور، برای هدف های مستکبرانه آنها مزاحم است. از این رو همواره، تلاش کرده اند تا آن را از زندگی مردم دور نمایند و یا مفاهیم این باورداشت را تحریف کنند.

۲-۳. تعصب های کور

در طول تاریخ گروه هایی بوده اند که با پافشاری بی جا بر پندارها و گاهی باورهای خود، در بیراهه و کژراهه گام نهاده اند. اینان به جهت تعصب های کور از پذیرش حقیقت هایی را که پیامبران الهی بیان کرده اند، سر باز زده و به دشمنی با آن برخاسته اند. خداوند متعال لجبازی برخی را در برابر حق را این گونه توصیف کرده است:

﴿وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ﴾^۱ و اگر پاره

سنگی را در حال سقوط از آسمان ببینند، می گویند: «ابری متراکم است.»

اینان آنقدر لجوج اند که حقایق حسی را منکر می شوند و سنگ های آسمانی را به ابرهای متراکم تفسیر می کنند. تاریکی گناه و هوا پرستی و دشمنی و لجاجت، چنان افق دید انسان را تیره و تار می سازد که حتی عاقبت کار او به انکار محسوسات می کشد و با این حال امیدی برای هدایت او نیست.

اینان به فکر و اندیشه ارج نمی نهند و با بی اعتنایی به برهان و استدلال محکم، بر ایمان سطحی و تقلیدی خویش پافشاری می کنند. شهادت تجزیه و تحلیل را ندارند و از شنیدن حق و پذیرفتن آن امتناع می ورزند.

گروه فراوانی از دشمنان حضرت مهدی علیه السلام و اندیشه مهدویت، صرفاً به جهت تعصب بی جا مخالفت می ورزند و آن را به این جهت که در منابع روایی شیعه آمده است، نمی پذیرند.

۱. طور (۵۲)، آیه ۴۴.

۴-۲. ناآگاهی از حقیقت مهدویت

از افتخارات مهم اسلام، دعوت انسان‌ها به اندیشیدن و کسب آگاهی است. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام همواره پیروان خود را به خردورزی سفارش کرده‌اند تا مبادا در دام جهل و نادانی به انکار حقایق نرسند. خداوند متعال دلیل انکار آیات الهی را به سبب جهل برخی از افراد دانسته است:

﴿إِن كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ...﴾^۱ بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن، احاطه نداشتند....

آنها قرآن را به جهت اشکالات و ایرادهایی انکار نمی‌کردند؛ بلکه تکذیب و انکارشان این دلیل بود که از محتوای آن آگاهی نداشتند و عامل انکار جهل آنها بود. همین طور بخش قابل توجهی از کسانی که به دشمنی با اندیشه مهدویت برخاسته‌اند، به سبب ناآگاهی از حقیقت این باور بوده است.^۲

سه. راهبرد دشمنان در برابر مهدویت

امروزه دشمنان، به عظمت و کارآیی این اعتقاد پی برده و به هر طریق با این اعتقاد دشمنی می‌کنند و در این مبارزه از «راهبردهای مختلفی» بهره می‌برند؛ از قبیل:

۳-۱. انکار

نخستین حربه و شگرد دشمنان در مواجهه با بحث مهدویت «انکار» آن است که با القای شبهه‌هایی چون متولد نشدن حضرت، عدم امکان طول عمر و... همراه است. آنان مهدویت را برآمده و پاسخی خیالی به نابسامانی‌ها و حوادث تاریک و ستم‌آلود زندگی دانسته‌اند و یا آن را باوری وارداتی از دیگر ادیان پنداشته‌اند! روشن است که این انکار گستره‌ای وسیع‌تر از باور شیعی را هدف گرفته است.

۳-۲. تحریف

آن‌گاه که دشمن در عرصه انکار چندان طرفی نبست، به راهبرد تحریف متوسل شده

۱. یونس (۱۰)، آیه ۳۹.

۲. البته نگارنده معترف است که در میان آموزه‌های روشن مهدویت بحث‌های آسیب‌زای فراوانی وارد شده که سبب شده برخی به حقایق این اعتقاد دست نیابند.

است. او در قالب پذیرش این باور، آن را به گونه‌هایی نادرست ارائه می‌کند. و در این عرصه نقش قلم به مزدان دین فروش بسیار دارای اهمیت است! آنان با آشنایی با بعضی از این آموزه‌ها، می‌توانند نقاط ضعف آن را برجسته و به اهداف شوم دشمنان یاری رسانند.

۳-۳. تخریب

راهبرد دیگر دشمنان در برابر این باور تخریب آن است. این تخریب به‌طور عمده به دو صورت تحقق می‌یابد:

الف. القای شبهه: آنان با بیان زیرکانه برخی پرسش‌ها و شبهه‌ها، ذهن مخاطبان را دچار تشویش کرده، این باور را مخدوش می‌سازند. امروزه بخش قابل توجهی از این شبهه‌ها، از طرف مخالفان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، ناجوانمردانه کسانی را در معرض هجوم قرار می‌دهد که از توانایی لازم، برای تجزیه و تحلیل مطالب برخوردار نیستند. آنان که در برابر دانشمندانی بزرگ، چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی راه به جایی نبرده‌اند، انسان‌های عادی را مورد هجوم قرار می‌دهند.^۱

البته پیشوایان معصوم علیهم‌السلام موضع مؤمنان را در برابر شبهه افکنی دشمنان، به روشنی بیان کرده‌اند. امام هشتم از پدران علیهم‌السلام روایت کرده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لَيَغَيَّبَنَّ الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي بِعَهْدٍ مَعْهُدٍ إِلَيْهِ مِنِّي حَتَّى يَقُولَ أَكْثَرُ النَّاسِ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ حَاجَةٌ وَ يَسْئُكُ آخِرُونَ فِي وِلَادَتِهِ فَمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ فَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ وَ لَا يَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ إِلَيْهِ سَبِيلًا بِشَكِّهِ فَيَزِيلَهُ عَن مِلَّتِي وَ يُخْرِجَهُ مِن دِينِي فَقَدْ أَخْرَجَ أَبُو نَكْمٍ مِنَ الْجَنَّةِ مِن قَبْلُ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ؛^۲

قسم به کسی که مرا بشیر مبعوث کردا به یقین امام قائم از فرزندان من است و طبق پیمانی که از جانب من بر عهده اوست، غایب می‌شود تا آنجا که بیشتر

۱. متأسفانه هر سال شاهد نشر کتاب‌ها و جزواتی در دشمنی با مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در مراسم

وحدت‌بخش حج هستیم که بی‌گمان در راستای خشنودی صهیونیسم جهانی است.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۵۱.

مردم می‌گویند: خدا را در خاندان محمد حاجتی نیست! و دیگران در اصل ولادت او شک می‌کنند، پس هر کس در زمان او واقع شود، بایستی به دین او متمسک شود و به واسطه شک خود راه شیطان را باز نسازد تا شیطان او را از آیین من زایل ساخته و از دین من بیرون برد. او پیش‌تر پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و خدای تعالی شیطان را ولی بی‌ایمانان قرار داده است.

ب. تحقیر و استهزا: همواره در طول تاریخ یکی از جلوه‌های دشمنی در برابر حق «مسخره کردن» حق^۱ و باورمندان^۲ به آن بوده است.

امروزه دشمنان بخشی از خصومت خود را در استهزای این باور نشان می‌دهند؛ همان‌گونه که در صدر اسلام چنین می‌کردند. خداوند این برخورد را این‌گونه توصیف کرده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ﴾^۳ [آری در دنیا] کسانی که گناه می‌کردند، آنان را که ایمان آورده بودند، به ریشخند می‌گرفتند!

این خنده تمسخرآمیز و تحقیر کننده، ناشی از روح طغیان و کبر و غرور و غفلت است، و همیشه افراد سبکسر مغرور در برابر مؤمنان با تقوا چنین خنده‌های مستانه داشته‌اند.

در آیه بعد دومین برخورد زشت آنها را بیان کرده، می‌فرماید:

﴿وَ إِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ﴾^۴ و چون بر ایشان می‌گذشتند، اشاره چشم و ابرو با هم ردّ و بدل می‌کردند.

البته آنچه باعث تأسف است، دشمنی مسلمانان با این باور در بین پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است. غافل از اینکه بیشترین نفع را در این جریان، دشمنان اسلام می‌برند! خداوند متعال برای تقویت قلب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به او اطمینان می‌دهد که در برابر استهزا کنندگان از وی حمایت می‌کند:

۱. حجر (۱۵)، آیه ۱۱.

۲. بقره (۲)، آیه ۱۳.

۳. مطفین (۸۳)، آیه ۲۹.

۴. همان، آیه ۳۰.

«إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ»^۱؛ ما [شر] ریشخندکنندگان را از تو برطرف خواهیم کرد.

«فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَاتِهِمْ أَنْبِؤُا مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ»^۲؛ [آنان] در حقیقت به تکذیب پرداختند و به زودی خیر آنچه که بدان ریشخند می کردند، بدیشان خواهد رسید.

۳-۴. جلوگیری از ترویج حق

از حربیه‌های دیگر دشمنان در برابر گسترش حق و حقیقت، جلوگیری از گسترش آن است. این مسئله در زمان رسول گرامی اسلام ﷺ، با گرفتن گوش‌ها و یا ایجاد سر و صدا برای نشنیدن صدای قرآن صورت می گرفت:

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ»^۳
 کسانی که کافر شدند گفتند: «به این قرآن گوش مدهید و سخن لغو در آن اندازید، شاید شما پیروز شوید!»

برپا کردن جنجال و هياهو، روش قدیمی برای مبارزه در برابر نفوذ حق است که امروز نیز به صورت گسترده‌تر و خطرناک‌تری ادامه دارد. برای منحرف ساختن افکار مردم و خفه کردن صدای منادیان حق و عدالت، محیط را آن چنان پر از جنجال می کنند که هیچ کس صدای آنها را نشنود، و با توجه به اینکه «و الغوا» از ماده «لغو» معنای گسترده‌ای دارد و هر گونه کلام بیهوده‌ای را شامل می شود، وسعت این برنامه روشن خواهد شد.

امروزه هر چند سردمداران کفر به روشنی توصیه به پرهیز از شنیدن صدای حق نمی کنند، اما با گسترش امور لغو و بیهوده (مانند فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی مبتذل؛ بازی‌های رایانه‌ای و صداها ابزار دیگر) به طور عملی، جلوی اندیشیدن در سخن حق را می بندند.

۱. حجر (۱۵)، آیه ۹۵.

۲. شعرا (۲۶)، آیه ۶.

۳. فصلت (۴۱)، آیه ۲۶.

۳-۵. جایگزینی

یکی دیگر از شگردهای دشمنان «جایگزین سازی» است. آنها که نمی‌توانند علاقه فطری انسان‌ها را به حق و حقیقت از بین ببرند، امور باطلی را در پوشش حق ارائه می‌کنند. خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿وَ إِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِن هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾^۱ و چون آیات ما بر آنان خوانده شود، می‌گویند: «به خوبی شنیدیم، اگر می‌خواستیم، قطعاً ما نیز همانند این را می‌گفتیم، این جز افسانه‌های پیشینیان نیست.»

یکی از کارهای اساسی دشمن، جایگزین کردن اشخاص و جریان‌های دروغین به جای درست است. تاریخ گواه آن است که بسیاری از مدعیان مهدویت، نیابت و ملاقات، دست‌پروردگان و مزدوران دشمنان بوده‌اند.

این راهبرد دشمن در دوران حاضر، در قالب فیلم‌ها، سریال‌ها و بازی‌های هیجان‌آور رایانه‌ای با محوریت منجی - به صورت مستقیم و غیر مستقیم - به علاقه‌مندان ارائه می‌شود.

۳-۶. گمراه کردن پیروان

دشمنان همواره در صدد انحراف به پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هستند و می‌کوشند تا با آلوده کردن آنان به گناه، کیان و عظمت آنان را متزلزل سازند. آنان امروزه همه تلاش خود را در به انحراف کشاندن جوانان مسلمان و شیعه به کار می‌برند؛ چرا که می‌دانند تا ایمان و اعتقاد آنها ثابت و استوار باشد، راه به جایی نخواهند برد. آنان هزینه‌های سنگینی را صرف می‌کنند تا مردم را از خداوند دور سازند^۲ و مهم‌ترین کارشان، اشاعه فساد و تباهی است.^۳

۱. انفال (۸)، آیه ۳۱.

۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ...﴾؛ «بی‌گمان، کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند...»؛ انفال (۸)، آیه ۳۶.

۳. ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾؛ «و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا دور سازند و گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود.»؛ لقمان (۳۱)، آیه ۳۰.

چهار. راه‌های مقابله با دشمن

در آیات قرآن و بیانات بزرگان دین بعضی از راه‌های مقابله با دشمنان نیز بیان شده است که از این قرارند:

۴-۱. شکیبایی و تقوا

خداوند وعده داده اگر مسلمانان «صبر و تقوا» پیشه سازند، هرگز نیرنگ دشمنان به آنان آسیبی نمی‌رساند.

«... وَ إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ

مُحِيطٌ»؛ اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، نیرنگشان هیچ زیانی به شما نمی‌رساند. یقیناً خداوند به آنچه می‌کنند، احاطه دارد.

این سنت الهی، مربوط به زمانی غیر از زمان دیگر نیست و امروزه پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به شدت نیازمند شکیبایی و پرهیزگاری‌اند.

۴-۲. مجهز شدن به تجهیزات مناسب

یکی از راه‌های مقابله با دشمنان «فراهم آوردن همه امکانات مناسب» برای رویارویی با آنان است:

«وَ أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ

عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...»؛ هر چه در توان دارید، از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید.

از آنجایی که این عرصه کارزار فرهنگی است، سلاح مناسب خود را می‌طلبید و مهم‌ترین سلاح در این زمینه، بالا بردن آگاهی و بصیرت است.

دشمنان برای اینکه بتوانند نقشه‌های شوم خود را اجرا کنند، همیشه از راه دشمنی وارد نمی‌شوند. گاهی با دراز کردن دست دوستی و در پس آن دشمنی، از ناآگاهی

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۲۰.

۲. انفال (۸)، آیه ۶۰.

مسلمانان به اهداف خود می‌رسند. قرآن مجید از این نقشه‌های شوم پرده برداشته، مسلمانان را از دوستی با کافران^۱، منافقان، یهود، نصارا^۲ و... پرهیز داده است.

امروزه دشمنان با طرح شعارهای بشر دوستانه، به دنبال مسخ باورهای اسلامی هستند و/متأسفانه شاهد دوستی برخی از سران مسلمانان با آنها هستیم.

۳-۴. مبارزه منفی با دشمنان

یکی از راه‌های عملی مبارزه با دشمنان، در بی‌توجهی به آنها و «مبارزه منفی» است. قرآن خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِنَّ إِنَّمَا كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾^۳ سر بر هیچ مرده‌ای از آنان نماز مگذار و بر سر قبرش نایست؛ چرا که آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مُردند.

۴-۴. شناساندن دشمن

مرور زمان گاهی دشمن را از یاد انسان‌ها - بویژه نسل نو - به فراموشی می‌برد. خداوند در آیاتی مسلمانان را به یادآوری چهره دشمن و دشمنی‌های آنها متذکر می‌شود.^۴ امروزه چهره بسیاری از دشمنان، در پس نقابی از دوستی قرار گرفته و این کار شناخت آنان را - بویژه برای جوانان - بسیار مشکل کرده است!

۵-۴. همکاری نکردن با دشمنان

آموزه‌های دینی و دستورات پیشوایان معصوم علیهم‌السلام همواره بر عدم همکاری با دشمنان پافشاری کرده است؛ تا جایی که کمترین مساعدت با آنها را گناهی بزرگ دانسته‌اند.

۱. آل عمران (۳)، آیه ۲۸.

۲. مائده (۵)، آیه ۵۱.

۳. توبه (۹)، آیه ۸۴.

۴. نک: سوره منافقون، جمعه و ...

۴-۶. اتحاد و برادری

خداوند یکی از ابزارهای مهم در برابر دشمن را «اتحاد و یکپارچگی» معرفی کرده است:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾؛^۱ همگی به ریسمان خدا چنگ

زنید و پراکنده نشوید.

امروزه در برابر انسجام دشمنان علیه باورهای دینی، بیش از هر زمان دیگر نیازمند همدلی و اتحاد هستیم. همه باورداران به حضرت مهدی علیه السلام باید ضمن مقابله با فعالیت‌های دشمنان، همه حرکات آنها را زیر نظر داشته، هرگز از شیطنت‌هایشان غفلت نکنند.

۱. آل عمران (۳)، آیه ۱۰۳.

خودآزمایی

۱. از نگاه قرآن دشمنان به چه گروه‌هایی تقسیم شده‌اند؟ دو گروه را توضیح دهید.
۲. یکی از عوامل مخالفت و دشمنی با حق، دنیاپرستی است؛ در این باره توضیح دهید.
۳. راهبردهای دشمنان را در برابر اعتقاد به مهدویت نام برده، دو نمونه را توضیح دهید.
۴. راه‌های مقابله با دشمنان مهدویت کدامند؟ یک مورد را به تفصیل بیان نمایید.
۵. به نظر شما مهم‌ترین راهبرد دشمنان در برابر اعتقاد به مهدویت در عصر کنونی چیست؟



منابع برای پژوهش

۱. جعفری اریسمانی، رحمت، دشمن‌شناسی از دیدگاه قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۲. جمعی از نویسندگان، درسنامه تاریخ تحلیلی دشمن‌شناسی، قم، مؤسسه اطلاع‌رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، ۱۳۸۳ ش.
۳. جعفری، محمد صابر، مهدی انکاری، انتظار ستیزی، فصلنامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۵، پاییز ۱۳۸۱ ش.
۴. باقری، خسرو، آسیب‌شناسی مهدویت، فصلنامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۰ ش.

درس ششم نشانه‌های ظهور (مفاهیم و کلیات)

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

نشانه‌های ظهور:

۱- آشنایی با مفاهیم:

علائم؛ آیت؛ دلالت؛

آخِرُ الزَّمان؛

ملاحم و فتن؛

ظهور؛ خروج؛ قیام؛

اشراف الساعة.

۲- آشنایی با کلیات:

نشانه‌های آخِرُ الزَّمان؛

نشانه‌های ظهور؛

نشانه‌های قیام؛

نشانه‌های قائم؛

نشانه‌های خروج؛

نشانه‌های ظهور توصیف یا تمثیل؟

شمار نشانه‌ها.

پیش‌درآمد

یکی از بحث‌هایی که امروزه به گونه‌ای در کانون توجه علاقه‌مندان مباحث مهدویت و نیز دشمنان این باور قرار گرفته، بحث «نشانه‌های ظهور» است. علاقه‌مندان بدان توجه کرده‌اند، چون آنان با تطبیق رخدادها، جایگاه خود را با عصر ظهور در می‌یابند و فعالیت‌های دشمن را رصد می‌کنند. دشمنان در هر حال نگران و مضطرب آن رخداد بزرگ هستند و می‌پندارند با آگاهی از نشانه‌ها، می‌توانند در مقابله با ظهور به پیروزی‌هایی دست یابند.

نخستین گام بررسی کامل و نتیجه‌بخش این بحث، مراجعه به روایات و سخنان بزرگان دین است که از رخدادهای شگرف و شگفت‌آور در پایان دوران حکایت دارند.

در این درس در حد امکان، به بحث‌های کلی پرداخته می‌شود تا زمینه برای بررسی‌های دقیق فراهم گردد.

یک. آشنایی با مفاهیم

از آنجایی که بررسی‌های ژرف در این موضوع نیازمند بهره‌گیری از برخی واژه‌ها و «مفاهیم» است و از طرفی تعریف روشنی از بعضی از آنها در دست نیست؛ از این رو، گام نخست آن است که این واژه‌ها در حد امکان بازکاوی و تعریف شود. برخی از این واژه‌هایی که در بحث نشانه‌ها به کار رفته، عبارت است از:

۱-۱. علایم

«علایم» جمع «علامه»، از ریشه «علم» به معنای «نشانه» است. و در عربی به معنای «آیه و دلالت» آمده است. از این رو علم به معنای پرچم است که لشکر به نشانه آن گرد آیند.^۱ ابن فارس گوید: علم به معنای نشانه‌ای است که در چیزی باشد و آن را از دیگری مشخص و متمایز نماید.^۲

به گفته ابن منظور: علامت به معنای نشانه (السمة) و هم‌ریشه با علم و مترادف با آن است. وی علامت و علم را به «فاصله بین دو قطعه زمین» و «چیزی که در بیابان برپا می‌شود تا افراد راه گم کرده، به سبب آن راه را پیدا می‌کنند». معنا کرده است!^۳ این واژه در فارسی به «نشانه»، برگردان شده و آن عبارت است از آنچه که سبب شناختن کسی یا چیزی شود.^۴

اگرچه واژه «علامات» - به صورت جمع - فقط یک بار در قرآن آمده،^۵ اما در روایات، فراوان ذکر شده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عِلْمَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا...^۶ همانا برای اهل دین نشانه‌هایی است که بدان شناخته می‌شوند.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: لقمان به فرزندش گفت:

يَا بُنَيَّ! لِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمَةٌ يُعْرَفُ بِهَا وَ يُشْهَدُ عَلَيْهَا!^۷ ای پسرکم! برای هر چیز نشانه‌ای است که به آن شناخته می‌شود و بر آن گواهی می‌دهد.

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۱۰۹.

۳. نک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۴۱۶.

۴. محمد معین، فرهنگ معین، ص ۱۱۱۵.

۵. ﴿وَ عِلْمَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ و نشانه‌هایی [دیگر نیز قرار داد]، و آنان به وسیله ستاره [قطبی] راه‌یابی می‌کنند. نحل (۱۶)، آیه ۱۶.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۳۹.

۷. صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۲۱.

از این رو می توان گفت: «نشانه» یکی از ابزار شناخت است. دقت در این روایات و مانند آن، گویای این مطلب است که می بایست چیزی یا کسی موجود و یا در حکم موجود باشد تا علامت حاکی از آن بوده، و به آن شناخته شود.

۱-۲. آیت

درباره ریشه لغت «آیه»، میان لغت شناسان اختلاف هست؛ از این رو معانی گوناگونی برای آن ذکر شده است. یکی از معانی آن «نشانه» است. که ریشه همه معانی دیگر می باشد. راغب اصفهانی «آیه» را به علامت آشکار معنا کرده و حقیقت معنای آن را برای هر چیز آشکار - که همراه چیز دیگری که آشکار نیست بیاید - دانسته است.^۱ برخی دیگر از بزرگان لغت شناس نیز به طور روشن «آیات» را به معنای «علامات» دانسته اند.^۲ در مفهوم این واژه نیز همچون مترادف آن (علامت)، نوعی هم زمانی در وجود نشانه و آنچه نشانه از آن حکایت می کند، به چشم می خورد.^۳ برخی نیز تفاوت بین «علامت» و «آیه» را در این دانسته اند که نشانه بودن در «آیه»، ثبوت بیشتری دارد.^۴ در قرآن مجید آمده است:

﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ﴾؛^۵ چه بسیار نشانه ها در آسمان ها و زمین است که بر آنها می گذرند؛ در حالی که از آنها روی برمی گردانند.

﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا...﴾؛^۶ در آن نشانه های روشن است.

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده «ای».

۲. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۰۴؛ جوهری، الصحاح، ج ۶، ص ۲۲۷۵؛ و نیز نک: حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۸۶.

۳. رک: بقره (۲)، آیه ۲۴۸؛ آل عمران (۳)، آیه ۴۱؛ مریم (۱۹)، آیه ۱۰.

۴. ابوهلال عسکری، الفروق اللغویة، ص ۳۶۸، ش ۱۴۷۶.

۵. یوسف (۱۲)، آیه ۱۰۵.

۶. آل عمران (۳)، آیه ۹۷.

این واژه در بعضی از روایات^۱ و نیز در سخنان برخی از بزرگان، به معنای «نشانه‌های مرتبط با ظهور و قیام حضرت مهدی (عج)» به کار رفته است.^۲

۱-۳. دلالت

برخی از کارشناسان لغت «علامت و دلالت» را به یک معنا گرفته‌اند؛ با این تفاوت که «علامت» تابع وضع است و «دلالت» تابع اقتضا؛ به این صورت که هر دلالتی علامت است، ولی هر علامتی دلالت نیست.^۳ در بعضی از روایات نیز «علامت» را به «دلالت» معنا کرده‌اند.^۴ از این رو بررسی این واژه می‌تواند به روشن شدن معنای علامت، کمک کند. راغب اصفهانی در کتاب مفردات نوشته:

«دلالت» عبارت است از آنچه به آن، برای شناخت یک چیز بهره می‌گیرند؛ مانند دلالت لفظها بر معنا، و دلالت اشارات و نوشتار و عقدها در حساب؛ و فرقی نمی‌کند که دلالت در قصد آن کس که چیز را علامت قرار داده، لحاظ شده باشد یا لحاظ نشده باشد؛ مانند کسی که حرکت موجودی را می‌بیند، پس می‌داند او زنده است.^۵

۱-۴. آخر الزمان

اگرچه واژه «آخر الزمان» در قرآن به کار نرفته است؛ اما مطالب گوناگونی درباره آن، از آیات قرآن قابل استفاده است. این تعبیر در منابع روایی شیعه^۶ و اهل سنت^۷ نقل

۱. امام باقر (عج) فرمود: آيَاتَانِ تَكُونَانِ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ (عج) ...؛ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۸، ص ۲۱۲، ح ۲۵۸؛ طوسی، کتاب الغيبة، ص ۴۴۴؛ محمد بن ابراهيم نعماني، الغيبة، ص ۲۱۷.

۲. قد جاءت الأخبار بذكر علامات لزمان قيام القائم المهدي (عج) و حوادث تكون امام قیامه و آیات و دلالات ...؛ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

۳. ابو هلال عسکری، الفروق اللغویه، ص ۲۳۴، ش ۹۱۳.

۴. نک: شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۰۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۵۲.

۵. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ماده "دل".

۶. نک: محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۱، ص ۹۱، ح ۳، ج ۵، ص ۵۵، ح ۱؛ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۹۰، ح ۴، ص ۳۶۵؛ طوسی، کتاب الغيبة، ص ۱۳۶، ص ۱۷۸؛ محمد بن ابراهيم نعماني، الغيبة، ص ۳۱۱، صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۸، ح ۸، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۴ و ...

۷. نک: احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۸۱ بخاری، صحيح بخاری، ج ۴، ص ۱۷۹، ج ۶، ص ۱۱۵؛

شده است. در باره چگونگی شکل گیری و انجام جهان، سخن روشنی در آیات و روایات به چشم نمی خورد؛ اما آن گاه که سخن از این دوران به میان می آید، همواره به دو پدیده بسیار مهم و بزرگ اشاره می شود:

۱. ولادت و بعثت پیامبر اسلام ﷺ در جایگاه واپسین فرستاده الهی؛^۱

۲. ظهور و قیام موعود نجات بخش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه؛^۲

این دوران، دارای دو ویژگی مهم و اساسی است:

نخست آنکه آخرین مرحله زندگی در دنیاست؛ یعنی، با سپری شدن این دوران، زندگی در دنیا به پایان رسیده، مرحله ای دیگر در نظام آفرینش آغاز می شود.

دوم. این دوران، خود به دو بخش با ویژگی های خاص تقسیم می شود:

۱. دوران فاصله گرفتن مردم از دین، پر شدن زمین از ستم و پیداد؛ این مرحله که به

طور ویژه در دوران غیبت آخرین حجت الهی عجل الله تعالی فرجه شکل می گیرد در آستانه ظهور آن حضرت به اوج خود می رسد.

۲. دوران معنویت در پرتو حکومت شایستگان؛ این مرحله در پس تلاش های

بی وقفه حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه و یاران ایشان بر روی زمین شکل می گیرد و پیش از آن خداوند در آیات فراوانی، این دوران را وعده داده است.

۱-۵. ملاحم و فتن

«ملاحم»، جمع «ملحمه» به معنای جنگ، کشتار^۲ و حادثه پر کشتار^۳ است. «فتن» جمع

مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹، ص ۱۱۴، ج ۸، ص ۱۸۵؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۹، ابی اشعث سجستانی، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۹۱، ص ۴۲۹؛ ترمذی، سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۷۰؛ ج ۴، ص ۳۰.

۱. ... أنه يأتي في آخر الزمان نبي ...، محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۹۹، ج ۱۲؛ همچنین نک: محمد بن احمد قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۳۰۶؛ محمد بن جریر طبری، تفسیر طبری، ج ۱، ص ۵۵۷.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۸ و ۱۸۰؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۲۴۶.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۴۸۶؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۶۲۵.

«فتنه» و از ریشه «فتن» به معنای امتحان و آزمودن^۱ است. این واژه به طور معمول، درباره آن دسته از آزمون‌هایی به کار می‌رود که با تلخی و سختی همراه است.^۲

در قرآن کریم، این واژه علاوه بر این معنا،^۳ برای بستن راه و بازگرداندن از مسیر حق،^۴ افتادن در معاصی و نفاق،^۵ اشتباه گرفتن و تشخیص ندادن حق از باطل،^۶ گمراهی،^۷ کشتار و اسارت،^۸ تفرقه و اختلاف میان مردم^۹ و... به کار رفته است.

این دو واژه - بویژه در منابع اهل سنت - فراوان به کار رفته است. «ملاحم» بیانگر رخدادهای خونینی است که در آخرین دوره زندگی انسان بر زمین و آستانه رستاخیز بزرگ پدید می‌آید. و مقصود از «فتن» در اصطلاح، آزمایش‌های بزرگی است که در دوران یاد شده، رخ می‌نماید. این دو واژه گاهی در کنار هم و گاهی به صورت مستقل به کار می‌رود.

اهمیت و جایگاه این بحث به گونه‌ای است که در اصلی‌ترین منابع روایی اهل سنت، فراوان مورد اشاره قرار گرفته است. در این آثار به روایاتی از پیامبر ﷺ اشاره شده که از به پدید آمدن آشوب‌ها، فتنه‌ها^{۱۰} و حتی جایگاه فرود آمدن فتنه‌ها خبر داده شده است.^{۱۱}

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۸۹؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۳۶۰.

۲. ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۴۱۰.

۳. سوره عنکبوت (۲۹)، آیه ۲.

۴. سوره مائده (۵)، آیه ۴۹.

۵. سوره حدید (۵۷)، آیه ۱۴.

۶. سوره انفال (۸)، آیه ۷۳.

۷. سوره مائده (۵)، آیه ۴۱.

۸. سوره نسا (۴)، آیه ۱۰۱.

۹. سوره توبه (۹)، آیه ۴۷.

۱۰. بخاری، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۸۹.

۱۱. مسلم، صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۸؛ بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۲۲؛ ج ۳، ص ۱۰۳؛ ج ۴، ص ۱۷۶.

اهل سنت به جهت اهمیت این روایات، بخشی از کتاب‌های خود را، به روایات پرشماری از آن اختصاص داده^۱ و هر یک از این دو واژه و یا ترکیب آنها را عنوان آثار فراوانی قرار داده‌اند. این آثار، به طور عمده روایاتی را در بر دارد که از جنگ‌های بزرگ و آزمایش‌های سخت، در دوره آخرالزمان سخن به میان آورده است.^۲

۱-۶. ظهور

از اصطلاحات بسیار رایج در «فرهنگ مهدویت» واژه «ظهور» است. این کلمه از نظر لغت به معنای آشکار شدن چیزی که پیش‌تر ظاهر نبوده است.^۳ در اصطلاح، ظاهر شدن حضرت مهدی علیه السلام پس از پنهان زیستی طولانی، برای قیام و برپایی حکومت عدل جهانی است.

کلمه «ظهور» افزون بر آشکار شدن حضرت مهدی علیه السلام، بر موارد دیگری چون آشکار شدن دولت حق،^۴ آشکار شدن امر امامان معصوم علیهم السلام و پیروزی حضرت^۵ به کار رفته است.

۱. بخاری در جلد پایانی مجموعه صحیح، کتابی را با عنوان «الفتن» سامان داده است که در آن روایات مربوط را نقل کرده است؛ صحیح بخاری، ج ۸، ص ۸۶؛ ابن ماجه نیز در سنن خود با این عنوان بخشی از روایات فتن را نقل کرده است؛ محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۹۵، کتاب الفتن؛ ترمذی نیز با عنوان مشابه بخشی از سنن خود را به این بحث اختصاص داده است؛ ترمذی، سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۱۲، ابواب الفتن.

۲. الملاحم، اثر حافظ احمد بن جعفر بن محمد مشهور به ابن المنادی (م ۳۳۶ ق)؛ الفتن اثر حافظ نعیم بن حماد مروزی (م ۲۲۹ ق)؛ و الملاحم و الفتن، نگاشته سید علی بن موسی بن طاووس.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۳۷.

۴. امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه‌ای می‌فرماید: ... سَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَمْحَقُ الْبَاطِلَ مَا هَا طَوْبَى لَهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ فِي حَالِ هُدْيَتِهِمْ وَيَا شَوْقَاةَ إِلَى رُؤْيَيْهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ...؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۳.

۵. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۴؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۶. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۷.

۷-۱. خروج

از اصطلاحاتی که درباره ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام به کار رفته، «خروج» است. «خروج» در لغت نقیض «دخول» به معنای بیرون شدن^۱ و در اصطلاح، به معنای ظهور یا معنای قیام است.^۲

«خروج» در روایات و سخنان دانشمندان دینی، بیشتر همان قیام است؛ چه اینکه شیخ صدوق در دو کتاب خود برای روایات قیام این عنوان را قرار داده است: «باب علامات خروج القائم»^۳ و «ما روی فی علامات خروج القائم».^۴

۸-۱. قیام

از مشهورترین تعبیرها برای انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام «قیام» است. این واژه به معنای «ایستادن»^۵ و در اصطلاح عبارت از: نهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام در برابر ستمگران، برای برپایی قسط و عدل در سراسر کره زمین است.

۹-۱. اشراط الساعة

أشراط جمع «شَرَط» به معنای نشانه^۶ یا سرآغاز یک چیز است و «الساعة» به جزئی از اجزای شبانه روز گفته می‌شود. مقصود از آن اینجا قیامت است؛ به جهت اینکه وقوع آن

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۱۵۸؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۳۵؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۵۰۱.

۲. نک: محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶ (باب خروج المهدی)؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۱، (خروج المهدی) یادآوری می‌کنم هرگاه این واژه در روایات اهل سنت به کار می‌رود بی تردید مقصود ظهور حضرت مهدی علیه السلام طبق دیدگاه شیعه نخواهد بود بلکه به معنای قیام نزدیک‌تر است.

۳. صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۰۳.

۴. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۳۴۵؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۵۳۱.

۶. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۹۴۲.

ناگهانی است یا اینکه طول آن نزد خداوند، مانند ساعتی از ساعات بندگان است.^۱ بنابراین، مراد از «اشراف الساعة»، نشانه‌هایی است که پیش از قیامت یا در آستانه آن، واقع می‌شود.^۲ یکی از پژوهشگران قرآنی معاصر در باره «اشراف الساعة» می‌نویسد: «فأشراط الساعة: وقائع حادثة قبل الساعة يتوقف مجيء الساعة على حدوثها؛^۳ اشراف الساعة وقایعی است که پیش از قیامت پدید خواهد آمد که به وجود آمدن قیامت متوقف بر آن است». وی در واقع یک نوع معنای شرطیتی برای نشانه قابل شده است. واژه «اشراف» در قرآن، فقط یک بار و به صورت اضافه به ضمیر «ها» که به «الساعة» بر می‌گردد، به کار رفته است.^۴ مفسران، برخی از تحولات اجتماعی، فروپاشی نظام طبیعت و درهم پیچیده شدن و تبدیل آسمان و زمین پیش از ظهور قیامت را - که در آیات گوناگون به آنها اشاره شده است - از نشانه‌های قیامت دانسته‌اند. در روایات^۵ - بویژه احادیث اهل سنت - بر تحولات اجتماعی و دگرگونی‌های کیهانی که پیش از قیامت واقع می‌شود، «اشراف الساعة» اطلاق شده است.^۶ بنابراین برخی از نشانه‌ها، به

۱. همان، ص ۹۰۷.

۲. خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۶، ص ۲۳۵.

۳. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۳۹.

۴. سوره محمد (۴۷)، آیه ۱۸.

۵. با توجه به جایگاه و اهمیت این بحث برخی از بزرگان بخش مستقلی از کتاب خود را با این عنوان یاد کرده‌اند: نک: محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۸۴، با عنوان «مجلس فی ذکر اشراف الساعة»؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۶۶، با عنوان «الاسباب السادس عشر فی اشراف الساعة»؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۹۵، با عنوان «باب اشراف الساعة و قصة یاجوج و ماجوج».

۶. ر.ک: عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۲۷۴؛ علی بن جعد، مسند، ص ۲۴۸؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۸، ص ۲۶۷؛ ابن ابی عاصم، کتاب الاوائل، ص ۱۱۴؛ نسائی، السنن الکبری، ج ۱، ص ۲۵۵؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۲۹۶.

ظهور^۱ و برخی به قیامت^۲، اختصاص دارند و برخی نیز در هر دو مشترک‌اند.^۳

دو. آشنایی با کلیات

با بررسی ارتباط حضرت مهدی علیه السلام و حکومت ایشان با نشانه‌ها، به ترکیب‌هایی برمی‌خوریم که بررسی دقیق هر یک و جداسازی روایات در هر مورد، می‌تواند به شفاف کردن بحث‌ها کمک شایانی نماید. در یک تقسیم‌بندی ساده می‌توان مضمون این سخنان را به چند گروه تقسیم کرد:

۱-۲. نشانه‌های آخرالزمان

در آیات قرآن و سخنان معصومان علیهم السلام نشانه‌هایی برای آخرالزمان گفته شده است که در اصطلاح «علائم آخرالزمان» خوانده می‌شود. ختم نبوت و نزول واپسین شریعت که با ظهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پدیدار شد، از مهم‌ترین و نخستین نشانه‌های آخرالزمان به شمار می‌رود. از این رو مفسران، مقصود از نشانه‌های قیامت را در ذیل آیه «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا»؛ بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته‌اند که در مقایسه با عمر جهان، فاصله کمی تا قیامت دارد.

در آخرالزمان، پدیده‌های فراوان دیگری نیز پیش‌بینی شده است که بیشتر به دوره پایانی آن (آستانه ظهور مهدی علیه السلام) مربوط می‌شود؛ مانند: بحران معنویت، وقوع اختلاف‌ها و درگیری‌های بسیار، ظهور دجال، وقوع مصیبت‌های بزرگ، خروج سفیانی، ندای آسمانی، ظهور منجی بزرگ بشر، نزول حضرت عیسی علیه السلام، خروج جنبنده‌ای از زمین، هجوم یاجوج و ماجوج، رجعت، صلح و آرامش پایدار در سرتاسر جهان.

۱. مانند: ندای آسمانی، خروج یمانی و قتل نفس زکیه.

۲. مانند: پیدا شدن دود و خروج جنبنده از زمین.

۳. مانند: سفیانی.

۴. آیا [کافران] جز این انتظار می‌برند که رستاخیز به ناگاه بر آنان فرارسد؟ و علامات آن اینک پدید آمده است؛ محمد (۴۷)، آیه ۱۸.

۲-۲. نشانه‌های نزدیک شدن قیامت

بخش قابل توجهی از این روایات، مربوط به «نشانه‌های نزدیک شدن قیامت» است و از آنجا که در منابع دینی، قیام حضرت مهدی علیه السلام، یکی از نشانه‌های نزدیکی قیامت شمرده شده است؛ پاره‌ای از نشانه‌های ظهور، نشانه‌های قیامت نیز شمرده می‌شود.^۱ امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

به ناگزیر ده چیز پیش از برپایی قیامت خواهد بود: سفیانی، دجال، دود، دابه، خروج قائم علیه السلام، طلوع خورشید از مغرب خود، فرود آمدن حضرت عیسی علیه السلام، فرو رفتن در مشرق و فرو رفتن در جزیره العرب و آتشی که از قعر عدن بیرون خواهد آمد، تا مردم را به سوی محشر سوق دهد.^۲

این نشانه‌ها در برخی روایات اهل سنت با اندک تفاوت به گونه‌ای دیگر ذکر شده است.^۳ البته افزون بر موارد یاد شده پدیده‌های دیگری نیز به عنوان «اشراط الساعة» ذکر شده است.^۴

۲-۳. نشانه‌های ظهور

بررسی‌ها نشان می‌دهد این تعبیر، به ندرت در روایات به کار رفته و به طور عمده در قرن‌های اخیر استفاده شده است؛ ولی آنچه روشن است اینکه در گذر تاریخ، برای این عنوان تعریف‌های متفاوتی ارائه شده که هر یک حکایت از آن دارد که تلقی افراد از این حوادث متفاوت بوده است.

در نگاه مشهور، نشانه‌های ظهور، عبارت است از: آن دسته از رخدادها که بر اساس پیش‌بینی معصومان علیهم السلام، پیش از ظهور یا در آستانه آن، یا هم‌زمان و یا پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام پدید می‌آید. پدید آمدن هر یک از این نشانه‌ها، نویدی از

۱. در یک درس به طور مستقل به این نشانه‌ها می‌پردازیم.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶.

۳. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۸۳.

۴. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۱؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۰.

ظهور حضرت مهدی علیه السلام و نزدیک‌تر شدن قیام جهانی آن حضرت است.

۲-۴. نشانه‌های قیام قائم

در بعضی از روایات، نشانه‌ها به طور روشن مربوط به قیام دانسته شده است. امام صادق علیه السلام در این باره با تعبیرهای گوناگون به برخی از آنها اشاره کرده است:

ان قدام قیام القائم علامات؛^۱ همانا پیش از قیام قائم نشانه‌هایی است.

ان لقیام القائم علامات؛^۲ همانا برای قیام قائم نشانه‌هایی است.

ان لقیام قائمنا علامات؛^۳ همانا برای قیام قائم ما نشانه‌هایی است.

و: قبل قیام القائم علیه السلام خمس علامات؛^۴ قبل از قیام قائم پنج نشانه است.

خمس علامات قبل قیام القائم؛^۵ پنج نشانه قبل از قیام قائم است.

امام صادق علیه السلام به نشانه‌های قائم نیز با تعبیرهای گوناگونی اشاره کرده است:

ان قدام القائم علامات؛^۶ همانا پیش از قائم نشانه‌هایی است.

للقائم خمس علامات؛^۷ برای قائم پنج نشانه است.

قبل القائم خمس علامات؛^۸ پیش از قائم پنج نشانه است.

به نظر می‌رسد اینها با توجه به قراین دیگر و نوع نشانه‌هایی که مطرح شده، نشانه مربوط به قیام قائم هستند.

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۰، ح ۵.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۳.

۳. محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، ص ۲۵۹. این روایت با تفاوت اندکی در کتاب الغیبة نعمانی آمده است.

۴. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳.

۶. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۳.

۷. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۲، ح ۹.

۸. محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، ص ۲۶۱.

۲-۵. نشانه‌های خروج

برخی تعبیرها نشانه را مربوط به خروج دانسته است. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ لِيخْرُوجِهِ عَلَامَاتٍ عَشْرَةً؛^۱ برای خروج او نشانه‌های ده گانه است.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

وَأَنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِهِ...؛^۲ از نشانه‌های خروج او عبارت است از... .

افزون بر موارد یادشده، تعبیرهای دیگری نیز وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره

می‌شود:

۱. بدون اشاره به حادثه‌ای فقط از واژه علامات استفاده شده است. امام باقر علیه السلام

فرمود:

الزَّمِ الْأَرْضَ وَ لَا تُحَرِّكْ يَدًا وَ لَا رِجْلًا حَتَّى تَرَى عَلَامَاتٍ؛^۳ به زمین بچسب

و ملازم آن باش و دست و پای نجبان تا اینکه نشانه‌هایی ببینی.

البته به قرینه اینکه امام فرمود: «هیچ اقدامی نکن»، می‌توان آن را به قیام حضرت

مهدی علیه السلام مربوط دانست؛ یعنی، چون قیام آغاز شد، از هیچ اقدامی فروگذار نکن اما

الآن خویشتن باش.

۲. نشانه مربوط به «امر» دانسته شده و با استفاده از دیگر روایات، باید بررسی کرد امر

به چه معناست. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ قُدَامَ هَذَا الْأَمْرِ خَمْسَ عَلَامَاتٍ؛^۴ پیشوازی این امر پنج نشانه است.

به قرینه روایات مربوط، مقصود از «امر» در اینجا، امر قیام حضرت مهدی علیه السلام است.

۳. نشانه مربوط به فرج دانسته شده است. امام رضا علیه السلام فرمود:

۱. علی بن محمد خزاز قمی، کفایة الاثر، ص ۲۱۳؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۵؛

ج ۴۱، ص ۳۲۹.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۷.

۳. طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۴۱؛ نعمانی، الغیبة، ص ۲۷۹، ح ۶۷؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵،

ص ۵۶، شماره ۱۹۹۷۹.

۴. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۹، ح ۶.

أَوَّلُ عِلْمَاتِ الْفَرَجِ...^۱ نخستین نشانه گشایش...

مقصود از این فرج، گشایش در زندگی افراد است و این گشایش لزوماً ارتباطی با ظهور یا قیام حضرت مهدی علیه السلام ندارد؛ همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود:
 إِنَّ مِنْ عِلْمَاتِ الْفَرَجِ...^۲؛ همانا از نشانه‌های فرج است...

نکته مهم اینکه در هیچ یک از این روایات، اشاره‌ای به ظهور نشده، بنابراین استفاده از آنها و اطلاق نشانه‌های ظهور به آنها، کاری بس مشکل می‌نماید.^۳

۲-۶. توصیفی یا تمثیلی بودن نشانه‌های ظهور

این پرسش مطرح است که: آیا هر یک از نشانه‌ها به طور حتم در جهان بیرون تحقق خواهد یافت و آیا روایات به توصیف آنها پرداخته یا اینکه آنچه گفته شده، تمثیلی است که مصداق بیرونی ندارد و رمزی است که می‌تواند واقعیت‌های مورد نظر حکایت‌گری کند. بر این اساس دو دیدگاه در این زمینه قابل بررسی است:

الف. توصیفی بودن نشانه‌ها

صاحبان دیدگاه نخست، به ظاهر روایات استناد می‌کنند که حمل آنها بر تمثیلی بودن، امری غیر قابل قبول است و افزون بر آن دیگر به هیچ یک از روایات در موضوعات دیگر نیز نمی‌توان حکم قطعی داد؛ مگر اینکه در موردی قرائن و شواهد لازم بر تمثیلی بودن وجود داشته باشد.^۴

افزون بر آن اینکه روایات مربوط به روشنی به جزئی‌ترین امور اشاره کرده است؛ در حالی که در تمثیل نیازی به ورود در این امور جزئی دیده نمی‌شود. بنابراین تمثیلی بودن خلاف ذهنیت عرفی مخاطبان است، یعنی آنان چیزی جز ظاهر این سخنان درک نمی‌کنند و اگر مقصود غیر از ظاهر این سخنان بود، می‌بایست به گونه‌ای به آن اشاره می‌شد.

۱. عبدالله بن جعفر حمیری، *قرب الاسناد*، ص ۱۶۳.

۲. مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۲۷۵.

۳. مگر اینکه گفته شود: قیام و ظهور یکی است که البته اثبات آن کاری مشکل است.

۴. سید محمد تقی موسوی اصفهانی، *مکیال المکارم*، ج ۱، ص ۴۵۱.

ب. تمثیلی بودن نشانه‌ها

در دیدگاه دوم، نشانه‌ها به تناسب چگونگی، تمثیلی از یک واقعیت متفاوت دانسته شده است. به طور مثال عده‌ای از سفیانی به عنوان تمثیل برای یک جریان فکری انحرافی یاد کرده‌اند که در هنگام ظهور به دست هر کسی ممکن است شکل بگیرد و همان گونه که در صدر اسلام، ابوسفیان تمام حقیقت دشمنی برابر پیامبر ﷺ بود، این جریان نیز تمام حقیقت دشمنی در برابر آخرین حجت الهی خواهد بود.^۱ یا از دجال به عنوان نمادی از فریبکاران و رهبران مادی ستمگر در دنیای ماشینی یاد شده است.^۲

آنچه در نقد این دیدگاه در ابتدا به چشم می‌خورد این است که اگر باب چنین ادعایی گشوده شود، به همه مباحث سرایت کرده، دیگر در هیچ موردی قابل مهار نخواهد بود. حتی گفته می‌شود ظهور مهدی علیه السلام تمثیلی است از ظهور حقیقت و حاکمیت صالحان! و البته این خود نوعی از تفسیر به رأی است که در اسلام به شدت از آن نهی شده است. افزون بر آن، پیش‌تر نیز گفته شد این برداشت، خلاف ظاهر روایات و ذهنیت مخاطبان است.

۲-۷. شمار نشانه‌ها

با توجه به دیدگاه نگارنده در بحث نشانه‌ها - بر خلاف بحث‌های رایج - «شمار نشانه‌ها» فقط پنج نشانه حتمی است. بنابراین نشانه‌های دیگر زیر عنوان‌های غیر حتمی، آخرالزمان، قیامت، ملاحم و فتن و... جای می‌گیرند. از این رو برخی از ادعاها را که شمار نشانه‌ها را تا ۲۵۰ مورد و بیش از آن دانسته‌اند، غیر قابل توجیه است.^۳

به یاری خداوند در درس آینده بحث را بر نشانه‌های حتمی متمرکز کرده و آگاهی درباره دیگر نشانه‌ها را به منابع مفصل ارجاع می‌دهیم.

۱. نک: سید محمد صدر، تاریخ مابعدالظهور، ص ۱۷۳؛ علی اصغر رضوانی، موعود شناسی و پاسخ به شبهات، ص ۵۳۰؛ اسماعیل اسماعیلی، «بررسی نشانه‌های ظهور»، چشم به راه مهدی علیه السلام، ص ۲۹۰.

۲. نک: ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، ص ۱۷۸.

۳. نک: مصطفی صادقی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، ص ۸۳ و ۸۴.

خودآزمایی

۱. واژه علامت را از نگاه لغت و اصطلاح توضیح دهید.
۲. آخرالزمان به چه معناست؟ دو پدیده‌ای که همواره مربوط به دوران آخرالزمان دانسته شده، کدامند؟
۳. ملاحم و فتن از نظر لغت به چه معناست و اشاره به چه اتفاقاتی می‌کند؟
۴. اشرار الساعة یعنی چه و به چه اموری اطلاق می‌شود؟
۵. در باره توصیفی و تمثیلی بودن نشانه‌ها توضیح دهید.



منابع برای پژوهش

۱. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ش.
۲. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۳. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبة الکبری، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۴. اسماعیلی، اسماعیل، «بررسی نشانه‌های ظهور»، چشم به راه مهدی ^{علیه السلام}، چ سوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۵. خادمی شیرازی، محمد، نشانه‌های ظهور او، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۷۸ش.

نشانه‌های ظهور (حتمی و غیر حتمی)

درس هفتم

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

نشانه‌های حتمی ظهور:

- ۱- ندای آسمانی
- ۲- خروج سفیانی
- ۳- خروج یمانی
- ۴- خسف به بیداء
- ۵- قتل نفس زکیه

برخی از نشانه‌های غیر حتمی ظهور:

۱. مرگ و میرها، زلزله‌ها و جنگ‌ها و آشوب‌های فراگیر؛
۲. خسوف و کسوف ناب‌هنگام؛
۳. بارش باران‌های فراوان و ...

پیش درآمد

آنچه امروزه با عنوان نشانه‌های ظهور در نوشته‌ها و گفته‌ها مطرح می‌شود، انبوهی است از حوادث و رخدادهایی که به انواع فراوانی قابل تقسیم است. بر خلاف تلقی عمومی، درباره تقسیم نشانه‌ها به اقسام مختلف، هیچ سخن روشنی از امامان معصومان علیهم‌السلام در دست نیست و آنچه در آثار با این عنوان وجود دارد، به طور عموم پرورده ذهن نویسندگان است. البته برخی قابل قبول و برخی از اساس دارای اشکال است.

به نظر می‌رسد یگانه تقسیم پذیرفتنی، تقسیم نشانه‌ها به حتمی و غیر حتمی است. در این درس کوشش شده تا حد ممکن، به بررسی این نشانه‌ها پرداخته شود. اگر چه هم نویسنده و هم خواننده بر این باورند که بحث و بررسی نشانه‌ها، بسیار فراتر از این نوشتار است.

انواع نشانه‌های ظهور

یک. نشانه‌های حتمی

پیش از آنکه به بحث در باره نشانه‌های حتمی بپردازیم، شایسته است در باره واژه «حتم» به طور کوتاه اشاره کنیم. این کلمه فقط یک بار با تعبیر «حتما» در قرآن استفاده شده است؛ آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

«وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا»؛^۱ هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می‌گردد؛ این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است.

طریحی «حتم» را واجبی دانسته که اراده بر آن تعلق گرفته، اسقاط آن امکان‌پذیر نیست.^۲ راغب اصفهانی آن را به قضای مقدر معنا کرده است.^۳ ابن منظور نیز آن را به معنای قضا و وجوب قضا دانسته که گریزی از انجام آن نیست.^۴ خلیل بن احمد نیز آن را با تعبیر «ایجاب القضاء» تعریف کرده است.^۵

یکی از پژوهشگران پس از نقل برخی از سخنان بزرگان لغت، دیدگاه خود را این‌چنین می‌نگارد: معنای حقیقی برای این لفظ عبارت از «جزم و قطع در حکم و عمل» است.^۶

در بحث نشانه‌ها طبق نگاه مشهور، منظور از «نشانه‌های حتمی» - مقابل نشانه‌های غیر حتمی - آن دسته از پدیده‌هایی است که پدید آمدن آنها بدون هیچ قید و شرطی، قطعی و الزامی خواهد بود؛^۷

از روایات فراوانی حتمی بودن نشانه‌های پنج‌گانه زیر استفاده می‌شود: ۱. خروج سفیانی؛ ۲. قیام یمانی؛ ۳. صیحه آسمانی؛ ۴. قتل نفس زکیه؛ ۵. خسف در بیداء. امام صادق علیه السلام فرمود:

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْخَسْفُ وَقَتْلُ النَّفْسِ

۱. مریم (۱۹)، آیه ۷۱.

۲. الحتم: الواجب المعزوم عليه... و تحتم وجب وجوبا لا يمكن إسقاطه و منه الأمر المحتوم؛ فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص: ۳۲

۳. الحتم: القضاء المقدر؛ حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص: ۲۱۸

۴. الحتم: اللازم الواجب الذي لا بد من فعله؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص: ۱۱۳

۵. الحتم: إيجاب القضاء؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۳، ص: ۱۹۵

۶. «أن المعنى الحقيقي لهذا اللفظ هو الجزم و البتة في حکم أو عمل»؛ حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۶۳.

۷. بر خلاف کسانی که با استناد به برخی روایات غیر معتبر به بداء در نشانه‌های حتمی اشاره کرده‌اند.

الزَّكِيَّةِ وَالْيَمَانِي؛^۱ پیش از قیام قائم پنج نشانه است: صیحه، سفیانی، خسف، قتل نفس زکیه و یمانی.

۱-۱. ندای آسمانی

این نشانه، در منابع شیعه و اهل سنت با واژه‌هایی چند، بیان شده است؛ از جمله: الف. نداء: در لغت به معنای بلند کردن و آشکار ساختن صدا است و گاهی فقط به صدا اطلاق می‌شود.^۲ این واژه در قرآن در موارد مختلفی به کار رفته است.^۳ عموم روایات مربوط به ندای آسمانی، از این واژه بهره برده‌اند.

ب. صیحه: در لغت به معنای فریاد و صدای بلند بوده و در قرآن نیز به کار رفته است.^۴ اگر چه در روایات فراوانی صیحه در معنای «نداء» به کار رفته است؛ اما در بعضی، صیحه و ندا دو پدیده دانسته شده است.^۵

ج. صوت: در لغت به معنای صدای سخن است.^۶ این واژه نیز در آیاتی از قرآن به کار رفته است^۷ و اینجا منظور از ندای آسمانی، صدایی است که در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام همه مردم، آن را از آسمان می‌شنوند.

حتمی بودن ندای آسمانی

کلینی با ذکر سند از عمر بن حنظله نقل کرده که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ صدوق، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

۲. راغب، *المفردات*، ماده نداء.

۳. مائده (۵)، آیه ۵۸.

۴. هود (۱۱)، آیه ۶۷.

۵. صدوق، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۷.

۶. نک: فخرالدین طریحی، *مجمع‌البحرین*، ج ۲، ص ۲۰۹؛ خلیل بن احمد فراهیدی، *کتاب‌العین*، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ابن منظور، *لسان‌العرب*، ج ۲، ص ۵۷.

۷. حجرات (۴۹)، آیه ۲.

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ الصَّيْحَةُ وَ...^۱؛ پنج نشانه پیش از قیام قائم است؛ صیحه و...

ابو بصیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! خروج قائم چه زمانی است؟ آن حضرت فرمود:

إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا نُوقِتُ وَ قَدْ قَالَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله كَذَبَ الْوَقَاتُونَ يَا بَا مُحَمَّدٍ إِنَّ قُدَّامَ هَذَا الْأَمْرِ خَمْسَ عَلَامَاتٍ أَوْلَهُنَّ النُّدَاءُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ...^۲؛ ما خاندان هرگز وقتی را معین نمی‌کنیم؛ زیرا حضرت محمد صلى الله عليه وآله فرموده است: وقت گذاران دروغ می‌گویند. ای ابا محمد! همانا پیشاپیش این امر پنج نشانه است: نخستین آنها آوازی است در ماه رمضان،...

صدوق با ذکر سند از عمر بن حنظله نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتَوَمَاتٍ الْيَمَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالصَّيْحَةُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْخَسْفُ بِالْبَيْدَاءِ^۳؛ پیش از قیام قائم، پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی، سفیانی، صیحه، قتل نفس زکیه و خسف به بیداء.

در این روایات به روشنی، به نشانه بودن ندای آسمانی تصریح شده است.

چگونگی و گستره ندای آسمانی

این ندا توسط جبرئیل بلند می‌شود و همه انسان‌ها با گویش‌های مختلف آن را می‌فهمند و همه به صورت یکنواخت آن را می‌شنوند. در باره گستره آن در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

... يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عليه السلام فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ...^۴؛ ندا دهنده‌ای از آسمان به نام قائم ندا می‌دهد که هر کس در شرق و غرب است، آن را می‌شنوند.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۹، ح ۶.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

۴. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۴.

با توجه به این روایات و نیز رسالت فراگیر حضرت مهدی علیه السلام برای همه مردم، به راحتی می توان مخاطبان این ندای آسمانی را همگان دانست و چنانچه به دیگر جانداران نیز اشاره شده، بدان جهت است که آنها نیز از این ظهور به طور تکوینی آگاه شده و از ظهور حجت الهی و رفع ستم بر انسان ها، شادمان می شوند.

از عمومی بودن ندای آسمانی، می توان فهمید که هر کس به زبان خود آن را شنیده و می فهمد. در بعضی از روایات تصریح شده که هر کس به زبان خود آن را می شنود. در این باره زراره از امام صادق علیه السلام روایت می کند که:

يُنَادِي مُنَادٍ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ خَاصٌّ أَوْ عَامٌّ قَالَ عَامٌّ يَسْمَعُ كُلُّ قَوْمٍ
بِلِسَانِهِمْ قُلْتُ فَمَنْ يُخَالِفُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ نُودِيَ بِاسْمِهِ قَالَ لَا يَدْعُهُمْ
إِبْلِيسُ حَتَّى يُنَادِيَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ فَيُشَكُّكَ النَّاسُ يَدْعُهُمْ إِبْلِيسُ حَتَّى يُنَادِيَ
فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَ يَشَكُّكَ النَّاسُ؛ نداکننده ای قائم علیه السلام را به نام می خواند.
گفتم: ندای خاص است یا ندای عام؟ فرمود: ندای عام است و هر ملتی به زبان
خود آن را می شنود. گفتم: پس چه کسی با او مخالفت می کند، در حالی که
او را به نام می خوانند؟ فرمود: ابلیس آنان را رها نمی کند و در آخر شب ندا
می کند و مردم را به شک می اندازد!

بیشتر روایات، آسمان را به عنوان محل ندای آسمانی معرفی کرده اند. محمد بن علی
حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

«... وَ النَّدَاءُ مِنَ الْمُخْتَوِمِ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ مِنَ الْمُخْتَوِمِ قُلْتُ وَ كَيْفَ النَّدَاءُ
قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ...»^۱؛ ... ندای آسمانی نیز از علامات حتمی است
و خروج حضرت قائم نیز حتمی است، عرض کردم: ندای آسمانی چگونه
است؟ فرمود: یک منادی در اول روز از آسمان ندا کند...^۲

زمان ندای آسمانی

یکی از بحث هایی که در باره ندای آسمانی مطرح می شود، زمان آن است و از آنجا

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۱.

که روایات در باره زمان ندای آسمانی به صورت گوناگون ذکر شده، بنابراین دیدگاه‌های متفاوتی پدید آمده است؛ این دیدگاه‌ها عبارت است از:

الف. پیش از ظهور: آنچه مشهور است اینکه صیحه آسمانی، در ماه مبارک رمضان اتفاق خواهد افتاد. نعمانی با ذکر سند از ابو بصیر و او از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

الصَّيْحَةُ لَأَ تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ شَهْرِ اللَّهِ وَ هِيَ صَيْحَةُ جِبْرَائِيلَ إِلَى هَذَا الْخَلْقِ ثُمَّ قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عليه السلام فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ...؛ آن صیحه جز در ماه رمضان ماه خدا بر نخواهد خاست؛ همان آوای بس بلند جبرئیل علیه السلام بدین مردمان است، بعد فرمود: نداکننده‌ای از آسمان به نام حضرت قائم علیه السلام ندا سر می‌دهد و هر که در مشرق و مغرب است، می‌شنود....

همه کسانی که این روایت و مانند آن را نقل کرده‌اند، زمان آن را پیش از ظهور دانسته‌اند.

ب. هنگام ظهور: از بعضی روایات استفاده می‌شود: ندای آسمانی هم‌زمان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام رخ خواهد داد. ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«... فَلَا يَزَالُونَ بِتِلْكَ الْحَالِ حَتَّى يُنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ فَإِذَا نَادَى فَالْتَفِيرُ النَّفِيرُ فَوَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُلْطَانٍ جَدِيدٍ مِنَ السَّمَاءِ...»؛ «... پس پیوسته بدان حال خواهند بود تا اینکه نداکننده‌ای از آسمان، آواز برآورد و چون ندا برآمد: «پس کوچ کنید! کوچ کنید!»؛ به خدا سوگند! گویی به او می‌نگرم که در میان رکن و مقام از مردم، به امری نوین و فرمانی جدید و نظامی تازه از آسمان [نظامی الهی] بیعت گیرد.

صدوق از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

«... وَ جَاءَتْ صَيْحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ فِيهِ وَ فِي شِيعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا...»^۱ صیحه‌ای از آسمان بیاید و بگوید: حق با او و شیعیان اوست؛ در این هنگام است که قائم ما خروج می‌کند.

در این روایات نوعی هم‌زمانی بین ندای آسمانی و خروج حضرت به چشم می‌آید. مفید نیز در روایتی این هم‌زمانی را در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این گونه نقل کرده است:

إِذَا كَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَيُّهَا النَّاسُ قُطِعَ عَنْكُمْ مَدَةُ الْجَبَّارِينَ وَ وُلِيَ الْأَمْرَ خَيْرُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ فَالْحَقُّوا بِمَكَّةَ...^۲ هنگامی که نزدیک خروج قائم شد، ندا دهنده‌ای از آسمان آواز می‌دهد: ای مردم! زمان ستم‌گران به سر رسیده و ولی امر بهترین امت محمد است؛ پس به مکه برسید....

ج. پس از ظهور: یکی از نویسندگان با متفاوت دانستن ظهور با قیام، زمان ندهای آسمانی را پس از ظهور و پیش از قیام دانسته، می‌نویسد: «ندهای آسمانی از بدو ظهور تا هنگام قیام، بسیار است، از جمله سه ندا است در ماه رجب و از بعضی روایات استفاده می‌شود که رجب پیش از قیام است.»^۳

مضمون بعضی از روایات نیز به نوعی مؤید این احتمال است؛ برای مثال ندا را پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و برای هلاک ستمگران دانسته است. نعمانی در روایتی از حسن بن محبوب نقل کرده که: امام رضا علیه السلام به من فرمود:

... يُنَادِي أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ قُلَانًا عَلَى هَلَاكِ الظَّالِمِينَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَأْتِي الْمُؤْمِنِينَ الْفَرَجُ...^۴ [ندا دهنده‌ای] آواز می‌دهد: که خداوند به منظور برانداختن ستمگران، فلانی را برانگیخت. در این هنگام گشایشی برای مؤمنان

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۲. مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.

۳. محمد جواد خراسانی، مهدی منتظر علیه السلام ص ۲۹۷.

۴. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۱۸۰، ح ۲۸.

دست می‌دهد و خداوند سینه‌های آنان را شفا می‌بخشد و عقده‌های دلشان بر طرف می‌گردد.

همچنین صدوق از امام رضا علیه السلام آورده است:

الرَّابِعُ مِنْ وَوَلَدِي ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ... وَ هُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدُّعَاءِ إِلَيْهِ يَقُولُ أَلَا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ...؛^۱ چهارمین از فرزندان من، فرزند سرور کنیزان... و او کسی است که از آسمان نداکننده‌ای او را به نام ندا می‌کند و به وی دعوت می‌نماید؛ به گونه‌ای که همه اهل زمین آن ندا را می‌شنوند. می‌گوید: آگاه باشید! همانا حجت الهی در خانه خداوند آشکار شده است، پس از او پیروی کنید.

از آنجا که مضمون ندای آسمانی، نوعی بیان ظهور و حقانیت حضرت مهدی علیه السلام و نیز بیان تقابل بین جبهه کفر و ایمان است؛ بی‌تردید این رخداد پس از ظهور خواهد بود؛ چرا که هر آنچه گفته شده با پس از ظهور تناسب دارد تا پیش از ظهور.

محتوای ندای آسمانی

بیشترین شمار روایات در این زمینه، مربوط به احادیثی است که در آن محتوای ندای آسمانی، معرفی حضرت مهدی علیه السلام است. صدوق از امام رضا علیه السلام نقل کرده است:

«... وَ هُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ...»^۲ و او کسی است که ندا دهنده به نام او ندا می‌دهد.

البته در برخی روایات نیز گفته شده محتوای ندای آسمانی حقانیت علی علیه السلام و رستگاری شیعیان او است. محمد بن علی حلبی می‌گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمود:

يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ عَلِيًّا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ؛^۳ منادی در اول روز از آسمان ندا می‌کند: بدانید علی و شیعیانش رستگارند.

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰.

ندای شیطانی (زمینی)^۱

در کنار روایات مربوط به ندای آسمانی به برخی سخنان از ندای زمینی که شیطان سر می‌دهد، حکایت دارد. با توجه به شمار روشن نشانه‌های حتمی، می‌توان فقط به هم‌زمانی این پدیده، با ندای آسمانی اشاره کرد. زرارة بن أعین می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «در شگفتم، خداوند حال شما را به سلامت دارد و من در عجبم از قائم که چگونه با او جنگ می‌کنند با وجود آنچه از شگفتی‌ها که می‌بینند: از فرو بردن زمین صحرا سپاهیان را، و آن صدا که از آسمان است؟» امام فرمود:

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَدْعُهُمْ حَتَّى يُنَادِيَ كَمَا نَادَى بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ الْعَقَبَةِ؛^۲
همانا شیطان آنان را رها نمی‌کند تا جایی که ندا می‌کند؛ همچنان که برای رسول خدا در روز عقبه ندا کرد.

مهم‌ترین هدف شیطان از برپایی این صدا، ایجاد تردید در انسان‌ها در پیروی از حجت خداوند است.

در پایان یادآور می‌شویم جای بسی شگفتی است که برخی از نویسندگان با وجود انبوه روایات، تلاش کرده‌اند این نشانه را در تناسب فن آوری‌های نوین و پیشرفت دانش‌های روز تفسیر کنند.^۳ البته ممکن است بشر در آینده به فن آوری‌هایی دست یابد که با پیشرفت‌های موجود، قابل مقایسه نباشد؛ اما نمی‌توان به سرعت بین اینها و نشانه‌های ظهور ارتباط برقرار کرد.

۱-۲. خروج سفیانی

«سفیانی و خروج وی»، مشهورترین و در عین حال مشکل‌ترین مسئله در میان نشانه‌های ظهور به شمار می‌آید. روایات این نشانه، به گونه‌ای گسترده در منابع قدیم و جدید بیان شده

۱. بحث ندای شیطانی فقط به جهت ارتباط تنگاتنگش با ندای آسمانی بررسی می‌شود، وگرنه نقش چندانی در قیام حضرت مهدی علیه السلام ندارد.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، *الغیبة*، ص ۲۶۵، ح ۲۹.

۳. اسماعیل اسماعیلی، «بررسی نشانه‌های ظهور»، چشم به راه مهدی علیه السلام، ص ۲۸۷.

است که در مجموع می‌توان موضوعات زیر را در مورد آن بررسی کرد:^۱

نام و نسب سفیانی

اگر چه دانستن و ندانستن نام‌های وی، چندان اهمیتی ندارد و آنچه مهم است نقش و جایگاه او در حوادث عصر ظهور است؛^۲ اما در روایاتی از نام‌های سفیانی سخن گفته شده است، در این روایات بیشتر از واژگانی چون سفیانی، ابن آکله الاکباد^۳، عتبه^۴ و عثمان بن عنبسه^۵ و عبد الله^۶ استفاده شده است.

نخستین چیزی که از عنوان رایج سفیانی که به ذهن می‌رسد این است که وی با ابوسفیان نسبتی دارد و این انتساب به گونه‌های مختلف منعکس شده است. صدوق با نقل روایتی از امام علی علیه السلام او را از نسل ابو سفیان (هُ هُوَ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ) دانسته است.^۷

ویژگی‌های سفیانی

سفیانی بهره‌چندانی از زیبایی نبرده و در مقابل بیشتر نمادهای زشتی و پلیدی، در او جمع شده است.

صدوق با ذکر سند از امام علی علیه السلام نقل کرده است:

يَخْرُجُ ابْنُ آكِلَةِ الْاَكْبَادِ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ وَ هُوَ رَجُلٌ رُبْعَةٌ وَحُشُّ الْوَجْهِ
ضَخْمُ الْهَامَةِ بَوَجْهِهِ اَثَرُ الْجَدْرِيِّ اِذَا رَأَيْتَهُ حَسِبْتَهُ اَعْوَرَ اسْمُهُ عَثْمَانُ وَ اَبُوهُ

۱. شمار روایات در بحث‌های مورد نظر، بسیار بیشتر از آن است که در اینجا آورده شده که به جهت رعایت اختصار فقط به برخی از آنها اشاره شد.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۱.

۳. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۳۰۵؛ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۱؛ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۶۱.

۴. طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۴۳.

۵. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۹.

۶. نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۲۴، شماره ۸۲۶.

۷. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۵۱.

عَنْبَسَةٌ وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ أَبِي سُفْيَانَ...^۱ پسر هند جگرخوار از بیابانی خشک
خروج می‌کند و او مردی است چهار شانه، زشت رو، کله گنده و آبله رو و
چون او را ببینی، می‌پنداری که یک چشم است! نامش عثمان و نام پدرش
عنبدسه و از فرزندان ابو سفیان است...^۲

وی مسلمانی منحرف است که در دل با امام علی علیه السلام دشمنی دارد.^۳ حضرت باقر علیه السلام
می‌فرماید:

السُّفْيَانِيُّ أَحْمَرُ أَشَقَرُ أَزْرَقُ لَمْ يَعْبُدِ اللَّهَ قَطُّ وَ لَمْ يَرَ مَكَّةَ وَ لَا الْمَدِينَةَ قَطُّ
يَقُولُ يَا رَبِّ ثَارِي وَ الثَّارِ يَا رَبِّ ثَارِي وَ الثَّارِ؛^۴ سفیانی سرخ‌رویی سفید
پوست و زاع‌چشم است؛ هرگز خدا را پرستش نکرده و و مکه و مدینه را
ندیده است! می‌گوید: خدایا! خون خویش را از مردم می‌طلبم؛ هر چند با رفتن
در آتش باشد و...!

زمان خروج سفیانی

چنان که گذشت صدوق با ذکر سند از عمر بن حفصه نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:
پیش از قیام قائم پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی و سفیانی و صیحه و قتل
نفس زکیه و خسف به بیداء.^۵

در باره زمان خروج به سه دسته روایت بر می‌خوریم:

الف. خروج سفیانی پیش از ظهور: حَدَّثَنَا بَنُ بَشِيرٍ مِي كُوَيْدًا: بِه امام زين
العابدين عليه السلام عرض کردم: آمدن مهدی و نشانه‌ها و علایم آن را برای من بیان نماید تا
بدانم چه زمانی ظهور می‌کند؟ فرمود:

... إِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ اخْتَفَى الْمَهْدِيُّ ثُمَّ يَخْرُجُ بَعْدَ ذَلِكَ؛... وقتی او

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۹.

۲. طوسی، کتاب‌الغیبه، ص ۴۵۰.

۳. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۶، ح ۱۸.

۴. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

۵. طوسی، کتاب‌الغیبه، ص ۴۴۳، ح ۴۳۷.

خروج می‌کند، مهدی پنهان است و بعد از آن قیام می‌کند.

ب. خروج سفیانی در سال قیام حضرت مهدی علیه السلام: نعمانی با ذکر سند از

محمد بن مسلم نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود:

السُّفْيَانِيُّ وَالْقَائِمُ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ؛ سفیانی و قائم در یک سال است.

جابر جعفی گوید: «از امام باقر علیه السلام در مورد سفیانی سؤال کردم: فرمود:

وَ أَنِّي لَكُمْ بِالسُّفْيَانِيِّ حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ الشَّيْصَبَانِيُّ يَخْرُجُ مِنْ أَرْضِ كُوفَانَ يَنْبَعُ
كَمَا يَنْبَعُ الْمَاءُ فَيَقْتُلُ وَقَدْ كُمْ فَتَوَقَّعُوا بَعْدَ ذَلِكَ السُّفْيَانِيَّ وَ خُرُوجَ الْقَائِمِ علیه السلام؛^۲

چگونه ممکن است شما به سفیانی برسید تا آن گاه که پیش از او شیصبانی
خروج می‌کند؛ او از سرزمین کوفان خروج می‌کند و همانند چشمه آب از
زمین می‌جوشد و کاروان شما را می‌کشد؛ پس از آن منتظر سفیانی و خروج
قائم علیه السلام باشید.

ج. خروج سفیانی پس از ظهور: عموم روایات از خروج سفیانی به عنوان نشانه

پس از ظهور یاد کرده است. پیش‌تر در مباحث کلی مربوط به ظهور این گمانه مطرح
شد که نشانه‌های حتمی پس از ظهور اتفاق می‌افتد. حال این ادعا را درباره خروج
سفیانی بررسی می‌کنیم.

محمد بن مسلم گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می‌فرمود:

... وَ كَفَى بِالسُّفْيَانِيِّ نَقِمَةً لَكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَ هُوَ مِنَ الْعَلَامَاتِ لَكُمْ... وَ
لَكِنْ عَلَيْكُمْ بِمَكَّةَ فَإِنَّهَا مَجْمَعُكُمْ؛^۳ ... سفیانی برای شکنجه کردن دشمنان،
برای شما کافی است، و او از نشانه‌هایی است که به سوی شما می‌آید، ...
شما را به مکه توصیه می‌کنم که محل گرد آمدن همان جاست.

یونس بن ابی یعفور گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

إِذَا خَرَجَ السُّفْيَانِيُّ يَبْعَثُ جَيْشًا إِلَيْنَا وَ جَيْشًا إِلَيْكُمْ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأَتُونَا

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، القیبة، ص ۲۶۷، ح ۳۶.

۲. همان، ص ۳۰۲، ح ۸.

۳. همان، ص ۳۰۰.

عَلَى كُلِّ صَعْبٍ وَ ذَلُولٍ؛^۱ هنگامی که سفیانی خروج کند، سپاهی به طرف ما و سپاهی به طرف شما گسیل می‌دارد. وقتی چنان شد، شما نزد ما بیایید با [هر] وسیله‌ای نزد ما بیایید؛ با مرکبی ناهموار و سخت یا هموار و آرام!
نکته‌ای که آن را تأیید می‌کند «خسف به بیداء» است که بدون شک پس از ظهور است و این نشانه در راستای خروج سفیانی بر علیه حضرت به شمار می‌آید. روایاتی نیز بر درگیری سفیانی با حضرت مهدی علیه السلام و یا کشته شدن وی به دست آن حضرت دلالت دارد.

پایان کار سفیانی

بعضی از روایات، بدون اشاره به منطقه خاصی، از آن به سرزمین خشک^۲ یا مغرب زمین^۳ یاد کرده و برخی دیگر شام^۴ را محل خروج وی دانسته است. جمع بین همه روایات آن است که وی از سرزمین شام و منطقه‌ای خشک خروج خواهد کرد.
در باره کارهای سفیانی و مدت حکومت وی سخنان فراوان و عموماً نامعتبر به چشم می‌خورد؛ اما از آنجا که تنها بررسی خروج وی به عنوان نشانه در این بحث اهمیت دارد، از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم.^۵

پایان لشکریان سفیانی فرو رفتن در زمین و مبتلا شدن به خشم خداوند دانسته شده؛ اما سخن روشنی درباره فرجام خود سفیانی در دست نیست. البته در میان برخی منابع اهل سنت - مثل کتاب *الفتن نعیم بن حماد* - آمده است که: سفیانی و سپاهیان او در نهایت با حضرت مهدی علیه السلام به کارزار می‌پردازند و به دست آن امام نابود می‌شوند. اما

۱. همان، ص ۳۰۶.

۲. نک: محمد بن ابراهیم نعمانی، *الغیبه*، ص ۳۰۵، ح ۱۶؛ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۶۵۱، ح ۹؛ طوسی، *کتاب الغیبه*، ص ۴۴۳.

۳. ... یَخْرُجُ عَلَيْهِمُ الْخُرَّاسَانِيُّ وَالسُّفْيَانِيُّ هَذَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَ هَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ ...؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، *الغیبه*، ص ۲۵۳، ح ۱۳، ص ۲۵۹، ح ۱۸.

۴. ... خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ ...؛ صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۷، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

۵. نعیم بن حماد، *الفتن*، ص ۲۵۳، شماره ۹۳۱.

از آنجا که این کتاب چندان اعتباری ندارد، از نقل آنها چشم پوشی می‌کنیم.

۱-۳. خروج یمانی

یکی از نشانه‌های حتمی ظهور خروج سرداری از اهل یمن است که مردم را به حق و عدل/دعوت می‌کند.^۱ در مصادر شیعه، روایات فراوانی در این باره وجود دارد؛ به گونه‌ای که برخی آنها را مستفیض دانسته‌اند.^۲ صدوق با ذکر سند از عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَخْتُومَاتٍ الْيَمَانِيُّ وَ...^۳ ؛ پیش از قیام

قائم، پنج نشانه حتمی خواهد بود: یمانی و...

زمان و مکان خروج یمانی

اگر چه به طور خاص به زمان خروج یمانی اشاره نشده؛ اما روایاتی این رخداد را هم‌زمان با بعضی اتفاق‌های دیگر دانسته است.^۴

در روایات از یمن به عنوان محل خروج یمانی نام برده شده است. محمد بن مسلم گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و می‌خواستم از قائم آل محمد علیه السلام پرسش کنم، امام باقر علیه السلام پیش از آنکه من سؤال کنم، فرمود:

وَإِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَخُرُوجِ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ

وَ...^۵ ؛ از علامات قیام او: خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمن و...

به دلیل نبود روایات معتبر در باره اینکه قیام یمانی چگونه پایان می‌یابد و آیا یمانی امام مهدی علیه السلام را درک می‌کند یا خیر؛ نمی‌توان به طور قطع در باره پایان کار وی قضاوت کرد.

۱. پیش از این گفته شد برخی روایات که نشانه‌های حتمی را مطرح کرده‌اند هیچ اشاره‌ای به خروج یمانی نکرده‌اند.

۲. ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، ص ۶۵۴.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۰، ح ۷.

۴. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۳۶۹، باب ۱۳، ح ۱۳.

۵. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۷، ح ۷.

۴-۱. خسف به بیداء

واژه «خسف» به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است^۱ که در قرآن این دو معنا، در آیاتی به کار رفته است.^۲ «بیداء» در لغت به معنای دشت هموار، پهناور، خالی از سکنه و آب و علف می باشد^۳ و نام سرزمینی بین مکه و مدینه است.^۴

منظور از «خسف به بیداء» آن است که سفیانی لشکری عظیم، به قصد جنگ با حضرت مهدی علیه السلام عازم مکه می کند؛ اما بین مکه و مدینه - در محلی که به سرزمین «بیداء» معروف است - به گونه ای معجزه آسا، به امر خداوند، در زمین فرو می روند. این حادثه در روایات اهل سنت^۵ و شیعه، یکی از نشانه های ظهور و قیام معرفی شده و در شماری از آنها بر حتمی بودن آن تأکید شده است.^۶

چگونگی خسف به بیداء

در باره چگونگی خسف به بیداء سخن روشنی در روایات نیامده و تنها به فرو رفتن سپاهیان سفیانی در این زمین اشاره شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

... سفیانی گروهی را به مدینه روانه می کند و مهدی از آنجا به مکه رخت برمی بندد. خبر به فرمانده سپاه سفیانی می رسد که مهدی علیه السلام به سوی مکه بیرون رفته است. او لشکری از پی آن حضرت روانه کند؛ ولی او را نمی یابد تا اینکه مهدی، با حالت ترس و نگرانی بدان سنت که موسی بن عمران داشت، داخل مکه شود. فرمانده سپاه سفیانی در صحرا فرود می آید. منادی از آسمان ندا می کند: «ای دشت! آن قوم را نابود ساز»؛ پس آن نیز ایشان را به درون

۱. نک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲. نک: قصص (۲۸)، آیه ۸۱ عنکبوت (۲۹)، آیه ۴۰؛ نحل (۱۶)، آیه ۴۵؛ ملک (۶۷)، آیه ۱۶.

۳. یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۲۳.

۴. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۷۷.

۵. عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۶۹؛ ابن ابی شیبہ، الکتاب المصنف، ح ۱۹۰۶۶.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۳؛ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۸۲ نعمانی، الغیبة، ص ۲۵۷، ح ۱۵.

خود می‌برد و هیچ‌یک از آنان نجات نمی‌یابد، مگر سه نفر...^۱
 بعضی از روایات از تأخر این اتفاق بر ظهور سخن گفته و در برخی دیگر این اتفاق پس
 از بیعت یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام ذکر شده است. مصنف عبد الرزاق،^۲ مصنف ابن ابی
 شیبه،^۳ مسند احمد^۴ و برخی منابع دیگر، به طور روشن به این رخداد اشاره کرده‌اند.
 با نگاه به آنچه درباره تفاوت بین ظهور و قیام گفته شد و اینکه قیام آن حضرت با
 فاصله‌ای نامعین پس از ظهور خواهد بود؛ این روایت نیز به روشنی حکایت از آن دارد
 که پدیده خسف پس از ظهور خواهد بود.

۵-۱. قتل نفس زکیه

«کشته شدن انسانی بی گناه» یکی از نشانه‌های پنج گانه حتمی است. «نفس زکیه»؛
 یعنی، فرد بی گناه، پاک و کسی که قتل انجام نداده است^۵ و جرمی ندارد. این مضمون
 در آیات قرآن در داستان حضرت موسی علیه السلام نیز به کار رفته است.^۶ محمد بن مسلم
 می‌گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: ای فرزند رسول خدا! چه زمانی قائم شما قیام می‌کند؟
 امام در پاسخ فرمود:

... وَ قُتِلَ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ
 الْحَسَنِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ^۷؛

جوانی از آل محمد علیه السلام بین رکن و مقام کشته می‌شود، نام او محمد بن حسن
 نفس زکیه است.

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹، باب ۱۴، ح ۶۷.

۲. «فیبايعونه بين الركن و المقام فيبعث اليه جيش من الشام حتى اذا كانوا بالبيداء خسف بهم...» عبد
 الرزاق، المصنف، ج ۱۱، ص ۳۷۱، ح ۲۰۷۶۹.

۳. «يباع لرجل بين الركن و المقام... فيغزوهم جيش من اهل الشام حتى اذا كانوا بالبيداء يخسف بهم...»
 ابن ابی شیبه، المصنف، ج ۱۵، ص ۴۵، ح ۹۰۷۰.

۴. «فیبايعونه بين الركن و المقام فيبعث اليهم جيش من الشام فيخسف بهم البيداء...» احمد بن حنبل،
 مسند، ج ۶، ص ۳۱۶.

۵. نک: طریحی، مجمع البحرين، ج ۱، ص ۲۰۳ (زکا).

۶. «أَقْتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ!» كهف (۱۸)، آیه ۷۴.

۷. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

در روایتی جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

... وَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ؛^۱ و نفس زکیه از فرزندان حسین علیه السلام

است.

از ویژگی‌هایی که برای «کشته شدن نفس زکیه»، بیان شده و اهمیت این رخداد را می‌نمایاند، حتمی بودن این واقعه است. روایات متعددی با تعبیر گوناگونی چون «مختوم»، «لابد ان یکون»، «لا یخرج حتی» این مطلب را بیان می‌کنند. این حتمی بودن، در حدیث حمران بن اعین از امام صادق علیه السلام با تأکید بیشتری تبیین شده است:

مِنَ الْمَخْتُومِ الَّذِي لَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَ خَسْفُ

بِالْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ؛^۲ از نشانه‌های حتمی که

ناگزیر پیش از قیام قائم علیه السلام خواهد بود، خروج سفیانی و فرو رفتن در سرزمین

بیداء و کشته شدن نفس زکیه و منادی از آسمان است. آنچه از روایات به

دست می‌آید کلیاتی درباره قتل نفس زکیه و به چگونگی و اهداف او کمتر

اشاره شده است.

زمان و مکان قتل نفس زکیه

در مدت کمتر از پانزده شبانه روز پس از این حادثه قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام

خواهد بود. صدوق با ذکر سند از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ إِلَّا خُمْسَ عَشْرَةَ لَيْلَةً؛^۳

بین قیام قائم آل محمد و کشتن نفس زکیه، پانزده شب فاصله خواهد بود.

در باره محل شهادت وی امام علی علیه السلام فرمود:

قَتْلُ نَفْسٍ حَرَامٍ فِي يَوْمٍ حَرَامٍ فِي بَلَدٍ حَرَامٍ...؛^۴ کشته شدن انسان بی‌گناه در

روز حرام در شهر حرام...

۱. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۴، ح ۲۶.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۲.

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۹، ح ۱۷.

صدوق از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود:

... وَ قُتِلَ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الرَّكْنِ وَالْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ...^۱ و جوانی از آل محمد که نامش محمد بن حسن - یا نفس زکیه - است بین رکن و مقام کشته شود.

دو. نشانه‌های غیر حتمی

طبق نگاه معمول به نشانه‌ها، در برابر نشانه‌های حتمی، «نشانه‌های غیر حتمی»^۲ قرار دارد؛ یعنی، مقید و مشروط به اموری است که در صورت تحقق آنها، پدید می‌آید. این نشانه‌ها، شاید پدید آید و شاید بدون پیدایش آنها، امام زمان علیه السلام قیام کند. پاره‌ای از نشانه‌های غیر حتمی از این قرار است:

۱. مرگ و میرها، زلزله‌ها و جنگ‌ها و آشوب‌های فراگیر؛

۲. خسوف و کسوف نابهنگام؛

۳. بارش باران‌های فراوان و...

البته برخی از نویسندگان نشانه‌ها را به انواع دیگری نیز تقسیم کرده‌اند که به نظر می‌رسد اثبات این انواع، کار آسانی نخواهد بود.

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۶.

۲. در درس نخست به صورت پراکنده به برخی از این نشانه‌ها اشاره شد.

خودآزمایی

۱. مشهورترین تقسیم‌بندی نشانه‌ها که از روایات قابل استفاده است کدامند؟
۲. ندای آسمانی به چه معناست؟ در باره چگونگی و گستره آن با استناد به روایات توضیح دهید.
۳. خروج سفیانی به چه معناست؟ در باره چگونگی خروج و سرانجام او توضیح دهید.
۴. یمانی کیست؟ زمان و مکان قیام او را با استفاده از روایات توضیح دهید.
۵. در باره قتل نفس زکیه توضیح داده، این اتفاق در چه زمانی پدید خواهد آمد؟



منابع برای پژوهش

۱. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ش.
۲. صادقی، مصطفی، تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ش.
۳. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبة الکبری، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۴. ———، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی‌پور، چاپ اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.
۵. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، چاپ دوم، قم، انتشارات پرهیزکار، ۱۳۸۰ش.

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

اشراط الساعة:

دسته نخست:

دگرگونی های انسانی:

۱- خروج سفیانی؛

۲- خروج دجال؛

۳- خروج دابة الارض؛

۴- خروج قائم؛

۵- نزول عیسی علیه السلام؛

دسته دوم:

دگرگونی های کیهانی:

۱- دود در آسمان؛

۲- طلوع خورشید از مغرب؛

۳- فرو رفتن زمین در ناحیه مشرق؛

۴- فرو رفتن زمین در جزیره العرب؛

۵- آتشی از عدن.

پیش درآمد

رستاخیز بزرگ (قیامت)، بزرگ‌ترین حادثه نظام آفرینش و پدیده‌ای است که همه پیامبران الهی به آن وعده داده‌اند. عظمت این حادثه به گونه‌ای است که بخش فراوانی از آیات قرآن، بدان اختصاص یافته است. این واقعه بزرگ همچون دیگر حوادث چشمگیر، دارای نشانه‌هایی است. بررسی روایات در این زمینه، اتفاق‌های فراوانی را در شمار این نشانه‌ها معرفی کرده که از جمله آنها «قیام و حکومت جهانی» آخرین حجت خداوند در زمین است.

بزرگی قیام جهانی امام مهدی علیه السلام در پایان دوران و آستانه قیامت، سبب شده تا نوعی درهم آمیختگی بین نشانه‌های این دو رخداد شکل گیرد. از این رو بررسی نشانه‌های قیامت، به نوعی بحث نشانه‌های مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را کامل می‌کند. بنابراین در این درس به اجمال به برخی از نشانه‌های نزدیک شدن قیامت اشاره می‌کنیم.

نشانه‌های نزدیک شدن قیامت

پیش‌تر گذشت که «أشراط» جمع «شَرَط» به معنای نشانه^۱ یا سرآغاز یک چیز است و «الساعة» به بخشی از بخش‌های شبانه روز گفته می‌شود و مقصود از آن در این جا قیامت است؛ به جهت اینکه وقوع آن ناگهانی است و یا اینکه طول آن نزد خداوند مانند ساعتی

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۹۴۲.

از ساعات بندگان است.^۱ پس مراد از «اشراط الساعة»، نشانه‌هایی است که پیش از قیامت یا در آستانه آن، پدید می‌آید. واژه «اشراط» در قرآن، فقط یک بار و به صورت اضافه به ضمیر «الساعة» به کار رفته است.^۲

در روایات «اشراط الساعة»، زنجیره‌ای از پدیده‌های انسانی و طبیعی شمرده شده که از زمان بعثت رسول اکرم ﷺ آغاز و تا فروپاشی کامل نظام طبیعت ادامه می‌یابد و البته همه آنها را می‌توان نشانه‌هایی از نزدیک شدن رستاخیز بزرگ دانست. علاوه بر واژه «اشراط» از واژه‌هایی چون «علامات» نیز برای نشانه‌های قیامت استفاده شده است.^۳

در منابع اهل سنت روایات فراوانی درباره نشانه‌های قیامت نقل شده است.^۴ بخاری در صحیح خود از حدیثی نقل کرده است: ما در حال گفت‌وگو بودیم که رسول خدا ﷺ حاضر شد و فرمود: از چه سخن می‌گویید؟ گفتیم از قیامت؛ فرمود:

أَنهَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرُونَ قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ فَذَكَرَ الدُّخَانَ وَالْجَالَ وَالذَّابَةَ وَطُلُوعَ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَنُزُولَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَيَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ وَثَلَاثَةَ خُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالشَّرْقِ وَخَسْفٌ بِالمَغْرِبِ وَخَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَآخِرُ ذَلِكَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ تَطْرُدُ النَّاسَ إِلَى مَحْشَرِهِمْ؛^۵ قیامت آشکار نمی‌شود، مگر اینکه ده نشانه پیش از آن ببینید: دود، دجال، جنبنده، طلوع

۱. همان، ج ۲، ص ۹۰۷.

۲. سوره محمد (۴۷)، آیه ۱۸.

۳. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۵۶.

۴. جایگاه این بحث در میان اهل سنت سبب شده تا شمار قابل توجهی از آثار روایی آنان با همین عنوان و عنوان‌های مشابه آن نام‌گذاری شود. نک: اشراط الساعة اثر مجدی سید ابراهیم، اشراط الساعة نوشته خالد الغامدی، اشراط الساعة الکبری تألیف البنکانی، اشراط الساعة و امور الآخرة نگاشته محمد بن احمد کنعان، الموسوعه فی الفتن و الملاحم و اشراط الساعة، نوشته محمد احمد میض، صحیح الفتن و اشراط الساعة، اثر ابوانس صدیق، علامات القیامة و اشراطها اثر الجمیلی و نهاییه العالم و اشراط الساعة نوشته منصور عبدالحکیم فقط بخشی از آثار با این عنوان است.

۵. مسلم بن حجاج قشیری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۶۶. محمد بن اسماعیل بخاری،

خورشید از سمت مغرب، نزول عیسی علیه السلام، یاجوج و ماجوج، لرزش زمین در مشرق و مغرب و در جزیره العرب و آخرین نشانه آتشی است که از سوی یمن آشکار شود و مردم را به سوی محشر سوق دهد.

آن حضرت در روایت دیگری درباره نشانه‌های قیامت می‌فرماید:

عَشْرٌ قَبْلَ السَّاعَةِ لَا بُدَّ مِنْهَا السُّفْيَانِيُّ وَ الدَّجَالُ وَ الدُّخَانُ وَ الدَّابَّةُ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَ نَزُولُ عِيسَى عليه السلام وَ خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَ خَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ؛^۱ به ناگزیر ده چیز، پیش از برپایی قیامت، رخ خواهد داد: خروج سفیانی، دجال، پیدا شدن دود، جنبنده، خروج قائم علیه السلام، طلوع خورشید از مغرب آن، فرود آمدن عیسی علیه السلام، فرو رفتن [در زمین] در ناحیه مشرق و فرو رفتن در منطقه جزیره العرب و آتشی که از انتهای عدن بر می‌خیزد و مردمان را به سوی صحرای محشر راهنمایی می‌کند.

از آنجایی که روایات مربوط به نشانه‌های قیامت، در منابع اسلامی - بویژه اهل سنت - گستره بسیار وسیعی را به خود اختصاص داده و بررسی همه آنها فرصتی فراخ‌تر را می‌طلبد، در اینجا مبنای درس را بر روایت نقل شده از شیخ طوسی قرار می‌دهیم. بنابراین می‌توان مجموعه «اشراط الساعة» را - بویژه از نگاه منابع شیعی - به دو بخش تقسیم کرد:

الف. تحولات انسانی که در حلقه پایانی زندگی دنیا رخ می‌دهد و عبارت است از: خروج سفیانی، دجال، جنبنده، خروج قائم و فرود آمدن حضرت عیسی.
دوم. دگرگونی‌های کیهانی که به فروپاشی نظام دنیا و ظهور قیامت می‌انجامد که عبارت است از: پیدا شدن دود، طلوع خورشید از مغرب آن، فرو رفتن [در زمین] در ناحیه مشرق، فرو رفتن در منطقه جزیره العرب و آتش عدن.^۲

۱. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶؛ رک: ابن حبان، الصحیح، ج ۱۵، ص ۲۵۷.

۲. از نگاه‌های دیگر، تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز قابل ارائه است؛ مانند تقسیم از نظر زمان وقوع.

یک. دگرگونی‌های انسانی

۱-۱. خروج سفیانی^۱

پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام، مردی از نسل ابوسفیان در منطقه شام خروج می‌کند و با تظاهر به دین‌داری، گروه فراوانی از مسلمانان را فریب می‌دهد و بخش گسترده‌ای از سرزمین‌های اسلامی (شام، حمص، فلسطین، اردن، قنسرین و منطقه عراق) را به تصرف خود در می‌آورد.^۲ در کوفه و نجف، به کشتار شیعیان می‌پردازد و برای کشتن و یافتن آنان جایزه تعیین می‌کند^۳، مدت حکومت او، نه ماه است.^۴ وی، آن‌گاه که از ظهور آن حضرت آگاه می‌شود، سپاهی بزرگ برای جنگ با ایشان میفرستد.^۵ به امر خدا، همه لشکریان وی - جز چند نفر - در منطقه «بیداء» (بین مکه و مدینه) در زمین فرو می‌روند و هلاک می‌شوند.^۶

۱-۲. خروج دجال

«خروج دجال» از نشانه‌های قیامت است که به خاطر توجه بیش از حد به این پدیده در اینجا به تفصیل به آن می‌پردازیم.^۷ «دجال» در زبان عربی به معنای «آب طلا» و «طلا اندود کردن» است و به همین

۱. به طور مفصل این نشانه در بحث نشانه‌های ظهور مطرح شد و در اینجا به طور مختصر به آن اشاره می‌شود.

۲. مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۸۶.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۱.

۴. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۴۹.

۵. ر.ک: متقی هندی، کنز العمال، ح ۳۱۵۳۵.

۶. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۷۹، ح ۶۷.

۷. مبالغه‌آمیز نیست اگر گفته شود حجم روایات دجال در منابع اهل سنت چندین برابر روایات مهدویت است. نگارنده بر این اعتقاد است دست‌های پیدا و پنهان برخی مخالفان و دشمنان برای به حاشیه کشاندن بحث مهم و تأثیر گذار مهدویت سبب شده تا روایات فراوانی در باره دجال ساخته و در منابع روایی وارد شود.

علت، افراد بسیار دروغ‌گو که باطل را حق جلوه می‌دهند، «دجال» نامیده می‌شوند.^۱ از روایات استفاده می‌شود «دجال» ستم‌کاری است که در آخرالزمان، مردم را گمراه می‌کند. البته در آموزه‌های هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام از آن سخن به میان آمده است. برخی می‌گویند: دجال تولد یافته و زنده است.^۲

در روایاتی چند از خروج «دجال» جزو «أَشْرَاطُ السَّاعَةِ» یاد شده است.^۳ برخلاف پافشاری برخی بر نشانه ظهور بودن آن، در منابع روایی شیعه، از آن به عنوان حادثه‌ای مهم یاد شده که مقارن ظهور حضرت مهدی علیه السلام رخ خواهد داد.^۴ در باره دجال، چند احتمال وجود دارد:

احتمال نخست اینکه: دجال، نام شخص معینی نیست و هر کسی که با ادعاهای پوچ و بی‌اساس و با حيله‌گری و نیرنگ، در صدد فریب مردم باشد، دجال است. اینکه در روایات، از «دجال»‌های فراوان سخن به میان آمده، این احتمال را تقویت می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ الْمَهْدِيُّ مِنْ وَادِيٍّ وَلَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يَخْرُجَ
سِتْرٌ كَذَّابٌ كُلُّهُمْ يَقُولُ أَنَا نَبِيٌّ؛^۵ قیامت، برپا نمی‌شود تا وقتی که مهدی از
فرزندانش، قیام کند. مهدی قیام نمی‌کند تا وقتی که شخصت دروغ‌گو خروج
کنند و هر کدام بگویند: من پیامبرم.

در روایات، از «دجال»‌ها و دروغ‌گویان فراوان نام برده شده است؛ چنان که در بعضی دوازده، در برخی سی و برخی هفتاد دجال آمده است.^۶ از میان آنها فردی که در

۱. رک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۹۴.

۲. رک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۳۲۳ - ۲۸۲.

۳. مسلم، صحیح، باب فی الآیات التي تكون قبل الساعة، ح ۱؛ ترمذی، سنن، ج ۴، ص ۵۰۷؛ ابو داوود، سنن، ج ۴، ص ۱۱۵.

۴. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۰.

۵. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۱.

۶. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۹۸ - ۲۰۰.

دروغ‌گویی، حيله‌گری و مردم‌فریبی، سرآمد همه دجالان و فتنه‌اش از همه بزرگ‌تر است، نشانه برپایی قیامت می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال خروج خواهد کرد».^۱

حقیقت داستان دجال، بیانگر این واقعیت است که در آستانه هر انقلابی، افراد فریبکار و منافقی که معتقد به نظام‌های پوشالی گذشته و حافظ ضد ارزش‌هایند، برای نگه‌داشتن فرهنگ و نظام جاهلی گذشته، همه تلاش خود را به کار می‌گیرند و با سوء استفاده از زمینه‌های فکری و اجتماعی و احساسات مردم، دست به تزویر و حيله‌گری می‌زنند.

از آنجایی که انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام از همه انقلاب‌های تاریخ بزرگ‌تر و گسترده‌تر است، خطر فریبکاران دجال صفت نیز به مراتب بیشتر و گسترده‌تر است. در آستانه ظهور، آنان تلاش خواهند کرد که مردم را فریب داده، آنها را از نتیجه آن، دل‌سرد و ناامید سازند و از پیروزی حتمی آن جلوگیری کنند. البته می‌توان گفت: ممکن است یکی از آن دجال‌ها - که صفات زشت در او بیشتر از همه متبلور است - یکی از نشانه‌ها باشد.

احتمال دوم آن است که فردی معین و مشخص، به نام «دجال» - با همان ویژگی‌هایی که برای وی بیان شده است - خروج می‌کند و مردم را به انحراف می‌کشاند. برخی با استناد به روایاتی چند، او را زنده می‌دانند؛ برای مثال گفته می‌شود: او در زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله زنده بوده و تا هنگام خروج، زنده خواهد ماند.^۲

اصبغ بن نباته از حضرت علی علیه السلام پرسید: «ای امیر مؤمنان! دجال کیست؟» آن حضرت فرمود:

دجال، صائد بن صائد (صید) است. بدبخت کسی است که او را تصدیق کند و خوشبخت آن است که او را تکذیب نماید. از شهری برمی‌آید که آن را

۱. منقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۰۰.

۲. ر.ک: طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۱۳، ج ۸۶.

اصفهان نامند؛ از دهی که آن را یهودیه گویند.^۱ چشم راستش ممسوح و چشم دیگرش بر پیشانی است و مانند ستاره صبح می درخشد. در آن، نقطه علقه‌ای است که با خون در آمیخته است و میان دو چشمش نوشته است: «کافر» و هر خواننده و بی‌سواد آن را می‌خواند. در دریاها فرو می‌رود و آفتاب با او می‌گردد. مقابل او کوهی از دود و عقبش کوهی سپید است که مردم تصور می‌کنند طعام است. در زمان قحطی و سختی خروج می‌کند؛ در حالی که بر الاغ سپیدی سوار است. هر قدم حمارش، یک میل است و زمین، منزل به منزل زیر پایش درنوردیده شود. بر آبی نگذرد، جز آنکه فرو رود، تا روز قیامت. به آوازی که همه جن و انس و شیاطین - در شرق و غرب - عالم آن را می‌شنوند، فریاد می‌کنند: «ای دوستان من! نزد من آید. منم آنکه آفرید و تسویه کرد و تقدیر کرد و رهبری نمود. منم پروردگار شما!» دشمن خدا دروغ می‌گوید. او یک چشمی است که غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود. به راستی که پروردگار شما نه یک چشم است و نه غذا می‌خورد؛ نه راه می‌رود و نه زوال دارد. برتر است خدا از این اوصاف؛ برتری بزرگی. آگاه باشید! بیشتر پیروانش در آن روزگار، ناپاک زادگانتند و صاحب پوستین‌های سبز. خداوند تعالی او را در شام بر سر گردنه‌ای که آن را افیق نامند به دست کسی که عیسی علیه السلام پشت سرش نماز می‌خواند هنگامی که سه ساعت از روز جمعه گذشته باشد، خواهد کشت. آگاه باشید پس از آن، حادثه بزرگ و قیامت کبرا باشد.^۲

احتمال سوم این است که برخی می‌گویند: که مراد از «دجال» همان سفیانی است که در کتاب‌های اهل سنت، بیشتر با عنوان «دجال» و در کتاب‌های شیعی با عنوان «سفیانی» آمده است! البته این احتمال مردود است.^۳

۱. در پاره‌ای روایات محل خروج او سجستان ذکر شده است. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۲۷، ح ۱. (با فرض پذیرش روایت، بعید نیست بسیاری از آنچه ذکر شده است، معنایی کنایی داشته باشد.)

۳. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶۳.

در نهایت به نظر عده‌ای: دَجَّال، کنایه از کفر جهانی و سیطره فرهنگ مادی بر جهان است. اینان بر اساس این احتمال، همه ویژگی‌هایی که برای دَجَّال بیان شده، با ویژگی‌های استکبار جهانی برابر است. «استکبار» به معنای واقعی، دَجَّال است که خود را قیم ملت‌ها می‌داند و با تکیه به ثروت انبوه و قدرت عظیم، در همه جای زمین دخالت می‌کند و همه را به زیر سلطه خویش می‌آورد.^۱

البته غیر از منابع اسلامی، اصل داستان «دَجَّال» در کتاب‌های مسیحیان نیز آمده است. در انجیل، واژه «دَجَّال» بارها به کار رفته و از کسانی که منکر حضرت مسیح باشند یا «پدر و پسر» را انکار کنند، «دَجَّال» یاد شده است.

به عنوان مثال در رساله یوحنا آمده است: «دروغ گو کیست، جز آنکه مسیح بودن عیسی را انکار کند؟ آن، دَجَّال است که پسر و پدر را انکار کند».^۲

از نکات شگفت‌آور و تأمل‌برانگیز در انبوه روایات شیعه و سنی، ارتباط تنگاتنگی است که بین دَجَّال و یهودیان مطرح شده است. از این نظر بیشتر پیروان دجال، یهودی معرفی شده‌اند.^۳ در منابع اهل سنت به صورت عمده، سخن از کشته شدن دَجَّال به دست عیسی علیه السلام است.^۴

۱-۳. خروج دابة الارض

«خروج دابة الارض»، به معنای بیرون آمدن جنبنده زمین است. این پدیده، هم در روایات شیعه و اهل سنت، مورد اشاره قرار گرفته و از آن به عنوان «أشراط الساعة» و یکی از نشانه‌های نزدیک شدن قیامت یاد شده است.^۵

۱. سید محمد صدر، تاریخ غیبت کبرا، صص ۵۳۲-۵۳۶.

۲. رساله یوحنا، باب ۲، ۱۸ و ۲۲.

۳. ر.ک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۸، ح ۲؛ ابن ابی شیبه، المصنف، ج ۸، ص ۶۶۱.

۴. تفسیر طبری، ج ۳، ص ۲۹۰، تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۵۷۹.

۵. ر.ک: صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۷۳؛ طوسی، کتاب الغیبه، ۲۶۶؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳،

ص ۱۰۲، و در کتب اهل سنت ر.ک: بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ذیل: ۸۲ سوره نمل؛ ابن

کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۲۱۰.

درباره ماهیت «دابه» و چگونگی خروج او، سخن‌هایی گفته و گمانه‌هایی زده شده است. برخی نوشته‌اند: «دابه»، به معنای جنبنده و «ارض» به معنای زمین است. بر خلاف آنچه برخی می‌پندارند، دابه فقط به جنبندگان غیرانسان اطلاق نمی‌شود؛ بلکه مفهوم وسیعی دارد که انسان‌ها را نیز در بر می‌گیرد؛ چنان که در آیه ۶ سوره «هود» می‌خوانیم:

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا...﴾؛ هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزی‌اش بر عهده خداست.

در باره تطبیق این کلمه، بنای قرآن بر اجمال و ابهام بوده و یگانه وصفی که برای آن ذکر کرده، این است که با مردم سخن می‌گوید و افراد بی‌ایمان را مشخص می‌کند؛ ولی در روایات اسلامی و سخنان مفسران، بحث‌های فراوانی در این زمینه دیده می‌شود. در یک جمع‌بندی می‌توان آن را در دو دیدگاه خلاصه کرد:

الف. گروهی، آن را یک موجود جاندار و جنبنده غیرعادی از غیر جنس انسان، با شکل عجیب دانسته و برای آن عجایبی نقل کرده‌اند. این جنبنده در آخرالزمان ظاهر می‌شود و از کفر و ایمان سخن می‌گوید و منافقان را رسوا می‌سازد و بر آنها علامت می‌نهد.

ب. جمعی دیگر به پیروی از روایات، او را یک انسان فوق‌العاده، متحرک، جنبنده و فعال می‌دانند که یکی از کارهای اصلی‌اش جدا ساختن صفوف مسلمین از کفار و منافقان و علامت‌گذاری آنان است. حتی از بعضی روایات استفاده می‌شود که عصای موسی و خاتم سلیمان، با او است. می‌دانیم عصای موسی، رمز قدرت و اعجاز، و خاتم سلیمان رمز حکومت و سلطه الهی است؛ بنابراین او یک انسان قدرتمند و افشاگر است.

در روایاتی دابه الارض بر شخص امیرمؤمنان علی علیه السلام تطبیق شده است. در تفسیر

علی بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام آمده است:

مردی به عمار یاسر گفت: «آیه‌ای در قرآن است که فکر مرا پریشان ساخته و مرا در شک انداخته است.» عمار گفت: «کدام آیه؟» گفت: «آیه ﴿وَإِذَا وَقَعَ

الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ...»^۱ این کدام جنبنده است؟» عمار گفت: «به خدا سوگند! روی زمین نمی‌نشینم، غذا نمی‌خورم و آبی نمی‌نوشم، تا دابَّةُ الْأَرْضِ را به تو نشان دهم.» پس به همراه آن مرد خدمت حضرت علی علیه السلام آمد؛ در حالی که حضرت غذا می‌خورد. هنگامی که چشم امام به عمار افتاد، فرمود: «بیا.» عمار آمد و نشست و با امام غذا خورد. آن مرد سخت در تعجب فرو رفت و ناباورانه به این صحنه نگریست؛ چرا که عمار به او قول داده و قسم خورده بود تا به وعده‌اش وفا نکند، غذا نخورد. گویی قول و قسم خود را فراموش کرده است!

هنگامی که عمار برخاست و با حضرت علی علیه السلام خداحافظی کرد، آن مرد به او گفت: «عجیب است! تو سوگند یاد کردی که غذا نخوری و آب ننوشی و بر زمین ننشینی، مگر اینکه «دابَّةُ الارض» را به من نشان دهی!» عمار در پاسخ گفت: «من او را به تو نشان دادم، اگر فهمیدی.»^۲

امام باقر علیه السلام فرمود:

امام علی علیه السلام پس از ذکر اوصاف خود، فرمود: ... من، همان جنبنده‌ای هستم که با مردم سخن می‌گویند...^۳

۱-۴. خروج قائم

در روایاتی چند، قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام از بزرگ‌ترین پدیده‌هایی دانسته شده که در آستانه رستاخیز شکل می‌گیرد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنَّا وَ ذَلِكَ حِينَ يَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ اللَّهُ اللَّهُ عِبَادَ اللَّهِ فَاتُوهُ وَ لَوْ عَلَى الثَّلْجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَلِيفَتِي^۴؛

۱. نمل (۲۷)، آیه ۸۲

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۱ - ۵۵۳.

۳. «...إني... والدَّابَّةُ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ»، محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۳.

۴. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹. رک: اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الائمة علیهم السلام، ج ۲، ص ۴۵۹.

قیامت بر پا نمی‌شود، تا اینکه قیام کننده‌ای به حق از خاندان ما قیام کند و این، هنگامی است که خداوند، به او اجازه فرماید. هر کس از او پیروی کند، نجات می‌یابد و هر کس از او سرپیچد، هلاک خواهد شد.

۱-۵. نزول عیسی علیه السلام

فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا، عیسی بن مریم هنگام قیام امام مهدی علیه السلام از دیدگاه همه مسلمانان، یک واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد.^۱ این حادثه بزرگ از شگفت‌انگیزترین حوادث تاریخ، مهم‌ترین رخدادها، بزرگ‌ترین نشانه‌ها و پرشکوه‌ترین دلیل‌ها بر حقانیت امام مهدی علیه السلام است. ابوبصیر گوید: [به امام صادق علیه السلام] عرض کردم: «ای پسر رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟» فرمود:

يا ابا بصير هو الخامس من ولد ابني موسى، ذلك ابن سيده الاماء، يغيب غيبة يرتاب فيها المبطلون، ثم يظهره الله عزوجل فيفتح الله على يده مشارق الارض ومغاربها، وينزل روح الله عيسى بن مريم فيصلي خلفه وتشرق الارض بنور ربها...^۲ ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موسی است. او فرزند سرور کنیزان است و غیبتی می‌کند که باطل جویان در آن شک می‌کنند! خدای تعالی او را آشکار می‌کند و به دست او شرق و غرب عالم را می‌گشاید. روح الله عیسی بن مریم فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌گزارد. زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود...»

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم، عیسی بن مریم را بنده وارسته و شایسته خدا و پیامبر بزرگ او می‌شمارند و همان‌گونه که قرآن بارها او را به پاکی، طهارت و قداست و احترام یاد می‌کند، از وی تجلیل می‌کنند. به سبب اهمیت این موضوع و شکوه و شخصیت والای آن حضرت است که او، به اراده خدا و برای تقویت حرکت جهانی و نجات بخش امام مهدی علیه السلام در عصر ظهور، از آسمان فرود می‌آید.

۱. مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۲۷۴.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ح ۳۱.

روایات بسیاری در این باره از پیامبر ﷺ و خاندان وحی و رسالت ﷺ رسیده و در آن، به فرود آمدن عیسی علیهما السلام و اقتدای او به امام مهدی رحمة الله علیه و تصدیق و تأیید آن، اصلاح گر بزرگ عصرها و نسل‌ها، تصریح شده است.^۱

بنابراین یکی از حکمت‌های فرود آمدن آن حضرت در قیام امام مهدی علیهما السلام، تقویت این حرکت جهانی و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گرانمایه و امامت او است؛ بویژه آنکه حضرت عیسی علیهما السلام به امام مهدی علیهما السلام اقتدا می‌کند و به امامت او نماز می‌گزارد و امامت او را تصدیق و تأیید می‌کند.

دو. دگرگونی‌های کیهانی

۱-۲. دود در آسمان

یکی از نشانه‌های قیامت، پر شدن آسمان از دود است. برخی از مفسران منظور از «دخان مبین» را در آیه «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ»^۲ همان دود غلیظی دانسته‌اند که در پایان جهان و آستانه قیامت، صفحه آسمان را می‌پوشاند و سرآغاز عذاب دردناک الهی، برای ستمگران است.^۳

۲-۲. طلوع خورشید از مغرب

اگر چه در باره چگونگی این پدیده سخن روشنی در روایات به چشم نمی‌خورد؛ اما برخی از بزرگان درباره چگونگی این اتفاق نوشته‌اند: «خورشید، هنگام ظهر در آسمان، راکد می‌شود و ساعتی چند تا هنگام عصر پیدا نباشد؛ آن گاه از مغرب آشکار شود».^۴

۱. ر.ک: سید محمد کاظم قزوینی، امام مهدی علیهما السلام از ولادت تا ظهور، صص ۶۷۸-۶۸۰؛ همچنین ر.ک: صدوق، الامالی، ص ۲۷۱، ح ۸؛ طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۴۷۰؛ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۳۲۰، ح ۱؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۴۹، ح ۱۰؛ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۲۷، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۳۱.

۲. «پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی‌آورد.»؛ دخان (۴۴)، آیه ۱۰.

۳. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۱۶۳.

۴. مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۶۸.

عده‌ای نیز این امر را بعید پنداشته آن را مستلزم در هم ریختن و از هم پاشیدن نظم جهان و تغییر در حرکت منظومه خورشیدی دانسته‌اند که با اصول حاکم بر نظام طبیعت، ناسازگار است!! ولی به نظر می‌رسد این امر، همانند بسیاری دیگر از امور، از آیات الهی خواهد بود. افزون بر آن، نظیر این اتفاقات پیش‌تر نیز در آسمان رخ داده است که از جمله آنها «ردّ الشَّمس» (بازگشتن خورشید) برای یوشع بن نون بوده است.

در برخی دیگر از نوشته‌ها نیز آمده است: «مقصود از طلوع خورشید از مغرب، ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. بدین معنا که او، همان خورشید است که در پایان عمر طولانی خویش، طلوع خواهد کرد.»^۱

از آنجایی که چنین مطلبی در کلام معصوم علیه السلام نیامده و علاوه بر آن، در روایات، سخن از طلوع خورشید از مغرب در ردیف قیام حضرت مهدی علیه السلام ذکر شده است؛ بنابراین، طلوع خورشید از مغرب، حادثه‌ای است که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و در آستانه قیامت روی خواهد داد.

۲-۳. فرو رفتن زمین در ناحیه مشرق

در روایات اشاره روشنی به چگونگی این نشانه نشده و فقط به فرو رفتن زمین در مشرق، بسنده شده است.

۲-۴. فرو رفتن زمین در جزیره العرب

هرچند از این پدیده نیز به روشنی صحبت نشده است؛ اما به نظر می‌رسد همان «خسف» به بیداء» باشد. واژه «خسف» به معنای فرو رفتن و پنهان شدن است و «بیداء» نام سرزمینی بین مکه و مدینه است.^۲ منظور از «خسف به بیداء» آن است که سفیانی با لشکری عظیم به قصد جنگ با حضرت مهدی علیه السلام عازم مکه می‌شود؛ اما آنان بین مکه و مدینه - در محلی که به سرزمین «بیداء» معروف است - به امر خداوند، در زمین فرو می‌روند.^۳

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۷، ح ۱.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ماده خسف و بیداء.

۳. در بحث نشانه‌های ظهور به طور مفصل در باره آن بحث شد.

۲-۵. آتشی از عدن

آخرین نشانه و نزدیک‌ترین نشانه به برپایی قیامت، - به احتمال - آتشی است که از عدن بیرون آمده، مردم را به محشر سوق می‌دهد (تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ). در برخی روایات، افزون بر موارد یادشده، ناهنجاری‌های اجتماعی و گناهان آشکار و عمومی نیز به عنوان «اشارات الساعة» نام برده شده که مشروح‌ترین و جامع‌ترین حدیث در این زمینه آن است که ابن عباس از پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در داستان حجة البلاغ نقل کرده است.^۱ در بخشی از آن آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله در کعبه را گرفت و سپس روی خود را به طرف ما کرد و فرمود: می‌خواهید شما را خبر دهم از نشانه‌های قیامت؟ و در آن روز سلمان - رضی الله عنه - از هر کس دیگر به آن حضرت نزدیک‌تر بود؛ لذا در پاسخ رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشت: بله، یا رسول الله! حضرت فرمود:

یکی از علامت‌های قیامت این است که نماز ضایع می‌شود (یعنی از میان مسلمین می‌رود) و از شهوات پیروی می‌شود و مردم به سوی هواها میل می‌کنند. مال مقامی عظیم پیدا می‌کند و مردم آن را تعظیم می‌کنند. دین به دنیا فروخته می‌شود. در آن زمان است که دل افراد با ایمان در درونشان، برای منکرات بسیاری که می‌بینند و نمی‌توانند آن را تغییر دهند، آب می‌شود آن چنان که نمک در آب حل می‌گردد...

سلمان با شگفتی گفت: یا رسول الله! به راستی چنین روزی خواهد رسید؟ فرمود: آری، به آن خدایی که جانم به دست او است، ای سلمان!... در این هنگام منکر، معروف، و معروف منکر می‌شود. خائن امین قلمداد می‌گردد و امین خیانت می‌کند. دروغگو تصدیق می‌شود و راستگو تکذیب می‌گردد.

سلمان شگفت‌زده پرسید: یا رسول الله! به راستی چنین چیزی خواهد شد؟ فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان!... در آن روز ربا همه جا را می‌گیرد و یک عمل آشکار می‌شود. معاملات با غیبت و رشوه

۱. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۰۳ - ۳۰۷؛ و نیز نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۱.

انجام می‌شود و دین خوار و دنیا بلند مرتبه می‌شود.

سلمان گفت: یا رسول الله آیا این نیز واقع خواهد شد؟

فرمود: آری به آن خدایی که جانم به دست او است ای سلمان! در این هنگام طلاق زیاد می‌شود و هیچ حدی جاری نمی‌گردد، البته خدای تعالی از این بابت هرگز متضرر نمی‌شود....

سلمان عرضه داشت: یا رسول الله آیا چنین وضعی خواهد شد؟

فرمود: آری به خدایی سوگند که جانم به دست او است ای سلمان! این وقتی است که حرمت‌ها و قرق‌ها شکسته می‌شود و مردم از روی آگاهی و عمدی در پی ارتکاب گناه هستند. اشرار بر اخیار مسلط می‌شوند؛ دروغ آشکار و بی‌پرده و لجاجت‌ها ظاهر می‌گردد و فقرا فقر خود را علنی می‌کنند. مردم در لباس به یکدیگر فخرفروشی می‌کنند و باران در غیر فصل آن می‌باشد. مردم شطرنج و نرد و موسیقی را کاری پسندیده می‌شمارند و در مقابل امر به معروف و نهی از منکر را عملی نکوهیده می‌دانند تا آنجا که یک فرد با ایمان ذلیل‌ترین و منفورترین فرد امت می‌شود....^۱

۱. محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۶۴۹ - ۵۵۲.

خودآزمایی

۱. دجال در لغت به چه معناست و مقصود از خروج دجال چیست؟ ارتباط آن با مهدویت چگونه است؟
۲. در باره دجال و خروج او احتمالاتی داده شده است؛ هر یک را به اختصار بیان نمایید.
۳. مقصود از خروج دابة الارض چیست؟ دیدگاه‌هایی را که در این باره ذکر شده، توضیح دهید.
۴. یکی از نشانه‌های قیامت نزول حضرت عیسی علیه السلام است؛ در این باره توضیح داده ارتباط آن را با مهدویت بیان نمایید.
۵. در باره طلوع خورشید از مغرب توضیح داده، چگونگی این اتفاق را شرح دهید.



منابع برای پژوهش

۱. فاطمیان، علی، نشانه‌های پایان، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۱ ش.
۲. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی‌پور، چاپ اول، موعود عصر، تهران: ۱۳۸۴ ش.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، مدرسه امام علی علیه السلام، قم: ۱۳۸۰ ش.
۴. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، ج نوزدهم: شفق، قم: ۱۳۷۹ ش.
۵. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ هـ. ش.

درس نهم ظهور حضرت مهدی علیه السلام (کلیات)

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

- مفاهیم و کلیات ظهور:
- ظهور در لغت و اصطلاح؛
- ظهور امام مهدی علیه السلام از نگاه روایات؛
- دیدن ظهور مهدی علیه السلام آرزوی صالحان؛
- وقت ظهور؛
- آگاه شدن امام مهدی علیه السلام از زمان ظهور؛
- محل ظهور؛
- مراسم ظهور؛
- شادمانی اهل آسمان و زمین از ظهور مهدی علیه السلام؛
- امر به پذیرفتن مهدی علیه السلام؛
- بیعت حضرت مهدی علیه السلام

پیش درآمد

برانگیخته شدن و ظهور مهدی موعود علیه السلام، بزرگ‌ترین حادثه‌ای است که در پایان دوران رخ می‌دهد و به آرمان بلند همه پیامبران الهی و آرزوی همه انسان‌ها جامه عمل پوشانده می‌شود. ظهور او به عنوان سرآغاز بنیان جهانی است که در آن همه انسان‌ها بر محور عدل، آخرین صفحات کتاب زندگی روی زمین را به نگارش در می‌آورند.

ظهور او عینیت بخشی به وعده‌های همه پیامبران الهی در تحقق جامعه آرمانی بر مدار یکتاپرستی است. او نه تنها موعود آموزه‌های ادیان الهی که پاسخی است از خداوند به میل درونی و نیاز فطری همه انسان‌ها.

ظهور او، برانگیخته شدن انسانی است بی‌مانند که برای تحقق اهداف دیرینه همه انبیا و اولیای خداوند به پا می‌خیزد تا به نور ایمان و عدالت، سرتاسر گیتی را روشن کند.

در این درس تلاش می‌شود به بعضی از مباحث مهم ظهور حضرت مهدی علیه السلام اشاره شود، از این رو برای علاقه‌مندان به بررسی‌های عمیق‌تر کتاب‌های مفصل توصیه می‌شود.

ظهور

از اصطلاحات رایج در فرهنگ مهدویت، واژه «ظهور» است. این کلمه از نظر لغت به معنای آشکار شدن چیزی است که پیش تر ظاهر نبوده است^۱ و در اصطلاح، ظاهر شدن حضرت مهدی (عج) پس از پنهان زیستن طولانی، برای قیام و برپایی حکومت عدل جهانی است.

افزون بر واژه «ظهور» واژه «بعث» و «قیام» نیز برای ظهور به کار رفته است. «بعث» به معنای فرستادن، برانگیختن و برانگیخته شدن است. این کلمه بیشتر در باره برانگیخته شدن پیامبر خاتم (ص) به کار رفته است؛ اما در بعضی از روایات ظهور و گاهی قیام حضرت مهدی (عج) با این واژه بیان شده است. پیامبر اعظم (ص) فرمود:

ابشرکم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس...؛^۲ بشارت باد

شما را به مهدی که در هنگام اختلاف مردم برانگیخته شود...

طوسی در کتاب الغیبة^۳ و اربلی در کتاب کشف الغمة^۴ این روایت را به نقل از ابو

سعید خدری نقل کرده‌اند. امام رضا (ع) نیز فرمود:

... حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِّنَّا خَفِيَ الْوِلَادَةَ وَالْمَنْشَأَ غَيْرَ خَفِيَ فِي

نَسَبِهِ؛^۵ تا اینکه خداوند بر این امر جوانی از ما را برانگیزد؛ ولادت و منشأش

مخفی و نسبش آشکار است.

یک. اصطلاح ظهور از نگاه روایات

در روایات معصومین (ع) آن گاه که سخن از «ظهور» به میان می‌آید، بیشتر به آشکار

شدن حضرت اشاره دارد؛ اما گاهی به موضوعات دیگری نیز اشاره می‌شود:

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۳۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۱۲.

۳. احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۷.

۴. طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۷۸.

۵. اربلی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۴۷۱.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۲۵؛ ج ۳، ص ۵۰۳.

۱-۱. آشکار شدن امام مهدی علیه السلام پس از غیبت

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

إِنَّ لِلْعَلَامِ غَيْبَةً قَبْلَ ظُهُورِهِ؛^۱ همانا برای قائم، غیبتی است پیش از ظهورش....

امام صادق علیه السلام در روایتی ظهور وی را به اراده الهی دانسته، می فرماید:

فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَّتْ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛^۲ چون خدای عز ذکره اراده کند که امر او را ظاهر سازد، در دلش نکته‌ای می گذارد؛ پس ظاهر می شود و به امر خدای تبارک و تعالی قیام می کند.

در باره چگونگی این آشکار شدن سخنی روشن در روایات نیامده است؛ اما از آنجا که این ظهور پایان غیبت دانسته شده، می توان این آشکار شدن را طبق روایاتی که به چگونگی غیبت اشاره کرده اند، تعریف کرد. برخی روایات غیبت را ناپیدایی دانسته اند. بر این اساس ظهور حضرت، به معنای کنار رفتن پرده از مقابل دیدگان مردم و آشکار شدن ناگهانی او است. در حالی که طبق روایات ناشناسی، ظهور به معنای معرفی آن حضرت توسط خودش به مردم است.

۱-۲. همه دوران ظهور و آشکار بودن حضرت

امام صادق علیه السلام فرمود:

تَوَاصَلُوا وَتَبَارَكُوا وَتَرَاحَمُوا قَوْلَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ وَقْتُ لَّا يَجِدُ أَحَدَكُمْ لِدِينَارِهِ وَدِرْهَمِهِ مَوْضِعاً يَغْنَى لَّا يَجِدُ عِنْدَ ظُهُورِ الْقَائِمِ علیه السلام مَوْضِعاً يَصْرِفُهُ فِيهِ لِاسْتِغْنَاءِ النَّاسِ جَمِيعاً بِفَضْلِ اللَّهِ وَفَضْلِ وَلِيِّهِ؛^۳ به یکدیگر بیبندید و نیکی کنید و نسبت به هم مهربان باشید؛ پس سوگند به

۱ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۹؛ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۳۲۹، ح ۲۷۴.

۲ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۰؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۱۸۷، ح ۴۰؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۴۲.

۳ نعمانی، الغیبة، ص ۱۵۰؛ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۴؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۸۲.

آن که دانه را شکافت و جانداران را از نیستی آفرید! روزی فرا می‌رسد که هیچ یک از شما جایی برای درهم و دینارش نمی‌یابد؛ یعنی به هنگام ظهور قائم علیه السلام محلی که در آن درهم و دینار خود را صرف کند، نمی‌یابد به جهت بی‌نیازی همه مردم که با فضل خدا و ولی او حاصل شده است.

۱-۳. آشکار شدن دولت حق

امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه‌ای فرمود:

... سَيَحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَمْحَقُ الْبَاطِلَ هَاهَا طُوبَى لَهُمْ عَلَى صَبْرِهِمْ عَلَى دِينِهِمْ فِي حَالِ هُدَّتِهِمْ وَيَا شَوْقَاهُ إِلَى رُؤْيَيْهِمْ فِي حَالِ ظُهُورِ دَوْلَتِهِمْ...^۱
خدا هم با کلمات خود (انمه یا آیات قرآن و یا تقدیر خود) حق را ثابت کند و باطل را از میان ببرد. آه آه، خوشا به حالشان که در زمان صلح و آرامش، بر دینشان شکیبایی ورزیدند، هان از اشتیاق به دیدارشان در زمان ظهور دولتشان...^۲

اشتیاق صالحان به درک زمان ظهور

درک زمان ظهور دارای فضیلت فراوانی است؛ از این روانسان‌های صالح در طول تاریخ، همواره آرزومند حضور در آن دوران بوده‌اند. پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره به ارجمندی حضور در آن رخداد بزرگ اشاره می‌کردند. امام علی علیه السلام در روایت یاد شده در بحث قبل به این مسئله اشاره فرموده است. حضرت حسین بن علی علیهما السلام نقل کرده است:

مردی نزد پدرم آمد و از اوصاف مهدی علیه السلام پرسید. ایشان وقتی صفات او را ذکر کرد، با حالتی سرشار از عشق و شیدایی، به سینه خود اشاره کرده، آهی کشید و از شدت اشتیاق به ایشان، به سینه خود اشاره فرمود.^۳

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

... فَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَهُ وَكَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ؛^۴ پس خوشا به حال آن که او را در می‌یابد و از یاران اوست.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۳.

۲. «... وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ»؛ نعمانی، الغيبة، ص ۲۱۲، ح ۱.

۳. همان، ص ۲۳۴، ح ۲۲.

ام‌هانی ثقفیه گوید:

بامدادی خدمت سرورم، امام محمد باقر علیه السلام رسیدم و گفتم: ای آقای من! آیه‌ای از کتاب خدا بر دلم خطور کرده، مرا پریشان ساخته و خواب از چشمم ربوده است. فرمود: ای ام‌هانی! بپرس. پرسیدم: ای سرورم! این قول خداوند: «فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ، الْجَوَارِ الْكُنَّسِ»^۱؛ فرمود: ای ام‌هانی! خوب مسأله‌ای پرسیدی. این، مولودی در آخر الزمان است. او مهدی این عترت است و برای او حیرت و غیبتی خواهد بود که اقوامی در آن، گمراه می‌شوند و اقوامی نیز هدایت می‌یابند.^۲ خوشا بر تو اگر او را دریابی! و خوشا بر کسی که او را دریابد!

کلینی بخش پایانی روایت را این گونه نقل کرده است:

ثُمَّ يَظْهَرُ كَالشَّهَابِ يَتَوَقَّدُ فِي اللَّيْلَةِ الظُّلْمَاءِ فَإِنْ أَدْرَكَتْ زَمَانَهُ قَرَّتْ عَيْنُكَ^۳... سپس مانند شعله‌ای در شب تاریک فروزان می‌شود، اگر زمان او را درک کنی، چشمت روشن می‌گردد.

امام صادق علیه السلام در باره زمان آن حضرت فرمود:

فَطُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ؛^۴ پس خوشا به حال آن که آن زمان را درک کند.

امامان معصوم علیهم السلام با این تعبیرها به بزرگی حضرت مهدی علیه السلام و دوران ظهور او را خاطر نشان می‌ساختند.

دو. ابعاد و مراحل ظهور

۱-۲. وقت ظهور

یکی از موضوعات مهم در مباحث مهدویت، «وقت ظهور» است؛ به گونه‌ای که

۱. تکویر (۸۱)، ۲ و ۳.

۲. «فَيَأْتِيكَ لَكَ إِنْ أَدْرَكَتَهُ، وَيَا طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَتَهُ» صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، باب ۳۲، ح ۱۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۱.

۴. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۹۰، ح ۲۱؛ صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۵.

حتی سال‌ها پیش از ولادت حضرت مهدی (عج)، درباره آن، از معصومان (ع) پرسش می‌شد. آنان نیز مسائل مربوط به آن حضرت - بویژه زمان ظهور آن حضرت - را از رازهای الهی دانسته و وقت‌گذاران را تکذیب می‌کردند. با گذری کوتاه در سخنان ائمه اطهار (ع) درباره وقت ظهور، به مطالب ذیل بر خواهیم خورد:

۱. آشکار کردن زمان ظهور، فقط از آن خداوند (ع) است.

در روایت مشهوری آمده است:

وقتی دعبل - شاعر بلند آوازه شیعی - در محضر امام رضا (ع) در ضمن قصیده‌ای، سخن از ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) بر زبان جاری ساخت، آن حضرت در حالی که سرشک از دیدگانش جاری بود، رو به دعبل کرد و فرمود: ای خزاعی! همانا روح القدس بر زبانت، این دو بیت را جاری ساخت. آیا می‌دانی این امام کیست و چه زمانی قیام می‌کند؟

آن‌گاه خود آن حضرت به معرفی امام مهدی (ع) پرداخت. سپس درباره زمان ظهورش چنین فرمود: اما اینکه «چه زمانی ظهور خواهد کرد»، این خبر دادن از وقت است. پدرم از پدرش و ایشان از پدران از رسول گرامی (ص) نقل کرده‌اند که وقتی از آن حضرت سؤال شد: ای رسول خدا! چه زمانی قائم از ذریه شما ظهور می‌کند؟ آن حضرت فرمود: مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ «الَّتِي لَا يُجَلِّيهَا لَوْ قَتَبَهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيَنَّكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»^۱؛ جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند. [این حادثه] بر آسمان‌ها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی‌رسد.

پنهان بودن زمان ظهور، همانند زمان قیامت و رستاخیز است که یک نوع آزادی عمل برای همگان پیدا می‌شود. از سوی دیگر چون زمان آن به طور دقیق معلوم نیست و در هر زمان محتمل است، نتیجه‌اش حالت آماده باش دائم است. درباره قیام حضرت مهدی (ع) نیز اگر تاریخ تعیین می‌شد و زمان ظهور دور بود، همه در غفلت و غرور و

۱. اعراف (۷)، آیه ۱۸۷.

۲. صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۶۶؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۲.

بی خبری فرو می رفتند و اگر زمانش نزدیک بود، ممکن بود آزادی عمل را از دست بدهند و اعمالشان جنبه اضطراری پیدا کند. همان گونه که آشکار کردن زمان رستاخیز بزرگ، فقط در اختیار خداوند است، اعلان زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز در دست خداوند است.

خداوند در ادامه آیه یاد شده، آگاهی به قیامت را در علم خداوند دانسته است:

﴿يَسْئَلُونَكَ كَأَنَّكَ خَفِيٌّ عَنْهَا قُلُوبٌ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ﴾^۱ [باز] از تو

می پرسند، گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی، بگو: «علم آن، تنها نزد خداست.

بر این اساس این که عده ای به خود جرئت می دهند و به راحتی هنگام ظهور را تعیین می کنند، جای بسی تأمل است!

وقتی چنین پرسشی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز مطرح شد، ضمن توقیعی اینسان پاسخ فرمود:

وَ أَمَّا ظُهُورُ الْقُرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ؛^۲ اما ظهور فرج همانا در

اختیار خداوند متعال است و وقت گذاران دروغ گفتند.

آن حضرت در آخرین توقیع به سفیر چهارم خود، ظهور را فقط در اراده و اختیار خداوند دانسته، می فرماید:

... ولا ظهور إلا بعد إذن الله؛^۳ ... ظهوری نخواهد بود؛ مگر آن گاه که

خداوند اجازه فرماید.

پس زمان آغاز ظهور، یکی از اسرار الهی است و اندیشه و فکر بشر از رسیدن به آن، سخت کوتاه و ناتوان است.

۱. اعراف (۷)، آیه ۱۸۸.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۱.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۶، ح ۴۴؛ قطب الدین راوندی، الخرایج و الجرایح، ج ۳، ص ۱۱۲۸؛ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۵.

۲. روایات فراوانی ظهور را ناگهانی دانسته^۱ و احادیثی اصلاح امر فرج را یک شب ذکر کرده است.

امام علی (علیه السلام) نقل کرده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود:

الْمَهْدِي مِثْلُ أَهْلِ الْبَيْتِ يُصْلِحُ اللَّهُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ؛^۲ مهدی از ما اهل بیت است که خداوند امر [فرج] او را در یک شب اصلاح می فرماید.

امام باقر (علیه السلام) نیز پس از بیان غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) فرمود:

ثُمَّ يَبْدُو كَالشَّهَابِ الْوَقَادِ فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ؛^۳ او همانند شهابی شعله‌ور در تاریکی شب، آشکار خواهد شد.

۲-۲. آگاه شدن امام مهدی (علیه السلام) از زمان ظهور

آگاه شدن حضرت مهدی (علیه السلام) از وقت ظهور، براساس الهام خواهد بود. بدون شک، معصومان (علیهم السلام) مورد الهام خداوند قرار می گیرند. البته وحی، به صورت رسمی با رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پایان گرفت؛ ولی در موارد فراوانی به اهل بیت (علیهم السلام) الهاماتی شده و خواهد شد. برخی روایات چگونگی آگاه شدن حضرت مهدی (علیه السلام) از زمان ظهور را از راه الهام ذکر کرده است.

مفضل بن عمر گوید: امام صادق (علیه السلام) در باره آیه (فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ)، فرمود:

إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُظْفَرًا مُسْتَبْرَأً فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛^۴ همانا امام پیروز و پنهان از ما خاندان است و چون خدای عزّ ذکره اراده کند که امر او را ظاهر سازد، در

۱. بر خلاف پندار کسانی که ظهور را با غیبت مقایسه کرده، گفته اند: چون غیبت صغرا مقدمه غیبت کبرا بود، پس دورانی به عنوان ظهور اصغر در پیش داریم.

۲. نعمانی، الغیبة، ص ۱۶۳؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۵۲.

۳. طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۵۹؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۲۴.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۰؛ نعمانی، الغیبة، ص ۱۸۷، ح ۴۰؛ طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۶۴؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۴۹، ح ۴۲؛ محمد بن عمر کشی، رجال الکشی، ص ۱۹۲.

دلش نکته‌ای می‌گذارد. سپس ظاهر می‌شود و به امر خدای تبارک و تعالی قیام می‌کند.

۲-۳. محل ظهور

در باره محل ظهور امام مهدی علیه السلام و گردآمدن یاران ویژه او و نیز پیمان مردم با وی، در روایات پرشماری بین رکن و مقام در مسجد الحرام دانسته شده است. این روایات در دسته‌های زیر قابل تقسیم است:

۱. ظهور از مکه؛

۲. ظهور از مسجد الحرام؛

۳. ظهور از بین رکن و مقام.

مسجد الحرام از مهم‌ترین مساجد روی زمین است که محیط بر کعبه و قبله گاه مسلمانان است. بین مسلمین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و در قداست و عظمت ویژه‌ای در تاریخ بعثت پیامبران الهی دارد.

آغاز رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آنجا بوده و نیز همه مسلمانان به طرف آن نماز می‌گزارند؛ به همین در نگاه آنان دارای عظمت است؛ بویژه آنکه محل آغاز ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.^۱

اگرچه همه مکان‌های این مسجد دارای عظمت و اهمیت است، اما در برخی روایات تأکید شده محل آشکار شدن امام مهدی علیه السلام بین رکن و مقام است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

فِيهِمْ مَهْدِيٌّ أُمَّتِي مُحَمَّدٌ الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا، وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْرِفُ مَنْ يُبَايِعُهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ وَأَعْرِفُ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ وَقَبَائِلِهِمْ؛^۲ مهدی امتم میان ایشان (امامان) محمدی است که زمین را از عدل و داد آکنده سازد؛ همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد. به خدا سوگند!

۱. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۷، ح ۵۰۲.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۲۴، ص ۲۸۴، ح ۳۷.

من کسانی را که میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند، می‌شناسم و اسامی پدران و قبایلشان را نیز می‌دانم.

در برخی آثار اهل سنت نیز جایگاه بیعت حضرت مهدی (عج) با یارانش، دانسته شده است.^۱ در هر حال محل ظهور حضرت، میان رکن و مقام در مسجد الحرام است.

۲-۴. چگونگی ظهور

ابو خالد کابلی از امام باقر (عج) روایت کند که در باره آیه: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً»^۲ فرمود:

يَعْنِي أَصْحَابَ الْقَائِمِ الثَّلَاثِمِائَةِ وَالْبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا قَالَ وَهُمْ وَاللَّهِ الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ قَالَ يَجْتَمِعُونَ وَاللَّهِ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قَزَعٌ كَقَزَعِ الْخَرِيفِ...^۳
مقصود از نیکی‌ها ولایت (اهل بیت (ع)) است و مقصود از گفتار خدای تبارک که «هر کجا باشید خداوند همه شماها را بیاورد»، اصحاب حضرت قائم (عج) هستند که متجاوز از ۳۱۰ مردند، فرمود: و آنهايند به خدا سوگند - «امت معدوده» و آنان در یک ساعت گرد می‌آیند مانند پاره‌های ابر پاییز (که گرد هم جمع می‌شوند).

اسماعیل بن جابر از امام باقر (عج) روایت کرده است:

به خدا قسم! گویی هم اکنون او را می‌بینم که پشت خود را به حجر تکیه داده و از خداوند وفای وعده خود را مطالبه کند. آن‌گاه می‌گوید: ای مردم! هر کس با من در مورد خدا محاجه (بحث و گفت‌وگوی متقابل) نماید، پس من خود سزاوارترین مردم به خداوند هستم... سپس به سوی مقام می‌رود و نزدیک آن، دو رکعت نماز به‌جای می‌آورد و از خداوند وفای به وعده‌اش را درخواست می‌نماید.

۱. نک: عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ص ۲۷۱؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۸، ص ۶۰۹؛ طبرانی، معجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۹۶؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۲۵، ح ۳۰۹۳۲، ج ۱۴، ص ۲۶۵، ح ۳۸۶۶۸؛ سیوطی، درالمنثور، ج ۵، ص ۲۴۱.

۲. «به نیکی‌ها پیشی گیرید، هر کجا باشید خداوند همه شما را بیاورد.» بقره (۲)، آیه ۱۴۸.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۴۸۷.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود:

به خدا قسم! او همان مضطر است که خداوند در باره اش می فرماید: ﴿أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾^۱. این آیه در باره او و برای او نازل شده است.^۲

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

... در این هنگام است که قائم ما خروج کند و چون ظهور کند به خانه کعبه تکیه زند و سیصد و سیزده مرد به گرد او اجتماع کنند و اولین سخن او این آیه قرآن است: ﴿لَقِيَّتُ اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛^۳ سپس می گوید: منم بقیه الله در زمین و منم خلیفه خداوند و حجّت او بر شما و هر درود فرستنده‌ای به او چنین سلام گوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، و چون برای بیعت ده هزار مرد به گرد او اجتماع کنند خروج خواهد کرد.^۴

۲-۵. امر به پذیرفتن مهدی علیه السلام

روایات آنگاه که سخن از ظهور آن حضرت به میان می آورد، به پیروی از او تأکید می کند و امتناع کنندگان از این کار را هلاک شونده می داند. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام و او از پدرش نقل کرده که فرمود:

... إِذَا تَحَرَّكَ مُتَحَرِّكُنَا فَاسْعَوْا إِلَيْهِ وَ لَوْ حَبْوًا وَ اللَّهُ لَكَائِي أَنْظَرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يَبَايِعُ النَّاسَ...^۵ و چون کسی که از طرف ما حرکت می کند، فعالیت خود را آغاز نماید؛ به سوی او بشتابید [به هر نحو ممکن]؛ اگر چه بر دست و زانو باشد. به خدا سوگند! گویی هم اکنون به او می نگرم

۱. «یا [کیست] آن کس که درمانده را- چون وی را بخواند- اجابت می کند، و گرفتاری را برطرف می گرداند، و شما را جانشینان این زمین قرار می دهد؟». نمل (۲۷)، آیه ۶۲.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۱.

۳. «اگر مؤمن باشید، باقیمانده خدا برای شما بهتر است»؛ هود (۱۱)، آیه ۸۶.

۴. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۱۶؛ و نیز: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۲.

۵. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۴، ح ۱.

که میان رکن و مقام از مردم بیعت می‌گیرد.

۲-۶. بیعت با حضرت مهدی (عج)

در برخی روایات از مراسم «بیعت^۱ یاران» با آن حضرت، به عنوان نخستین مراسم ظهور یاد شده است. بیعت، سنتی بود که پیش از اسلام، میان عرب رواج داشت؛ به همین دلیل طائفه اوس و خزرج در آغاز اسلام به مکه آمدند و با پیامبر اسلام (ص) در عقبه بیعت کردند. برخورد آنها با مسئله بیعت، برخورد با یک امر آشنا بود. پس از آن نیز پیغمبر گرامی اسلام (ص) در فرصت‌های گوناگون، با مسلمانان تجدید بیعت کرد.

گفتنی است در باره پیامبر (ص) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) - که از سوی خدا نصب می‌شوند - به بیعت نیازی نیست، یعنی اطاعت پیامبر (ص) و امام معصوم منصوب از سوی او، واجب است؛ چه بر کسانی که بیعت کرده‌اند و چه آنان که بیعت نکرده‌اند. به تعبیر دیگر، لازمه مقام نبوت و امامت، وجوب اطاعت است؛ همان گونه که قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۲؛ ای

کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را

[نیز] اطاعت کنید.

حال این پرسش پیش می‌آید که: چرا پیامبر (ص) از یاران خود یا تازه مسلمانان، بیعت گرفت که دو نمونه آن (بیعت رضوان و بیعت با اهل مکه)، به طور صریح در قرآن آمده است؟^۳

در پاسخ باید گفت: بدون شک این بیعت‌ها، یک نوع تأکید بر وفاداری بوده که در

۱. «بیعت» واژه عربی از ریشه (بی‌ع) به معنای خرید و فروش و ایجاب و پذیرش بیع و در اصطلاح بر هم زدن کف دست راست از طرفین معامله به نشانه ختم معامله و تسلیم است و نیز به هر عمل و رفتاری اطلاق می‌شود که شخص به وسیله آن، فرمانبرداری خود را از شخص دیگر و سرسپردگی در برابر امر و سلطه او نشان دهد. شاید اطلاق کلمه «بیعت» به این معنا، از این جهت است که هر یک از دو طرف، تعهدی همچون دو معامله‌گر در برابر دیگری می‌کنند؛ بیعت کننده حاضر می‌شود تا پای جان و مال و فرزند در راه اطاعت او بایستد و بیعت‌پذیر نیز حمایت و دفاع او را بر عهده می‌گیرد.

۲. نساء (۴)، آیه ۵۹.

۳. رک: سوره فتح (۴۸)، آیه ۱۰ و ۱۸.

مواقع خاصی انجام می گرفته است. بخصوص برای مقابله با بحران‌ها و حوادث سخت از آن استفاده می شده است تا در سایه آن، روح تازه‌ای در کالبد افراد دمیده شود. همین امر در بیعت با حضرت مهدی علیه السلام نیز صورت خواهد گرفت که جنبه تأکید بر وفاداری دارد.

یکی از کارهای نخست حضرت مهدی علیه السلام گرفتن بیعت از یاران خود است. این بیعت، در مسجد الحرام و بین رکن و مقام صورت می گیرد.^۱ البته در روایاتی نقل شده که نخستین بیعت کننده با حضرت مهدی علیه السلام جبرئیل امین است. امام باقر علیه السلام فرمود:
 ...فَيَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلُ ثُمَّ الثَّلَاثِمِائَةِ وَ الثَّلَاثَةَ عَشَرَ؛^۲ ... پس نخستین کس که با او بیعت می کند، جبرئیل است. سپس آن ۳۱۳ نفر [بیعت می کنند]....

افزون بر روایات شیعه در پاره‌ای از روایات اهل سنت نیز بر بیعت یاران حضرت با ایشان تأکید شده است.^۳ ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:
 پدرم به من فرمود:

... وَ اللَّهُ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَيَّ كِتَابٍ جَدِيدٍ عَلَيَّ الْقَرَبِ شَدِيدٌ؛^۴ ... به خدا سوگند! گویی هم اکنون به او می نگرم که میان رکن و مقام به فرمانی جدید از مردم بیعت می گیرد، فرمانی که بر عرب سخت گران است.

بنابراین بیعت فقط به دلیل تأکید بر دلدادگی یاران نسبت به حضرت مهدی علیه السلام است و هرگز به سبب اعتماد و یا عدم اعتماد نیست.^۵ امام مهدی علیه السلام پس از ظهور، به هدایت و

۱. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶، ح ۵۰۲؛ عبدالرزاق بن همام صنعانی، المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۷۶۹.

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۴؛ نیز ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۴، ح ۳.

۳. عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ج ۱۱، باب المهدی، ح ۲۰۷۶۹؛ نیز نک: مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۱۲۳.

۴. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ۱۹۴، ح ۱؛ ص ۲۶۲، ح ۲۲؛ ص ۲۶۳، ح ۲۴.

۵. در برخی از کتاب‌ها به مفاد بیعت‌نامه حضرت نیز اشاره شده است؛ اما از آنجا که این منابع روایی و روایات مربوط، دارای اعتبار کافی نیست از ذکر آن‌ها چشم‌پوشی شد.

ارشاد مردم می‌پردازد و آنان را به معنویت و عدل و داد فرا می‌خواند. در برابر گفت‌وگوهای منطقی و ارشادات آن حضرت، گروه باطل و صاحبان زر و زور و تزویر و فساد قرار می‌گیرند. در نتیجه آن حضرت بعد از اتمام حجت به مبارزه می‌پردازد و نهضت مستضعفان و ستم‌دیدگان را رهبری می‌کند... و در اینجا است که قیام جهانی او آغاز می‌شود.

شادمانی اهل آسمان و زمین

همه هستی از نافرمانی خداوند و ستم به دیگران در رنج و ناخرسندی‌اند؛ از این رو نه فقط انسان‌ها که اهل آسمان‌ها نیز از ظهور او و برپایی عدل و قسط، شادمان و خشنود می‌شوند. امیر مؤمنان علیه السلام در این باره فرمود:

يَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ سَكَّانُهَا؛^۱ اهل آسمان‌ها و ساکنان آن از خروج او شادمان می‌شوند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

أَبَشْرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي... يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛^۲ شما را مژده می‌دهم به مهدی که در امت من برانگیخته می‌شود... و ساکنان آسمان و زمین از وی خشنود باشند.

مردگان نیز در عالم برزخ، از این واقعه بزرگ شادمان می‌شوند و به یکدیگر بشارت می‌دهند. امام علی علیه السلام فرمود:

... إِذَا هَزَّتْ رَأْيَتَهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ... وَ لَا يَبْقَى مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرْحَةُ فِي قَلْبِهِ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ وَ هُمْ يَتَزَاوَرُونَ فِي قُبُورِهِمْ وَ يَتَبَاشَرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ؛^۳ و چون پرچمش به اهتزاز درآید، از مشرق تا مغرب را تابان می‌کند... و هر مؤمنی - گر چه در قبر خود باشد - شادمان می‌شود، و به دیدار هم می‌روند، و مژده ظهور قائم را به یکدیگر می‌دهند.

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۲۱۴، ح ۲.

۲. طوسی، کتاب الغیبة، ص ۱۷۸.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ۲، ص ۶۵۳، ح ۱۷.

خودآزمایی

۱. ظهور به چه معناست و تفاوت اساسی دو دیدگاه شیعه و اهل سنت در چیست؟
۲. در باره وقت ظهور و تکذیب وقت گذاران توضیح داده، چگونگی آگاه شدن حضرت مهدی علیه السلام از وقت ظهور را بیان نماید.
۳. طبق روایات محل ظهور حضرت مهدی علیه السلام کجاست؟ در باره فضیلت آن مکان روایاتی را نقل کرده توضیح دهید.
۴. در باره مراسم بیعت حضرت مهدی علیه السلام توضیح داده، فلسفه این بیعت را شرح دهید.
۵. در باره شادمانی اهل آسمان و زمین از ظهور حضرت مهدی علیه السلام توضیح داده، به نظر شما این شادمانی به چه دلیل اتفاق می افتد؟



منابع برای پژوهش

۱. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ هـ.ش.
۲. بنی هاشمی، سید محمد، سلوک منتظران، تهران، منیر، ۱۳۸۲ ش.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)، اصفهان، گلبهار، ۱۴۱۶ ق.
۴. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۸ هـ.ش.
۵. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی علیه السلام از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، قم، ۱۳۸۱ ش.

درس دهم

قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

- یک. مفهوم شناسی قیام؛
- دو. حتمی بودن قیام امام مهدی علیه السلام؛
- سه. مهم‌ترین عناصر قیام امام مهدی علیه السلام؛
- چهار. زمان و مکان قیام؛
- پنج. ابزار قیام (سلاح حضرت و یاران)؛
- شش. جغرافیای قیام و فتوحات؛
- هفت. برخی آثار و برکات قیام امام مهدی علیه السلام.

پیش درآمد

حکومت عدل جهانی و خلافت مؤمنان شایسته، بشارتی است که در همه آموزه‌های آسمانی به چشم می‌خورد. قیام جهانی مهدی موعود علیه السلام، نهضتی بزرگ و حتمی، علیه همه ستمگران و ستم‌پیشگان است که آخرین راه نفس را بر زندگی مادی و معنوی انسان‌ها بسته‌اند. اگر چه تحقق این وعده، بر خداوند متعال لازم و حتمی است و نیازی به دلیل نیست؛ اما در سخنان معصومان و دانشمندان مسلمان بر حتمی بودن آن تأکید شده است. در این درس با مجال محدود، به بعضی از بحث‌های مربوط به این حادثه بزرگ اشاره می‌شود.

برخی از عرصه‌های مهم این بحث از این قرارند:

یک. مفهوم شناسی قیام

از مشهورترین تعبیرها برای انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام - در منابع شیعه - قیام است.^۱ این واژه به معنای ایستادن و نقیض و خلاف معنای نشستن است.^۲ و در اصطلاح

۱. این واژه و مشتقات آن بجز در کتاب *الفتن* نعیم بن حماد یا کسانی که از وی نقل کرده‌اند، در منابع اهل سنت یافت نشد. نک: نعیم بن حماد، *الفتن*، ص ۲۶۰، ۹۶۲ و ۹۷۴؛ و نیز نک: متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۱۱، ص ۲۴۷، شماره ۳۱۴۰۰.

۲. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۵، ص ۳۴۵؛ فخرالدین طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۳، ص ۱۵۳۱.

عبارت است از: نهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام برابر ستمگران، برای برپایی قسط و عدل در سراسر کره زمین. چنین حادثه‌ای بس بزرگ و با اهمیت است و در روایات از روز قیام آن حضرت، به عنوان یکی از «ایام الله» یاد شده است. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید:

أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمُ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمُ الْكُرَّةِ وَيَوْمُ الْقِيَامَةِ؛ روزهای خداوند سه [روز] است؛ روزی که حضرت قائم علیه السلام قیام خواهد کرد و روز بازگشت برخی از مردگان و روز رستاخیز.^۱

این اهمیت سبب شده تا در روایات شیعه، لقب «قائم» در میان القاب آن حضرت، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود و لقبی به اندازه آن مورد استفاده قرار نگیرد. گویا از آنجا که قیام حضرت مهدی علیه السلام درخشان‌ترین فصل زندگی آن حضرت است؛ اتصاف به این صفت و لقب، همواره در کلام معصومان علیهم السلام مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است. پس مهم‌ترین سبب اتصاف به این لقب، آن است که او، در برابر اوضاع سیاسی و انحرافات دینی و اجتماعی، بزرگ‌ترین قیام تاریخ را رهبری خواهد کرد. البته همه امامان علیهم السلام قائم به حق هستند؛ اما ویژگی‌های قیام امام مهدی علیه السلام، آن حضرت را از دیگر امامان متفاوت ساخته است. ابو خدیجه از امام صادق علیه السلام راجع به امام قائم علیه السلام پرسید، حضرت فرمود:

كُنَّا قَائِمٌ بِأَمْرِ اللَّهِ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ حَتَّىٰ يَجِيءَ صَاحِبُ السَّيْفِ فَإِذَا جَاءَ صَاحِبُ السَّيْفِ جَاءَ بِأَمْرٍ غَيْرِ الَّذِي كَانَ؛^۲ همه ما قائم به امر خدائیم؛ یکی پس از دیگری تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید. چون صاحب شمشیر آمد، امر و دستوری غیر از آنچه بوده می‌آورد.

۱. صدوق، الخصال، ص ۱۰۸، ح ۷۵؛ و نیز نک: علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۶۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۳۶، ح ۲.

از امام جواد علیه السلام پرسیدند: «چرا او را قائم می‌نامند؟» فرمود:

لأنه يقوم بعد موت ذكره وإرتداد أكثر القائلين بإمامته^۱؛ زیرا او پس از آنکه

یادش از بین برود و بیشتر معتقدان به امامتش مرتد شوند، قیام می‌کند.

در برخی روایات «ظهور» و «قیام» در یک معنا به کار رفته است و این خود سبب شده تا افرادی هر دو را در یک معنا به کار ببرند. اما از روایاتی چند به دست می‌آید که ظهور با قیام متفاوت است و قیام مرحله‌ای متأخر بر ظهور می‌باشد.

کلینی از امام صادق علیه السلام در باره قول خداوند عز و جل «فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ»^۲ نقل

کرده است که فرمود:

إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُظْفَرًا مُسْتَبْرَأً فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَّتْ فِي قَلْبِهِ

نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛^۳ همانا امام پیروز و پنهان از ما

خاندان ا و چون خدای - عز ذکره - اراده کند که امر او را ظاهر سازد، در

دلش نکته‌ای می‌رد، پس ظاهر می‌و سپس به امر خدای تبارک و تعالی قیام

کند.

علاوه بر کلینی این روایت را کشی در کتاب رجال خود،^۴ نعمانی در الغیبه^۵، و شیخ

طوسی در کتاب الغیبه^۶ با اندک تفاوتی نقل کرده‌اند که استفاده از حرف «فاء» در

«فقام» می‌تواند چنین برداشتی را برساند.

در روایت دیگری از امام جواد علیه السلام نیز به این نکته اشاره شده است:

هیچ یک از ما نیست جز آنکه قائم به امر خدای تعالی و هادی به دین الهی

است؛ اما قائمی که خدای تعالی به وسیله او زمین را از اهل کفر و انکار پاک

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۳.

۲. «زمانی که در صور دمیده شود» مدثر (۷۴)، آیه ۸.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳۰.

۴. کشی، رجال الکشی، ص ۱۹۲، ش ۳۳۸.

۵. نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۷، ح ۴۰.

۶. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۶۴.

سازد و آن را پر از عدل و داد نماید، کسی است که ولادتش بر مردم پوشیده و شخصش از ایشان نهان و بردن نامش حرام است. او هم‌نام و هم‌کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و کسی است که زمین برایش در هم پیچیده می‌شود و هر دشواری برایش هموار می‌گردد. از اصحابش ۳۱۳ تن به تعداد اصحاب بدر از دورترین نقاط زمین به گرد او فراهم آیند...

در ادامه فرمود:

فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كَمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛^۱ و چون این تعداد از اهل اخلاص به گرد او فراهم می‌آیند، خدای تعالی امرش را ظاهر سازد (ظهور کند) و چون عقد - که عبارت از ده هزار مرد باشد - کامل شد، به اذن خدای تعالی قیام می‌کند و دشمنان خدا را می‌کشد تا خدای تعالی خشنود گردد.

روشن است در این روایت «اظهار امر» و «خروج» متفاوت است؛ مقصود بخش نخست ظهور و بخش دوم قیام و خروج است. شاید بتوان اختلاف برخی روایات در مورد زمان ظهور و قیام را با این تقسیم‌بندی رفع نمود؛ یعنی برخی ناظر به زمان ظهور و بعضی دیگر ناظر به زمان قیام باشد.

دو. حتمی بودن قیام امام مهدی علیه السلام

افزون بر بعضی از آیات قرآن - که به فرودستان و مؤمنان شایسته بشارت پیشوایی^۲ و خلافت بر زمین^۳ داده شده - روایاتی به قطعی بودن ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام تصریح کرده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۲.

۲. «وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ قصص (۲۴)، آیه ۵.

۳. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ نور (۲۴)، آیه ۵۵.

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُ الْحَقِّ مِنَّا...^۱ هرگز رستاخیز به پا نگردد،

مگر اینکه پیش از آن قائم بحق، از خاندان ما قیام کند.

همچنین امام علی علیه السلام در این باره فرمود: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

به ناگزیر ده چیز پیش از برپایی قیامت خواهد بود: سفیانی، دجال، دود، دابه،

خروج قائم علیه السلام، طلوع خورشید از مغرب خود، فرود آمدن حضرت

عیسی علیه السلام، فرو رفتن در مشرق و فرو رفتن در جزیره العرب و آتشی که از قعر

عدن بیرون خواهد آمد تا مردم را به سوی محشر سوق دهد.^۲

محمد بن علی حلبی گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که فرمود:

اِخْتِلَافُ بَنِي الْعَنَاسِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَالنِّدَاءُ مِنَ الْمَحْتُومِ وَخُرُوجُ الْقَائِمِ مِنَ

الْمَحْتُومِ؛^۳ اختلاف بنی عباس حتمی است و ندای آسمانی نیز حتمی است و

خروج قائم نیز حتمی است.

از این روایات و مانند آن^۴ استفاده می‌شود که قیام حضرت مهدی علیه السلام از امور

حتمی و قطعی است که هرگز در آن تخلف صورت نمی‌گیرد.

سه. مهم‌ترین عناصر قیام امام مهدی علیه السلام

همان‌گونه که در بحث شرایط ظهور حضرت مهدی علیه السلام یاد شد، اموری به عنوان

«شرط» برای ظهور و قیام مطرح است. افزون بر آنها برخی امور دیگر نیز به عنوان عناصر

قیام، ایفای نقش می‌کند. که در مجموع می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:^۵

الف. عناصر انسانی؛ و آن عبارت است از انسان‌هایی در شکل‌گیری و پیروزی نقشی

مهم دارند. حضرت مهدی علیه السلام به عنوان رهبر قیام و پس از وی، یاران و سرانجام یاوران

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰.

۲. طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۳۶، ح ۴۲۶.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۴۸۴.

۴. نک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۱.

۵. به جهت اهمیت این دو مجموعه در دو درس به صورت مستقل بررسی خواهد شد.

انسان‌هایی هستند که وظایف مهمی را بر دوش دارند.^۱
 ب. عناصر غیر از انسان‌ها؛ یعنی، عواملی غیر از انسان‌ها که وجود آنها در قیام، قابل توجه است. از امدادهای الهی گرفته تا میراث پیامبران، بخشی از این عناصر به شمار می‌آیند.^۲

چهار. زمان و مکان قیام

در برخی روایات دربارهٔ زمان قیام و ظهور یک تعبیر شده است؛ به نظر می‌رسد آنچه دربارهٔ تکذیب وقت گذاران در روایات ذکر شد، مربوط به زمان ظهور است. بنابراین زمان قیام اگر چه به روشنی بیان نشده؛ اما بعضی از رخدادها - چون اتمام حجت بر جهانیان و گردآمدن یاوران برای آغاز قیام - ضروری دانسته شده است. البته در بعضی از آنها از روز عاشورا، به عنوان روز قیام آن حضرت یاد شده است. روزی که امامان شیعه، یاد آن را زنده می‌داشتند و در آن، مجلس عزای بر پا می‌کردند و بر حسین بن علی علیه السلام می‌گریستند؛ آن حضرت را زیارت می‌کردند و به زیارت او تشویق و امر می‌نمودند و این روز، روز اندوهشان بود.

شاید عظمت بزرگداشت آن، برای این است که خداوند سرآغاز بزرگ‌ترین قیام را در این روز قرار داده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

يَقُومُ الْقَائِمُ يَوْمَ عَاشُورَاءَ؛^۳ قائم در روز عاشورا قیام می‌کند.

در برخی روایات مکان قیام و ظهور یکی دانسته شده است؛ اما بعضی دیگر به طور روشن به مکان قیام اشاره شده است. امام صادق علیه السلام در روایتی به نقل از امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ وَأَرَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ...؛^۴ چون حضرت قائم در مکه قیام می‌کند و متوجه کوفه می‌شود....

۱. از برخی روایات استفاده می‌شود، بخشی از یاوران حضرت مؤمنان خالصی هستند که پس از ظهور آن حضرت به دنیا رجعت می‌کنند.

۲. در درس‌های آینده به این موارد می‌پردازیم.

۳. نعمانی، الغیبة، ص ۲۸۲، ح ۶۸.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۳.

پنج. ابزار قیام (سلاح حضرت و یاران)

هنگام ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام، تمام قدرت‌های باطل و ستمگر، مقهور و مغلوب قدرت بی‌پایان حضرت مهدی علیه السلام شده، مانند علف‌های هرز از روی زمین برداشته می‌شوند تا زمینه رشد و کمال انسان‌ها، به صورت کامل فراهم آید و زمین پر از عدل و داد شود. اما پرسش این است که این پیروزی به چه صورت است و حضرت مهدی علیه السلام با چه ابزاری بر آن قدرت‌ها پیروز می‌شود؟

در روایات، کمتر سخن روشنی در این باره به چشم می‌خورد و یگانه ابزار و سلاح آن حضرت هنگام قیام، سیف (شمشیر) ذکر شده است.^۱ در این باره که آیا این شمشیر بر معنای حقیقی حمل می‌شود یا معنای کنایی، دو دیدگاه وجود دارد:

۱-۵. معنای حقیقی

عده‌ای بر این باورند: کاربرد کلمه «شمشیر» در معنای حقیقی است و مصداق آن، همان ابزار جنگی خاص است. اینان درباره پیروز شدن حضرت مهدی علیه السلام با این سلاح بر دشمنان، توجیهاات گوناگونی دارند:

برخی می‌گویند: اگرچه حضرت با شمشیر قیام می‌کند؛ اما خداوند در آن شمشیر قدرت و اعجازی قرار می‌دهد که همه سلاح‌های موجود را مقهور نیروی خود می‌سازد.^۲

دسته دیگر می‌گویند: خداوند در عصر ظهور، همه تسلیحات دشمن را از کار می‌اندازد و یا به سبب جنگ‌های خونینی که در آستانه ظهور به وقوع می‌پیوندد، تمام سلاح‌های پیشرفته از بین می‌رود. مردم نیز به ناگزیر در جنگ، از همان سلاح‌های ابتدایی (یعنی شمشیر و مانند آن) استفاده می‌کنند؛ بنابراین حضرت مهدی علیه السلام با همان

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱؛ ج ۸، ص ۵۰، ح ۱۳؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۹، ح ۲۹؛ همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۶؛ همو، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۱، ح ۳؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۱۰۸، ح ۵۳۸۳؛ التمهید، ج ۶، ص ۱۵۴، ح ۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۴، ح ۵. و ده‌ها کتاب دیگر.

۲. ر.ک: صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۴۹، ح ۴۳.

شمشیر می‌جنگد.

به نظر عده‌ای: همهٔ اسلحه‌ها در اختیار حضرت قرار می‌گیرد؛ ولی از آنجا که استفاده از آنها به ناگزیر ستمگرانه خواهد بود، حضرت فقط از سلاح شمشیر بهره می‌برد.

دلیل‌های این دیدگاه: ۱. روایاتی که حکایت می‌کند آن حضرت، مدتی طولانی شمشیر بر دوش می‌گیرد. امام باقر علیه السلام فرمود:

وَ يَضَعُ السَّيْفَ ثَمَانِيَةَ أَشْهُرٍ هَرَجًا هَرَجًا حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ! ^۱ و مدت هشت ماه شمشیر بر شانه خود دارد و دشمنان را از بین می‌برد تا آن‌گاه که خداوند خشنود شود. . . .

۲. معصومین علیهم السلام می‌توانستند از مدلول سلاح - که قدرت و قوت است - یاد کنند.
 ۳. استفاده از سلاح‌های ساده همچون شمشیر - بر خلاف بهره‌گیری از سلاح‌های پیشرفته - به جهت عادلانه بودن مبارزه با آن است. استفاده از سلاح‌های کشتار گروهی، شایسته رهبر آسمانی عدالت‌گستر نیست؛ چه اینکه سلاح‌های کشتار جمعی، علاوه بر انسان‌های بی‌گناه، جانوران و طبیعت را نیز از بین می‌برد!

۲-۵. معنای مجازی و کنایی

دسته‌ای دیگر بر این باورند که شمشیر، کنایه از قدرت و نیروی نظامی است. این گروه، شواهد متعددی بر این ادعای خود، از ادبیات محاوره‌ای ذکر می‌کنند؛ ولی آنچه ایشان را به این قول وادار کرده، پیشرفت روزافزون جنگ‌افزارها و فناوری دفاعی است. از آنجا که اینان نتوانسته‌اند بین شمشیر و سلاح‌های پیشرفته، نسبتی برقرار کنند، به چنین توجیهی دست زده‌اند!

آنان شمشیر را نماد قدرت دانسته، می‌گویند: هر ابزاری که قدرت حضرت را به نمایش بگذارد، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

به نظر می‌رسد دیدگاه نخست قابل قبول‌تر باشد. افزون بر آنچه یاد شد، ممکن است

۱. نعمانی، الفیته، ص ۱۶۴، ح ۵.

گفته شود: با تکامل خارق‌العاده علم در آن زمان، ممکن است سلاح‌هایی فراهم آید که هرگز در تصور انسان‌های امروز قابل درک نباشد. بنابراین علم آن به اهلش واگذار شده است.

در هر حال قیام حضرت مهدی علیه السلام مبارزه‌ای است در برابر نیروهای کفر جهانی و برخلاف پندار برخی، این پیروزی با سختی‌ها و ناملايمات فراوانی آمیخته خواهد شد که بایسته است منتظران راستین و زمینه‌سازان آن قیام جهانی، به بهترین صورت ممکن خود را آماده سازند. موسی بن بکر واسطی از بشیر تبال روایت کرده که گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آنان می‌گویند که مهدی علیه السلام اگر قیام کند، کارها به خودی خود برای او برقرار می‌شود و به اندازه حجامتی خون نمی‌ریزد. آن حضرت فرمود:

كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوِ اسْتَقَامَتْ لِأَحَدٍ عَفْوًا لَأَسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَ حِينَ
أَدْمَيْتُ رَبَاعِيَّتَهُ وَ شَجَّ فِي وَجْهِهِ كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى نَمْسَحَ نَحْنُ وَ أَنْتُمْ
الْعَرَقَ وَ الْعَلَقَ ثُمَّ مَسَحَ جَبْهَتَهُ؛^۱ هرگز چنین نیست؛ سوگند به آنکه جانم در
دست اوست! اگر کارها به خودی خود، برای کسی برقرار و رو به راه می‌شد،
به طور مسلم برای رسول خدا درست می‌شد؛ آن‌گاه که دندان‌های پیشین آن
حضرت شکست و صورتش را زخم رسیدا نه هرگز، سوگند به آن که جان من
در دست اوست [چنین نخواهد شد] تا آنکه ما و شما عرق و خون بسته شده را
پاک کنیم. سپس آن حضرت پیشانی خود را - به عنوان نشانه‌ای از آن حالت -
پاک کرد.

شکی نیست که دشمنان آن‌گاه که نابودی خود را در قیام آن حضرت بینند همه تلاش خود را برای بقای خود به کار خواهند گرفت و این‌گونه نخواهد بود که به راحتی تسلیم شوند! اگر چنین باشد، پس این همه انتظار و فراهم شدن ابزار و امدادهای الهی برای چیست؟

شش. جغرافیای قیام و فتوحات

در باره چگونگی و جزئیات جغرافیای قیام حضرت مهدی علیه السلام، سخن روشنی در

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۴، ح ۳.

معصومان علیهم السلام به چشم نمی آید و چنانچه برخی با تمسک به پاره‌ای از روایات به ترسیم نقشه قیام می پردازند، لازم است اسناد روایات، مورد بررسی قرار گیرد. از این رو در اینجا برخی روایات نقل می شود و بحث مفصل به زمانی دیگر موکول می گردد.

آنچه که در آن هیچ شک و تردیدی نیست، این است که پس از قیام جهانی حضرت، همه جای کره خاکی زیر ولایت و رهبری او قرار می گیرد. ابو بصیر گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: سنت‌های انبیا با غیبت‌هایی که بر آنان واقع شده است، همه در قائم ما اهل بیت مو به مو پدیدار می گردد. ابو بصیر گوید: گفتم: یا ابن رسول الله! قائم شما اهل بیت کیست؟ فرمود:

هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِ ابْنِي مُوسَى ذَلِكَ ابْنُ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يَغِيبُ غَيْبَةً يَرْتَابُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَيَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ وَ تَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ لَا تَبْقَى فِي الْأَرْضِ بَقْعَةٌ عَبْدٌ فِيهَا غَيْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا عَبْدَ اللَّهِ فِيهَا وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ^۱ ای ابوبصیر! او پنجمین از فرزندان پسر موسی است؛ او فرزند سیده کنیزان است. غیبتی می کند که باطل‌جویان در آن شک کنند؛ سپس خدای تعالی او را آشکار می سازد و بر دست او شرق و غرب عالم را می گشاید، روح الله عیسی بن مریم علیها السلام فرود می آید و پشت سر او نماز می گزارد. زمین به نور پروردگارش روشن می گردد و در زمین بقعه‌ای نمی ماند که غیر خدای تعالی در آن پرستش شود. همه دین از آن خدای تعالی می گردد؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید.

در برخی روایات نام مناطقی از زمین برده شده است که آغاز ظهور و قیام از آنجا بوده (سرزمین مکه) و پایان قیام و محل استقرار حکومت حضرت نیز در آنجا خواهد بود (سرزمین کوفه). همچنین از بیت المقدس به عنوان سرزمینی که حضرت عیسی علیه السلام در آنجا به حضرت ملحق می شود، یاد شده است.

نکته مهم اینکه فرود آمدن پیامبر بزرگ خدا عیسی بن مریم علیه السلام، به هنگام قیام امام

مهدی علیه السلام از دیدگاه همه مسلمانان، یک واقعیت ثابت و از اموری است که تردید در آن راه ندارد. شاید حکمت فرود آمدن او، تقویت حرکت جهانی آن حضرت و اعتراف و تصدیق به حقانیت آن وجود گرانمایه است. بویژه آنکه حضرت عیسی، به امام مهدی علیه السلام اقتدا می کند و به امامت او نماز می گزارد و امامت جهانی و آسمانی او را تصدیق و تأیید می کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيُّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَ صَلَّى خَلْفَهُ؛^۱ و از ذریه من، مهدی است. آن هنگام که ظهور کند، عیسی بن مریم برای یاری او نازل می شود؛ پس مهدی را مقدم داشته، پشت سر او نماز می گزارد.

هفت. برخی آثار و برکات قیام امام مهدی علیه السلام

۱-۷. نابودی باطل

قیام حضرت مهدی علیه السلام بر اساس حق و حق گرایی بوده و مهم ترین هدف آن، برپاداشتن حق، غلبه دادن نور بر تاریکی، برداشتن شرارت و شیطنت و نابودی باطل است. در آیاتی از قرآن که به حادثه برانگیخته شدن حجت الهی در پایان دوران اشاره شده، نابودی باطل بزرگ ترین اثر و برکت آن دانسته است. امام باقر علیه السلام درباره آیه: ﴿جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۲ فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام ذَهَبَتْ دَوْلَةُ الْبَاطِلِ؛^۳ هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند، دولت باطل از میان می رود.

۱. صدوق، الامالی، ص ۲۱۸، ح ۴.

۲. البته ممکن است برخی این آثار، با آثار برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام یکسان باشند که در جلد پایانی از این مجموعه به طور مفصل بدان می پردازیم.

۳. «و بگو: «حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است»؛ اسراء (۱۷)، آیه ۸۱.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۸۷، ح ۴۳۲.

همچنین در تفسیر قمی از امام باقر علیه السلام ذیل آیه «وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ»^۱ نقل شده که فرمود:

النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ علیهم السلام إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَةَ الْبَاطِلِ؛^۲ «روز»، قائم از ما اهل بیت است که چون قیام کند، بر دولت باطل پیروز گردد.

۷-۲. نابودی مشرکان و کافران

زراره می گوید: از امام باقر علیه السلام از تاویل آیه «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَآفَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَآفَّةً»^۳ پرسیدند؛ آن حضرت در پاسخ فرمود:

إِنَّهُ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا سِيرَى مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَيَبْلُغَنَّ دِينُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ؛ موقع تاویل این آیه نرسیده است؛ هر کس قیام قائم ما را درک کند و او را ببیند، تاویل آن را می بیند. دین محمد تا جایی که شب و روز است، گسترش می یابد؛ به گونه ای که در روی زمین مشرکی نباشد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۴

می فرماید:

وَ اللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ وَ لَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ لَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ لَوْ كَانَ كَافِرٌ أَوْ مُشْرِكٌ فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنُ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَاقْتُلْنِي وَ اقْتُلْنِي؛^۵

۱. «سوگند به روز چون جلوه گری آغازد»: لیل (۹۲)، آیه ۲.

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۵.

۳. «و همگی با مشرکان بجنگید، چنان که آنان همگی با شما می جنگند»: //

۴. «اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید»: صف (۶۱)، آیه ۹.

۵. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۰، ح ۱۶.

به خدا سوگند تاویل این آیه به مرحله اجرا در نمی‌آید؛ مگر آنکه قائم ما مهدی علیه السلام ظهور کند. تمام مشرکان در روی زمین محو می‌شوند؛ تا جایی که سنگ به سخن می‌آید و به مؤمن می‌گوید: ای مؤمن! درون من کافری است، مرا بشکن و او را به قتل برسان.

اینها شمار اندکی از روایات است که به روشنی سخن از نابودی مشرکان و کفار به میان آورده است.

۳-۷. رشد خردورزی بندگان خداوند

با شناخت و معرفت اصولی است که خداوند، بهتر بندگی می‌شود و در نتیجه آن انسان به رشد و کمال و لقای الهی دست می‌یابد. امام باقر علیه السلام در باره یکی از آثار قیام حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ؛^۱ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان گذاشته، اندیشه‌های ایشان جمع و اخلاق آنها کامل می‌گردد.

۴-۷. برپایی عدل و قسط

در مجموع روایاتی که به اهداف متعالی قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام اشاره کرده‌اند، از برپاداشت عدل و قسط فراوان سخن به میان آمده است.

روایات فراوانی با تعبیر «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا»^۲ به این حقیقت اشاره کرده است. عبدالعظیم حسنی گوید: امام هادی علیه السلام فرمود:

... وَ مِنْ بَعْدِي ابْنِي الْحَسَنُ فَكَيْفَ لِلنَّاسِ بِالْخَلْفِ مِنْ بَعْدِي قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ لِأَنَّهُ لَا يَرَى شَخْصَةً وَ لَا يَجِلُّ ذِكْرُهُ بِاسْمِهِ حَتَّى يَخْرُجَ قَيْمًا الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا...؛^۲ پس از من، پسر من حسن است و مردم، با جانشین او چگونه باشند؟ گفتم: فدای شما شوم برای چه؟ فرمود: زیرا شخص او را نمی‌بینند و بردن نام او روا نباشد، تا آنکه قیام کند و زمین را پر از عدل و

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۱.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۱.

داد نماید...

بنابراین آن حضرت حرکت خویش را برای اقامه عدل و قسط بنیان نهاده و مهم‌ترین اثر قیام او پر شدن زمین از عدل و داد خواهد بود.

۵۷. غلبه اسلام بر دیگر ادیان

محمد بن فضیل گوید:

از حضرت ابو الحسن عج درباره آیه شریفه «يُرِيدُونَ لِيُطْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»^۱

پرسیدم، امام عج فرمود:

يُرِيدُونَ لِيُطْفِقُوا وَكَلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عج بِأَفْوَاهِهِمْ؛ می‌خواهند ولایت امیر المؤمنین عج را با پف دهانشان خاموش کنند.

گفتم: «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ»؛ [به چه معناست؟]

آن حضرت در پاسخ فرمود: وَاللَّهُ مُتِمُّ الْإِمَامَةِ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ «فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا»^۲ فَالنُّورُ هُوَ الْإِمَامُ؛ خدا تمام‌کننده امامت است، به دلیل قول خدای عز و جل «کسانی که به خدا و رسولش و نوری که فرو فرستاده‌ایم ایمان آورند»، پس نور همان امام است.

گفتم: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ»^۳؛

امام عج فرمود:

هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوَلَايَةِ لِوَصِيَّتِهِ وَالْوَلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ؛ یعنی اوست که رسولش را به ولایت وصی‌اش امر کرد و ولایت همان دین حق است.

گفتم: «الْيُظْهِرُهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»؛ [به چه معناست؟] امام عج فرمود:

يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ يَقُولُ اللَّهُ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَكَلَايَةَ

۱. «می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا - گر چه کافران را ناخوش افتد

- نور خود را کامل خواهد گردانید»: صف (۶۱)، آیه ۸

۲. تغابن (۶۴)، آیه ۸

۳. «اوست خدائی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاده است»: توبه (۹)، آیه ۳۳.

الْقَائِمِ «وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»؛ آن را در زمان قیام قائم بر همه دینها غلبه دهد، خدا می‌فرماید: «و خدا تمام‌کننده نور خود است»، یعنی ولایت قائم، «اگر چه کافران نخواهند».

عرض کردم: این تنزیل است؟ امام علیه السلام فرمود: آری این حرف تنزیل است و اما غیر آن تاویل است.^۱

البته افزون بر آنچه یاد شد در برخی روایات به مواردی اشاره شده است که در محل خود بدان می‌پردازیم.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۹۱.

خودآزمایی

۱. قیام به چه معناست و چرا در روایات لقب قائم بیش از دیگر القاب برای حضرت مهدی علیه السلام به کار رفته است؟
۲. آیا قیام حضرت مهدی علیه السلام همان ظهور است؟ به چه دلیل؟
۳. در باره زمان و مکان قیام حضرت مهدی علیه السلام همراه ذکر یک روایت توضیح دهید.
۴. انواع برداشت‌ها در باره سلاح حضرت مهدی علیه السلام را بیان نموده یک تفسیر را به تفصیل توضیح دهید.
۵. مهم‌ترین آثار و برکات قیام امام مهدی علیه السلام را نام برده، دو مورد را با استناد به روایات شرح دهید.



منابع برای پژوهش

۱. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ هـ.ش.
۲. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ هـ.ش.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)، اصفهان، گلبهار، ۱۴۱۶ ق.
۴. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۸ هـ.ش.
۵. تقوی، سید حسین، حضرت مهدی علیه السلام از ظهور تا پیروزی، نور الاصفیاء، قم، ۱۳۸۱ هـ.ش.

درس یازدهم دشمنان امام معصوم علیه السلام هنگام قیام

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

۱. نبرد پایانی حق و باطل؛

۲. گونه‌شناسی دشمنان حضرت هنگام قیام:

الف. غیر مسلمانان؛

ب. - مسلمانان.

۳. انتقام؛

اقسام انتقام:

الف. انتقام پسندیده و لازم؛

ب. انتقام مجاز؛

ج. انتقام مذموم و ناروا.

۴. فرجام شیطان.

پیش درآمد

قیام حضرت مهدی علیه السلام به عنوان آخرین و بزرگترین انقلاب در برابر اهل باطل برای برپایی حاکمیت عدل و قسط است. به همین جهت از ابلیس گرفته تا همه کسانی که به پیروی از او تلاش می‌کنند، درصددند تا فروغ حق را خاموش سازند.

حضرت مهدی علیه السلام جریان باطل را پایان داده و طومار زندگی آنان را در هم می‌پیچد تا همه انسان‌ها، بر اساس آموزه‌های دینی، زندگی آرام و مطمئنی داشته باشند. البته این وعده خداوند است و وعده الهی تخلف ناپذیر است.

بحث درباره دشمنان حضرت مهدی علیه السلام در موضوعاتی قابل بررسی است:

یک. نبرد پایانی حق و باطل

انسان در زندگی اجتماعی خود، همواره شاهد صحنه نزار بین دو نیروی حق و باطل است. این صفت‌بندی برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف خود است؛ یعنی برخی به طرفداری و اطاعت از حق و گروهی به دنبال روی از باطل می‌پردازند و این نزار همچنان ادامه خواهد داشت تا آن‌گاه که از باطل اثری نماند. زمانی که جهان به صورت یک جامعه ایده‌آل در آید و پایان این مبارزه اعلام گردد، لشکر حق پیروز و بساط باطل برچیده می‌شود و بشریت وارد مرحله تازه‌ای از تاریخ خود می‌گردد.

بر این اساس، در بعضی از روایات، عبارت «جاء الحق و زهق الباطل» به قیام

حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده است. این بشارتی است در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر که نمونه کامل آن، ظهور حکومت حق و عدالت در تمامی کره زمین است.

حضرت مهدی علیه السلام رهبری گروه حق و حزب خدا را در دست می گیرد و با تمام توان به جنگ نهایی با جبهه کفر و باطل و جنود شیطان می پردازد و در تحقق وعده های حتمی الهی، پیروز می شود و تاریخ به شکوهمندترین فرجام خود می رسد.

دو. گونه شناسی دشمنان حضرت هنگام قیام

بی گمان در این مصاف بزرگ، شیطان ها و پیروان شیطان، گرد هم می آیند تا آخرین تلاش های خود را برای رودرویی با حق به کار گیرند. بررسی روایات به روشنی برخی از گونه های دشمنان حضرت را در هنگام قیام معرفی می کند؛ البته در پاره ای موارد ممکن است این گروه ها، شامل بخشی از گروه دیگر نیز بشوند، اما از آنجا که در روایات مورد اشاره قرار گرفته اند این گونه عنوان بندی شدند. در یک تقسیم بندی کلی دشمنان به دو گروه تقسیم می شوند: ۱. غیر مسلمانان (کافران، مشرکان، یهود و نصارا)؛ ۲. مسلمانان (طور عمده منافقان).

۱-۲. غیر مسلمانان

۱-۱-۲. کافران و مشرکان

نخستین گروهی که در برابر حضرت مهدی علیه السلام صف آرای می کنند، مشرکان و کفارند؛ آنان که ادعا می کنند سرکرده مردم جهانند و نهضت آزادی بخش امام مهدی علیه السلام را مانع منافع ناروای خود می بینند. برای جلوگیری از پیروی مستضعفان از ایشان و حاکمیت محرومان، نیرو تهیه کرده و با سپاهیان امام درگیر می شوند. امام صادق علیه السلام در باره آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»^۱ می فرماید:

۱. «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند»: توبه (۹)، آیه ۳۳.

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَبْقَ مُشْرِكٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا كَافِرٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ؛^۱ آن گاه که قائم قیام کند، هیچ مشرک به خداوند بلند مرتبه و هیچ کافری نخواهد بود مگر اینکه از قیام او ناخشنود خواهد شد.

آنان به دنبال این ناخرسندی، به دشمنی و جنگ با آن حضرت می پردازند.

شیوه برخورد حضرت مهدی علیه السلام با آنان - که همان شیوه پیامبر است - به شدیدترین صورت ممکن خواهد بود که:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾؛^۲ محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند.

شاید به جهت شرایطی که خداوند فراهم سازد، بسیار سخت تر و دردناک تر باشد.

۲-۱-۲. یهود، سرسخت ترین دشمن

خداوند متعال در برخی آیات قرآن، از یهود به عنوان دشمن ترین گروه برای مؤمنان یاد کرده است،^۳ از این رو به راحتی می توان گفت: در آن انقلاب جهانی این گروه از هیچ تلاشی برای سرکوب یاران حق فروگذاری نمی کنند. در بعضی روایات، بیشترین پیروان دجال از یهود دانسته شده و دشمنی دجال نیز با حضرت مهدی علیه السلام بسیار روشن است. ابن عمر گوید: ... پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

... أَكْثَرُ أَتْبَاعِهِ الْيَهُودُ وَالنِّسَاءُ وَالْأَعْرَابُ...؛^۴ و بیشتر پیروان او یهود و زنان و اعرابند.

۲-۱-۳. نصارا

از آنجایی که امام مهدی علیه السلام در قیام جهانی خود، جز به برپایی دستورات الهی اقدام نمی کند، از این رو همه دشمنان از جمله نصارا، در برابر او دشمنی می کنند.

۱. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷

۲. فتح (۴۸)، آیه ۲۹.

۳. مائده (۵)، آیه ۸۲

۴. ر.ک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۵۲۸، ح ۲؛ ابن ابی شیبہ، المصنف، ج ۸، ص ۶۶۱.

۲-۲. مسلمانان

در این بخش، کسانی به دشمنی با حضرت بر می‌خیزند که در ظاهر به آموزه‌های اسلامی اعتقاد دارند، اما به جهت برخی امور، هنگام ظهور از پیروی آن حضرت سر باز می‌زنند و در صف دشمنان قرار می‌گیرند. در اینجا به برخی از این افراد و یا گروه‌ها اشاره می‌شود:

۲-۲-۱. منافقان

بررسی‌ها، نشان می‌دهد به جز کافران، مشرکان، یهود و نصارا گروه‌های دیگری نیز به مقابله با حضرت بر می‌خیزند که در میان آنان کسانی که پیش‌تر ادعای موافقت با امام را داشتند، دیده می‌شود. آنان منافقانی هستند که به پندار خود، منافعشان را در ظهور او می‌جستند و اینک بر خلاف این پندار، قیام آن حضرت را بر مبنای عدل و قسط می‌بینند! گویی به طور دقیق تاریخ تکرار می‌شود و کسانی که حکومت امام علی علیه السلام را برای رسیدن به دنیا می‌خواستند، از مدار ولایت او خارج و در صف دشمنان آن حضرت وارد می‌شوند!!

در طول تاریخ اسلام، افرادی از منافقان، با سوء استفاده از آزادی‌های اسلامی، وارد مسلمانان شده و با تظاهر به شعائر اسلامی، از امکانات جامعه اسلامی، استفاده کرده‌اند. مصالح اسلام نیز، ایجاب می‌کرد پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، با آنان مدارا کنند و از درونشان پی‌جویی نکنند. در حکومت مهدی علیه السلام، این‌گونه افراد در صدد نفوذ در حکومت و جامعه اسلامی بر می‌آیند. حضرت، پس از درهم شکستن مقاومت مخالفان، پیروزمندانه وارد کوفه می‌شود و منافقان را در ردیف سایر فرقه‌های منحرف نافرمان، از میان بر می‌دارد.

۲-۲-۲. راحت طلبان

«راحت طلبی» ریشه در خودپرستی دارد و خودخواهی، منشأ همه مفسد است. لذت طلبی حالتی را در انسان ایجاد می‌کند که همه معیارهای اعتقادی و اخلاقی او را دگرگون می‌سازد.

لذت طلب، دین را به گونه‌ای توجیه می‌کند که با رفاه او در تراحم نباشد؛ او بیشتر

به دنبال آن دسته از احکام ساده و بدون دردسر است که دنیای او در خطر نیفتد. انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام، بدون گذشتن از آتش و خون به پیروزی نمی‌رسد؛ در نبرد محرومان با مستکبران، برق تیغ بلا، ایمان‌ها را به آزمایش در می‌آورد. مؤمنان راستین پیشاپیش به استقبال رفته و خود را برای بلاها آماده می‌سازند؛ ولی راحت طلبان با دستاویز قرار دادن مذهب، در پس توجیه وضع و پایگاه خویش هستند. در دوران انتظار، بیش از همه چیز، در فکر زندگی خودند و انتظار را بیشتر در دعا و... می‌جویند.

۲-۲-۳. جمود اندیشان

از آغاز تاریخ اسلام، ظاهر گرایان از مهم‌ترین کسانی‌اند که مانع گسترش دین می‌باشند، کسانی که به باطن و روح و هدف دین توجه نکرده و افق درکشان فراتر از پوست و قالب را نمی‌نگرد. دور بودن از واقعیت‌های عینی، آنان را کوتاه‌بین و به خود محوری دچار کرده، محدود بودن درکشان نسبت به دین، موجب می‌شود در بحران‌ها و زمان‌های حساس، تکلیف خود را نشاسند و آن‌گونه که شایسته است، از پیامبر و امامان علیهم السلام پیروی نکنند و گاهی نیز به رویارویی با آنان پردازند!

هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام، نه فقط تحجر در اندیشه‌ها و رفتار اجتماعی، از میان نمی‌رود که به گونه‌هایی نو، جلوه می‌کند. محمد بن ابی حمزه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

الْقَائِمُ عليه السلام يُلْقَى فِي حَرْبِهِ مَا لَمْ يَلْقَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَ أَتَاهُمْ وَ هُمْ يَعْبُدُونَ حِجَارَةً مَنْقُورَةً وَ خَشْبًا مَنْحُوتَةً وَ إِنَّ الْقَائِمَ يَخْرُجُونَ عَلَيْهِ فَيَتَأَوَّلُونَ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ وَ يَقَاتِلُونَهُ عَلَيْهِ؛ قائم عليه السلام در پیکار خود با چنان چیزی مواجه خواهد شد که رسول خدا صلى الله عليه وآله با آن مواجه نگردید! همانا رسول خدا صلى الله عليه وآله در حالی به سوی مردم می‌آمد که آنان بت‌های سنگی و چوب‌های تراشیده را پرستش می‌کردند؛ ولی قائم چنان است که علیه او خروج می‌کنند و کتاب خدا را علیه او تأویل می‌کنند و به استناد همان تأویل با او به جنگ بر می‌خیزند:

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۲۹۷، ح ۳.

فضیل بن یسار گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ مِنْ جُهَالِ الْجَاهِلِيَّةِ؛ قائم ما چون قیام کند، مردم از روی جهل با او برخورد می کنند؛ شدیدتر از آنچه رسول خدا با آن از سوی نادانان جاهلیت روبه رو شد. گفتم: این چگونه ممکن است؟ فرمود: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَتَى النَّاسَ وَهُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَالصُّخُورَ وَالْعِيدَانَ وَالْخَشَبَ الْمَنْحُوتَةَ وَإِنْ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَكُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كِتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذَابُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْعَرُ وَالْقُرُ؛ همانا رسول خدا در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوب های تراشیده و مجسمه های چوبین را می پرستیدند؛ قائم ما چون قیام کند در حالی به سوی مردم می آید که جملگی کتاب خدا را علیه او تأویل می کنند و بر او بدان احتجاج می نمایند! سپس فرمود: بدانید به خدا سوگند! موج دادگستری او بدان گونه که گرما و سرما نفوذ می کند تا درون خانه های آنان راه خواهد یافت.

ناگفته نماند امام، در مرحله دعوت، به تبیین اهداف و علل اقدامات خود می پردازد و ابهامی برای مردم باقی نمی گذارد تا تمام حق آشکار گردد. آن گاه که حق آشکار شد، اگر دشمنان از آن سر باز زدند، حضرت اقدام نظامی می کند.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله همه سرکشان که از دستورات قائم آل محمد سرپیچی کنند را به هلاکت و نابودی بشارت داده است که فرمود:

مَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَكَ؛^۱ هر کس از او پیروی کند، نجات می یابد و هر کس سرپیچی کند، نابود می شود.

در روایاتی چند از شدت برخورد آن حضرت با برخی از عرب ها سخن به میان آمده است. شاید به این دلیل که شماری مسلمانان از میان عرب ها هستند و بیشترین ستم به

۱. همان، ص ۲۹۶، ح ۱.

۲ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰.

اهل بیت پیامبر ﷺ از طرف آنان صورت گرفته است. امروزه نیز این دشمنی با پیروان اهل بیت ﷺ و هم‌سوئی با استکبار، در بخش قابل توجهی از آنان به چشم می‌خورد. ابو بصیر از امام صادق ﷺ روایت کرده است:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَرَبِ وَ قُرَيْشٍ إِلَّا السَّيْفُ مَا يَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّيْفُ؛^۱ هنگامی که قائم قیام کند، میان او و عرب و قریش جز شمشیر چیزی نخواهد بود؛ از آنان چیزی دریافت نخواهد کرد جز شمشیر.

امام باقر ﷺ نیز فرمود:

يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ عَلَى الْعَرَبِ شَدِيدٌ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا السَّيْفُ لَا يَسْتَيْبُ أَحَدًا وَ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ؛^۲ قائم، به امری نوین و دستورات تازه و قضایی جدید قیام خواهد کرد. این بر عرب سخت گران خواهد بود (یا سخت خواهد گرفت). او را کاری جز با شمشیر نیست؛ توبه هیچ کس را نمی‌پذیرد و در کار خدا از ملامت هیچ شخص خرده‌گیری باک ندارد.

سه. انتقام

یکی از ابعاد قیام حضرت مهدی ﷺ - افزون بر جنبه‌های اصلاح‌گری، انسان‌سازی، عدالت‌گستری، کمال‌بخشی و احیاگری دین خداوند - خون‌خواهی از دشمنان خداوند، پیامبر اعظم ﷺ، اهل بیت ﷺ و همه ستمدیدگان تاریخ است. در این میان خون‌خواهی از سید الشهداء ﷺ از ویژگی خاصی برخوردار است. بنابراین با استفاده از روایات گروه‌هایی که از آنان انتقام گرفته می‌شود، عبارتند از:

۱-۳. دشمنان خداوند

رسول گرامی اسلام ﷺ در حدیث معراج، پس از بیان دیدن نور پیشوایان معصوم ﷺ و آخرین جانشین خود در میان آنها، فرمود: ... عرض کردم: «پروردگارا!

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۲۳۴، ح ۲۱.

۲. همان، ص ۲۳۳، ح ۱۹.

اینان چه کسانی هستند؟» خداوند فرمود:

هَؤُلَاءِ الْأَيْمَةُ وَ هَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُعِلُّ خَلَالِي وَ يُحَرِّمُ حَرَامِي وَ بِهِ أَنْتَقِمُ مِنْ
أَعْدَائِي...^۱ ایشان پیشوایانند و این قائم است؛ همو که حلال مرا حلال
می‌کند و حرام مرا را حرام می‌سازد و از دشمنان من انتقام می‌گیرد....
احمد بن اسحاق گوید:

بر امام عسکری (عج) وارد شدم و خواستم از جانشین پس از وی پرسش کنم؛ او
آغاز سخن کرد و فرمود: ای احمد بن اسحاق! خدای تعالی از زمان آدم (ع)
زمین را خالی از حجّت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجّت
نخواهد گذاشت. به واسطه اوست که بلا را از اهل زمین دفع می‌کند و به
خاطر اوست که باران می‌فرستد و برکات زمین را بیرون می‌آورد.

گفتم: ای فرزند رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟ حضرت
شتابان برخاست و داخل خانه شد و سپس برگشت، در حالی که بر شانه‌اش
کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می‌درخشید. فرمود:
ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای تعالی و حجّت‌های او گرامی نبودی، این
فرزندم را به تو نمی‌نمودم. او هم‌نام و هم‌کنیه رسول خدا (ص) است؛ کسی
است که زمین را آکنده از عدل و داد می‌کند، همچنان که پر از ظلم و جور
شده باشد... .

احمد بن اسحاق گوید: گفتم: ای مولای من! آیا نشانه‌ای هست که قلبم بدان
مطمئن شود؟

آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن درآمد و فرمود: أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ
وَ الْمُتَّقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ؟^۲ ای احمد
بن اسحاق! منم بقیة الله در زمین خداوند و انتقام گیرنده، از دشمنان او؛ پس از
مشاهده، جست و جوی نشانه مکن!

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۲؛ نعمانی، الغيبة؛ ص ۹۳.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱.

۲-۳. قاتلان امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام در باره انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام می فرماید:

لَمَّا كَانَ مِنْ أَمْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام مَا كَانَ ضَجَّتِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّهِ بِالْبُكَاءِ وَ
قَالَتْ يُفْعَلُ هَذَا بِالْحُسَيْنِ صَفِيكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ قَالَ فَأَقَامَ اللَّهُ لَهُمْ ظِلًّا
الْقَائِمِ وَ قَالَ بِهَذَا أَنْتَقِمُ لِهَذَا؛^۱ چون کار حسین علیه السلام چنان شد که شد
(اصحاب و جوان هایش کشته شدند و خودش تنها ماند)، فرشتگان به سوی
خدا شیون و گریه کردند و گفتند: با حسین برگزیده و پسر پیغمبرت چنین
رفتاری کنند؟ پس خدا سایه حضرت قائم علیه السلام را به آنها نمود و فرمود: با این
انتقام او را می گیرم.

در پاره‌ای از روایات نیز آمده است که: آن حضرت انتقام گیرنده خون تمامی
امامان علیهم السلام و مظلومان تاریخ است. فرات بن أحنف از امام صادق علیه السلام روایت کرده که به
نقل از پدران خود علیهم السلام فرمود:

در زمان خلافت امیر المؤمنین علیه السلام آب فرات بالا آمد، پس آن حضرت و دو
فرزندش حسن و حسین علیهم السلام سوار شدند چون گذرشان بر طایفه ثقیف افتاد،
آنان گفتند: علی علیه السلام آمده است آب را به جای خود بازگرداند (فرو نشاند).
پس حضرت فرمود:

أَمَا وَاللَّهِ لَأُقْتَلَنَّ أَنَا وَابْنَايَ هَذَانِ وَ لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ
الزَّمَانِ يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا؛^۲ بدانید به خدا قسم! من و این دو فرزندم یقیناً کشته
خواهیم شد و بدون تردید خداوند مردی از فرزندان من را در آخر الزمان بر
می انگیزاند که خونخواهی ما خواهد کرد.

علاوه بر منتقم، یکی از القاب آن حضرت «موتور» است. «موتور» از نظر لغت به
کسی گویند که یکی از خویشاوندانش کشته شده؛ ولی خون‌بهای او گرفته نشده است.^۳

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۶؛ طوسی، الامالی، ج ۲، ص ۳۳.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۴۰، ح ۱؛ نک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۸، ح ۱.

۳. طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۵۰۹.

در برخی روایات، از حضرت مهدی علیه السلام با عنوان «موتور بوالده»^۱ یا «موتور بابیه»^۲ یاد شده است؛ یعنی، کسی که پدرش کشته شده و از خون او مطالبه و خونخواهی نشده است. مراد از پدر در این روایت، ممکن است امام حسن عسکری علیه السلام یا امام حسین علیه السلام باشد یا اینکه جنس پدر است که شامل همه امامان معصوم علیهم السلام باشد.

در روایاتی چند این انتقام به اراده خداوند و به دست آن حضرت و در بعضی به آن حضرت نسبت داده شده است. در هر حال تفاوتی نمی کند خداوند به دست او از دشمنانش انتقام بگیرد یا اینکه خود حضرت از دشمنان خود و خاندانش انتقام بگیرد، این وعده‌ای است که خداوند در قرآن فرموده است.

در کامل الزیارات از امام صادق علیه السلام نقل کرده که در باره آیه «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ»^۳ فرمود:

ذٰلِكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ يَخْرُجُ فَيَقْتُلُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ...؛^۴ او قائم آل محمد است؛ قیام می کند و به انتقام از خون حسین بن علی، دست به کشتار می زند... .

البته این انتقام به دو صورت تصور می شود:

نخست اینکه: ستمگران یاد شده به دنیا بر می گردند؛ آن گاه حضرت از آنان انتقام می گیرد.

دیگر اینکه: فرزندان آنان که به کارهای پدران و گذشتگان خود خشنودند، مورد انتقام قرار می گیرند. عبد السلام بن صالح هروی گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: نظرتان در باره این حدیث امام صادق علیه السلام چیست که حضرت فرمود:

إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ قَتَلَ ذَرَارِيَّ قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ عِ بِفِعَالِ آبَائِهَا؛ زمانی که

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۸، ح ۲۲.

۲. همان، ص ۱۷۹؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۲.

۳. «و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم، پس [او] نباید در قتل زیاده روی کند»؛ اسراء (۱۷)، آیه ۳۳.

۴. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۶۳.

فانم علیه السلام قیام کند فرزندان قاتلان حسین علیه السلام را به خاطر کردار پدرانشان خواهد کشت؟

حضرت فرمود: همین طور است. گفتم: پس معنای این آیه چیست: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾^۱
امام در پاسخ فرمود:

صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ وَ لَكِنْ ذَرَارِيُّ قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَرْضَوْنَ بِفِعَالِ آبَائِهِمْ وَ يَفْتَخِرُونَ بِهَا وَ مَنْ رَضِيَ شَيْئًا كَانَ كَمَنْ آتَاهُ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ بِالْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ بِالْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِي عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَ إِنَّمَا يَقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ ع إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ آبَائِهِمْ؛^۲ خداوند در تمام گفتارهایش درست گفته است؛ لکن فرزندان قاتلان حسین علیه السلام از کردار پدرانشان راضی هستند و به آن افتخار می‌کنند و هر کس از کاری راضی باشد، مثل کسی است که آن را انجام داده، و اگر کسی در مشرق کشته شود و دیگری در مغرب از این قتل راضی باشد، نزد خدا با قاتل شریک خواهد بود.

در اینجا مناسب است به جهت اهمیت بحث انتقام، به مفهوم و انواع آن اشاره‌ای کنیم. «انتقام»^۳ گاه به انسان نسبت داده می‌شود و گاه به خداوند. تفاوت این دو در این است که انتقام‌های بشری، بیشتر در پی زیانی است که فرد بر اثر ناتوانی از ناحیه دشمن دیده و بدین وسیله می‌خواهد ناکامی و شکست خود را جبران کند! از این رو گاه ضمن گرفتن انتقام، از حد میانه‌روی بیرون رفته، مرتکب کارهای ناروا و خلاف حق می‌شود. اما انتقام الهی بر اثر آسیب دیدن خداوند یا برای تشفی خاطر نیست؛ زیرا خداوند آسیب‌پذیر نیست و تشفی خاطر در او راه ندارد، بلکه انتقام او به معنای کیفر دادن گناه‌کاران، براساس حق و عدالت است.

۱. «و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد»: انعام (۶)، آیه ۱۶۴.

۲. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۵.

۳. برگرفته از: دایرة المعارف قرآن کریم، مدخل انتقام، محمدابوطالبی.

اقسام انتقام

«حس انتقام گیری» یک اصل حیاتی است که خداوند آن را در وجود همه انسان‌ها - حتی برخی حیوانات - به ودیعه نهاده است؛ لیکن بهره‌وری از آن، به تناسب مورد و کیفیت احکام و وجوه گوناگونی دارد که می‌توان آن را به انتقام پسندیده، مباح و ناپسند تقسیم کرد:

الف. انتقام پسندیده و لازم: اسلام، با هرگونه ظلم و تعدی، به فرد یا جامعه مخالف است؛ از این رو مقابله با ستمگران و گرفتن حق مظلومان را امری ممدوح و گناه واجب می‌شمارد. قرآن کریم در آیات ۱۴ و ۱۵ سوره «توبه»، به مسلمانان فرمان می‌دهد با کافران و مشرکان نبرد کنند، تا ضمن رفع شرک و کفر از روی زمین، خشم مؤمنان ستم‌دیده فرو نشسته و دل‌های آنان تشفی یابد.

شاید پسندیده بودن و وجوب انتقام در این موارد، بدان سبب باشد که اگر از ستمگران انتقام گرفته نشود، موجب گستاخی آنان و پایمال شدن حقوق دیگران گشته و فساد و ناامنی در جامعه گسترش می‌یابد.

ب. انتقام مجاز؛ اگر ستم و تجاوز، متوجه خود انسان باشد و انتقام گرفتن او پیامدی برای دیگران نداشته باشد، این کار، جایز و روا خواهد بود. بدین معنا که انسان در این گونه موارد، بین گرفتن انتقام از ظالم یا عفو او مخیر است. البته گرفتن انتقام به طور مطلق و در همه موارد، روا نیست؛ بلکه در مواردی جایز است که اسلام اجازه آن را داده باشد.

ج. انتقام مذموم و ناروا: انتقام، اگر برخاسته از تعصب‌های جاهلانه، دشمنی‌های نابجا و همراه با تجاوز و تعدی باشد، ناروا و ناپسند است؛ زیرا در این انتقام‌ها نه فقط حقی به دست نیامده و ظلمی برطرف نمی‌گردد، بلکه خود موجب پایمال شدن حقوق دیگران و منشأ ظلم و فساد می‌شود و این امر مذمومی است. اما انتقامی که در قیام جهانی حضرت از آن یاد می‌شود، انتقام پسندیده و لازم است.

چهار. فرجام شیطان

از آنجایی که نقش شیطان در دشمنی با حضرت، قابل توجه است و می‌توان او را

دشمن‌ترین فرد با حضرت و قیام او دانست؛ در اینجا به فعالیت‌ها و سرنوشت او اشاره می‌شود.

روایات در باره سرانجام شیطان، متفاوت است؛ اما در بعضی آمده است نابودی وی به دست حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.^۱ از وهب بن جمیع نقل شده که گفت:

از حضرت صادق علیه السلام درباره این گفته ابلیس پرسیدم که: «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرُنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»؛^۲

آن، چه روزی خواهد بود؟ امام فرمود:

يَا وَهْبُ أَوْ تَحْسَبُ أَنَّهُ يَوْمٌ يُبْعَثُ اللَّهُ النَّاسَ لَا وَ لَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْظَرَهُ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُ اللَّهُ قَائِمًا فَيَأْخُذُ بِنَاصِيَتِهِ فَيَضْرِبُ عُنُقَهُ فَذَلِكَ الْيَوْمُ هُوَ الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ؛^۳ آیا گمان می‌کنی آن روز رستاخیز بزرگ است؟ هرگز! بلکه

خداوند تعالی او را تا روزی که قائم ما قیام کند، فرصت داده است. آن گاه [قائم ما] او را از پیشانی‌اش گرفته، گردنش را خواهد زد. آن هنگام روز وقت معلوم است.

ممکن است مقصود از روایت، این باشد که با روشن شدن حقایق در عصر ظهور و رشد بسیار بالای عقلانی در آن عصر، دیگر مجالی برای اغوای شیطان باقی نخواهد ماند و او عملاً خلع سلاح و نابود می‌شود و این، پایان مهلت او است.^۴ البته در برخی روایات، هلاکت شیطان به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته شده است.^۵

۱. در جلد پایانی این مجموعه به برخی پرسش‌ها در این باره اشاره خواهد شد.

۲. گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده.» فرمود: «تو از مهلت یافتگانی، تا روز [و] وقت معلوم.» حجر (۱۵) آیات ۳۶-۳۸.

۳. عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۴۲؛ طبری، دلائل الامامة، ص ۲۴۰.

۴. نک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۲، ح ۵؛ طبری، دلائل الامامة، ص ۲۴۶؛ مسعودی، اثبات الوصية، ص ۱۵.

۵. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۴۴، ح ۹۶.

خودآزمایی

۱. از نگاه آیات قرآن برخی از گونه‌های دشمنان چه کسانی هستند؟ دو گروه را توضیح دهید.
۲. حضرت مهدی علیه السلام هنگام قیام از چه گروه‌هایی انتقام می‌گیرد؟ چرا و چگونه؟
۳. چگونه حضرت مهدی علیه السلام از قاتلان امام حسین انتقام می‌گیرد؛ در حالی که آنان از دنیا رفته‌اند؟
۴. انتقام به چند نوع تقسیم می‌شود؟ هر یک را شرح دهید.
۵. روایات اسلامی فرجام شیطان را چگونه دانسته است؟ توضیح دهید.



منابع برای پژوهش

۱. جعفری اریسمانی، رحمت، دشمن‌شناسی از دیدگاه قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
۲. جمعی از نویسندگان، در سنامه تاریخ تحلیلی دشمن‌شناسی، قم، مؤسسه اطلاع‌رسانی و مطالعات فرهنگی لوح و قلم، ۱۳۸۳ ش.
۳. جعفری، محمد صابر، مهدی انکاری، انتظار ستیزی، فصلنامه انتظار، مرکز تخصصی مهدویت، ش ۵، پاییز ۱۳۸۱ ش.
۴. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ ش.
۵. رضوی، سید عباس، «مواققان و مخالفان مهدی علیه السلام»، چشم به راه مهدی علیه السلام، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش.

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یاران و یاوران حضرت مهدی علیه السلام

یک - یاران خاص

ویژگی‌های یاران خاص؛

- یاران زن.

گونه‌شناسی یاران خاص؛

- ابدال؛

- اختیار؛

- عصائب؛

- نجبا.

دو - یاران عام (یاوران)؛

شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام.

پیش درآمد

یاران و یاوران حضرت مهدی علیه السلام، بازوان توانمند ایشان و مایه پیروزی نهضت جهانی ایشان هستند. همه پیامبران از این همراهی بهره‌مند بوده و به پیروزی‌هایی دست می‌یافتند؛ همان‌گونه که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با همراهی مهاجران و انصار، رسالت بزرگ خود را به انجام رساند و امیر مؤمنان علی علیه السلام با مجاهدت یاران راستین خود، پیروزی‌های بزرگی به دست آورد و سید الشهداء علیه السلام در قیام عاشورا، به کمک یاران خود برگمی زرین در تاریخ به یادگار نهاد.

این جایگاه سبب شده تا پیشوایان معصوم علیهم السلام همواره اهمیت حضور این انسان‌ها را در آن قیام جهانی یادآور باشند. امام صادق علیه السلام مجموع عواملی را که سبب پیروزی حضرت مهدی علیه السلام می‌شود در سه چیز دانسته و در باره این آیه که «أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»^۱ فرمود:

وَأَمْرُنَا أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا تَسْتَعْجِلَ بِهِ حَتَّىٰ يُؤَيِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالرُّعْبَ^۲

آن امر ما است، خدای عز و جل امر فرموده که در مورد آن شتاب نشود تا آنکه

۱. «هان» امر خدا در رسیدن، پس در آن شتاب مکنید: نحل (۱۶)، آیه ۱.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة، ص ۱۹۸، ح ۹؛ ص ۲۴۳، ح ۴۳.

او را با سه [لشکر] یاری فرماید که عبارتند از: فرشتگان، مؤمنان و هراس. با بهره‌گیری از این روایت، مجموع عوامل پیروزی حضرت مهدی علیه السلام را در دو بخش تقسیم کرده و در باره آن بحث می‌کنیم.

یاران و یاوران حضرت مهدی علیه السلام

مؤمنان، همان منتظران راستین‌اند که دوران غیبت را به نیکی سپری کرده‌اند؛ و نیز زمینه‌سازان ظهورند که در آستانه برانگیخته شدن حضرت، به وظایف خود به شایستگی عمل کرده‌اند. روایات در مجموع این انسان‌ها را به دو بخش تقسیم کرده است. یاران خاص و یاران عام (یاوران).

یک. یاران خاص

اما دسته نخست، ۳۱۳ تن از یاران ویژه حضرت مهدی علیه السلام هستند. احادیث فراوانی در ستایش این گروه ممتاز وارد شده و در قرآن کریم آیاتی چند به آنان تأویل شده است. از امام باقر و صادق علیهما السلام در تأویل این سخن خداوند متعال: ﴿وَلَسِنُ أَخْرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَعْدُودَةٍ...﴾^۱ نقل شده که فرمودند:

... أُمَّةٌ مَعْدُودَةٌ يَعْنِي عِدَّةَ كَعِدَّةِ بَدْرٍ قَالَ يَجْمَعُونَ لَهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ قَزَعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ؛^۲ مراد از امت معلود، یاران مهدی در آخرالزمانند؛ ۳۱۳ تن به شمار افراد جنگ بدر. آنان، در ساعتی جمع می‌شوند؛ مانند ابرهایی که در پاییز جمع می‌گردند.

همچنین امام صادق علیه السلام در وصف یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام فرموده است:

مردانی که گویی قلب‌هایشان، مانند پاره‌های آهن است. هیچ چیز نمی‌تواند دل‌های آنان را درباره ذات خداوند گرفتار شک سازد. سخت‌تر از سنگ هستند. اگر بر کوه‌ها حمله کنند، آنها را از هم خواهند پاشید... گویی که بر

۱. «و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تأخیر افکنیم...»: هود (۱۱)، آیه ۸

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۲؛ نیز: رک: نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۱، ح ۳۶.

اسبان خود، مانند عقاب هستند. بر زمین اسب امام دست می‌کشند و از این کار برکت می‌جویند. گرد امام خویش چرخیده، در جنگ‌ها، جان خود را سپر او می‌سازند و هر چه را بخواهد، برایش انجام می‌دهند. مردانی که شب‌ها نمی‌خوابند؛ در نمازشان همه‌ای چون صدای زنبور عسل دارند. شب‌ها بر پای خویش ایستاده و صبح بر مرکب‌های خود سوارند. پارسایان شب و شیران روزاند. اطاعت آنان برابر امامشان، از اطاعت کنیز برای آقایش زیادتر است. مانند چراغ‌ها هستند...

گویی که دل‌هایشان قندیل است. از ترس خدا بیمناک و خواهان شهادتند. تمنایشان شهید شدن در راه خدا است. شعارشان این است: «ای مردم! برای خون خواهی حسین به پا خیزید.» وقتی حرکت می‌کنند، پیشاپیش آنان به فاصله یک ماه، وحشت حرکت کند. آنان، دسته دسته به سوی مولا می‌روند. خدا به وسیله آنان امام راستین را یاری می‌کند.^۱

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود:

مَا كَانَ قَوْلُ لُوطٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِقَوْلِهِ «لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ»^۲
إِلَّا تَمَنِّيَ لِقُوَّةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا ذَكَرَ إِلَّا شِدَّةَ أَصْحَابِهِ وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيُعْطَى
قُوَّةً أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَإِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زَبْرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ
لَقَلَعُوهَا وَلَا يَكْفُونَ سَيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؛^۳ وقتی لوط علیه السلام به

قومش می‌گفت: «کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه‌گاهی استوار پناه می‌جستم»؛ آرزو داشت که توانایی قائم علیه السلام را داشته باشد. او با این کلام استواری اصحاب او را یاد کرده است، زیرا مردی از اصحاب وی، توانایی چهل مرد را دارد و قلب او از پاره آهن استوارتر است. اگر بر کوه‌های آهن بگذرند، آن را بر کنند و شمشیرهای خود را در نیام نکنند تا آنکه خدای تعالی خشنود گردد.

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. هود (۱۱)، آیه ۸۰.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۲۷.

۱-۱. ویژگی‌های یاران خاص

در باره ویژگی‌های یاران خاص حضرت، نکات فراوانی در روایات ذکر شده که بعضی از آنها چنین است:

۱-۱-۱. جوان بودن

جوانی، دلپذیرترین لحظات زندگی و شورانگیزترین فرصت‌های حیات انسانی است. فصلی است برای شکفتن غنچه‌های کمال و معرفت و موسمی است برای جوشش زلال ایمان و معنویت. جوانان، جوانه‌های سرسبز و شاداب و شکوفه‌های زیبا و دلپذیر درخت زندگی و حیات انسانی‌اند. با توجه به جایگاه مهم جوان و جوانی، آموزه‌های دینی همواره بر این موقعیت تأکید فراوانی کرده و به مناسبت بدان توجه نموده است. یکی از این موارد مورد تأکید این است که در برپایی قیام جهانی منجی موعود، نه فقط خود حضرت در هیئت مردی جوان ظهور خواهد کرد که بیشتر یاران خاص او در سن جوانی بوده و بزرگسالان میان آنان کم‌شمار خواهند بود.

حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كَهَوْلَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْكُحْلِ فِي الْعَيْنِ، أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الزَّادِ، وَأَقْلَ الزَّادِ الْمِلْحُ؛ هَمَانَا يَارَانَ قَائِمِ عليه السلام هَمَكِي جَوَانِدُ وَ پِير مِيَانِشَان نِيست؛ مگر به اندازه سرمه در چشم یا به قدر نمک در توشه راه و کمترین چیز در توشه راه، نمک است.

۱-۱-۲. محدود بودن شمار آنها

با توجه به سختی دین‌داری در دوران غیبت و بویژه در آستانه ظهور، کسانی که شایستگی ملازمت با آن حجت الهی را پیدا کنند و به بالاترین درجه ایمان برسند، محدود خواهند بود؛ از این جهت در شماری از روایات گفته شده است: شمار یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام ۳۱۳ تن است.^۱ این عدد نیز مانند بسیاری از اعداد دیگر، دارای رمز و رازهایی است که بر ما پنهان و پوشیده است.

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۵، ح ۱۰.

۲. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۵۴؛ سیوطی، عقد الدرر، ص ۵۹.

۱-۱-۳. نخستین بیعت کنندگان

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ عليه السلام جِبْرِئِيلُ عليه السلام؛^۱ نخستین کسی که با قائم بیعت می‌کند جبرئیل است.

امام باقر علیه السلام در باره نخستین کسانی که پس از فرشته وحی بیعت می‌کنند فرمود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ نِيفَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النَّجَبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيَقِيمُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقِيمَ؛^۲

۱-۱-۴. پرچم‌داری و حاکم بودن آنها

قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام برای برپایی عدل و قسط در همه گیتی است و یاران او در مبارزه علیه ستمگران، آن حضرت را برای این مهم یاری خواهند کرد. پس از آنکه در مبارزه با دشمنان «پرچم‌دار» امام بودند، در دوران حکومت از کارگزاران و حاکمان وی بر مناطق مختلف جهان خواهند بود. این مطلب در کلام امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

كَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مَنبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛^۳ گویا به قائم علیه السلام می‌نگرم که بر منبر کوفه است و اصحابش - که ۳۱۳ تن و به شمار اصحاب جنگ بدراند - در اطراف او هستند و آنان پرچمداران و حاکمان خدای تعالی بر خلقش در زمین می‌باشند. . . .

۱-۱-۵. قدرت‌مند بودن

یاری حضرت مهدی علیه السلام در آن قیام جهانی، افزون بر قدرت روحی و معنوی، نیازمند قدرت جسمانی نیز است؛ از این رو در روایاتی به توانایی فوق‌العاده یاران خاص اشاره

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۱۸.

۲. طوسی، کتاب‌الغیبة، ص ۴۷۶.

۳. صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۲۵.

شده است. عبد الملک بن اعین گوید:

در نزد امام باقر علیه السلام از جا برخاستم و [از پیری] تکیه بر دستم زده، گریستم. حضرت فرمود: تو را چه شده؟ عرض کردم: من امید آن داشتم که تا نیرویی در تن دارم، حکومت حقه شما و پیروزیتان را درک کنم؟ امام فرمود:
 ... إِنَّهُ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ أُعْطِيَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ جُعِلَتْ قُلُوبُكُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ لَوْ قُدِفَ بِهَا الْجِبَالُ لَقَلَعْتَهَا وَ كُنْتُمْ قِيَامَ الْأَرْضِ وَ خَزَائِنَهَا؛^۱ به راستی اگر این جریان بشود، (و هنگام ظهور و پیروزی ما گردد)، بر مردی از شما نیروی چهل مرد داده شود و دل‌های شما چون پاره‌های آهن گردد؛ اگر با آنها به کوه‌ها زند آنها را از جای برکنند، و شما در آن زمان حاکمان روی زمین و خزینه داران آن می‌باشید.

البته این قدرتمندی برای رهبر قیام در نقل ریان بن صلت چنین آمده است:

به امام رضا علیه السلام گفتم: آیا شما صاحب الامر هستید؟ فرمود: من صاحب الامر هستم، اما آن کسی که زمین را از عدل آکنده سازد، همچنان که پر از جور شده باشد، نیستم و چگونه او باشم در حالی که ضعف بدن مرا می‌بینی. قائم کسی است که در سن پیران و منظر جوانان قیامی کند چنان نیرومند است که اگر دستش را به بزرگترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از جای برمی‌کند و اگر بین کوه‌ها فریاد برآورد، صخره‌های آن فرو می‌پاشد.^۲

۱-۱-۶. کرامت داشتن

در بعضی روایات از کرامات یاران حضرت سخن به میان آمده است. یکی از این کرامت‌ها آن است که دارای قدرت طی الارض هستند. اگر چه حقیقت این امر برای ما به روشنی معلوم نیست؛ اما این قدرتی است که خداوند در اختیار برخی بندگان خود قرار می‌دهد که با آن مسافت‌های بسیار طولانی را در اندک زمانی سپری کنند. امام صادق علیه السلام درباره طی الارض یاران حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

... فَيَصِيرُ إِلَيْهِ شِيعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطْوِي لَهُمُ الْأَرْضَ حَتَّى

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۴، ح ۴۴۹.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۷.

يُبَايِعُوهُ...؛^۱ پس، از گوشه و کنار زمین پیروان او به سویش گرد می‌آیند و زمین برای آنها به هم پیچیده می‌شود، تا اینکه با او بیعت می‌کنند.

۱-۲. یاران زن

لازم یادآوری است که در تشکیل هسته اصلی آن پیکار بزرگ و جهاد مقدس، زنان نیز نقش به‌سزایی دارند و طبق بیان بعضی از احادیث، پنجاه زن، از یاران اصلی امام و همراه هسته مرکزی آن قیام حضور دارند. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

وَاللَّهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خُمُسُونَ امْرَأَةً يَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلَيَّ غَيْرِ مِيْعَادٍ قَزَعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا...؛^۲ به خدا سوگند! ۳۱۳ مرد که پنجاه زن نیز در میان آنهاست، مانند قطعه‌های ابر در فصل پاییز، در غیر موسم حج در مکه معظمه جمع می‌شوند.

این موضوع، دو نکته را روشن می‌سازند:

یکم. به رغم تأکید آموزه‌های وحیانی - بویژه در دین مقدس اسلام - زنان در طول تاریخ، از حقوق خویش محروم بوده و شخصیت آنان تحقیر شده است. اما، در دوران آن انقلاب بزرگ، شخصیت واقعی خویش را باز می‌یابند و به عنوان کارگزاران اصلی آن تحوّل عظیم، در جامعه جهانی شرکت می‌کنند. این موضوع، اهمیت ویژه‌ای دارد که ارزش واقعی و پایه قدرت و توانمندی نوع زن و ارزشیابی استعدادهای او را مشخص می‌سازد.

دوم. زنان اگر در جهاد و رویارویی مستقیم شرکت نکنند، در دیگر مسئولیت‌ها و سازندگی‌ها، می‌توانند مشارکت کنند. همچنین در گسترش فرهنگ اسلامی و آموزش معارف الهی می‌توانند کارآمد باشند و نقش برجسته‌ای ایفا کنند. در مسائل پشت جبهه و مسائل اجتماعی و تربیتی نیز می‌توانند نقش سازنده‌ای داشته باشند.

این موضوع، ارجمندی جایگاه زن و رشد و تکامل قابل توجه او را روشن می‌کند. اثر تربیتی این موضوع مهم، در جامعه منتظر، می‌تواند خود آگاهی زنان و بازشناسی

۱. فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۲۶۳.

۲. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۴.

توان رشد و بازیابی شخصیت آنان باشد.

برای شرکت در آن انقلاب جهانی، زنان از هم اکنون باید با معیارهای دقیق اسلامی و اخلاقی، شخصیت خود را بسازند و در بعد علم و عمل تکامل یابند و بدانند که هم اکنون و در آینده، مسئولیت‌های بزرگی بر عهده دارند و در آینده کارهای مهمی را انجام خواهند داد. پس بایستی از هم اکنون به شناخت دقیق و درست اسلام پردازند و در تربیت خویش بکوشند، تا پیش از ظهور، در جرگه زنان منتظر قرار گیرند، و پس از آن شایستگی شرکت در آن حرکت بزرگ و کمک رساندن به داعی حق را داشته باشند.^۱

۱-۳. گونه‌شناسی یاران خاص

یاران امام مهدی علیه السلام از صنف، نژاد و منطقه خاصی نیستند؛ بلکه از گروه‌ها و نژادهای گوناگون و از سرتاسر جهان هستند. کسانی که به یاری آن حضرت می‌شتابند از مناطق مختلف و اقصی نقاط کره زمینند.

امام جواد علیه السلام از پدران بزرگوار خود از پیامبر صلی الله علیه و آله سخن مفصلی در باره یاران حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده است:

... رَجَالٌ مُسَوَّمَةٌ يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِنْ أَقْصَى الْبِلَادِ عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا...^۲ و مردانی شناخته شده و نامدار، خدای تعالی برای او از اقصی نقاط بلاد ۳۱۳ تن به عدد اصحاب بدر گرد می‌آورد.

البته در بعضی از روایات به گروه‌های خاصی نیز اشاره شده است که از این قرارند:

۱-۳-۱. ابدال

«ابدال»، گروهی از شایستگان و خاصان خدا [هستند] که هیچ‌گاه زمین از آنان خالی نباشد و جهان بدیشان برپا است. آن‌گاه که یکی از آنان بمیرد، خداوند متعال انسان دیگری را به جای او برانگیزد،^۳ تا آن شمار - که به قولی هفت و به قولی هفتاد است -

۱. محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۷۵ - ۷۶ (با تصرف).

۲. رک: صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۶۸.

۳. رک: متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۱، ص ۱۲۵.

همواره کامل بماند.^۱

برخی نیز گفته‌اند: آنان، گروهی‌اند که خداوند به وسیله آنها دین را بر پا نگه می‌دارد و روزی را نازل می‌کند. چهل نفر از ایشان در شام و سی نفر در سایر بلاد هستند. هرگاه یکی از دنیا برود، کس دیگری همانند او به جای او قرار می‌گیرد.^۲

امام باقر علیه السلام فرمود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثِمِائَةً وَ نِيفَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النَّجَبَاءُ
مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ؛^۳ سيمد و
چند نفر به شمار اهل بدر با قائم بين ركن و مقام بيعت می‌کنند که در بين آنان
نجبا از اهل مصر و ابدال از اهل شام و اخيار از اهل عراق هستند.

براین اساس «ابدال» گروهی از یاران حضرت مهدی علیه السلام در شام هستند که هنگام ظهور، خود را به مکه رسانده با ایشان بیعت می‌کنند.

در باره ویژگی این افراد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

... رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ كَانَ قُلُوبُهُمْ زَبْرَ الْحَدِيدِ فَيُبَايِعُونَهُ بَيْنَ
الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ...؛^۴ آنان راهبان شب و شیران روز هستند. دل‌هایشان چون
فولاد سخت است؛ میان رکن و مقام، با او (مهدی علیه السلام) بیعت می‌کنند.

۱-۳-۲. اخیار

«اخیار» در لغت به معنای نیکان، برگزیدگان، نیکوتران^۵ و انسان‌های نیک رفتار است. همان گونه که از امام باقر علیه السلام نقل شده، آنان گروهی از یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام و از جمله ۳۱۳ تن هستند که از عراق به آن حضرت می‌پیوندند و بین رکن و مقام با ایشان بیعت می‌کنند.

۱. علی اکبر دهنخدا، لغت‌نامه، ابدال.

۲. خلیل بن احمد، العین، ج ۸، ص ۴۵.

۳. طوسی، کتاب الفییه، ص ۴۷۶؛ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸؛ مسند ابی یعلی، ج ۱۲، ص ۲۷۰؛ صحیح ابن

حیان، ج ۱۵، ص ۱۵۹؛ ابن ابی شیبہ، کتاب المصنف، ح ۱۹۰۷۰؛ عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۶۹.

۴. مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.

۵. دهنخدا، لغت‌نامه، اخیار.

۱-۳-۳. عصاب

«عصاب» جمع «عصابه» به معنای گروهی بین ده تا چهل نفر است. گفته شده است: «عصابه» گروهی از زاهدان و وارستگاند.^۱ طبق برخی روایات، آنان یاران حضرت مهدی علیه السلام از عراق هستند،^۲ که هنگام ظهور، خود را به مکه می‌رسانند و با او بیعت می‌کنند.^۳ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

... وَعَصَابُ الْعِرَاقِ ...؛^۴ و گروه‌هایی از عراق بیرون می‌آیند....

۱-۳-۴. نجبا

در روایت پیش گفته آن حضرت فرمود:

فَيَخْرُجُ النَّجْبَاءُ مِنْ مِصْرَ...؛^۵ نجبا از مصر بیرون می‌آیند....

امام باقر علیه السلام نیز در روایتی فرمود:

يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَتَيْفَ عِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النَّجْبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ...؛^۶ سیصد و چند تن، به شمار اهل بدر، بین رکن و مقام با قائم بیعت می‌کنند. بین آنان نجبا، از اهل مصر ... وجود دارند....

طالقان

افزون بر گروه‌های یاد شده برخی روایات نیز به مناطقی اشاره کرده که بخشی از یاران حضرت از آنجا به او می‌پیوندند از جمله آنها می‌توان به سرزمین «طالقان» اشاره کرد. منظور از طالقان، چه منطقه‌ای بین مرو و بلخ باشد و یا شهری میان قزوین و ابهر،^۷ خاستگاه برخی از یاران حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۳؛ مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲. عبد الرزاق صنعانی، المصنف، ح ۲۰۷۶۹؛ ابن ابی شیبہ، کتاب المصنف، ح ۱۹۰۷۰.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ح ۵۱، ص ۸۸؛ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۸؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۷۹.

۴. مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.

۵. همان.

۶. طوسی، کتاب الغیبة، ص ۴۷۶، ح ۵۰۲.

۷. یاقوت بن عبد الله حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۶.

در منابع اهل سنت از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود:

خوشا به حال طالقان! خداوند دارای گنج‌هایی در آنجا است که نه از طلا است و نه از نقره؛ اما در آن خطه، مردانی هستند که خدا را آن‌گونه شناخته‌اند که شایسته معرفت است و آنان، یاران مهدی علیه السلام در آخرالزمان می‌باشند.^۱

همین روایت به گونه‌ای دیگر در منابع شیعه نیز آمده است؛ امام صادق علیه السلام فرمود:

گنجی در طالقان هست که از طلا و نقره نیست، و پرچی است که از روزی که آن‌را پیچیده‌اند برافراشته نشده است و مردانی هستند که دل‌های آنها مانند پاره‌های آهن است. شکی در ایمان به خدا در آن راه نیافته و در طریق ایمان از سنگ محکم‌تر است. اگر آنان را وادارند که کوه‌ها را از جای بکنند، از جای کنده و از میان بر می‌دارند. لشکر آنها قصد هیچ شهری نمی‌کنند، جز اینکه آن را خراب می‌کند. اسب‌های آنها زین‌های زرین دارند و خود آنها برای تبرک بدن خود را به زین اسب امام می‌سایند. آنها در جنگ‌ها امام را در میان گرفته و با جان خود از وی دفاع می‌کنند و هر کاری داشته باشد، برایش انجام می‌دهند. مردانی در میان آنها است که شب‌ها نمی‌خوابند؛ زمزمه آنان در حال عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است. تمام شب را به عبادت مشغولند و روزها سواره به دشمن حمله می‌کنند. آنها در وقت شب راهب و هنگام روز شیرند. در فرمانبرداری امام بیش از کنیز نسبت به آقایش پافشاری دارند. مانند چراغ‌های درخشنده‌اند و دل‌هایشان همچون قندیل‌هاست، و از خوف خدا خشنود می‌باشند. ادعای شهادت دارند و تمنا می‌کنند که در راه خداوند کشته گردند. شعار آنان این است: «ای خون خواهان حسین!» از هر جا می‌گذرند، رعب آنها پیشاپیش آنان به اندازه یک‌ماه راه در دل‌های جای می‌گیرد و بدین‌گونه رو به پیش می‌روند. خداوند هم پیشرو به سوی حق و حقیقت را پیروز می‌گرداند.^۲

برخی، طالقان را منطقه ویژه‌ای دانسته‌اند؛ ولی گروهی نیز آن را به منطقه بسیار

۱. سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۲ متقی هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۲۶۲.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

وسیعی همانند ایران معنا کرده‌اند.^۱ از روایت ذکر شده در منابع اهل سنت، استفاده می‌شود که آنان اصحاب و یاران ویژه آن حضرت هستند - زیرا در روایت، نوع آنان مشخص شده است - اما در روایت بحار الانوار علاوه بر بیان چگونگی و کیفیت، سخن از کمیت و لشکر و درفش‌های فاتح و پیروز به میان آمده است.

در روایاتی هم به کسانی اشاره شده که شماری از آنان به یاری مهدی موعود علیه السلام بر نخواهند خاست. ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْعَرَبِ شَيْءٌ يَسِيرٌ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ مَنْ يَصِفُ هَذَا الْأَمْرَ مِنْهُمْ لَكَثِيرٌ قَالَ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يُمَحَّصُوا وَ يُعَيَّنُوا وَ يُغْرَبُوا وَ سَيَخْرُجُ مِنَ الْغُرَبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ^۲ به همراه قائم علیه السلام از عرب تعداد ناچیزی خواهد بود؛ به آن حضرت عرض شد: همانا از عرب کسانی که این امر را توصیف می‌کنند، فراوانند، فرمود: مردم ناگزیرند از اینکه مورد امتحان و پاکسازی و جداسازی و غربال شدن قرار گیرند و در آینده نزدیک، مردم بسیاری از غربال خارج خواهند شد.

البته ما امروز شاهد آزمایش‌های بزرگی از آنان هستیم. از یاری مردم عرب و مسلمان مظلوم غزه گرفته تا مردم مظلوم یمن و... همه و همه امتحاناتی است که در دوران ما برای مسلمانان عرب پدید آمده است! باشد آزمایش‌های دیگر در آینده چگونه باشد؟

دو. یاران عام (یاوران)

پس از گردآمدن یاران خاص حضرت در آغاز ظهور، نوبت به یاوران آن حضرت می‌رسد. آنان به طور سریع در مکه جمع شده، آماده یاری او می‌شوند. شمار یاوران آن حضرت در ابتدا افزون بر ده هزار خواهد شد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي أَوْلَى قُوَّةٍ وَ مَا يَكُونُ أَوْلُو الْقُوَّةِ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ آلَافٍ^۳ امام

۱. نک: علی کورانی، عصر ظهور، ص ۲۶۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷۰، ح ۲؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۴.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۴، ح ۲۰.

زمان علیه السلام خروج نمی کند، مگر همراه یاران نیرومند و رشید، و این یاران کمتر از ده هزار نفر نیستند.

آنچه در اینجا باید یاد آور شد اینکه بخشی از یاران، همان شیعیان واقعی آن حضرتند که در دوران غیبت به شایستگی به وظایف خود عمل کرده اند. در این باره ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند:

امام در تفسیر این قول خدای تعالی «لَيَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا»^۱ فرمود:

يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُتَنْظَرِ مِنَّا. يَا أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لَشَيْعَةٍ قَائِمِنَا الْمُتَنْظِرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛^۲

یعنی خروج قائم منتظر ما، [سپس فرمود:] ای ابا بصیر! خوشا به حال شیعیان قائم ما، کسانی که در غیبتش منتظر ظهور او هستند و در حال ظهورش نیز فرمانبردار اویند. آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی بر آنهاست و نه اندوهگین می شوند.

شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام

در برخی روایات گفته شده شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام «یا لشارات الحسین علیه السلام» است. «ثار» در لغت به معنای خون خواهی است.^۳ بخشی از اهداف امام مهدی علیه السلام و یاران او در برپایی قیام جهانی انتقام از ستمگران است و آنان با این شعار به خون خواهی امام حسین علیه السلام قیام خواهند کرد. پس معنای این شعار چنین خواهد بود: «کجايند قاتلان

۱. «روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده است، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد».

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۷.

۳. ر.ک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۹۷؛ خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۸، ص ۲۳۶؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۳۴.

حسین؟^۱ یا «کجایند خون خواهان حسین؟». امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

... وَهُمْ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَيَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا سَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ مَسِيرَةَ شَهْرٍ؛^۲ یاران مهدی... فقط از خدا می ترسند و فریاد «لا اله الا الله» آنان بلند است و همواره در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدایند. شعار آنان «یا لثارات الحسين» است. به هر سو که رو می آورند، ترس از آنان، - به اندازه یک ماه مسیر - پیشاپیش در دل مردم می افتد.

در بعضی از روایات، این عبارت، شعار فرشتگان، به هنگام یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه دانسته شده است.

امام رضا علیه السلام در این باره فرمود:

فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ؛^۳ پس آنها از یاران او هستند و شعارشان «یا لثارات الحسين» است.

طبق این روایت نیز شعار یاران حضرت هماهنگ با فرشتگان الهی خواهد بود. البته روشن است چون حسین بن علی علیه السلام آینه تمام نمای حق و حقیقت است و دشمنان وی در آن زمان، نماد تمام نمای باطل؛ انتقام از خون امام حسین علیه السلام انتقام از خون همه مظلومان در طول تاریخ خواهد بود و حکومت عدل جهانی، برآورنده آرزوی همه فرودستان جهان در طول تاریخ است.

۱. رک: طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۳۵.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲.

۳. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۹؛ همو، الامالی، ص ۱۲۹.

خودآزمایی

۱. در روایات گفته شده خداوند حضرت مهدی علیه السلام را لشکریانی تأیید و یاری می‌دهد آنها کدامند؟ یک نمونه را توضیح دهید.
۲. ویژگی‌های یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام را نام برده، دو مورد را بنویسید.
۳. در باره حضور زنان در میان یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام و شمار آنان توضیح دهید.
۴. گونه‌های یاران خاص حضرت مهدی علیه السلام را نام برده، دو گروه را توضیح دهید.
۵. شعار یاران حضرت مهدی علیه السلام چیست و چرا این شعار را مطرح می‌کنند؟



منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم‌الدین، چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ ش.
۲. طاهری، حبیب‌الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ هـ ش.
۳. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ ش.
۴. محمدی‌اشتهاردی، محمد، حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۸ ش.
۵. الهامی، داود، آخرین امید، چ دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۲۷۷ هـ ش.

اهدای غیبی در قیام امام معصوم

درس سیزدهم

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

- الف. مفهوم شناسی امدادهای غیبی
- ب. برخی امداد غیبی از نگاه قرآن:
 - ۱. سپاهیان دیده نشدنی؛
 - ۲. یاری با فرشتگان؛
 - ۳. آرام کردن دل‌های مؤمنان؛
 - ۴. ترس در دل‌های دشمنان؛
 - ۵. بادهای ویرانگر.
- ج. شرایط برخورداری از امدادهای غیبی:
 - ۱. ایمان؛
 - ۲. پارسایی؛
 - ۳. پایداری؛
 - ۴. کوشش در راه خداوند.
- د. برخی امدادهای غیبی در عصر ظهور
 - ۱. فرشتگان؛
 - ۲. ترس در دل دشمنان؛
 - ۳. نیروهای طبیعت.

پیش‌درآمد

همان‌گونه که می‌دانیم عواملی چند دست به هم داده و زمینه‌های پیروزی حضرت مهدی علیه السلام را در قیام جهانی فراهم می‌کنند. اساسی‌ترین و اصلی‌ترین عامل این پیروزی، شخصیت خود آن حضرت است؛ آن‌گاه یاران و یاوران ایشان و در کنار آن دو، امدادهای غیبی خداوند نقش آفرین است.

اگر چه اساس این قیام بزرگ، بر امور طبیعی و سنت‌های جاری خداوند است؛ اما به اقتضای عظمت و گستردگی آن در همه کره زمین، و نیز مجهز بودن دشمنان به امکانات بسیار و پیشرفته، خداوند برخی از نیروهای پنهان و فوق طبیعی را در اختیار او قرار خواهد داد تا موجبات پیروزی ایشان، هر چه بهتر فراهم شود.

در این درس تلاش می‌شود تا با بهره‌مندی از آیات قرآن کریم، سخنان معصومان علیهم السلام و نیز بیانات بزرگان، موضوع را در حد امکان بررسی نماییم.

بحث در امدادهای غیبی در موارد زیر قابل بررسی است:

یک. مفهوم‌شناسی امدادهای غیبی

«امداد غیبی» تعبیری مرکب از دو واژه «امداد» و «غیب» است. «امداد» یاری کردن دیگری است و بیشتر، در موارد دوست‌داشتنی به کار می‌رود. امداد، به چیزهای مادی منحصر نیست و در معنویات هم به کار می‌رود. «غیب» چیزی است که از انسان پوشیده و

مخفی است. برخی واژه پژوهان، آن را به معنای پوشیده از چشم گرفته‌اند.

«امدادهای غیبی» به معنای مددهایی است که از غیب سرچشمه می‌گیرد. هر چند با عنایت به معنای لغوی آن، می‌توان جهان و نظم و حیات همه نعمت‌های موجود در آن را مدد گرفته از عالم غیب و از مصادیق امدادهای غیبی دانست - چنان که قرآن، اموال و فرزندان را از امدادهای خداوند دانسته است -^۱ ولی این ترکیب در اصطلاح، به معنای مددهای ویژه در زندگی بشر است.

بدون تردید از برترین آموزه‌های پیامبران، ایمان به غیب است؛ به گونه‌ای که خداوند در ابتدای صحیفه آسمانی خود - آن گاه که ویژگی‌های پرهیزگاران را برمی‌شمرد - نخست ایمان به غیب را این گونه بیان می‌فرماید:

﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...﴾^۲ این

است کتابی که در آن هیچ تردیدی نیست و مایه هدایت تقوایندگان است؛ آنان که به غیب ایمان می‌آورند.

بخشی از این اعتقاد به غیب، مربوط به اعتقاد به امدادهای پنهان خداوند است. این امدادها در طول تاریخ، به بهترین صورت ممکن به کمک انسان‌ها آمده و آنها را از زوال و نابودی نجات داده است.

از آیات قرآن استفاده می‌شود که خداوند، در مقابله حق با باطل، جانب جریان حق را نگه می‌دارد و از آن دفاع می‌کند و این دفاع، گاهی از طریق نیروهای پنهان و امدادهای غیبی صورت می‌گیرد. البته، در بزرگ‌ترین و وسیع‌ترین رویارویی حق با باطل و انقلابی که در راستای اهداف پیامبران رخ می‌دهد، این سنت الهی بیش از پیش جلوه خواهد کرد.

دو. امدادهای غیبی از نگاه قرآن

آیات قرآن حضور امدادهای غیبی را بیشتر در جنگ‌ها و حوادثی دانسته که بندگان

۱. اسراء (۱۷)، آیه ۶.

۲. بقره (۲)، آیه ۳ و ۲.

شایسته نیازمند یاری خداوند بوده‌اند. بعضی از مصداق امداد غیبی بدین قرار است:

۱-۲. سپاهیان دیده نشدنی

قرآن در سه مورد با تعبیر «جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» (سپاهیان دیده نشدنی) یاد کرده است: یکی در آنجا که به وضع مخاطره‌آمیز پیامبر ﷺ در غار ثور اشاره کرده، می‌فرماید: «... فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَ...»^۱ پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد، و او را با سپاه‌هایی که آنها را نمی‌دیدید، تأیید کرد و... .

همچنین آن‌گاه که دشمن در جنگ حنین، به پیروزی موقت رسید و مسلمانان از گرد پیامبر ﷺ پراکنده شدند، امدادهای غیبی - از جمله سپاه نامرئی - آنان را نجات بخشید:

«ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَ...»^۲ آن‌گاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان، فرود آورد و سپاه‌هایی فرو فرستاد که آنها را نمی‌دیدید و... .

سوم موقعی بود که دشمنان اسلام، شهر مدینه را محاصره کردند و مسلمانان ناچار به ماندن در شهر و کندن خندق در اطراف آن شدند! چشم‌های رزمندگان مسلمان خیره و جانشان به گلوگاه رسیده و گمان‌های خاصی درباره خدا پیدا کرده بودند! پیامبر ﷺ از خداوند کمک خواست، در پی آن امدادهای غیبی به یاری آنان آمد که از مهم‌ترین آنها لشکرهای نامرئی بود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا»^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آرید؛ آن‌گاه که لشکرهایی به سوی شما [در] آمدند. پس بر سر آنان تندبادی و لشکرهایی که آنها را

۱. توبه (۹)، آیه ۴۰.

۲. همان، آیه ۲۶.

۳. احزاب (۳۳)، آیه ۹.

نمی‌دیدید، فرستادیم و خدا به آنچه می‌کنید، همواره بیناست.

۲-۲. یاری با فرشتگان

مهم‌ترین مصداق کمک‌های پنهان خداوند، آمدن فرشتگان به یاری پیامبران خود است. بخش قابل توجهی از آیات قرآن، از یاری فرشتگان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمانان در جنگ‌های صدر اسلام حکایت می‌کند. روشن‌ترین نمونه آیاتی است که در آن به این حضور در جنگ بدر اشاره کرده است.

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ يَقُولُ الْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُعِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ بَلَىٰ إِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا بُوَدِّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾؛ یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر - با آنکه ناتوان بودید - یاری کرد. پس، از خدا پروا کنید! باشد که سپاس‌گزاری نمایید. آن گاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا شما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار فرشته فرودآمده، یاری کند؟» آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همان‌گاه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد. ۱

۳-۲. آرام کردن دل‌های مؤمنان

آرامش دل از مهم‌ترین موهبت‌های خداوند به مؤمنان است که در پرتو آن سخت‌ترین شرایط زندگی تحمل‌پذیر می‌شود. در لحظات حساس جنگ یا زمان مخفی شدن رسول اکرم صلی الله علیه و آله در غار و احتمال برخورد وی با دشمنانی که به قصد کشتن او آمده و تا مرز دستگیری‌اش پیش رفته بودند، از این یاری خداوند برخوردار شدند.

۴-۲. ترس در دل‌های دشمنان

خداوند متعال افزون بر امدادهاى یاد شده، گاهی با انداختن هراس در دل دشمنان، جبهه حق را یاری می‌کند. به عنوان نمونه خداوند جنگ بدر - براساس وعده خویش -

سپاه ترس را یک باره و ناگهانی بر قلب دشمن چیره ساخت:

«... سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّغْبَ...»^۱؛ به زودی در دل کافران

وحشت خواهم افکند...

۲-۵. فرستادن بادهای ویرانگر

یکی دیگر از امدادهای الهی، بادهایی است که سبب از بین رفتن دشمنان و یاری

مؤمنان شده است. خداوند می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا

عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا»^۲؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا

را بر خود به یاد آرید؛ آن گاه که لشکریایی به سوی شما [در] آمدند، پس بر

سر آنان تندبادی و لشکریایی که آنها را نمی دیدید، فرستادیم.

سه. شرایط برخورداری از امدادهای غیبی

بر اساس سنن الهی، خداوند به هر کس بخواهد یاری می دهد؛^۳ لیکن با توجه به

اینکه خواست او حکیمانه است، ضوابط و شرایطی برای برخورداری از امدادهای ویژه

وجود دارد که مهم ترین آنها بدین شرح است:

۳-۱. ایمان

نخستین شرط برخورداری از امدادهای الهی ایمان است؛ چنان که که خداوند می فرماید:

«إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا...»^۴؛ در حقیقت، ما فرستادگان خود و

کسانی را که گرویده‌اند، قطعاً یاری می کنیم.

۱. انفال (۸)، آیه ۱۲.

۲. احزاب (۳۳)، آیه ۹.

۳. «وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ»؛ «و خدا هر که را بخواهد به یاری خود تأیید می کند»؛ آل عمران (۳)، آیه

۱۳؛ «جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّى مَن نَّشَاءُ»؛ «یاری ما به آنان رسید. پس کسانی را که می خواستیم، نجات

یافتند»؛ یوسف (۱۲)، آیه ۱۱۰؛ «بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ»؛ «هر که را بخواهد یاری می کند»؛ (روم (۳۰)،

آیه ۵.

۴. غافر (۴۰)، آیه ۵۱.

درباره امداد غیبی در قالب آرامش بخشی نیز می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ﴾^۱ اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد.

۳-۲. پارسایی

پرهیزگاری و تقوای الهی، از دیگر شرط‌های بهره‌مندی از امدادهای خداوند است که:

﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ قَوْمِهِمْ هَذَا يُمدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾^۲ آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، [همان‌گانه] پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

۳-۳. پایداری

ثبات قدم و استواری بر باور و عقیده از اموری است که سبب جلب امدادهای الهی

می‌شود. خداوند در این باره می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَابْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾^۳ در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند:] «هان، بیم مدارید و اندوهگین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید، شاد گردید.

۳-۴. کوشش در راه خداوند

از دیگر شرایط جلب این امدادها، تلاش و کوشش در راه خداوند است؛ همان‌گونه

که در این آیه می‌خوانیم:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...﴾^۴ کسانی که در راه ما

۱. فتح (۴۸)، آیه ۴.

۲. آل عمران (۳)، آیه ۱۲۵.

۳. فصلت (۴۱)، آیه ۳۰.

۴. عنکبوت (۲۹)، آیه ۶۹.

کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم.
حال که به بعضی از مصادیق امدادهای خاص خداوند و شرایط آن اشاره شد، به امدادهای غیبی خداوند در ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام می‌پردازیم.

چهار. امدادهای غیبی در عصر ظهور

از آنجایی که آخرین ذخیره الهی و موعود منجی، راه ناتمام پیامبران و اولیای الهی را به پایان می‌رساند، خداوند همه امدادهای غیبی را که در اختیار آنان قرار داده بود؛ برای حضرت مهدی علیه السلام نیز قرار خواهد داد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

قَائِمُ أَهْلِ بَيْتِي ... يُؤَيِّدُ بِنَصْرِ اللَّهِ ... ؛ ... قائم اهل بیت من، به یاری الهی تأیید می‌شود.

برخی از این امدادها از این قرارند:

۴-۱. فرشتگان

از نیروهای غیبی که به یاری آخرین حجت خداوند و یاران او می‌آیند، «فرشتگان الهی» هستند. عبد الرحمن بن کثیر روایت کرده است:

امام صادق علیه السلام در باره این آیه که:

﴿أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ﴾؛^۱ فرمود:

هُوَ أَمْرُنَا أَمْرُ اللَّهِ لَا يُسْتَعْجَلُ بِهِ يُؤَيِّدُهُ ثَلَاثَةٌ أَجْنَادُ الْمَلَائِكَةِ وَالْمُؤْمِنُونَ

وَالرُّعْبُ؛^۲ آن امر ما است، خدای عز و جل، امر فرموده که در مورد آن شتاب

نشود تا آنکه [خداوند] او را با سه [لشکر] یاری فرماید که عبارتند از:

فرشتگان، مؤمنان و هراس.

در روایتی از امام صادق علیه السلام که به طور مفصل به چگونگی حضور و نقش فرشتگان

در قیام حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است. ابان بن تغلب نقل شده است:

۱. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۲.

۲. «هان» امر خدا در رسید، پس در آن شتاب مکنید: نحل (۱۶)، آیه ۱.

۳. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۸، ح ۹.

شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: «گویی قائم را می بینم بر نجف کوفه که جامه‌ای از استبرق به تن دارد و زره رسول خدا صلی الله علیه و آله را می پوشد. چون آن را پوشید به تن او، از هم باز و گشاد می شود تا اندازه بدن آن حضرت گردد. سپس سوار بر اسبی سیاه و سفید می شود که میان دو چشمش، سفیدی مشخص و آشکاری است. پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله با اوست. عرض کردم: پرچم اکنون موجود و پنهان است یا برای او آورده می شود؟ فرمود: جبرئیل آن را برای آن حضرت می آورد، دسته آن از عمودهای عرش خدا، و سایه آن از نصرت خداوند است. با آن پرچم بر چیزی فرود نمی آید، مگر اینکه خداوند آن را نابود می سازد. همراه با آن نه هزار فرشته فرود می آیند و نیز ۳۱۳ فرشته. عرض کردم: فدایت گردم! آیا همه این فرشتگان همراه هستند؟ فرمود: آری، آنان همان فرشتگانی اند که با نوح در کشتی بودند و همان فرشتگانی اند که وقتی ابراهیم به آتش افکنده شد، همراه او بودند، و همان هایی اند که وقتی دریا برای موسی شکافته شد همراه او بودند، و همان هائی اند هستند که وقتی خداوند، عیسی را به سوی خویش به آسمان برد همراه او بودند، و چهار هزار فرشته نشان دار هستند که با رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه بودند، و ۳۱۳ فرشته ای که در روز بدر، با آن حضرت بودند، و همراه با آنان چهار هزار فرشته ای هستند که به آسمان بالا رفتند تا اجازه جنگیدن در رکاب حسین علیه السلام را بگیرند؛ ولی وقتی به زمین بازگشتند که آن حضرت کشته شده بود آنان در کنار قبر آن حضرت پریشان موی و غبار آلود ماندند و بر آن حضرت تا روز قیامت می گریند و آنان خروج قائم علیه السلام را انتظار می کشند.^۱

عیاشی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود:

إِنَّ الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ نَصَرُوا مُحَمَّدًا صَ يَوْمَ بَدْرٍ فِي الْأَرْضِ مَا صَعِدُوا بَعْدُ وَلَا يَصْعَدُونَ حَتَّى يَنْصُرُوا صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ وَ هُمْ خَمْسَةٌ أَلْفٌ؛^۲ فرشتگانی که در جنگ بدر رسول خدا را در زمین یاری کردند، از آن پس به آسمان

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۰۹، ح ۴.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۷.

نرفتند و پس از این نیز نخواهند رفت تا آنکه یاری کنند صاحب این امر را و آنان پنج هزار تن هستند.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در روایتی، به نقل از خداوند در شب معراج چنین می گوید: ... وَ لَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِيٍّ وَ لَأَمُدَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى يُغْلِبَ دَعْوَتِي ...^۱ و با لشکریان خود او (مهدی) را یاری می کنم و با فرشتگانم به او مدد می رسانم، تا آنکه دعوتم را آشکار کند.

۲-۴. ترس در دل دشمنان

خدای متعال، در قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ترس و دلهره را بر دل کافران، مشرکان و ستمگران حق ستیز افکنده، قدرت تصمیم گیری و دشمنی را از آنان سلب می کند.

در روایاتی گفته شده که او، «مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ وَ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ» است؛ یعنی هنگام ظهور، هراس از وی، در دل قدرتمندان می افتد و نیروهای غیبی و نادیدنی، به کمک او و یارانش می شتابند. البته این امر، منافاتی با لزوم حضور مردم در صحنه ندارد و مردم باید آن حضرت را تا رسیدن به اهداف متعالی اش یاری کنند. امام صادق علیه السلام فرمود:

انقلاب مهدی را سه سپاه یاری می کنند و در پیروزی او شرکت دارند: سپاهی از فرشتگان، سپاهی از مؤمنان و سپاهی از رعب و وحشت.^۲

محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:

أَلْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ؛^۳ قائم ما به [افتادن] ترس در دل دشمنان، یاری شده است.

۳-۴. نیروهای طبیعت

بعضی از امدادهای غیبی الهی، تسخیر نیروها و امکانات طبیعی است که خداوند پیامبران خود را به آن مجهز کرده است؛ همانند: بادهای طوفانها، ابرها و ... که در قرآن

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۴.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۸، ح ۹، ص ۲۴۳، ح ۴۳.

۳. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۶.

از آنها یاد شده است.^۱ در روایاتی، عوامل طبیعی، از جمله امدادهای غیبی برای یاری آخرین حجّت الهی ذکر شده است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در حدیث معراج به نقل از خداوند چنین فرموده است:

... وَكَاسَخَرْنَ لَهُ الرِّيحَ وَلَا ذَلِيلَنَّ لَهُ الرِّقَابَ الصَّعَابَ... و باد را مسخر او می‌کنم و گردنکشان سخت را رام او می‌سازم...^۲

بنابراین حضرت مهدی علیه السلام، افزون بر بهره‌مندی از یاران و اصحاب، به دلیل عظمت قیام جهانی خود، به اذن و اراده الهی، از امدادهای غیبی نیز استفاده می‌کند.

۴-۴. برخی امدادهای دیگر

افزون بر امدادهای یاد شده، برخی امور دیگر نیز در روایات مورد اشاره قرار گرفته که می‌تواند در شمار امدادهای الهی باشد.

الف. طِی الْأَرْضِ: یکی از امدادهای الهی در عصر ظهور آن است که زمین، برای آن حضرت و یارانش در هم نوردیده شود. در روایاتی چند از چگونگی طی مسافت آن حضرت و یارانش به «طی الارض» تعبیر شده است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

وَ هُوَ الَّذِي تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ يَذِلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ؛^۳ او، کسی است که زمین برایش درنوردیده می‌شود.

ب. میراث‌های پیامبران علیهم السلام: از روایات استفاده می‌شود افزون بر امدادهای یاد شده، حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، برخی میراث‌های پیامبران گذشته را نیز همراه خواهد داشت. امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي، تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهَا الْأُمَّمُ، يَأْتِي بِذَخِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛^۴ مهدی از فرزندان من است، برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که مردم در آن گمراه شوند. او

۱. انبیا (۲۱)، آیه ۸۱، احزاب (۳۳)، آیه ۹.

۲. صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۴، باب ۲۳، ح ۴.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۵.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۵.

ذخیره پیامبران را می‌آورد و زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

درباره اینکه این امور به چه هدفی نزد حضرت جمع شده است، سخن روشنی در دست نیست؛ ولی با توجه به اینکه نقش حضرت مهدی علیه السلام، ادامه فعالیت همه انبیا و اولیا است و او خواسته آنان را محقق خواهد ساخت؛ می‌توان نتیجه گرفت که تمام ابزار آنان در اختیار وی قرار خواهد گرفت.

دیگر اینکه آن حضرت وظیفه دارد پیروان همه ادیان را به دین راستین الهی (اسلام) دعوت کند و این میراث‌ها، نشانه‌هایی از برحق بودن آن حضرت است. از این رو همان‌گونه که در روایات، زنده ماندن حضرت مسیح علیه السلام، عامل هدایت مسیحیان و برگرداندن ایشان به پیروی از حضرت مهدی علیه السلام معرفی شده است؛ می‌توان میراث‌های دیگر پیامبران علیهم السلام را ابزاری برای اتمام حجت بر آنان دانست.

بعضی از این میراث‌ها، عبارت است از: «پیراهن»،^۱ «عمامه»،^۲ «زره»،^۳ «سلاح»،^۴ و «پرچم پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله»،^۵ «سنگ»،^۶ و «عصای حضرت موسی علیه السلام» و «طشتی که وی در آن قربانی می‌کرد»^۷ و «انگشتری حضرت سلیمان علیه السلام».^۸

به هر حال هدف حضرت مهدی علیه السلام و قیام ایشان، در برگیرنده تمامی اهداف پیامبران بزرگ است. از این رو در آن هنگامه عظیم، او با در اختیار گرفتن میراث

۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۵۰، ج ۴۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ج ۲۸۵.

۳. همان.

۴. نعمانی، الغیبه، ص ۳۴۹، ج ۴۰؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ج ۲۸۵؛ متقی هندی،

کنز العمال، ج ۳۹۶۷۳.

۵. نعمانی، الغیبه، ص ۳۴۲، ج ۲۸ و ۴۳۵، ج ۱.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ج ۳.

۷. همان، ج ۱؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۸، ج ۲۸، صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶، ج ۷.

۸. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳۲، ج ۱.

۹. همان، ص ۲۳۱، ج ۱. نعمانی، الغیبه، ص ۳۴۳، ج ۲۷.

پیامبران بزرگ علیهم السلام هدف خود را - که در واقع هدف جمیع آنان بوده است - تحقق می‌بخشد و پیروان ادیان را، سوی خود دعوت می‌کند.

سرانجام کار

حضرت مهدی علیه السلام و یاران و سپاهیان مؤمن و شجاع او، در این جنگ‌های نهایی و سرنوشت ساز پیروز شده و با کمک گرفتن از امدادهای غیبی، دشمنان (جبهه باطل) را نابود می‌کنند. بدین سان سرنوشت کافران و ستمگران، به بدترین صورت رقم می‌خورد. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید:

... وَ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِمَّا يُسَهِّلُ اللَّهُ لَهُ كُلَّ عَسِيرٍ وَ يُذَلِّلُ لَهُ كُلَّ صَعْبٍ وَ يُظَهِّرُ لَهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ يُقَرِّبُ لَهُ كُلَّ بَعِيدٍ وَ يُبَيِّرُ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ يُهْلِكُ عَلَى يَدِهِ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ^۱ و او دوازدهمین ما امامان است؛ خداوند برای او هر امر سختی را آسان و هر امر دشواری را هموار می‌کند و گنج‌های زمین را برایش آشکار می‌سازد. و هر بعیدی را برای وی نزدیک کرده به توسط وی تمامی جباران عنود را نابود می‌کند و هر شیطان متمردی را به دست وی هلاک سازد.

محمد بن مسلم می‌گوید:

از امام باقر علیه السلام پرسیدم: مراد از «وَ اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى»؛ چیست؟ آن حضرت فرمود:

اللَّيْلُ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ الثَّانِي غَشَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فِي دَوْلَتِهِ الَّتِي جَرَتْ عَلَيْهِ وَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَصْبِرَ فِي دَوْلَتِهِمْ حَتَّى تَنْقُضِيَ؛ شب در این آیه، فلانیست که ستم روا داشت بر امیر المؤمنین در مقامی که متعلق به او بود و آن حضرت صبر کرد تا دولت آنها منقضی گردد.

آن گاه امام درباره «وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» فرمود: النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِذَا قَامَ غَلَبَ دَوْلَةَ الْبَاطِلِ؛^۲ منظور از روز قائم از ما اهل بیت است؛ وقتی قیام کند، بر دولت‌های

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۶۸، ح ۶.

۲. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۴۲۵.

باطل پیروز می شود.

در این هنگام فجر دولت حق می دمند و تاریکی باطل از صحنه گیتی برچیده می شود.^۱ خداوند حضرت مهدی علیه السلام و یارانش را مالک شرق و غرب جهان نموده، آیین اسلام را پیروز می گرداند و بدعت‌ها و باطل‌ها را به دست او و یارانش نابود می کند.^۲

... آن گاه که در این قیام جهانی پرچم پیروزی حق در همه کره زمین برافراشته شد، نوبت به برپایی حکومت عدل جهانی می رسد.^۳

۱. «فعندها يتألف صبح الحق وينجلي ظلام الباطل»؛ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۴۸.

۲. «يملكهم الله مشارق الارض و مغاربها و يظهر الدين و يعيت الله - عزوجل - به و باصحابه البدع و الباطل»؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۷.

۳. به یاری خداوند در جلد بعد، به بررسی آن دوران نورانی خواهیم پرداخت.

خودآزمایی

۱. امدادهای غیبی به چه معناست و جایگاه آن در قیام حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟
۲. آیات قرآن از امور فراوانی به عنوان امدادهای غیبی یاد کرده است؛ پنج نمونه را نام ببرید.
۳. بهره‌مندی از امدادهای غیبی نیازمند شرایطی است؛ آنها را نام برده دو نمونه را توضیح دهید.
۴. در باره امدادسانی فرشتگان به حضرت مهدی علیه السلام هنگام قیام توضیح داده، گروه‌های آنها را نام ببرید.
۵. بخشی از ابزارهای حضرت مهدی علیه السلام در قیام جهانی میراث‌های پیامبران است، در این باره توضیح داده نمونه‌هایی را نام ببرید.



منابع برای پژوهش

۱. طاهری، حبیب‌الله، سیمای آفتاب، انتشارات زائر، قم: ۱۳۸۰ ش.
۲. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ ش.
۳. الهامی، داود، آخرین امید، ج دوم، انتشارات مکتب اسلام، قم: ۳۷۷ ش.
۴. کارگر، رحیم، جستارهایی در مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، قم، ۱۳۸۳ ش.
۵. محمدی اشتهاردی، محمد، حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت، انتشارات مسجد جمکران، قم، ۱۳۷۸ ش.

درس چهاردهم آسیب‌شناسی درصه‌های مهدویت

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مفهوم و اهمیت آسیب‌شناسی مهدویت
عوامل آسیب در مباحث مهدویت:

۱. جعل و تحریف؛
۲. مراجعه به متون تخصصی بدون آگاهی لازم؛
۳. استفاده از منابع غیر معتبر و ضعیف؛
۴. مواجهه با شبهات بدون آمادگی قبلی؛
۵. تفسیرها و تطبیق‌های نادرست؛
۶. طرح مباحث غیر ضروری.

پیش درآمد

اعتقاد به آموزه مهدویت از توانمندترین عوامل پویایی، رشد و بالندگی جامعه اسلامی، در طول تاریخ است که آن را از فروغلتیدن در فسادها و تباهی‌ها حفظ می‌کند. سوگمندها باید گفت: این باور در تاریخ خود با اندیشه‌ها و برداشت‌های نادرست بسیاری رو به رو شده و رفته رفته به آسیب‌ها و آفت‌های جدی، برای آن تبدیل شده است.

در عصر کنونی که جامعه ما به شکل روزافزونی، به این باور روی آورده است، ضرورت شناسایی این آسیب‌ها و آفت‌ها، بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود و لازم است ضمن ترویج و توسعه فرهنگ مهدویت، این موضوع نیز مورد توجه جدی قرار گیرد.

بی‌گمان در صورت توجه به آفت‌ها و رفع اختلال‌های مفهومی و مصداقی وارد شده در این حوزه، می‌توان از این فرهنگ به عنوان مؤثرترین و کارآمدترین ابزار برای حرکت در مسیر حق بهره جست و با آن نسل حقیقت خواه را برای رسیدن به آن تحول بزرگ و جهانی آماده ساخت. بنابراین مهم‌ترین گام برای فراهم کردن نگرش درست به مباحث مهدوی ارائه آگاهی‌های بایسته و پرهیز از گمانه‌های نادرست است.

در این درس تلاش می‌شود به برخی از مهم‌ترین مانع‌ها و آسیب‌ها برای ترویج این فرهنگ حیات‌بخش اشاره نموده، علاقه‌مندان را به تامل و تفکر دعوت کنیم.

آسیب‌شناسی

«آسیب»، چیزی است که سبب اختلال، ناهنجاری و تباهی در پدیده‌ها می‌شود و آسیب‌شناسی به معنای شناسایی این عوامل و اسباب است. باورداشت به مهدویت نیز همچون دیگر باورها هرگاه مورد نفهمی، کم‌فهمی و یا کج‌فهمی قرار گیرد و یا به صورت نادرست بیان شود، دچار مشکل شده، آسیب می‌بیند.

بنابراین منظور از آسیب‌شناسی مهدویت، این است که کج‌روی‌ها و کج‌اندیشی‌هایی که تاکنون در این اعتقاد فاخر وارد شده، مورد شناسایی قرار گیرد و حقیقت آن به دور از هرگونه پیرایه و بیراهه ارائه شود.

شناخت درست در مباحث مهدویت، به همان اندازه اهمیت دارد که آشنایی با آسیب‌ها و آفت‌ها؛ ضروری است. بی‌توجهی به مباحث انحرافی و آفت‌ها، می‌تواند معرفت به دست آمده را در مسیر نادرست قرار داده، مانع رسیدن به هدف مطلوب باشد. باغبانی که فقط به کاشت می‌پردازد و از آسیب‌ها و آفت‌ها غافل می‌ماند؛ بدون شک هنگام برداشت، محصول خوبی به دست نخواهد آورد. به‌رحال آگاهی از آسیب‌ها و آفت‌ها می‌تواند زمینه‌ای باشد برای پیش‌گیری از آنها که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

من لم يعرف مضرۃ الشر لم یقدر علی الامتناع منه؛^۱ هرکس آفت شری را نشناسد، قادر به خودداری و پیشگیری از آن نیست.

آموزه مهدویت امروزه بیش از گذشته با تهدیدهای بزرگ و جدی روبه‌رو است که نه فقط از طرف مخالفان و دشمنان و در قالب تهاجم تبلیغاتی برنامه ریزی شده بلکه از داخل نیز - آگاهانه یا ناآگاهانه - تفکر ارزشمند مهدویت مورد هجوم قرار گرفته است.

اگرچه ممکن است، تهدیدهای داخلی از روی ناآگاهی و ساده لوحی یا عشق افراطی ارزیابی شود!! اما به هیچ وجه نمی‌توان پیامدهای ناگوار آنها را نادیده گرفت؛ چرا که این جریان حتی اگر ناخواسته و یا ناآگاهانه باشد، توسط دشمنان دامن زده می‌شود و آثار تخریبی فراوانی، بر پیکره این باور ارزشمند پدید می‌آورد.

۱. عبد الواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۰۶، ح ۱۹۱۷.

گونه‌های آسیب

۱. جعل و تحریف

یکی از تلاش‌های دشمنان در برابر یک حقیقت، آلوده ساختن آن به باطل‌ها است؛ از این رو آنان به هر مناسبتی، برای غبارآلود کردن گوهر تابناک آموزه‌های دینی با بهره‌مندی از همه ابزارهای ممکن، دست به جعل و تحریف می‌زنند تا راه را بر انسان‌های ناآگاه مبهم سازند.

هم‌زمان با حیات پیامبر ﷺ - به ویژه در دوران ده‌ساله مدینه - کسانی خواسته یا ناخواسته، گفتار او را تحریف می‌کردند و یا ناگفته‌ها و ناکرده‌هایی را بدو نسبت می‌دادند که به شدت از طرف آن حضرت مورد توبیخ و سرزنش واقع می‌شدند.

بعد از عروج روح بلند آن «نفس مطمئنه» به بارگاه قرب الهی، نادیده گرفتن سفارش‌های او در بزرگداشت اهل بیت علیهم‌السلام و پیروی از آنان و نیز بازداشتن از نوشتن و حتی نقل احادیثش، تا قرنی راه را بر جعل، وضع، تحریف، و نیز، نقل به معنا و آفات دیگری بر حدیث باز نمود و ضربات جبران‌ناپذیری بر اعتبار سنت وارد ساخت.^۱ در این میان از جمله احادیثی که در این دوران به دلایلی مورد طمع جاعلین و واضعین روایات بوده، بحث مهدویت است.

روایات مربوط به «مهدویت»، به انگیزه‌های گوناگونی مورد هجوم قرار گرفته که برخی از این قرار است:

الف. انگیزه‌های سیاسی: از مهم‌ترین انگیزه‌های جعل و تحریف در این روایات، قدرت‌های سیاسی بوده‌اند.

که مهم‌ترین عرصه مورد هجوم آنان، ویژگی‌های موعود و نیز نشانه‌های ظهور است. بسیاری از حاکمان ستم‌پیشه با جعل روایت، خویش و یا منتسبان به خود را به بحث‌های مهدویت مرتبط می‌ساختند.

ب. انگیزه‌های فرقه‌ای و مذهبی: شواهد فراوانی در دست است که پیروان فرقه‌ها

۱. رک: داود معماری، مبانی و روش‌های نقد متن حدیث، ص ۲۷ (با تصرف)

و مذاهب و نیز سردمداران آنان، برای تثبیت موقعیت و حقانیت باور خود، در مواردی دست به جعل احادیث و یا تحریف آن می‌زدند. مدعیان مهدویت، روشن‌ترین مصداق این انحراف است که به هر وسیله به دنبال تثبیت موقعیت خود بودند. از کیسانیه، باقریه، مغیره، ناووسیه، اسماعیلیه، فطحیه واقفیه و زیدیه می‌توان به عنوان بارزترین مصداق این بخش اشاره کرد.

ج. انگیزه‌های قومی و قبیله‌ای: برخی از اقوام و قبیله‌ها - بویژه فرودستان جامعه - از اعتبار و جایگاه مهدویت در اعتبار بخشی به مردمان خود بهره می‌گرفتند؛ از این رو روایت‌هایی را جعل و یا تحریف کرده و به خود نسبت دادند. این سه عامل با هم، یا به طور جداگانه، سبب پدید آمدن ادعاهای دروغین در عرصه مهدویت و یا نیابت شد.

ماهیت اساسی مهدویت ناب، اگرچه به دلیل روشن بودن خصوصیات مهدی علیه السلام هرگز اقتضای ادعاهای دروغین را ندارد؛ اما در طول تاریخ به سبب آسیب‌هایی که به متون روایی وارد شده، افراد فراوانی با بهره‌گیری از زمینه‌های موجود و نیز ناآگاهی مردم، ادعاهایی را مطرح کرده‌اند.

این ادعاهای دروغین، آموزه مهدویت را مورد تهدید جدی قرار داده و به جهت سادگی یا ناآگاهی مخاطبان عده‌ای را جلب کرده است.^۱

۲. ادعای مهدویت، نیابت و بابیت

از آسیب‌هایی که فرهنگ مهدویت را با مخاطراتی جدی روبه‌رو کرده ادعای مهدی بودن است: این ادعاها با انگیزه‌های جاه طلبانه، وسوسه قدرت، شهرت و دنیا طلبی و... شکل گرفته و پیامدهای ناگواری برای جامعه اسلامی رقم زد مانند: گمراهی مردم، دوری از مسیر اهل بیت علیهم السلام، به بازی گرفته شدن دین و اختلافات دینی در اثر متابعت از فرقه‌های انحرافی، و... .

پس از شهادت امام عسکری علیه السلام و آغاز غیبت صغرا، با قطع شدن ارتباط رودرروی

۱. نک: نگارنده، درسنامه مهدویت، ج ۲، درس دهم.

مردم با پیشوای معصوم، «نواب خاص» برای راهنمایی مردم، تلاش‌های ویژه‌ای را آغاز کردند. پیروان اهل بیت علیهم‌السلام رفته رفته، با این روش خو گرفته و کارهای خود را از راه «سفیران چهارگانه» انجام می‌دادند و این خود جایگاه بلندی را برای این سفیران رقم زد. در این میان، افرادی سست ایمان و کژاندیش، برای رسیدن به اهداف دنیایی، به دروغ مدعی نیابت امام غایب شدند. البته این آسیب اختصاص به دوره‌های گذشته ندارد و امروزه نیز به گونه‌های متفاوت مطرح بوده و خسارت‌های بزرگی بر این فرهنگ وارد می‌سازد.

۳. وارد شدن برخی اسرائیلیات

بدون شک از بزرگ‌ترین آسیب‌هایی که آموزه‌های بلند اسلام را همواره به گونه‌ای جدی تهدید کرده، ورود اسرائیلیات به روایات اسلامی است. مباحث مهدویت به جهت اهمیت و تأثیر آن در زندگی مسلمانان - از طمع دشمنان اسلام به دور نماند؛ از این رو روایات اسرائیلی چندی این مجموعه را تهدید کرد.

در میان موضوعات مهدویت، «بحث نشانه‌ها»، عرصه این جولان و انحراف بوده است. اسناد بسیاری از این روایات، - بویژه آنچه از منابع اهل سنت به منابع شیعه راه یافته - ضعیف و غیرقابل اعتماد است. افزون بر آن از نظر دلالت نیز، هماهنگی و انسجام لازم، میان بسیاری از روایات دیده نمی‌شود و پاره‌ای از آنها در گذر زمان، دچار دگرگونی‌های فراوانی شده است.

مهم‌ترین سبب پدید آمدن آن، تلاش دشمنان و بدخواهان - بویژه حاکمان ستمگر - است که در پاسخ به علاقه‌مندی روزافزون مسلمانان به آگاهی از چگونگی رخدادهای که در آینده پدید می‌آید، تغییراتی را در روایات به وجود آورده، در موارد فراوانی دست به جعل حدیث زده‌اند!! البته کم نبودند کسانی که بازار این انحراف‌ها را خواسته یا ناخواسته با نقل روایات و تدوین آثار، روز به روز گرم‌تر کردند.^۱

برخی با آگاهی از اینکه این گونه اخبار، ساختگی و دروغ است با گردآوری این

۱. نک: سید جعفر مرتضی عاملی، جزیره خضرا در ترازوی نقد (پژوهشی در علامات ظهور، بیان الانمه، خطبة البیان، جزیره خضرا)، ص ۴۱.

روایات خواسته‌اند اصل این روایات را از خطر نابودی حفظ کنند؛^۱ اما در هر صورت، امروزه با روایاتی روبه روییم که دست کم، شماری از آنها، حاصل جعل و تحریف است.

۴. مراجعه به متون تخصصی بدون آگاهی لازم

متون خاص دینی، همچون علوم دیگر در بخشی نیازمند تفسیر آگاهان و کارشناسان آن علم است. همان‌گونه که پذیرفتنی نیست کسی با مراجعه به متن اصلی مباحث پزشکی، برای بیماری خود درمانی تجویز کند و از او خواسته می‌شود تا با مراجعه به پزشک به مداوا پردازد؛ در حوزه مباحث دینی نیز وضع همین‌گونه است. غیر از مباحث عمومی، باید متن‌های علمی و تخصصی به اهل آن وانهاد و از تفسیر و توضیحات آنها استفاده شود. چه بسا شخصی بدون تخصص سراغ بهره‌مندی از روایات و یا آیات قرآن برود؛ ولی مفهوم مورد نظر را به دست نیاورد و یا دچار انحراف و سوء برداشت شود. امروزه به رغم در دسترس بودن منابع روایی «مهدویت»، باید دانست که استفاده از آن‌ها بدون علم و آگاهی، ممکن است شخص را دچار مشکلاتی در زمینه فهم معارف مهدوی کند.

۵. استفاده از منابع غیر معتبر و ضعیف

به همان میزان که مراجعه به منابع تخصصی بدون آگاهی‌های لازم، کار ناپسندی است، استفاده از منابع سست و غیر معتبر نیز آسیب‌زاست. اگرچه به روشنی نمی‌توان اعتبار مشخصی برای یک کتاب ارائه نمود، اما با قرائنی، می‌توان تا اندازه‌ای به اعتبار کتاب و توجه مؤلف به نقل روایات دست یافت. بخشی از منابع روایی موجود، به دلایلی دارای اعتبار لازم نیست و متأسفانه بعضی از کتاب‌ها بدون توجه به اعتبار این‌گونه روایات، آن‌ها را نقل کرده‌اند: به طور روشن می‌توان به کتاب *الفتن نعیم بن*

۱. علامه مجلسی در ذیل روایت طولانی که در مورد نشانه‌های ظهور آورده، می‌نویسد: *أما اوردت هذا الخبر مع كونه مصحفاً مغلوطاً وكون سنده منتهياً الى شرّ خلق الله عمر بن سعد لعنه الله، لأشتماله على الاخبار بالقائم ﷺ ليعلم تواطؤ المخالف والمؤلف عليه صلوات الله؛* محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۲۲۷.

حماد اشاره کرد که به رغم ضعف بسیاری از روایات و نیز مؤلف، به طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است.

اگر چه امروزه مهدویت ناب حاصل تلاش‌های بی‌وقفه بزرگان دین است؛ اما کم نبوده و نیستند کسانی که به دلیل‌هایی به تدوین و تألیف کتاب‌های بی‌ارزش یا کم‌ارزش اقدام نموده‌اند! از این رو می‌توان به روشنی بخشی از آسیب‌ها را معلول آثار بی‌اعتبار یا کم‌اعتبار دانست.

۶. مواجهه با شبهات بدون آمادگی قبلی

یکی دیگر از آسیب‌هایی که باور به مهدویت را به شدت تهدید می‌کند، القای شبهه‌ها در این زمینه است؛ بویژه آنکه با پدید آمدن وسایل ارتباط جمعی سرعت انتشار آن‌ها بالا رفته است! یکی از راه‌های مبارزه با این آسیب، بهره‌مندی از ابزار یادشده، در جهت رشد و ارتقای آگاهی انسان‌هاست.

در آیات و روایات فراوانی همواره انسان‌ها به افزایش دانش و آگاهی توصیه شده‌اند، چرا که یکی از راه‌های نفوذ دشمنان در اعتقادات انسان‌ها جهل و نادانی آنان است.

امروز دشمنان با استفاده از کاستی‌های علمی عموم مردم - بویژه جوانان - باور و اعتقاد آنان را نشانه رفته‌اند. از این رو لازم است در استحکام بخشی به بنیان‌های اعتقادی تلاشی درخور صورت گیرد که در این صورت شبهه‌ها و پرسش‌ها، هرگز خللی در اعتقادات ایجاد نخواهد کرد.

۷. تفسیرها و تطبیق‌های نادرست

از جمله آسیب‌هایی که بیشتر بحث‌های مهدویت را تهدید کرده، تفسیرهایی است که توسط برخی گویندگان و نویسندگان ارائه می‌شود. اگرچه برخی شباهت‌ها بین برخی حوادث و روایات وجود دارد، اما تفسیر آنها بر این پیش‌گویی‌ها، نیازمند دلیل‌های محکم و استواری است. در میان آسیب‌ها این عامل گستره بزرگی را به خود اختصاص داده است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۷. در موضوع انتظار

بحث «انتظار فرج» یک مقوله بسیار مهم در مهدویت است و این سبب شده تا برخی دوستان ناآگاه، و دشمنان آگاه بحث‌های انحرافی را در آن پدید آورند. دیدگاه‌های انحرافی در مورد انتظار - که آثار اجتماعی مخربی نیز در پی دارند - بیشتر مشتمل بر موارد زیر است:

الف. برخی انتظار را در دعا برای فرج، امر به معروف و نهی از منکر جزئی، منحصر دانسته و بیشتر از آن، وظیفه‌ای برای خویش قائل نیستند.

ب. گروهی معتقدند: در دوران غیبت، کاری از آنها بر نمی‌آید و تکلیفی بر دوش ندارند و امام زمان علیه السلام خود، هنگام ظهور کارها را سامان می‌دهد!!

ج. گروه سوم پنداشته‌اند: جامعه بایستی به حال خود رها شود و کاری به فساد آن نباید داشت تا زمینه ظهور - که دنیایی پر از ظلم و فساد است - فراهم آید:

د. چهارمین گروه، گامی فراتر نهاده، می‌پندارند؛ نه فقط نباید جلوی فسادها و گناهان را گرفت؛ بلکه بایستی به آنها دامن زد تا زمینه ظهور حضرت مهدی علیه السلام هر چه بیشتر فراهم شود:

ه. گروهی نیز هر حکومتی را به هر شکل، باطل و برخلاف اسلام دانسته و معتقدند: هر کاری برای برپایی حکومت در زمان غیبت، خلاف شرع و مخالف نصوص و روایات است:

تقویت دیدگاه انتظار به معنای فراهم آوردن زمینه‌های ظهور، ظلم‌ستیزی به مقدار توان و آمادگی برای ظهور امام زمان علیه السلام سهم مهمی در رفع این آسیب دارد.

۲-۷. موضوع ملاقات

یکی از آفت‌های مهمی که در عموم علاقه‌مندان به نسبت‌های متفاوت، آسیب ایجاد می‌کند، بحث ملاقات‌گرایی افراطی است.^۱ از پیامدهای ناگوار این آفت، پدید آمدن مدعیانی است که بی‌دلیل یا به ساده‌ترین اتفاق، ادعای ملاقات می‌کنند یا کسانی که

۱. ما در جلد دوم یک درس را به بحث ملاقات اختصاص دادیم علاقه‌مندان رجوع فرمایند.

تمام وظیفه خویش را رسیدن به دیدار حضرت می‌پندارند و از دیگر وظایف اساسی غافل شده و افراد را فقط به این عمل، به عنوان برترین وظیفه، فرا می‌خوانند!

امروزه کم نیست محافل و مجالسی که تمام وقت خویش را صرف نقل این حکایت‌ها می‌کنند و از بحث‌های اساسی و بنیادین اندیشه مهدویت غفلت می‌ورزند.

کمترین پیامد این آسیب، یأس و ناامیدی در اثر عدم توفیق دیدار، توهم‌گرایی و خیال‌پردازی، رویکرد به شیادان و مدعیان مهدویت، نیابت و مدعیان ملاقات، دور ماندن از انجام وظایف اصلی، به دلیل اهتمام بیش از اندازه و غیر متعادل به دیدار و بدبینی به امام علیه السلام به علت عدم دیدار، است.

سوگمندان باید گفت: پرداختن افراطی به بحث ملاقات و تشرفات باعث شده در ارتباط با حضرت مهدی علیه السلام کتاب‌هایی نوشته شده و رواج فوق‌العاده‌ای یابد! این مجموعه‌ها پُر است از حکایت‌ها و داستان‌ها و مطالبی که بسیاری از آنها نادرست و برخاسته از تصورات و خیال‌بافی‌های نویسندگان آنهاست! و در برخی، شمه‌ای از حقیقت وجود دارد.

رواج این گونه کتاب‌ها و حکایت‌ها، باعث شده که در برخی از مناطق کشور، شاهد به وجود آمدن جریان‌های انحرافی و حوادث و اتفاقات نابخردانه و عوام‌فریبانه و خرافی باشیم. البته از این رهگذر برخی به خواسته‌های نفسانی خود دست یافته، افزون بر بهره‌های ناپایدار دنیایی، به شهرت‌هایی نیز می‌رسند. این آسیب جوئی را پدید می‌آورد که اهل تعقل و اندیشه را به عقاید شیعه بدبین می‌کند و زمینه انحراف‌های فکری را فراهم می‌آورد! به دنبال آن مخالفان تشیع، امکان رشد و گسترش می‌یابند و عقاید ناصواب عوام و عوام‌زدگان به نام تشیع ثبت و به دیگران انتقال می‌یابد و یک عقیده‌ای که در اصل آن، تمام فرقه‌های اسلامی توافق دارند، به گونه‌ای مطرح شود که با اسلام واقعی، فرسنگ‌ها فاصله دارد و میدان دفاع را بر اندیش‌وران اسلامی و درست‌اندیشان و مصلحان، تنگ می‌کند.^۱

۱. ر.ک: جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام ص ۳۵-۳۴.

نباید فراموش کنیم کم نبودند کسانی که همواره در زمان پیامبر و امامان علیهم‌السلام به دیدار آن بزرگواران نائل می‌شدند؛ اما بهره معرفتی چندانی از آن ملاقات‌ها نمی‌بردند و گاهی هم مورد خشم و غضب ایشان واقع می‌شدند.

برای دوری از این آسیب‌ها، بایسته است افرادی که عهده‌دار انتقال این آگاهی‌ها هستند؛ از شایستگی‌های لازم شناختی، عاطفی و عملکردی برخوردار باشند تا بتوانند با ارائه اطلاعات اصولی، صحیح و سنجیده، نگرش و یا طرز تلقی افراد جامعه را نسبت به مباحث مهدویت، در جهت مثبت تغییر دهند و این مهم‌ترین و مؤثرترین گام برای نهادینه‌سازی فرهنگ مهدویت است.

۷-۳. انتساب بی‌اساس برخی زمان‌ها و مکان‌ها به حضرت

برخی از مکان‌ها و زمان‌ها به نوعی مرتبط یا منتسب به آن امام همام است و دلدادگان به آن حضرت به نوعی اهتمام بدان‌ها دارند. این خود سبب شده تا برخی از افراد سودجو، بدون دلیل و استناد قطعی، برخی مکان‌ها را به آن حضرت مرتبط سازند و در پرتو آن به مطامع دنیوی خود دست یابند؛ از این رو بر علما و دانشمندان است تا با روشنگری از انتساب‌های بدون دلیل مکان‌ها و یا زمان‌ها به آن امام غایب پیش‌گیری کرده، مردم را از شیطنت منحرفان دور سازند.

۷-۴. شرایط ظهور

در روایاتی چند مهم‌ترین ویژگی آستانه ظهور، سرشار شدن زمین از ستم و فساد دانسته شده است. برخی پنداشته‌اند؛ این وضعیت از «شرایط ظهور» است؛ از این رو بر این گمانند که می‌بایست برای تسریع در امر ظهور - در فراهم آمدن این شرط سهمی داشت! که انگاره خود با همه آموزه‌های دینی - از جمله امر به معروف و نهی از منکر - در تعارض جدی است.

برخی دیگر پنداشته‌اند؛ این وضع از نشانه‌های ظهور است و در برابر آن، ما هیچ وظیفه‌ای نداریم. با بررسی در روایات مربوط به نشانه‌ها، هرگز حدیثی به این نکته اشاره نکرده و نشانه‌ها به طور مشخص در روایات ذکر شده است.

پیام‌های زیانبار این دیدگاه، تعطیلی امر به معروف و نهی از منکر و نامشروع بودن

حکومت اسلامی در عصر غیبت است که چیزی جز خواسته‌های دشمنان دین خدا نیست!

۵-۷. قیام‌های پیش از ظهور

برخی افراد از ظاهر چند روایت اینگونه برداشت کرده‌اند که هر قیامی پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام محکوم به شکست و از نظر امامان معصوم علیهم السلام مردود است! در پاسخ باید گفت: که اجرای بسیاری از احکام اسلامی مانند اقامه حدود و قصاص و نیز جهاد با دشمنان و مبارزه فراگیر با فساد، جز با تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست؛ بنابراین تلاش برای برقراری نظام اسلامی، کاری پسندیده و مورد قبول است و نهی از قیام در بعضی از روایات؛ یعنی شرکت در قیام‌های باطل که انگیزه الهی ندارد و یا قیام‌هایی که بدون توجه به شرایط و زمینه‌های لازم انجام می‌گیرد و یا حرکت‌هایی که به عنوان قیام مهدوی شروع می‌گردد؛ نه اینکه هر انقلاب و حرکتی که در مسیر اصلاح جامعه است، مردود شمرده شود.

تلاش در جهت تقویت علم و بصیرت در بین افراد جامعه، می‌تواند در مقابل کج‌اندیشی‌ها و برداشت‌های غلط از مفاهیم دینی، نقش اصلاحی بسزایی داشته باشد.

۶-۷. نشانه‌های ظهور

بحث نشانه‌ها به دلیل جذاب بودن و اینکه به نوعی پیش‌گویی از حوادث آینده است، همواره مورد توجه علاقه‌مندان بوده است؛ به همین دلیل همواره مورد طمع شیادان و بهره‌گیری نادرست ساده‌لوحان بوده است. اگر چه برخی با انگیزه‌های خوبی، به تطبیق بعضی از حوادث بر نشانه‌ها پرداخته‌اند، اما از پیامدهای ناگوار آن مثل ایجاد امیدهای کاذب به نزدیک بودن ظهور و ... غافل هستند.

ریشه این آسیب را می‌توان در عواملی چون پندارهای نادرست، دخالت افراد غیر متخصص در مطالب فنی و تخصصی و عدم روشنگری کافی توسط علما و نداشتن عکس‌العمل مناسب در مقابل مدعیان، جست‌وجو کرد.

در محل خود ثابت شد که نشانه‌های قابل قبول، فقط نشانه‌های حتمی ظهور است؛ آن هم همزمان و پس از ظهور و بعضی از اموری که به عنوان نشانه مطرح می‌شود - در

روایات قابل قبول - ارتباطی با ظهور ندارد.

بنابراین به روشنی می‌توان گفت تا کنون هیچ یک از نشانه‌های ظهور رخ نداده و تطبیق برخی از حوادث بر نشانه‌ها، غیر قابل قبول است.^۱

به عنوان مثال در بحث نشانه‌های ظهور، حوادث بزرگی چون انقلاب اسلامی ایران، جنگ هشت ساله میان عراق و ایران، برخی حوادث اخیر در جهان غرب و مانند آن، اگر چه می‌تواند به نوعی در ارتباط با ظهور تفسیر شود؛ اما انطباق آن به طور دقیق با برخی روایات، کاری بس مشکل می‌نماید.

مثال دیگر اینکه یکی از نویسندگان پس از ذکر روایاتی در باره سفیانی می‌نویسد: با نقل روایات یاد شده به این نتیجه می‌رسیم که احتمال وجود دو سفیانی بعید نیست که نخستین سفیانی - همان گونه که در برخی از روایات به وجود حرف (شین) در نام او اشاره شده - همان (میشل افلق) رئیس حزب بعث (افلقی) عراق باشد و اگر نام او با صراحت در اخبار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نیامده، به خاطر پستی و حقارت او بوده است. البته روش اهل بیت علیهم‌السلام پیوسته چنین است که معمولا کمتر کسی را به اسم یاد می‌کرده‌اند.^۲

۷-۷. وقت‌گذاری برای ظهور

از آسیب‌های فرهنگ مهدویت تعیین زمان برای ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام است. در سخنان معصومان علیهم‌السلام نه فقط از این کار نهی شده، بلکه تعیین کنندگان وقت از دروغ‌گویان شمرده شده و دستور تکذیب آنها صادر شده است؛ چرا که حکمت الهی بر این است که وقت ظهور امام زمان علیه‌السلام بر بندگان مخفی بماند.

این تعیین وقت به گونه‌های مختلفی فرض و مثلا گفته می‌شود: «در فلان روز از فلان ماه از فلان سال؛ یا اینکه بگوید پیش از رسیدن فلان سال» و یا مثلا «جوان‌ها به طور قطع

۱. به بحث نشانه‌ها در همین کتاب مراجعه فرمایید.

۲. سید اسدالله هاشمی شهیدی، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام ص ۵۸؛ و نیز نک:

کورانی، علی، عصر ظهور؛ و ...

ظهور را درک می کنند» و ... متوسط عمر یک انسان اندازه‌ای دارد و وقتی گفته می‌شود: فلان سنین به طور حتم خواهند دید، یعنی ظهور کمتر از سال متوسط عمر آنهاست. اینها و مانند آن همه تعیین وقت ظهور بوده که در روایات از آنها نهی شده است.

از پیامدهای ناگوار این آسیب، ایجاد ناامیدی پس از انقضای زمان مشخص است. بسیاری نابخردانه با تعیین زمان ظهور، امیدهای کاذبی را پدید آورده و پس از رسیدن زمان مورد نظر با تحقق نیافتن ظهور مشکلاتی ایجاد کرده‌اند! البته برخی نیز با مطرح کردن بحث «بدا» خواسته‌اند توجیهی دست‌وپا کنند که این خود آسیب دوباره‌ای شده است!

۷-۸ شتاب‌زدگی در امر ظهور

از آسیب‌های دیگر، عجله و شتاب برای تحقق ظهور است که در روایات مورد نکوهش واقع شده است. شاید یکی از دلایل‌های نهی از عجله و شتاب‌زدگی در امر ظهور، آن است که به دنبال عجله، یأس و نومیدی در انسان منتظر، پدید می‌آید؛ آرامش و شکیبایی را از دست می‌دهد و حالت تسلیم او به حالت اعتراض و شکایت تبدیل و از تأخیر ظهور بی‌قرار می‌شود و گاهی به انکار امام، می‌رسد!!

روشنگری اندیشمندان نسبت به عواقب تعجیل و نیز بیان آثار صبر و تسلیم و رضا، می‌تواند بخشی از این آسیب را از بین ببرد. همچنین، تذکر به این نکته مهم که انجام وظیفه و حرکت در این مسیر و شناخت امام و راه و مرام او است می‌تواند تا حدودی در درمان این آفت مؤثر باشد.

۷-۹. روش نظامی حضرت

چگونگی برخورد حضرت مهدی علیه السلام با ستمگران و نابودی آنها به گونه‌های مختلف در روایات ذکر و تحلیل‌هایی در این باره ارائه شده است. در بعضی از آنها سخن از کشتارهای بسیار بزرگ و در برخی نیز تنظیم امور بدون کمترین خشونت و خون‌ریزی مطرح شده است. بی‌گمان هر دو دسته روایت و به دنبال آن تحلیل‌های ارائه شده، آسیب‌های خطرناکی را به این فرهنگ ارزشمند زده است.

معرفی حضرت به عنوان چهره‌ای خشونت طلب و خونریز، با روح آیات و رسالت پیامبران و اوصیا سازگاری ندارد و بر خلاف تصور این افراد، حضرت مهدی علیه السلام مظهر رأفت و رحمت پروردگار است و مانند پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله ابتدا همگان را با بیان روشن و دلایل آشکار، به اسلام و قرآن می‌خواند و بیشتر مردم دعوت آن حضرت را پاسخ می‌دهند و به او می‌پیوندند. بنابراین امام علیه السلام فقط با مخالفان سرسخت و دشمنان - که آگاهانه از پذیرفتن حق سرباز می‌زنند و جز زبان شمشیر نمی‌فهمند - با سلاح برخورد می‌کند.

این دسته روایات - که برخی دارای ضعف سند هستند - دارای پیامدهایی همچون ایجاد دلزدگی و نفرت نسبت به امام، ترس و خوف از حضرت و عدم پذیرش امام به عنوان پدری مهربان و ناامیدی از انجام اعمال صالح به جهت ترس از عدم پذیرش توسط امام و ... می‌باشد.

۸. طرح مباحث غیر ضروری

از دیگر آسیب‌ها در عرصه مهدویت، کشاندن مباحث غیر ضروری و غیر مناسب برای مخاطبان است؛ محل زندگی حضرت، ازدواج، همسر، تعداد همسران، تعداد فرزندان و ... از مباحثی هستند که اذهان افراد را به خود مشغول ساخته و از مباحث مهمی چون معرفت امام، وظیفه ما نسبت به امام، تبیین و ترسیم استراتژی آینده و ارائه آن برای زمینه سازی و فراهم آوردن شرایط ظهور و ... باز داشته است.

یک خطیب یا نویسنده چیره و زبردست باید با شناخت مخاطب، بحث مناسبی ارائه نموده، از بحث‌های غیر ضروری بپرهیزد. بی‌گمان در فرهنگ ناب مهدوی، معارف فراوانی وجود دارد که پرداختن به آنها یک ضرورت شمرده می‌شود و نقش اساسی در جهت آگاهی بخشی به شیعیان دارد و برای ترسیم نحوه عملکرد آنها در زمان غیبت بسیار مهم است.

از پیامدهای ناگوار این آسیب، محصور کردن بحث مهدویت در چهارچوب تنگ مباحث سطحی و گاهی بی‌فایده، بازماندن از مباحث کاربردی و ضروری و بستر سازی برای ورود خرافات و سخنان بی‌دلیل و غیر مستند است. پس با طرح مباحث ضروری و

بنیادین و قابل استفاده برای عموم مخاطبان، می توان ظرفیت های ناشناخته این بحث را در معرض استفاده جهانیان قرار داد.

نتیجه اینکه در انتقال پیام های مهدوی - همچون همه آموزه های دینی - نیاز به کارشناسان آگاه است و این امر مهم با مطالعه دقیق و مستمر در منابع معتبر حاصل می شود.

خودآزمایی

۱. چرا امروزه آسیب‌شناسی مباحث مهدویت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؟
۲. یکی از آسیب‌های مهم در مهدویت، مسئله جعل و تحریف است آن را توضیح داده، دو انگیزه را در این زمینه بنویسید.
۳. مراجعه به متون تخصصی بدون آگاهی لازم چگونه می‌تواند آسیب‌زا باشد؟ توضیح دهید.
۴. در باره آسیب تفسیرها و تطبیق‌های نادرست توضیح داده، آن را در بحث انتظار بیان نمایید.
۵. مهم‌ترین آسیب‌هایی که ممکن است بحث نشانه‌های ظهور را تهدید کند کدامند؟



منابع برای پژوهش

۱. باقری، خسرو، «آسیب‌شناسی تربیتی مهدویت»، فصلنامه انتظار، شمارگان ۱ و ۲، مرکز تخصصی مهدویت، پاییز و زمستان ۱۳۸۰ ش.
۲. معین الاسلام، مریم، «چشم‌اندازی به برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت»، فصلنامه انتظار، شمارگان ۱۱ و ۱۲، مرکز تخصصی مهدویت، بهار و تابستان، ۱۳۸۳ ش.
۳. جعفری، محمد صابر، «اندیشه مهدویت و آسیب‌ها»، فصلنامه انتظار، ش ۱۵، مرکز تخصصی مهدویت، بهار ۱۳۸۴ ش.
۴. داود پور، مرتضی، «بسترها و پیامدهای اجتماعی خرافات در مهدویت»، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۳، پژوهشکده مهدویت، پاییز ۱۳۸۶ ش.
۵. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم‌السلام، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیهما السلام، قم ۱۳۷۲ ش.

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب‌های:

۱. امام مهدی علیه السلام موجود موعود، اثر: آیت‌الله عبدالله جوادی آملی
۲. تاریخ پس از ظهور، اثر: آیت الله سید محمد صدر
۳. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام اثر: سید اسدالله هاشمی شهیدی
۴. در انتظار ققنوس، اثر: سید ثامر هاشم العمیدی
۵. ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب جهان، اثر: سید اسدالله هاشمی شهیدی
۶. ظهور نور، اثر: علی سعادت پرور
۷. تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور، اثر: مصطفی صادقی
۸. چشم به راه مهدی علیه السلام اثر: جمعی از نویسندگان
۹. مهدی منتظر علیه السلام اثر: محمد جواد خراسانی
۱۰. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)، اثر: سید بن طاوس

پیش درآمد

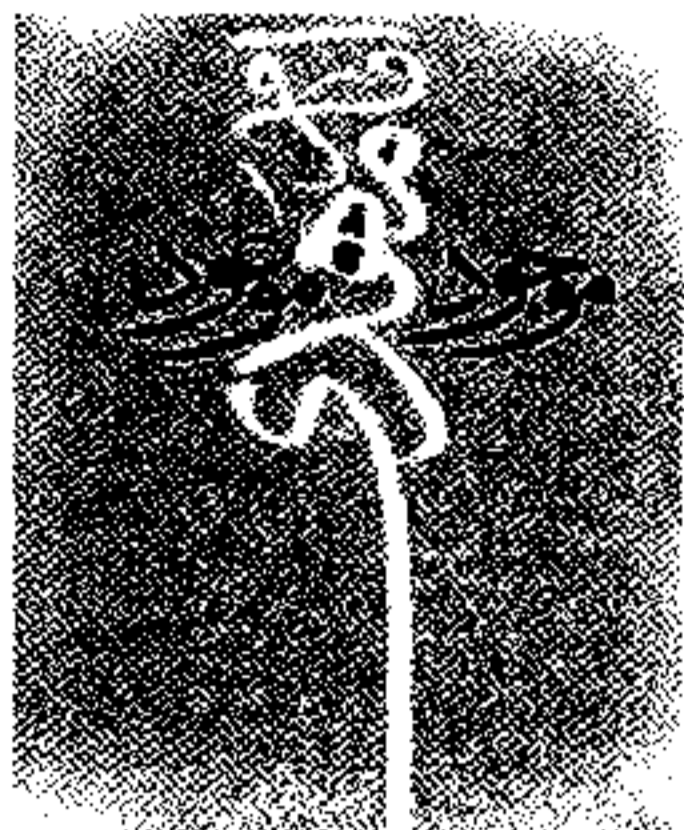
گرایش روزافزون به مطالعات اسلامی و گسترش ژرف‌نگری در اندیشه‌های دینی در دهه‌های تازه و نیز توجه فزاینده عموم مسلمانان - به‌ویژه نسل جوان - به مباحث مهدویت، زمینه بررسی‌های گوناگون و عرصه‌های متفاوتی را در سلسله بحث‌های مهدوی فراهم آورده است.

از سوی دیگر، بهره‌گیری‌های ناب‌جا و نادرست کژاندیشان از این بستر فراهم شده و ارائه برخی آثار سست و بی‌اساس - که منجر به گسترش خرافه‌گرایی و رواج سطحی‌نگری شده - اهمیت‌آشنایی با منابع مطالعاتی درست، علمی و محکم را امری اجتناب‌ناپذیر ساخته است.

یکی از راه‌هایی که می‌تواند به علاقه‌مندان این عرصه در آشنایی با منابع معتبر، کمک نماید، معرفی آنها در این زمینه است. کتاب‌هایی که دارای محتوایی استوار و قابل پذیرش هستند یا - دست کم - بیشتر مطالب آن، از استحکام لازم برخوردارند؛ بنابراین مناسب دیدیم در یک درس - همچون دو جلد پیشین - به برخی از کتاب‌هایی از این دست اشاره کنیم.^۱

۱. لازم به یادآوری است معرفی این کتاب‌ها بدان سبب است که در مقایسه با کتاب‌های دیگر، به دلایلی بیشتر قابل استفاده هستند.

۱. امام مهدی علیه السلام؛ موجود موعود



این کتاب در برگیرنده مجموعه مباحث، گفتارها و نوشته‌هایی از آیت‌الله عبدالله جوادی آملی است که در سه بخش تنظیم شده و حاوی این مطالب است:

بخش یکم: امام شناسی

این بخش در سه فصل تنظیم شده، که عبارت است از:

فصل ۱. امامت عام

در این فصل به موضوعاتی همچون: چهره فقهاتی امامت، امامت و نصب در نگاه امام رضا علیه السلام، برهان مهدوی بر عدم تعیین امام به دست مردم، حیات معقول ثمره معرفت به امام علیه السلام، معیار زندگی جاهلانه، حیات و مرگ جاهلی در فرهنگ وحی، حیات انسان از دیدگاه قرآن، مراتب و نشانه‌های حیات عقلی، توقف شناخت امامت بر نبوت و فهم نبوت بر ادراک توحید، معرفت امام، بهترین راه مسلمان مردن، مفهوم واقعی معرفت امام و... پرداخته است.

فصل ۲. امامت خاص

از بحث‌های این فصل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: استمرار ولایت از ابراهیم علیه السلام تا امام زمان علیه السلام، نیل همه فرزندان صالح ابراهیم علیه السلام به امامت، بشارت ائمه علیهم السلام به وجود مبارک ولی عصر علیه السلام، ظهور کلمه طیبه شجره مبارک مهدوی، نیمه شعبان شب قدر اهل بیت علیهم السلام، راز همتایی شب میلاد امام زمان علیه السلام با شب قدر، عید میلاد امام عصر علیه السلام، راه معرفت امام زمان علیه السلام، والاترین راه شناخت امام عصر علیه السلام، قرآن و عترت یک حقیقت و دو ظهور و...

فصل ۳. مهدویت شخصی

در این فصل با اشاره به باور پیروان اهل البیت علیهم السلام در موجود بودن حضرت مهدی علیه السلام به نقد دیدگاه مخالفان پرداخته است.

بخش دوم: انتظار

این بخش در چهار فصل بدین قرار سامان یافته است:

فصل ۱. شعاع آفتاب

در این فصل به موضوعات مربوط به غیبت حضرت مهدی علیه السلام و اسرار آن و نیز چگونگی بهره بردن از امام غایب و موضوعات مرتبط اشاره شده است.

فصل ۲. حقیقت انتظار

انتظار فرج، انتظار در مکتب اهل بیت علیهم السلام، شرایط تحقق حقیقت انتظار، بهترین راه برترین انتظار... برخی از موضوعات این فصل است.

فصل ۳. منتظر

برتری انتظار فرهیختگان، مراحل کمالی منتظران، رهیدن منتظران از ناامیدی، فضایل منتظران....

فصل ۴. انتظار، ابعاد و تکالیف

که در آن آثار انتظار، تکالیف منتظران، ارتباط با امام عصر علیه السلام و ضرورت و چگونگی آن، وظایف شخصی منتظران، وظایف گروه‌ها بحث و بررسی شده است.

بخش سوم: از ظهور تا مدینه فاضله مهدوی علیه السلام

این بخش در دو فصل شکل گرفته است:

فصل ۱. ... تا ظهور آفتاب

که در آن ضرورت ظهور، آثار عمومی ظهور، گاه قیام قائم علیه السلام، سیمای عمومی عصر ظهور، برخی رخدادها هنگام ظهور مورد بحث قرار گرفته است.

فصل ۲. دولت کریمه مهدوی

که به بحث‌هایی چون: روزهای خوش فرج، از ظهور تا پیروزی، بهار دل‌انگیز قلوب، هندسه مدینه مهدوی، ویژگی‌های آرمانشهر مهدوی، کمال عقل نظری و عملی در حکومت مهدوی، جلوه بی‌نظیر دینداری در حکومت مهدوی علیه السلام توجه شده است.

۲. تاریخ پس از ظهور



تاریخ پس از ظهور ترجمه کتاب «تاریخ مابعدالظهور» عنوان کتابی است که آیت الله سید محمد صدر آن را تالیف کرده و حسن سجادی پور به فارسی برگردانده است. این اثر که سومین مجموعه از یک رشته پژوهش‌هایی درباره حضرت مهدی علیه السلام با عنوان کلی موسوعه الامام المهدی است، به پدیده‌هایی که پس از ظهور رخ می‌دهد، به گونه‌ای مفصل و با بهره‌مندی از روایات و سخنان بزرگان پرداخته است.

این اثر در سه بخش کلی شکل گرفته است:

بخش اول آن با عنوان «نشانه‌ها و مقدمات ظهور» در دو گفتار سامان گرفته است:

۱. مبانی کلی ظهور،

۲. حوادث نزدیک به ظهور،

البته هر یک از گفتارهای یاد شده دربردارنده فصل‌های مهمی است. بخش دوم با

عنوان «حوادث دوران ظهور و برپایی دولت جهانی امام علیه السلام تا وفات آن حضرت»، در ضمن گفتارهایی به موضوعات مربوط پرداخته است:

۱. معنای ظهور؛

۲. فتح عادلانه جهان؛

۳. دولت جهانی مهدوی؛

۴. پایان زندگی امام مهدی علیه السلام

در بخش سوم با عنوان جهان پس از امام مهدی علیه السلام به این بحث پرداخته که، سرانجام زندگی بر روی این کره خاکی پس از رحلت آن امام همام چگونه خواهد بود؟ این مسئله در دو گفتار با عنوان: ویژگی‌های دولت و جامعه و برپایی قیامت در زمان انسان‌ها تبه‌کار و شرور بحث را به پایان برده است.

از مهم‌ترین بحث‌های این بخش بحث رجعت و رجعت‌کنندگان است. نکته تأمل

برانگیز در این کتاب - همان گونه که مترجم نیز بدان اشاره کرده - دیدگاه‌های مؤلف است که در برخی زمینه‌ها نیازمند دقت و توجه خاص است.

ایشان در برخی مسائل همچون: معجزه، رجعت و حکومت اولیای صالح دارای دیدگاه خاصی است که بر خواننده فهیم پوشیده نیست. همچنین در برخی مواضع کتاب از تأثیر غیبت در تکامل رهبری امام علیه السلام و تجربه تاریخی ایشان سخن رفته است که جداً محل تأمل است، زیرا حضرت بقیه الله علیه السلام به مدد الهی حکومت برپا می‌کند، لذا در افقی والا و برتر از انسان‌های عادی به مسائل می‌نگرد و ولایت او که جلوه ولایت الهی است، نسبتی با تجربه تاریخی ندارد.

.....

۳. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام

این کتاب اثر سید اسدالله هاشمی شهیدی است که در پنج

بخش تنظیم شده است:

بخش اول: علائم ظهور

در این بخش پس از ذکر برخی دیدگاه‌های دانشمندان

شیعه در باره علائم ظهور، به اقسام آنها اشاره است و پس از آن

به تفصیل در باره نشانه‌های حتمی ظهور پرداخته است.

در بخش دوم با عنوان چند نکته اساسی، به پاره‌ای از ابهام‌ها در باره نشانه‌ها اشاره و

به برخی پرسش‌ها پاسخ داده است. در این بخش به روایات مربوط به زمینه‌سازی ایرانیان

و پرچم‌های از خراسان به طور مفصل پرداخته است.

بخش سوم کتاب نیز در باره نهضت سید حسنی و خراسانی است؛ شاید در نگاه

نویسنده این بحث دارای جایگاه ویژه‌ای بوده که آن را به گونه‌ای جداگانه مورد بررسی

قرار داده است.

بخش چهارم کتاب نیز با عنوان رهبری نهضت، بحث بخش سوم را دنبال کرده و در

آن رهبری نهضت‌های مشرق زمین در آستانه ظهور مورد بررسی قرار گرفته است.



سرانجام در بخش پنجم، کتاب را با موضوع عوامل پیروزی به پایان رسانده است. وی در این بخش با اشاره به عواملی که دست به هم داده ایرانیان را بر سپاه سفیانی چیره می‌کند، به سه عنصر اساسی - شایستگی رهبر، لیاقت فرمانده و نیروی مردمی - اشاره کرده است.

از آنجایی که بخش چشمگیری از این کتاب در باره حوادث آینده و نشانه‌های ظهور است، نیازمند دقت و تأمل افزون‌تری است. چه اینکه در محل خود گفته شد در بحث نشانه‌ها، در کنار روایات صحیح و مورد قبول، روایات ضعیف نیز فراوان وجود دارد.

.....



۴. در انتظار ققنوس (کاوشی در قلمرو موعود شناسی و مهدی باوری)

در انتظار ققنوس، به وسیله سید ثامر هاشم العمیدی تألیف و به دست مهدی علیزاده ترجمه شده است. در این کتاب، محور اصلی پژوهش «شخصیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و مباحث تاریخی، کلامی و حدیثی مربوط به او است.

مؤلف علاوه بر تکیه بر آیات قرآن و احادیث

معصومین علیهم السلام، از معارف بلند اسلامی - به ویژه شیعی - بهره‌های وافری برده است. شناخت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و اعتقاد به آن حضرت و فواید و آثار این اعتقاد، تحریفات حدیثی - تاریخی در این زمینه و برنامه‌ریزی دشمنان علیه اعتقاد به مهدویت، از دیگر موضوعاتی است که مؤلف به آن پرداخته است.

علاوه بر آن وی با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، اعتقادات تاریخی و کلامی

به وجود و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را در این مجموعه به خوبی گرد آورده است.

برخی از سرفصل‌های کتاب از این قرار است:

در بخش اول با عنوان موعود شناسی به مقدمه مؤلف اشاره کرده تعلیقاتی بر آن زده

و دارای فصل‌های زیر است:

۱. سیمای موعود در آینه ثقلین،
۲. مهدی شناخت،
۳. لغزشگاه‌های مهدی پژوهی،
۴. جستاری در باب مهدویت و خردپذیری.

بخش دوم با عنوان «مهدی باوری» دارای هفت فصل با عناوین ذیل است:

۱. مهدی باوری و ضرورت تعمیق پیوندهای عاطفی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه
۲. مهدی باوری و امنیت روانی،
۳. کالبد شکافی انتظار،
۴. بعثت انبیاء و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه
۵. شیعه، قافله سالار کاروان انتظار،
۶. توطئه‌های استکبار جهانی علیه مهدی باوری،
۷. مهر نهان در سپهر ادب.

.....

۵. ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از دیدگاه اسلام و مذاهب جهان

این کتاب نوشتار تاریخی - عقیدتی، در ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه به زبان فارسی، اثر سید اسدالله هاشمی شهیدی از محققان معاصر است. مؤلف پس از پیش گفتار کوتاه، اثر خویش را در دوازده بخش سامان داده است:

۱. در مسئله مهدویت و اصالت آن و اندیشه‌های انکار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و سپس نظر صحابه و تابعین و سایر مذاهب غیراسلامی (مانند یهود، نصارا، اقوام و ادیان دیگر).



۲. مهدی موعود از دیدگاه اسلام، سپس تشیع و اهل سنت و تعداد روایات و ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام،
 ۳. شناخت مهدی موعود علیه السلام،
 ۴. اعتراف دانشمندان اهل سنت به صحت احادیث مهدی و بیان مخالفان (مانند ابن حزم اندلسی و خطیب بغدادی و ابن کثیر دمشقی)،
 ۵. گفتار دانشمندان اهل سنت (مانند ابن ابی ثلج بغدادی، بیهقی شافعی، محی الدین عربی، ابن خلکان، قاضی جواد سباطی حنفی و...)،
 ۶. گفتار مستشرقان و مدعیان مهدویت و سوء استفاده از عنوان مهدی موعود،
 ۷. در مورد انتظار در قرآن و روایات و اهمیت آن،
 ۸. حضرت مهدی علیه السلام و نویدهای ظهورش در قرآن مجید،
 ۹. نویدهای ظهور در کتاب‌های مقدس ادیان دیگر (مانند تورات، انجیل و سایر کتب مقدس ادیان دیگر)،
 ۱۰. دین آینده جهان و خاتمیت قرآن در روایات و اینکه قرآن خاتم کتب آسمانی است،
 ۱۱. یأس و ناامیدی، گسترش فساد اخلاقی، اختراع سلاح‌های مرگ‌بار، اعتراف دانشمندان و نقل گفته‌های دانشمندان غربی مبنی بر لزوم حکومت جهانی،
 ۱۲. برخی از ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام، وقت ظهور، مدت حکومت حقه ایشان،
- مؤلف تسلط خوبی نسبت به اخبار و احادیث سنی و شیعه و کتاب‌های جدید و آرای معاصران - اعم از مسلمین و مستشرقین و هندوها و... دارد. لذا این کتاب در نوع خود مفید و جامع است.

۶. ظهور نور



کتاب ظهور نور ترجمه «الشُّمُوسُ الْمَضِيئَةُ»، اثر علی سعادت پرور است که به قلم سید محمدجواد وزیری فرد، به فارسی بازگردان شده است.

در این اثر مؤلف به شیوه گزارشی، تاریخ زندگانی حضرت مهدی عج و مسئله رجعت را مورد بررسی قرار داده است. وی ابتدا با ارائه سیمایی کلی از حضرت مهدی عج

به ذکر ویژگی‌ها، خصلت‌ها، شمایل، حالات و علم آن حضرت در کودکی، روایات مربوط به امامت آن حضرت و علت مخفی بودن ولادت ایشان، منکران مهدی و علت انکار آنها، فضیلت انتظار فرج در زمان غیبت و برخی مسائل دیگر از هنگام ولادت تا غیبت صغرا می‌پردازد.

سپس به بررسی روایات مربوط به غیبت صغرا و کبرا تا زمان ظهور آن حضرت و مسائلی چون نیابت خاص، فلسفه و علل غیبت و طولانی شدن آن، اوضاع و وظایف شیعه در عصر غیبت و چگونگی دیدار با ایشان در غیبت کبرا همت می‌گمارد.

آن‌گاه نشانه‌ها، وقایع و اوضاع زمین و آسمان در هنگام ظهور، حوادث ایام حکومت و چگونگی عمر و رحلت آن حضرت را با استفاده از روایات بررسی کرده، به برخی پرسش‌ها در این زمینه پاسخ می‌دهد. در پایان، با اشاره به تخلف‌ناپذیر بودن رجعت، علت، چگونگی، دفعات و رخدادهای زمان آن را بررسی می‌کند.

..... ❦ ❦

۷. تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور



«تحلیل تاریخی نشانه‌های ظهور» رویگر دی جدید و نگاهی نوبه علائم و نشانه‌های ظهور دارد که توسط مصطفی صادقی - از پژوهشگران تاریخ - تدوین شده است. این کتاب کندوکاوی در باب نشانه‌های تاریخی ظهور حضرت مهدی علیه السلام است. از آنجایی که این موضوع به صورت زنده و آشکار، با باورهای عمومی مردم ارتباط دارد، توجه و بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد.

اما در مورد نگرش جدید و متفاوت این تألیف باید گفت: نشانه‌های ظهور که از قدیم موضوعی جذاب بوده تاکنون به گونه‌ای تحقیقی - آن هم با نگاهی تاریخی - بررسی و تحلیل نشده است و همه کسانی که در این موضوع قلم زده‌اند، از این نوع نگاه غفلت و به نقل و ترجمه احادیث اکتفا کرده‌اند. مراجعه به ده‌ها کتاب درباره نشانه‌های ظهور نشان می‌دهد که متأسفانه بیشتر نویسندگان جدید، روایات منابع گذشته را تکرار کرده و با آنها محققانه و تحلیلی برخورد نکرده‌اند. بیشتر این کتاب‌ها در صدد قانع کردن موقت مخاطب خود هستند؛ مخاطبی که در آن قسمت خاص از کتاب، فقط انتظار بیان نشانه‌ها را دارد. از این رو، جای بررسی همه اخبار درباره یک نشانه، ارتباط آن با نشانه‌های دیگر، بحث از صحت و سقم احادیث و تحلیل و نقد منابع آنها بسیار خالی است. کتاب یاد شده در صدد است تا با تکیه بر گزارش‌های تاریخی - بررسی کند که آن حوادث تاریخی - که تصور می‌شود نشانه‌های ظهور بوده و واقع شده‌اند - چه ارتباطی با ظهور دارند و آیا اینها حقیقتاً علامت ظهور حضرت مهدی علیه السلام هستند؛ در حالی که صدها سال از وقوع آنها گذشته است و یا پیش‌گویی پیامبر و ائمه علیهم السلام درباره آینده می‌باشند.

این کتاب با دقت نظر بحث‌هایی را دنبال کرده که حاصل آن در دو فصل سامان یافته است. در فصل نخست در ضمن هفت گفتار به کلیات بحث اشاره کرده است. بررسی منابع، راویان، واژه نشانه، تاریخچه، اندیشه مهدویت غیبت و انتظار در فرق

اسلامی، مروری بر نشانه‌های ظهور و آمیختگی «نشانه‌های ظهور» و «اشراط الساعة»، گفتارهای هفت‌گانه فصل نخست این کتاب هستند.

وی در فصل دوم با عنوان نشانه‌های تاریخی ظهور، به بررسی آیات سود (پرچم‌های سیاه)، قتل نفس زکیه، سفیانی، طلوع خورشید از مغرب،^۱ قیام خراسانی و ظهور حسنی، در شش گفتار پرداخته است.

.....

۸. چشم به راه مهدی علیه السلام

این کتاب با نظر به آیات و روایات، به بررسی تحلیلی مباحث مهدویت می‌پردازد و شامل ده سرفصل است. نخستین فصل اولین آن به رسالت حوزه‌های علوم دینی نسبت به مهدویت اشاره کرده و این رسالت را در سه حیطة اتمام و اقتدا، وراثت و نیابت تعریف می‌کند.

قسمت دوم به ارتباط با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت نظر دارد و به نقل دو دیدگاه متناقض مبنی بر عدم امکان ارتباط و دیگری امکان ارتباط و ادله هر یک اشاره می‌کند.

سومین قسمت کتاب به بحث «حکومت اسلامی در عصر انتظار» اختصاص دارد و به مؤلفه‌های آن یعنی «فراگیری ظلم از نشانه‌های ظهور»، «ممنوعیت قیام در عصر غیبت» و «تشکیل حکومت در عصر غیبت، دخالت در قلمرو امام معصوم را مطرح کرده و به نقد و بررسی هر کدام از آنها می‌پردازد.

قسمت چهارم کتاب (مهدویت و مدینه فاضله) به ذکر دو دیدگاه نسبت به مدینه فاضله اشاره می‌کند و به مقایسه آن می‌پردازد؛ یعنی، در ابتدا آرمان‌شهر را از منظر افلاطون، فارابی، سوسیالیسم مطرح کرده و به جمع‌بندی آنها می‌پردازد. سپس مدینه فاضله مهدوی و اسلامی را مطرح می‌کند.

۱. ذکر این نشانه در شمار نشانه‌های ظهور با توجه به نشانه بودن آن برای برپایی قیامت نیازمند دقت بیشتری است.



چشم به راه است

پنجمین بحث کتاب به دین داری و زندگی دینی پیش از ظهور اشاره دارد و به شاخصه‌های دین داری پیش از ظهور نظر دارد.

بحث ششم کتاب به بررسی نشانه‌های ظهور، پرداخته و به انواع نشانه‌ها اشاره دارد.

هفتمین قسمت کتاب به تولد و زندگی امام زمان علیه السلام نظر دارد.

موافقان و مخالفان حضرت مهدی علیه السلام موضوعی است که در قسمت هشتم کتاب به آن پرداخته شده است.

سرفصل نهم کتاب بررسی فلسفه غیبت در منابع کلامی شیعه است که ابتدا این مسئله را به صورت نقلی بررسی کرده و سپس به بررسی عقلی آن پرداخته و فلسفه غیبت را از نگاه افرادی مثل شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی و پس مطرح کرده است.

در آخرین مبحث کتاب هم امام مهدی علیه السلام را در آثار و منابع شخصیت‌های اسلامی

- شیعه و سنی - مطرح می‌کنند، آثاری مثل: *کمال الدین و تمام النعمه* شیخ صدوق، *الغیبه نعمانی*، *ینابیع الموده* قندوزی.

.....

۹. مهدی منتظر علیه السلام

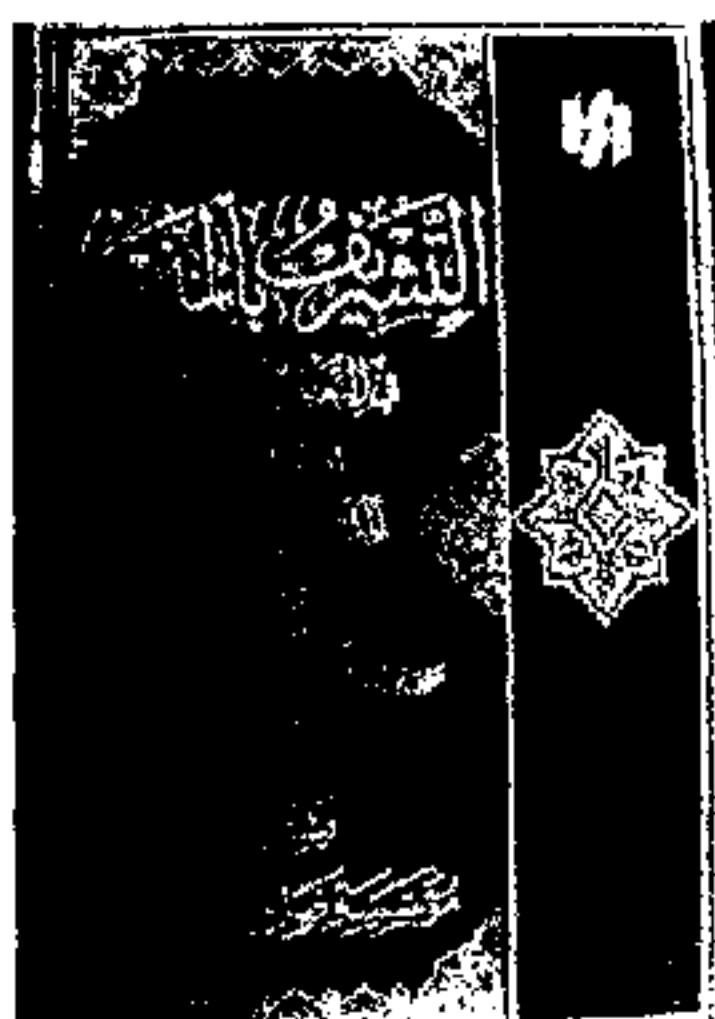


این اثر، پژوهشی تفصیلی درباره امامت و ظهور امام مهدی علیه السلام است که به شیوه روایی - تحلیلی و با محتوای کلامی - حدیثی، به قلم محمد جواد خراسانی، تألیف شده است. این کتاب دارای عناوین اصلی و فرعی گسترده و متنوع است که مهم‌ترین موضوعات آن عبارتند از: علایم شخصی نشانه‌های امامت، علایم تشریفی (مانند همراه داشتن آثار و موارد انبیا)، نواب اربعه، خصوصیات غیبت، غیبت

صغرا و کبرا، وقایع دوران غیبت، پاسخ به شبهات غیبت، فرج کلی و جزئی، بروز فتنه‌های اجتماعی، دینی، تربیتی، اخلاقی و سیاسی، فتنه‌های مختص به عالم تشیع، شرح تفصیلی علایم ظهور، تکالیف منتظران، کیفیت ظهور و پیروزی و سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام.

.....

۱۰. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)



این کتاب نوشته رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس (م ۶۶۴ ق) مشهور به سید بن طاووس، است که توسط مؤسسه صاحب الامر تحقیق و منتشر شده است.

اگر چه مؤلف در مباحث گوناگون دارای آثار فروانی است؛ اما با توجه به شخصیت عرفانی، بیشترین آثار وی در حوزه مباحث اخلاقی و تربیتی شکل گرفته است. در میان آثار وی بعضی از آنها تلخیص یا گردآوری آثار گذشتگان است که از جمله آنها می توان به اثر مورد نظر در این نوشتار اشاره کرد.

همان گونه که از نام کتاب به دست می آید، محتوای آن نقل روایاتی است که به فتنه های پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره می کند. این کتاب در واقع گزینش و تلخیص سه اثر اهل سنت است:

۱. الفتن، نعیم بن حماد المروزی الخزاعی (م ۲۲۸ ق)

۲. الفتن، ابوصالح السلیلی احمد بن عیسی بن الشیخ الحسانی (الحسابی) (از علمای قرن ۴)

۳. الفتن، ابویحیی زکریا بن یحیی بن العارث البزاز النیسابوری (م ۲۹۸ ق)

البته افزون بر روایاتی که از کتاب های یاد شده نقل کرده، از برخی کتاب های دیگر نیز به نقل روایت پرداخته که برخی از آن آثار ناشناخته و یا نویسندگان آنها نامعلوم اند. بررسی منابع سه گانه بالا - بویژه کتاب الفتن نعیم بن حماد با ۳۰۸ روایت در این اثر - می تواند در میزان اعتبار این کتاب نقش مهمی داشته باشد.

گویا مؤلف به ضعف برخی روایاتی که نقل کرده، آگاه بوده است، از این رو در چند جا یادآور می شود که: چنانچه روایتی خلاف واقع نقل شده، گناهِش به گردن کسی است که آن را جعل کرده است.

وی در ابتدای نقلش از *الفتن* سلیلی نیز به نوعی خود را از گرفتاری دور کرده و همه تفصیرات روایات را متوجه مؤلف آن نموده است. در پایان آنچه از *الفتن* زکریا بن یحیی نقل کرده نیز مضمون یادشده را یادآور شده است

پس سید به این باور رسیده که روایات نقل شده از آثار مزبور، دارای اشکالات فراوانی است و با این سخنان تلاش کرده خود را از پیامدهای آن دور کند.

وی هرچند با نقل این سخنان به نوعی خود را از اشکال ضعف راویان و روایات دور ساخته؛ اما به نظر می‌رسد نقل ایشان، موجب اعتماد برخی از افرادی است که چندان حوصله پژوهش و بررسی را ندارند. از این رو هرگز دنبال این نیستند که سید بن طاووس روایات را از کدام منبع نقل کرده است!

البته امروزه کم نیست آثار و کتاب‌هایی که به صرف وجود یک روایت در منبع شیعی، آن را روایتی صحیح تلقی می‌کنند و آثاری بر آن مترتب می‌کنند! بنابراین هر پژوهشگری را بر آن می‌دارد تا در محتوای این اثر و مانند آن دقت و تأمل افزون‌تری روا دارد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ق.
۲. امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، گردآورنده: سید رضی، انتشارات دار الهجرة، قم، بی تا.
۳. ابن شهر آشوب، المناقب، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ق.
۴. ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الائمة علیهم السلام، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۷. الهامی، داود، آخرین امید، دوم، قم، مکتب اسلام، ۳۷۷ش.
۸. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، نوزدهم، قم، شفق، ۱۳۷۹ش.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ق.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، محاسن، دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ق.
۱۱. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان علیهم السلام، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۲ش.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، دار احیاء التراث العربی [بی تا].
۱۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶ش.
۱۴. جعفر مرتضی، جزیره خضراء در ترازوی نقد، قم، دفتر تبلیغات ۱۳۷۷ش.
۱۵. جمعی از نویسندگان، چشم به راه مهدی علیه السلام، چ سوم، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۱۶. جوینی، علی بن محمد، فرائد السمطین، بیروت، مؤسسه محمودی، ۱۴۰۰ق.
۱۷. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۸. حکیمی، محمد، در فجر ساحل، بیست و یکم، تهران، آفاق، ۱۳۷۸ش.

۱۹. حمیری قمی، عبد الله بن جعفر، *قرب الاسناد*، انتشارات کتابخانه نینوا، تهران، بی تا.
۲۰. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
۲۱. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، *الارشاد القلوب*، [بی جا] شریف رضی ۱۴۱۲ ش.
۲۲. ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان (م ۷۴۸ ق)، *میزان الاعتدال*، تحقیق: علی احمد البجاوی، بیروت، دار المعرفه لطباعه و النشر.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دوم، [بی جا] دفتر نشر کتاب [بی تا].
۲۴. راوندی، قطب الدین، *الخرائج والجرائح*، سه جلد، چاپ اول، قم، موسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
۲۵. رضوانی، علی اصغر، *موجود شناسی*، چاپ اول، قم، انتشارات مسجد جمکران، ۱۳۸۴ ش.
۲۶. سجستانی، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ ق.
۲۷. سعادت پرور، علی، *ظهور نور*، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، احیاء کتاب، تهران: ۱۳۸۰ ش.
۲۸. سید بن طاووس، *التشریف بالمنن فی التعریف بانصتن*، کتبهار اصفهان، اصفهان، ۱۴۱۶ ق.
۲۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *العرف الوردی فی اخبار المهدی*، تهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۷ ق.
۳۰. شوشتری، محمد تقی و دیگران، *جزیره خضرا افسانه یا واقعیت؟ ترجمه و تحقیق ابوالفضل طریقه دار*، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۳۱. شیانی، احمد بن حنبل، *مسند احمد*، مصر، موسسه قرطبه [بی تا].
۳۲. صادقی، مصطفی، *تحلیل تاریخی نشانه های ظهور*، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۳۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الاثر*، قم، موسسه السیدة المعصومة علیها السلام، ۱۴۱۹ ق.
۳۴. صدر، سید رضا، *راه مهدی علیه السلام انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه*، قم: ۱۳۷۸ ش.
۳۵. صدر، سید محمد باقر، *رهبری بر فراز قرون*، موسسه موعود، تهران: ۱۳۷۹ ش.
۳۶. صدر، سید محمد، *تاریخ غیبت کبرا*، ترجمه: سید حسن افتخارزاده، دوم، تهران، نیک معارف، ۱۳۸۲ ش.
۳۷. صدر، سید محمد، *تاریخ الغیبة الکبری*، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۲ ق.
۳۸. صدر، سید محمد، *تاریخ ما بعد الظهور*، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، بی تا.
۳۹. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمة*، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۴۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *کمال الدین و تمام النعمة*، دو جلد، چاپ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۴۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *خصال*، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.

۴۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۴۳. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، محقق: حبیب الرحمن الاعظمی، بی‌جا، منشورات المجلس العالمی، بی‌تا.
۴۴. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیست جلد، چ یازدهم، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۳۶۱ش.
۴۵. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، چ سوم، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۴۶. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نشر مرتضی، مشهد مقدس: ۱۴۰۳ق.
۴۷. طبرسی، میرزا حسین، نجم الثاقب، دوم، قم، مسجد جمکران، ۱۳۷۷ش.
۴۸. طبری، آملی، محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، چ دوم، کتابخانه حیدریه، نجف: ۱۳۸۳ هـ.ق.
۴۹. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامة، قم، دارالذخائر للمطبوعات، بی‌تا.
۵۰. طبسی، نجم الدین، چشم‌اندازی به حکومت مهدی علیه السلام چاپ سوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۵۱. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، سه جلد، چاپ اول، قم، مرکز الطباعة والنشر فی مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ق.
۵۲. طوسی، محمد بن الحسن، الفهرست، نجف اشرف، مکتبه مرتضویه، بی‌تا.
۵۳. طوسی، محمد بن الحسن، کتاب الغیبه، چاپ اول، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۵۴. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۵۵. عاملی، سید جعفر مرتضی، جزیره خضرا در ترازوی نقد (پژوهشی در علامات ظهور، بیان الائمه، خطبة البیان، جزیره خضرا، ترجمه: محمد سپهری، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.
۵۶. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۵۷. عسکری، ابو هلال (م ۳۹۵)، الفروق اللغویه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرقه، ۱۴۱۲ق.
۵۸. عکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، اختصاص، مصحح علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۹. عکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۶۰. عمیدی، سید ثامر هاشم، در انتظار قفوس، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۵ش.
۶۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت، منشورات اعلمی، ۱۴۱۷ق.

۶۲. غضائری، احمد بن حسین، رجال ابن الغضائری، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۴۶ق.
۶۳. فتال نیشابوری، محمد بن حسن بن علی، روضة الواعظین، قم، انتشارات رضی، بی تا.
۶۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، بی جا، مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
۶۵. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی علیه السلام از ولادت تا ظهور، ترجمه حسین فریدونی، نشر آفاق، تهران: ۱۳۷۹ ش.
۶۶. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد عبد الباقي، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۶۷. قشیری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۶۸. قمی، ابن قولویه، کامل الزیارات، نجف، مرتضویه، ۱۳۵۶ق.
۶۹. قمی، شاذان بن جبرئیل، الفتن، ج دوم، انتشارات رضی، قم: ۱۳۶۳ ش.
۷۰. قمی، شیخ عباس، منتهی الآمال، انتشارات پیام آرادی، تهران: ۱۳۷۹ ش.
۷۱. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر قمی، قم، مؤسسه دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۷۲. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، دانشگاه مشهد، مشهد: ۱۳۴۸ ش.
۷۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، هشت جلد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۷۴. کنجی الشافعی، ابو عبدالله محمد، البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام، تحقیق مهدی حمد الفتلاوی، بیروت، دارالمحجبه البيضاء، ۱۴۲۱ق.
۷۵. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۸ هـ ش.
۷۶. کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۷۷. کوفی، ابن ابی شیبه، المصنف، محقق: سعید اللحام، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۰۹ق.
۷۸. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، [بی تا]، مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۰ق.
۷۹. گروهی از نویسندگان، فصلنامه انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویت.
۸۰. متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال، شانزده جلد، مؤسسة الرسالة، بیروت: ۱۴۰۹ق.
۸۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۸۲. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۹ش.
۸۳. مروزی، نعیم بن حماد (م ۲۲۹)، الفتن، تحقیق: ابو عبد الله / ایمن محمد محمد عرفه، المکتبه التوفیقیه، بی تا.
۸۴. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیه، قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۷ق.

۸۵. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، بیروت، موسسه فقه شیعه، ۱۴۱۰ ق.
۸۶. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
۸۷. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، قم، صدرا، ۱۳۷۹ ش.
۸۸. معماری، داود، مبانی و روش‌های نقد متن حدیث، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۸۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ اول، تهران، نشر سرایش، ۱۳۸۰ ش.
۹۰. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: عبد الفتاح محمد الحلوی، قم، انتشارات نصایح، ۱۴۱۶ ق.
۹۱. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، ج چهارم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
۹۲. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، چاپ پنجم، دو جلد در یک جلد، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۷۹ ش.
۹۳. مهدی پور، علی اکبر، «برگزیده آثار در طول قرون و اعصار»، مشعل جاوید، محمدعلی مهدوی راد، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰ ش.
۹۴. نجاشی، احمد بن علی بن احمد بن عباس (م ۴۵۰ ق)، رجال النجاشی، دو جلد، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۹۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم، النبیة، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ ق.
۹۶. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، طهران، ۱۴۱۲ ق.
۹۷. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، هیجده جلد، موسسه آل البیت علیهم السلام، قم: ۱۴۰۸ ق.
۹۸. نیشابوری، محمد بن حسن فتال، روضة الواعظین، قم، رضی، [بی تا].
۹۹. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم، منتخب الانوار المزیة، قم، چاپخانه خیام، ۱۴۰۱ ق.
۱۰۰. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام، چاپ دوم، قم، انتشارات پرهیزکار، ۱۳۸۰ ش.
۱۰۱. هیتمی، احمد بن محمد بن حجر المکی، القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، محقق: مصطفی عاشور، قاهره، مکتبه القرآن، بی تا.

الحمد لله رب العالمین